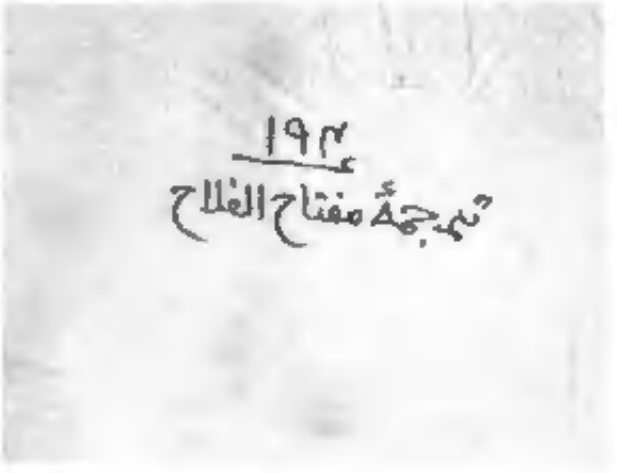
١٩٤
ترجمة مفتاح الفلاح

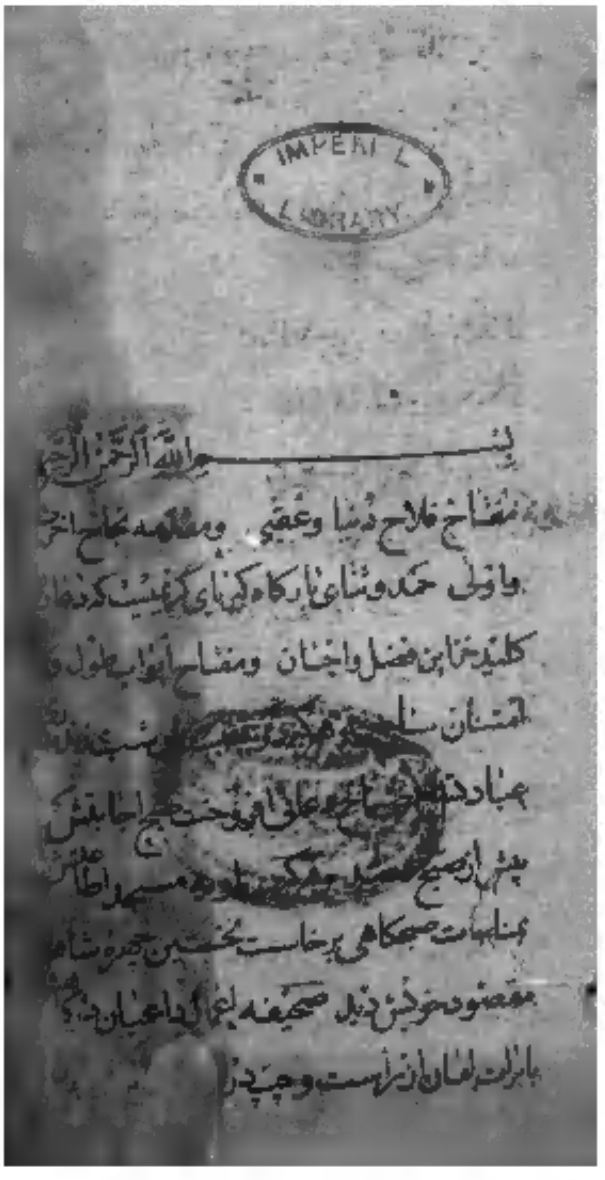
IMPERIAL
LIBRARY

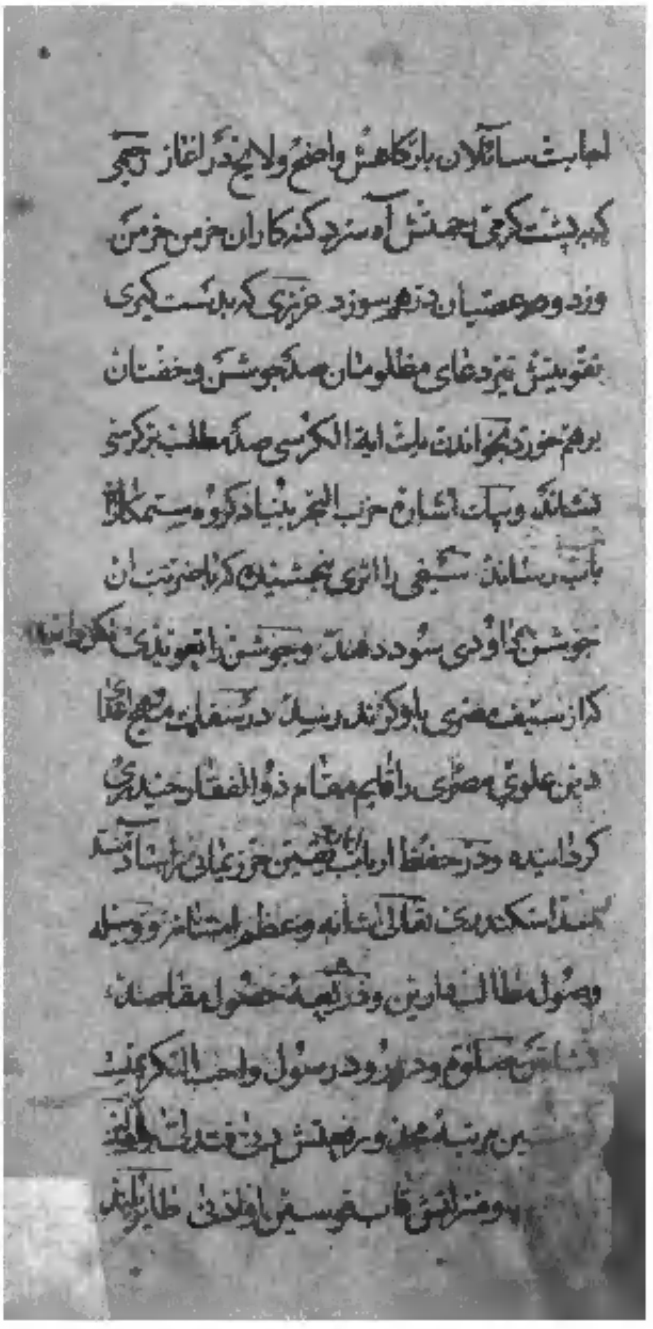

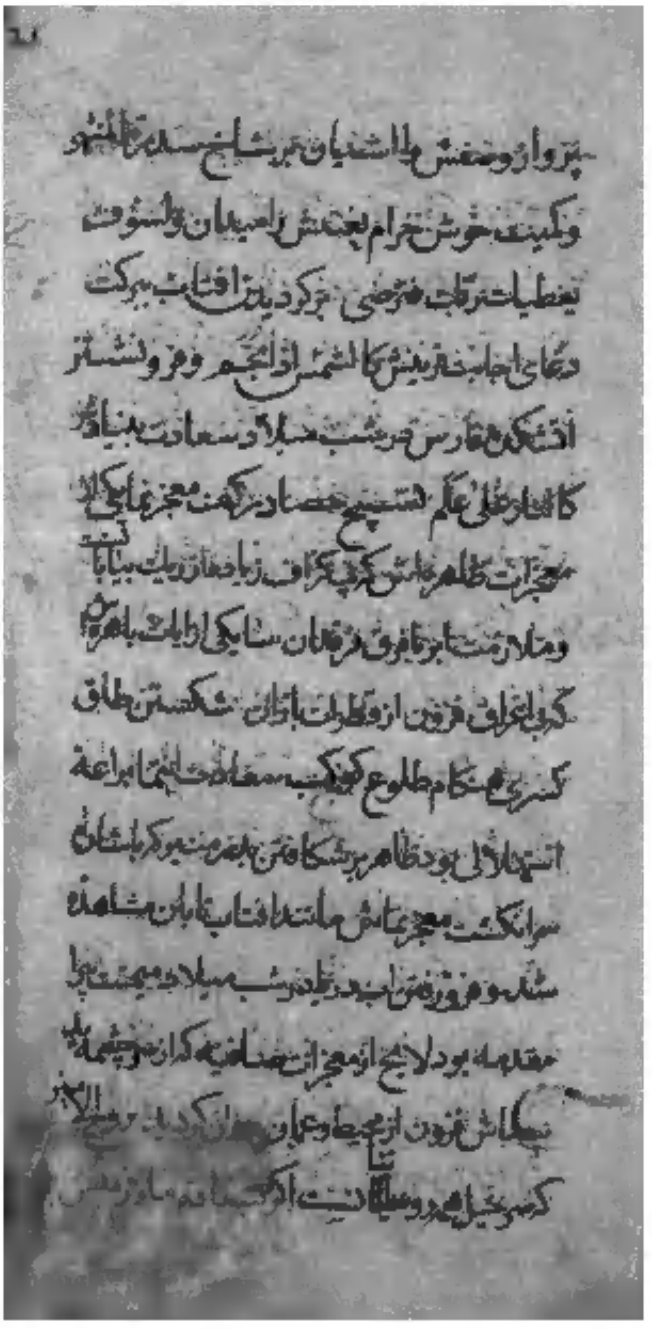

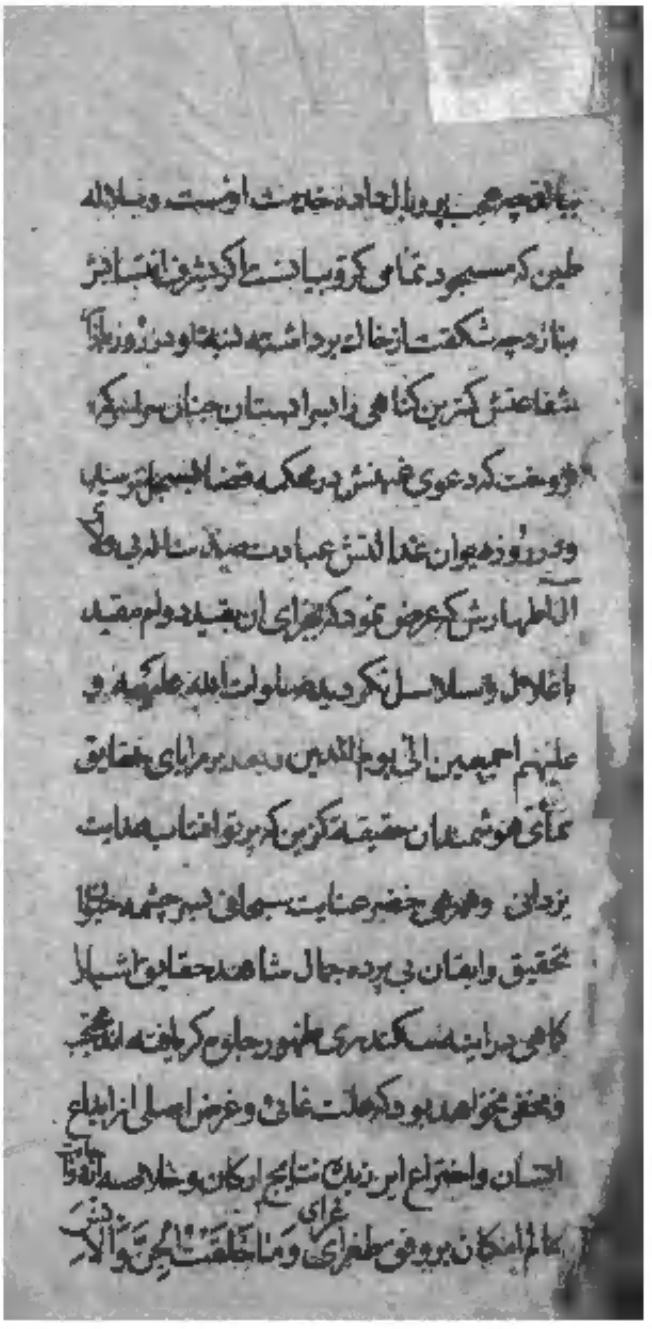

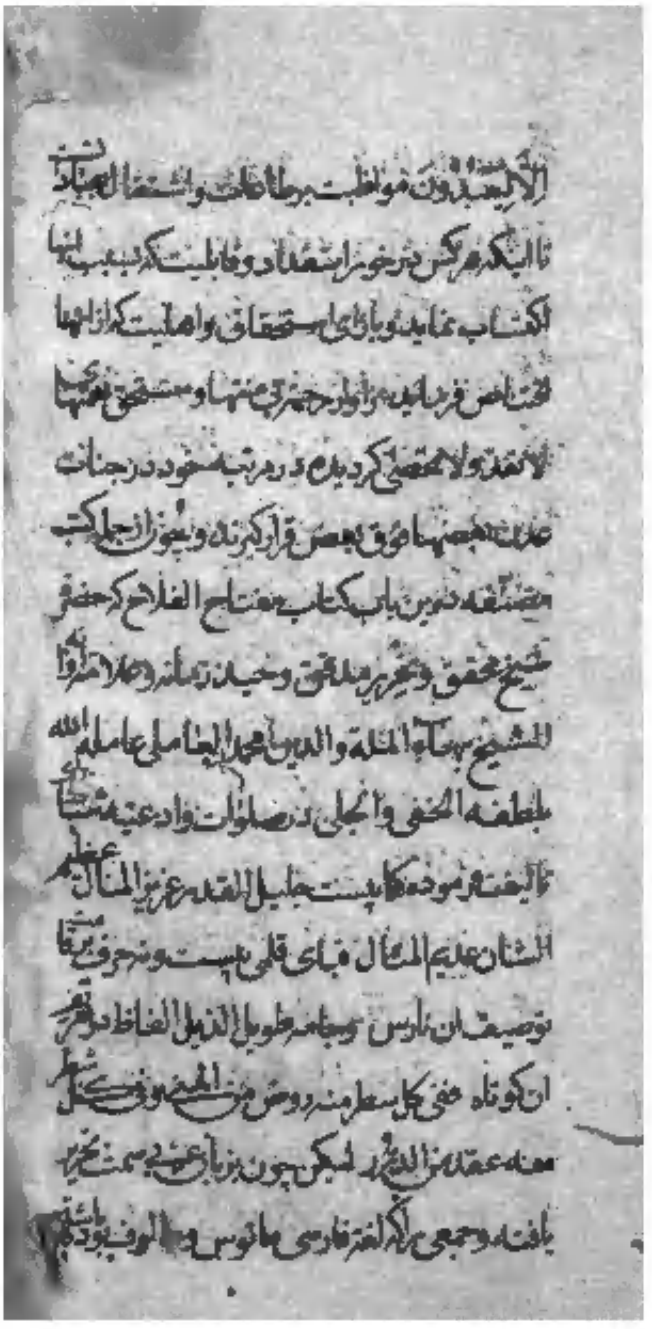

از این چندان تمتع و بهره نیست فاما این فایده مهم
بمفهوم بارت جمال الدین محمد بن حسین خوانساری
رسید که این بیان فارسی ترجمه نماید تا همگی طوائف
انام را خواص و عوام ایشان محظوظ و بهره مند گردد
چنان این اقدام نمود و آنچه کلام شیخ رحمه الله بود ترجمه
نموده و آنچه ان اکتفا نموده و ادعیه را نقل کرده ترجمه
آن را در تحت آن علی کرده اند و در هر جا که احتیاج
بتوضیحی بود خواه از فقرات دعا و خواه از ترجمه کلام
شیخ در حاشیه توضیح آن نموده و هم چنین آنچه از سایر
علمای دین کتاب مذکور شده نقل اقوال علما
در آنها و ترجیح هر طرف که باعث قوت فقره ترجیح
داشته در حاشیه علی شده و آنچه شیخ رحمه الله در
توضیح بعضی از فقرات ادعیه علی نموده مانند بعضی
عبارتها زیاده شده در حاشیه نوشته شده و سند
آن شرح قید شده و بعضی دیگر مضمون آن در ضمن بعضی
حواشی از شیخ نقل شده و سبحان دیگر بان الحاق

الیصاعقه را نیز هوای او بر سر افتاده که این بکتر بن بختو نظو
نظر ادستادکان پادشاه بر کردون نظیر سلطان زمان
وشهنشاه دوران یعنی صاحبقران کیتی ستان انجم
سپاه کردون بارگاه شهریار عادل بادل دریا دلیکه
در طی وادی مدحش شهباز بلند پرواز بحر صد بار
بال کنا شته و کمیت عنوس خرام قلم هر قدم چند بین
نعل انداخته بوجزد کر سیاح عوالم لفظ و معنیت
از برای در نوشتن این پایان بی پایان بر بهانه قلم عصا
فولاد برداشته و دیبر ناطقه کرستاخ بحار نظم و نثرست
بجهة هر شعب این بحر بیکران سفینها ساخته شه
عالمستان آسمان تخت جهانگیر جوانبخت هم اختر
هم زوی دین و دولت بهم تاران زعدلش ملک و ملت
هم زوی زمین زیر کیفش ظلم غیرون انکشور پشر
بقصر و دولتش چون طاق نیستند و بار طاق کسری
نکستند فلک حیران فرافسر اوست قیامت جو
جوش لشکر اوست چهره بر خاک درگاهش ک

جوانبخت

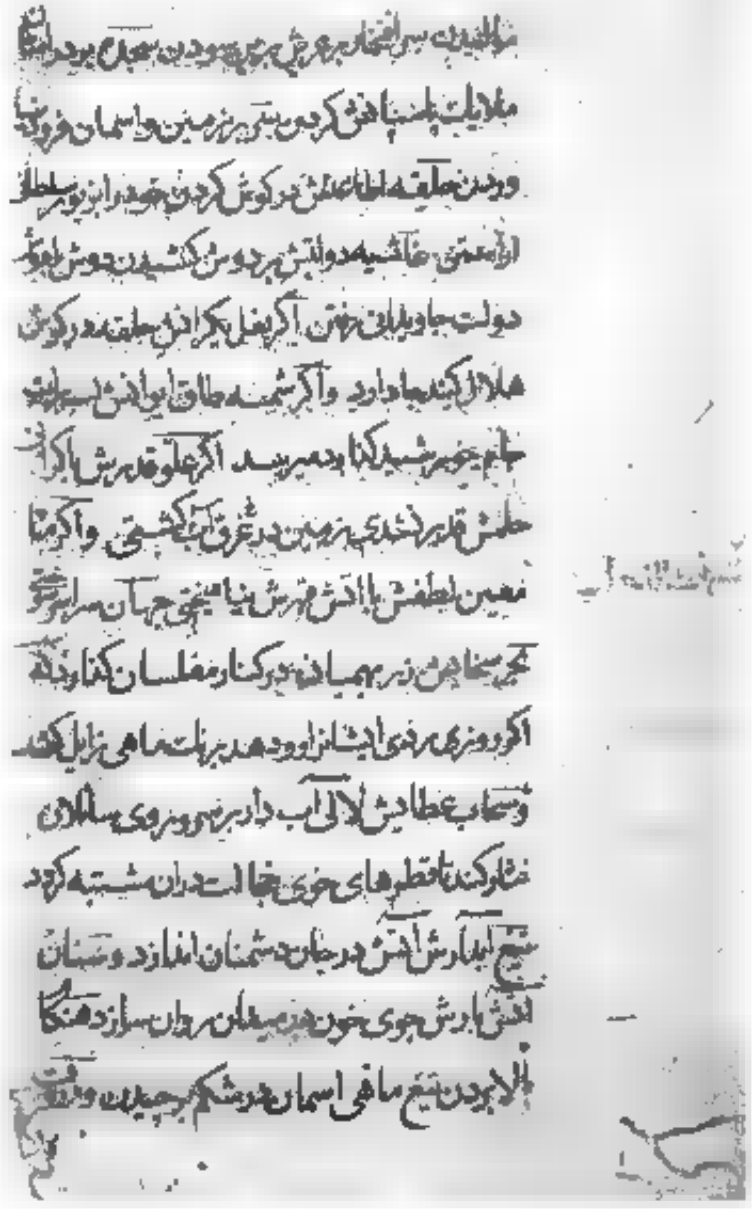

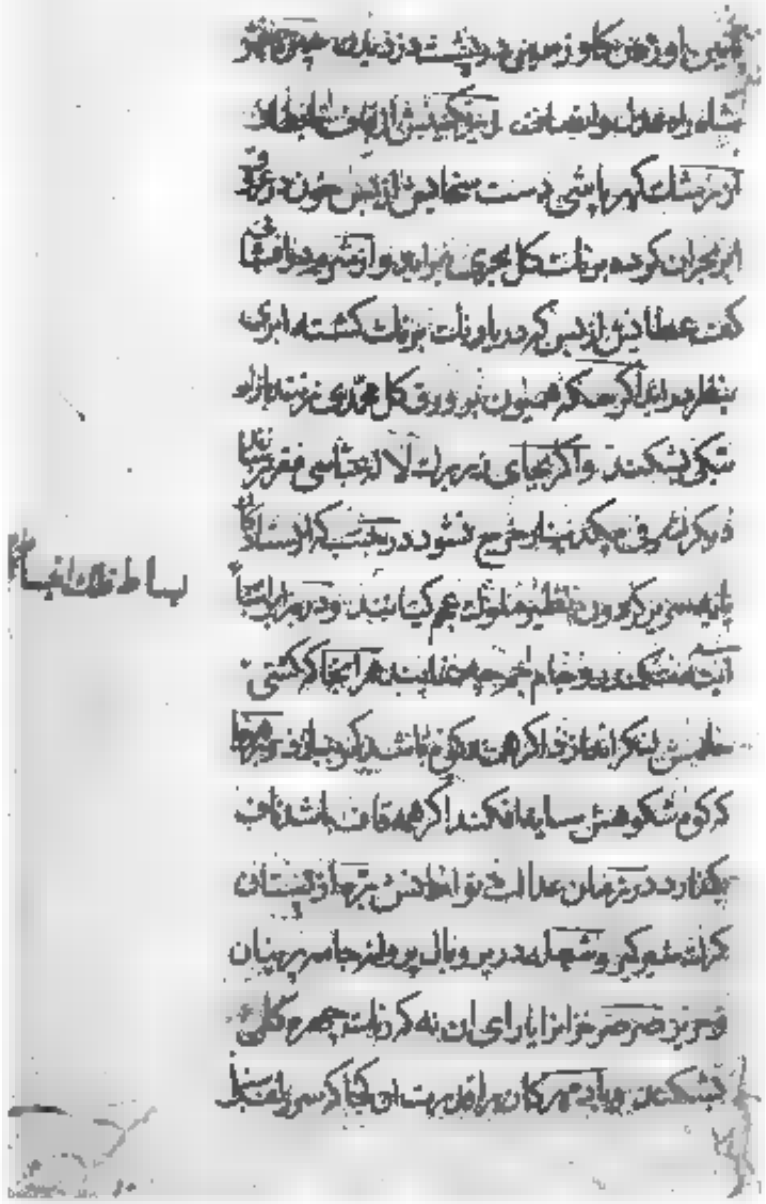

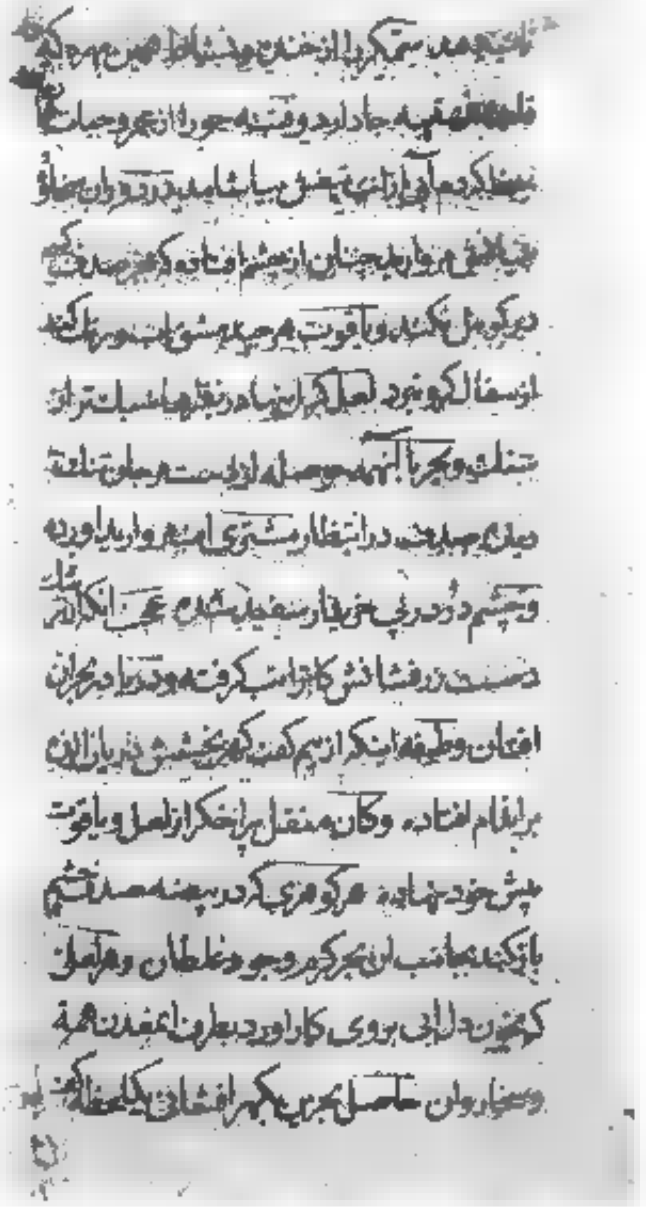

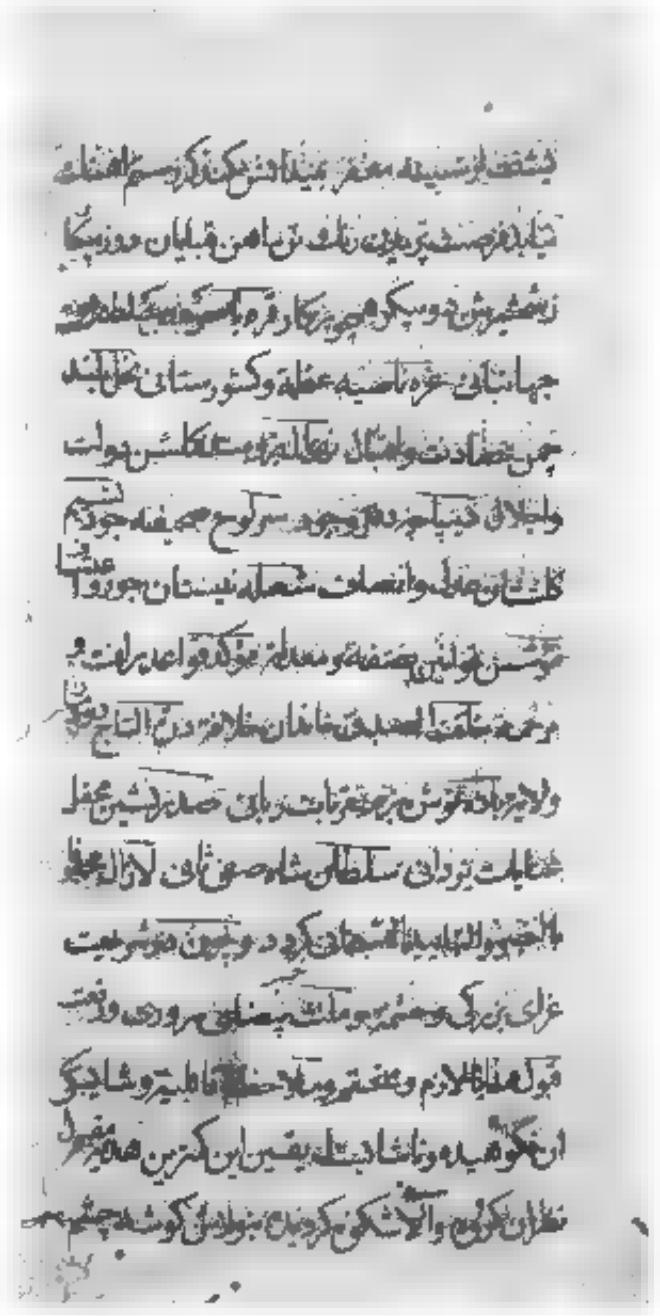

الخلق کله کوشه افتخار از اطلس چرخ طراز اعتبار
خواهد یافت و اکنون هنگام شروع است در ترجمه کتاب
و الله ولی التوفیق و هو حسبی و نعم الوکیل

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس و ستایش خداوندی را که دل دانا را بمعرفت خود روشن گردانید
و هدایت فرمود ما را بسوی آنچه بر ما واجب میگرداند از طلب
درجات و بلند گردانید بر اشرف از دیدگان و افضل اهل زمین
و اسمانها محمد و آل او را آن کهدوست ایشان قوت میدهد
نفوس را و نیروی کهای ایشان مستجاب میگردد دعاها را
پس البته بسزا که کمترین بندگان از روی عمل و بیشتر ایشان
از روی امید شاه محمد شهریار الدین عادل موفق تعالی
دعای او را برای عمل در روزه او جمعه فرزندان او بیش از انکه
بر زبان رود امروز دست بدست او میگردد که بتحقیق التماس
کردند از من جمعی از برادران دینی و دوستان یقین
تالیف مختصری که مشتمل باشد بر آنچه ناچار است هر اهل
دیانت را از آنچه باید در هر روز و شب بجا آورد

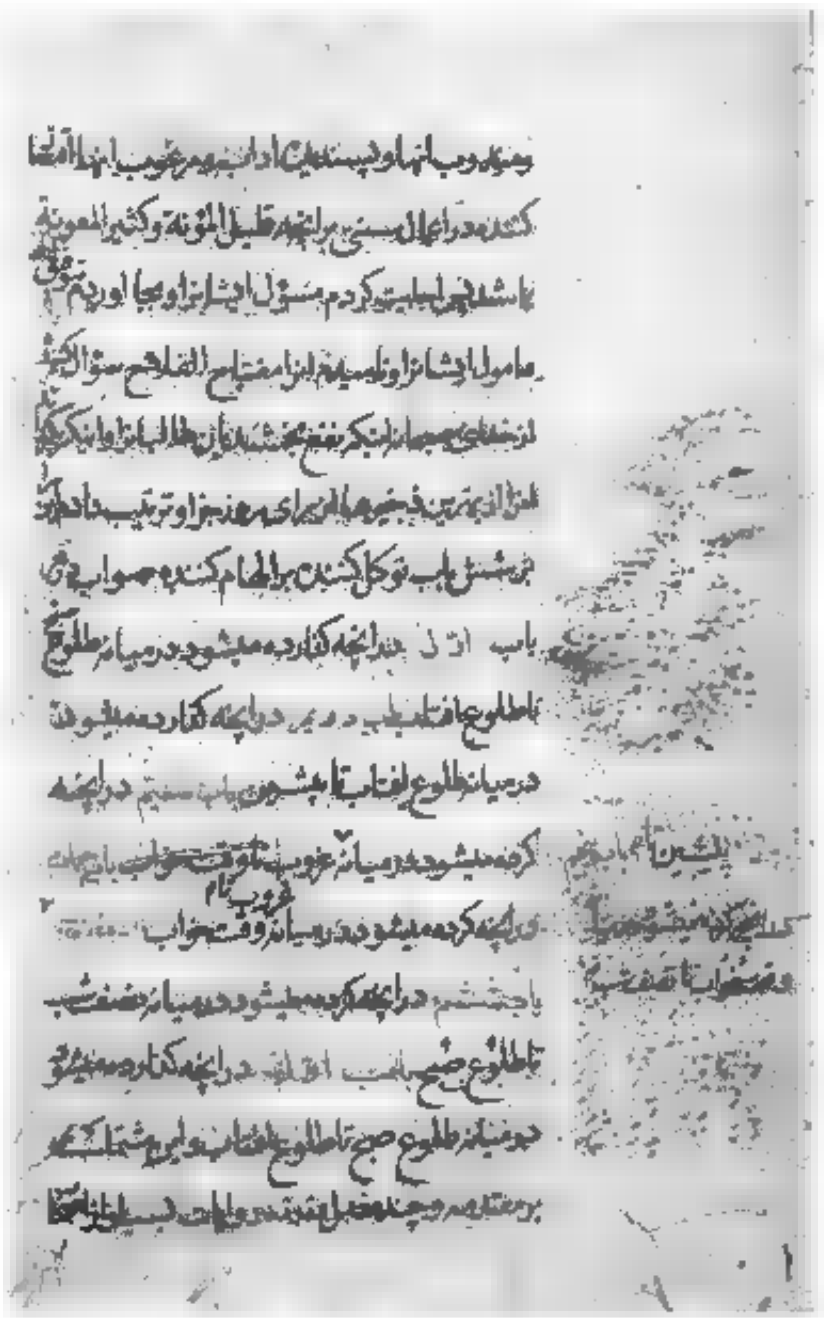

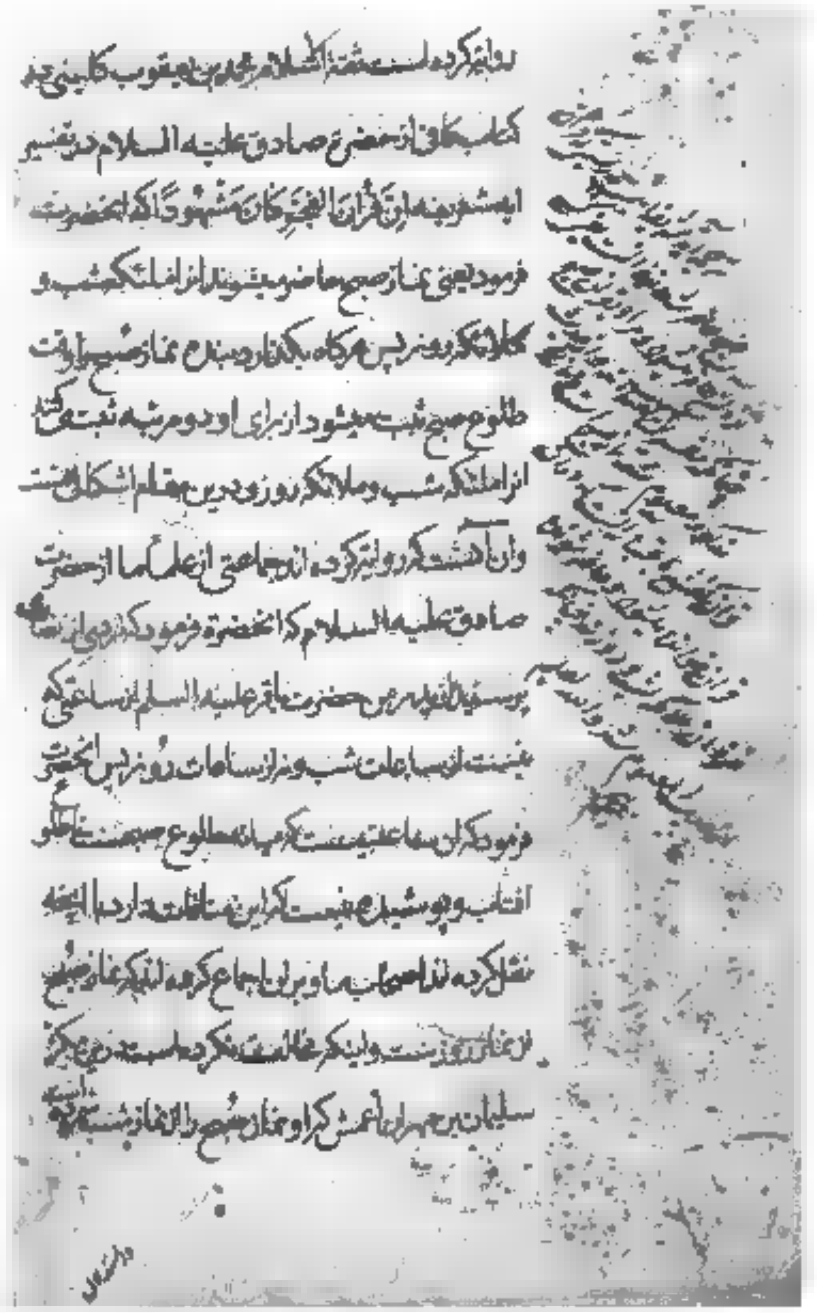

روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در
کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر
این سخن که قرآن الفجر کان مشهودا که آن حضرت
فرمود یعنی نماز صبح حاضر میشوند از برای او ملائکه شب و
ملائکه روز پس هرگاه یکی از شما نماز صبح را وقت
طلوع صبح ثبت میشود از برای او دو مرتبه ثبت یکی
از ملائکه شب و ملائکه روز و در این مقام اشکالی هست
و آن آنست که روایت کرده از جماعتی از علمای ما از حضرت
صادق علیه السلام که آن حضرت فرمود که در روایتی از
پدرم از حضرت باقر علیه السلام از ساعتی که
بهتر است از ساعات شب و روز پس آن حضرت
فرمود که آن ساعتیست که میانه طلوع صبح است تا طلوع
آفتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه
نقل کرده ایم از اصحاب ما و بر آن اجماع کرده اند که نماز صبح
از نمازهای روز است و این که ذکر کرده است در این مکرر
سلیمان بن مهران اعمش که او نماز صبح را از نمازهای شب

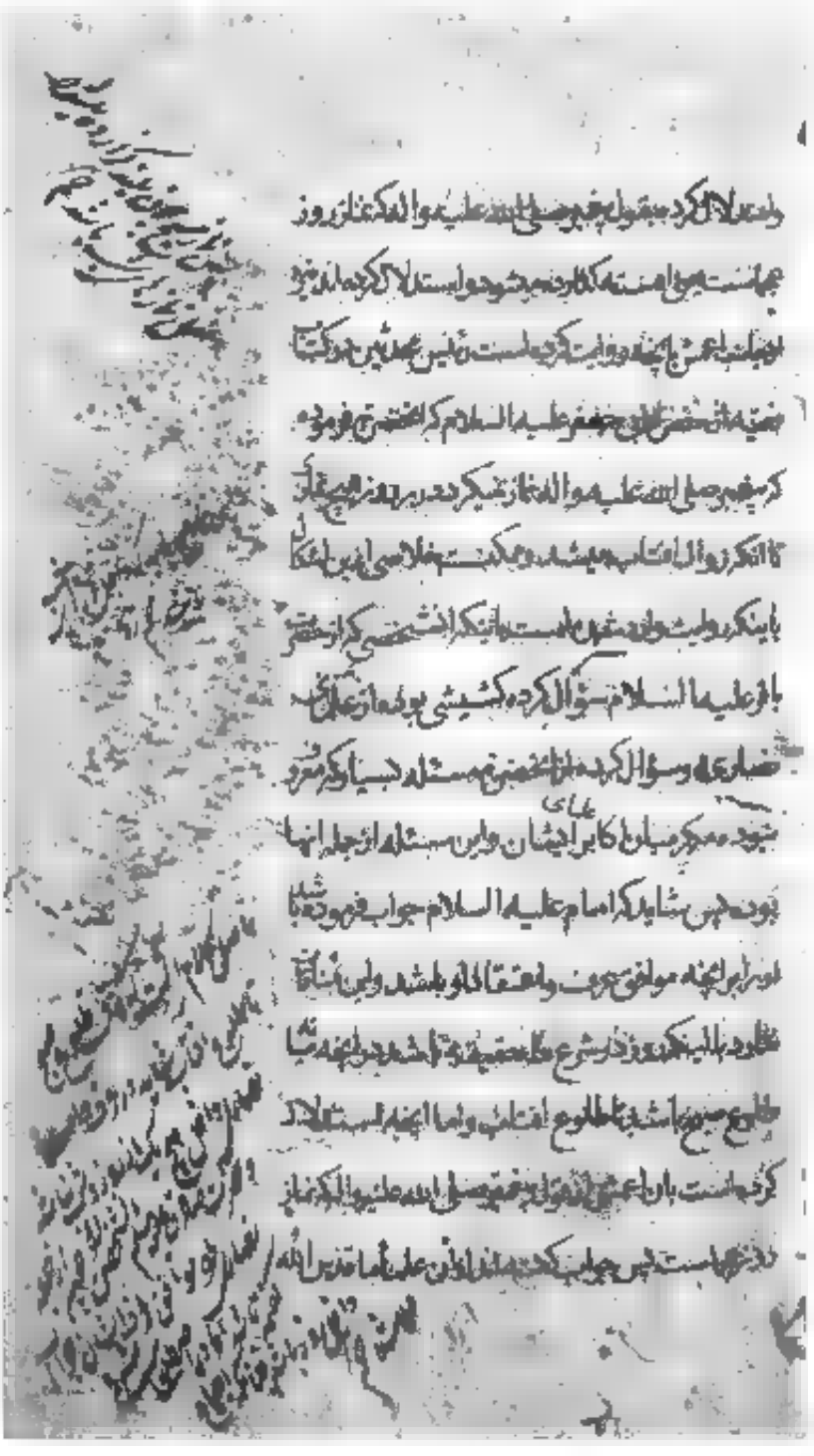

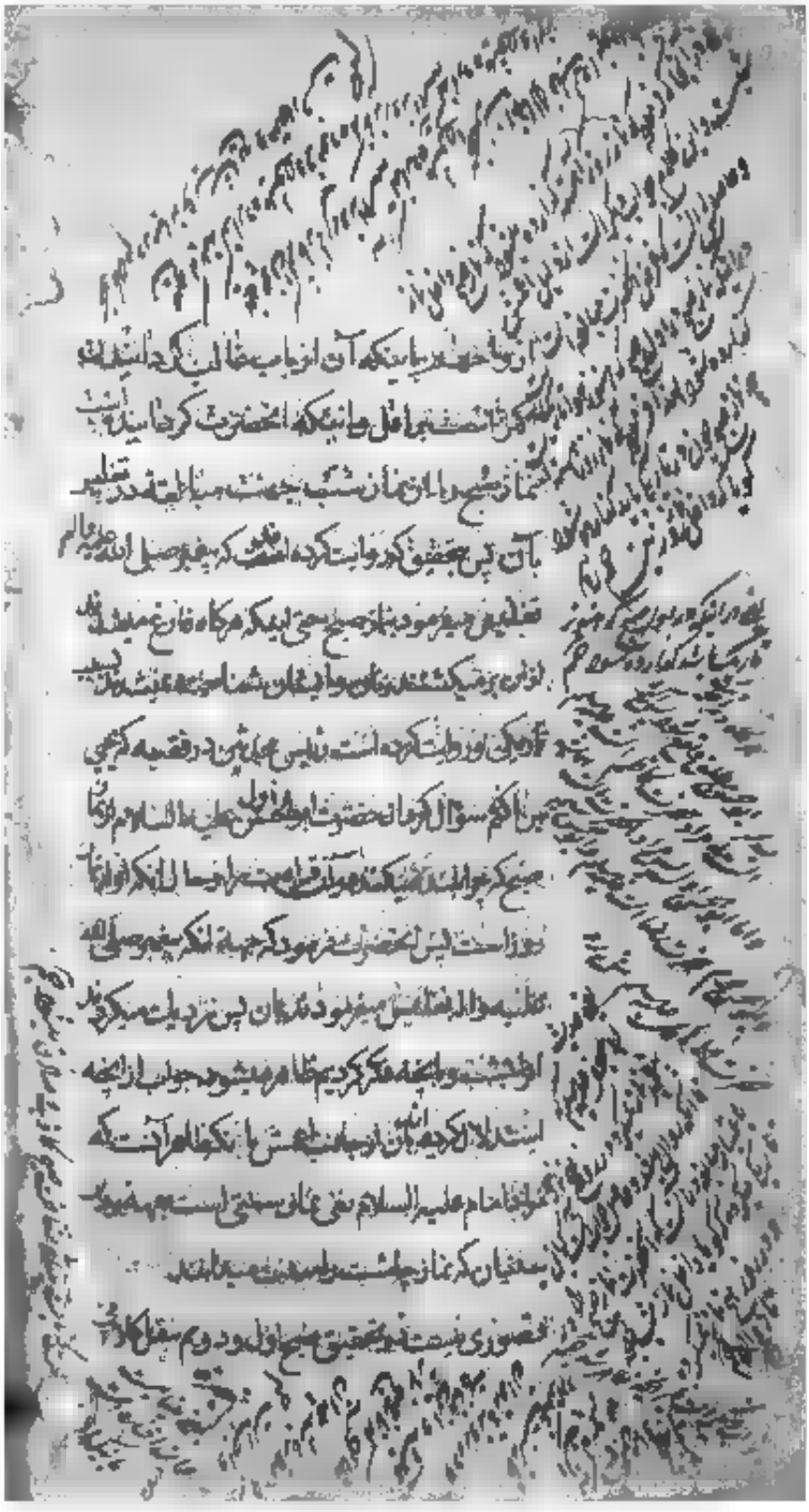

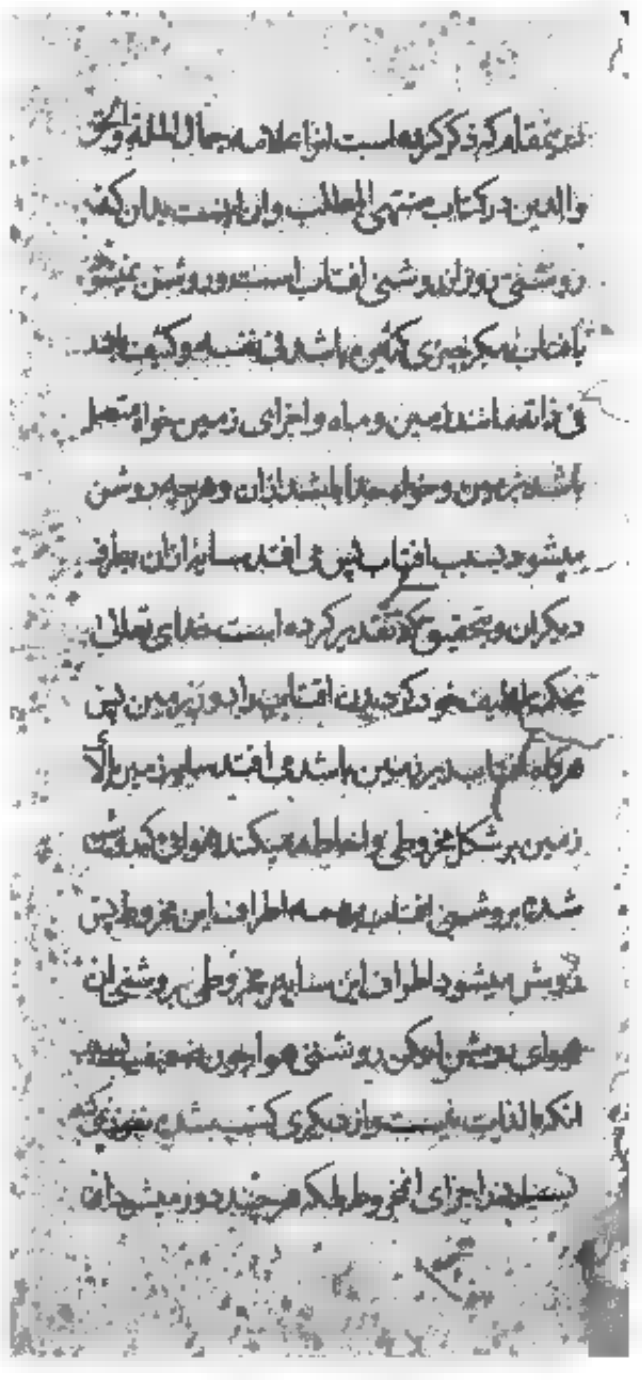

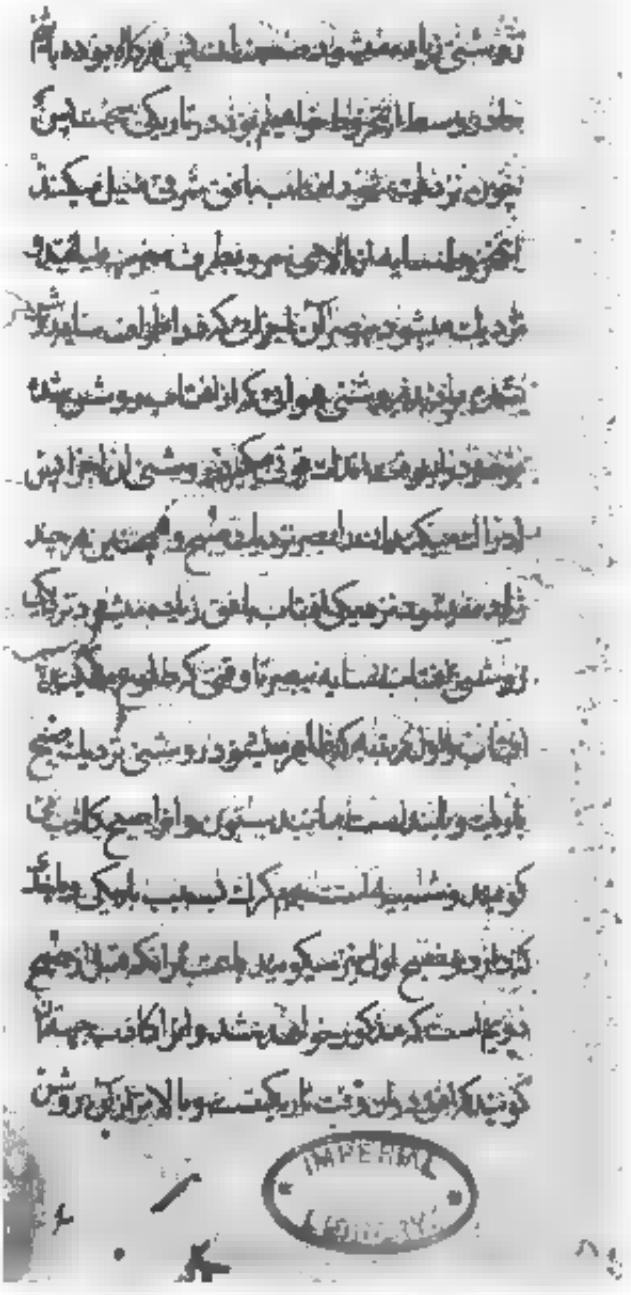

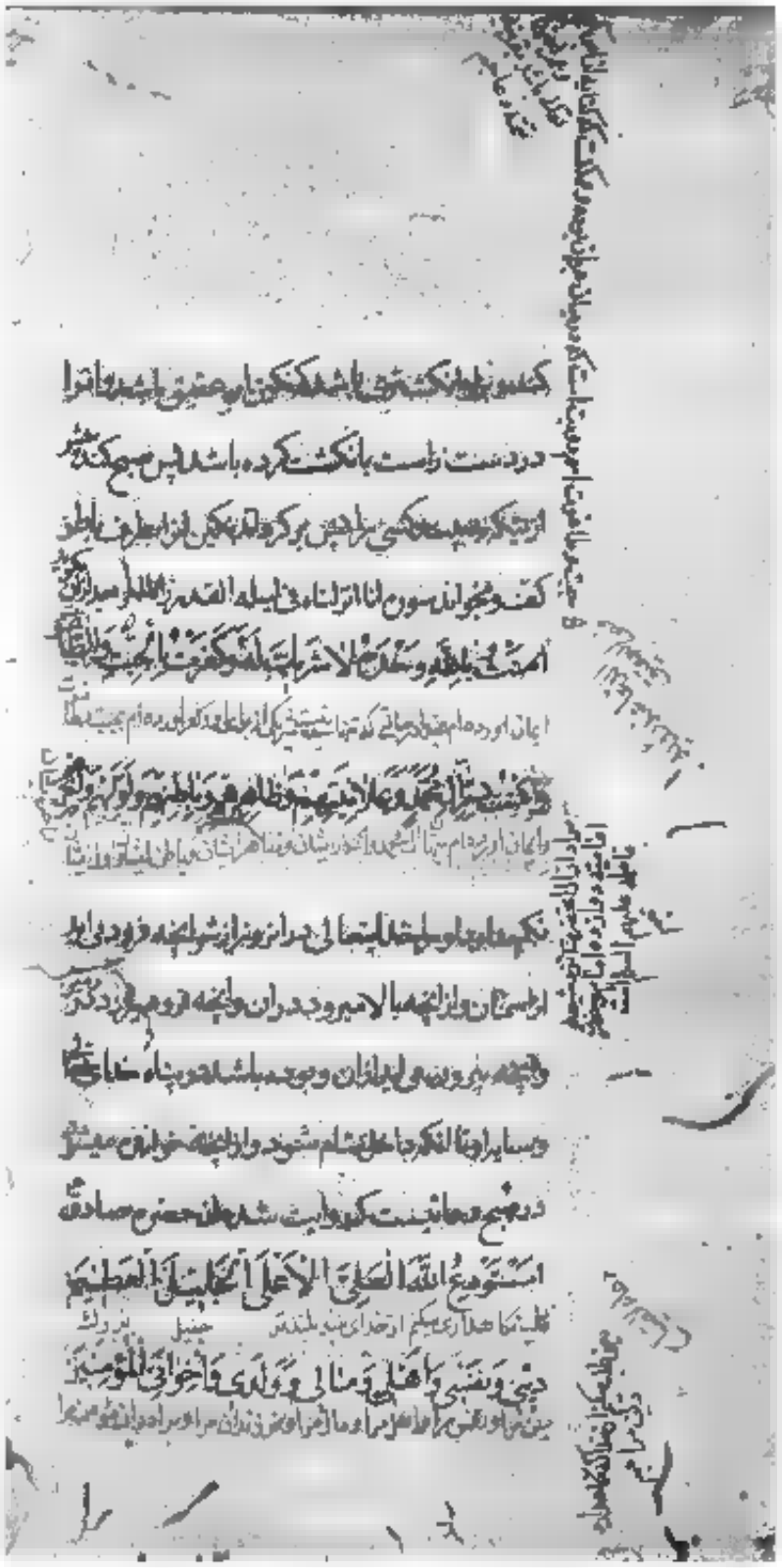

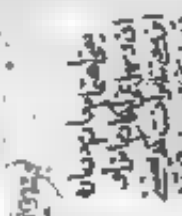

وجميع ما ذرء في ربّ وجميع من يعنيني أمرهم

وهمه آنچه را او ذرء خلق کرده است بر من و همه آنها که امر ایشان بمن راجع است

اللهمّ احرس المرهوب المضيع لعظيم كلّ

ای خدای من نگاه دار بیم شده ضایع کننده از برای بزرگی هر چیزی

ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي واخواني

دین مرا و نفس مرا و اهل مرا و مال مرا و فرزندان مرا و برادران مرا

المؤمنين وجميع ما ذرء في ربّ وجميع من يعنيني أمرهم

مؤمنین و همه آنچه را او ذرء خلق کرده است بر من و همه آنها که امر ایشان بمن راجع است

بخوان بسم الله وبالله فصل پس اگر نزد طلوع صبح

باوضو باشی پس بشتاب بسوی وضو تا الیکه دعوت

اذان صبح باظهار نیاشی و در اینجا ذکر میکنیم ما در اینجا

کیفیت وضو کامل را پس میگوییم هر گاه اراده وضو

داشته باشی ابتدا کن پیش از آن بسواک بعرض بنداً

غیر طول لنهاد مجزیست انگشت بعرض مسواک

روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت

صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود

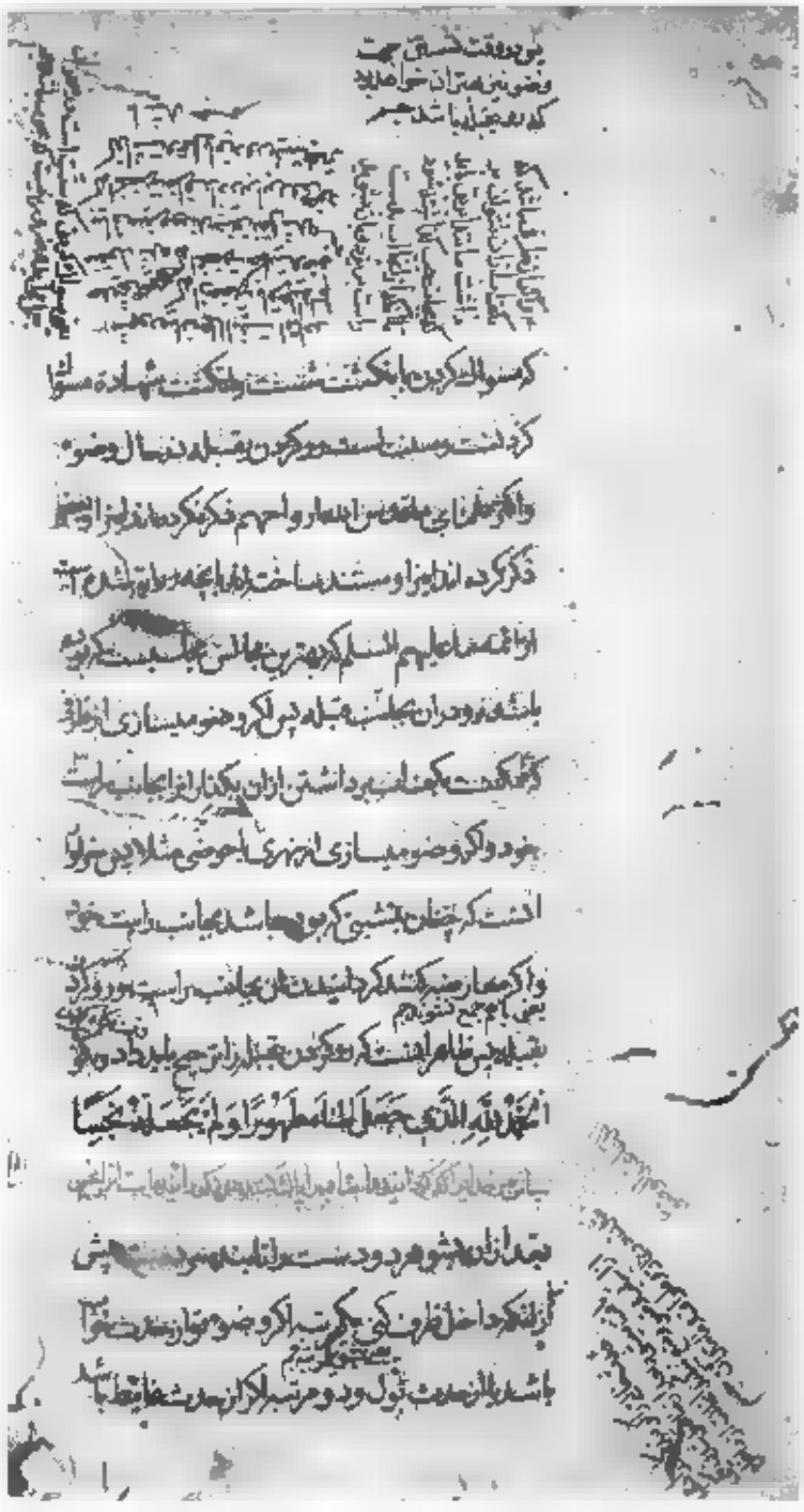

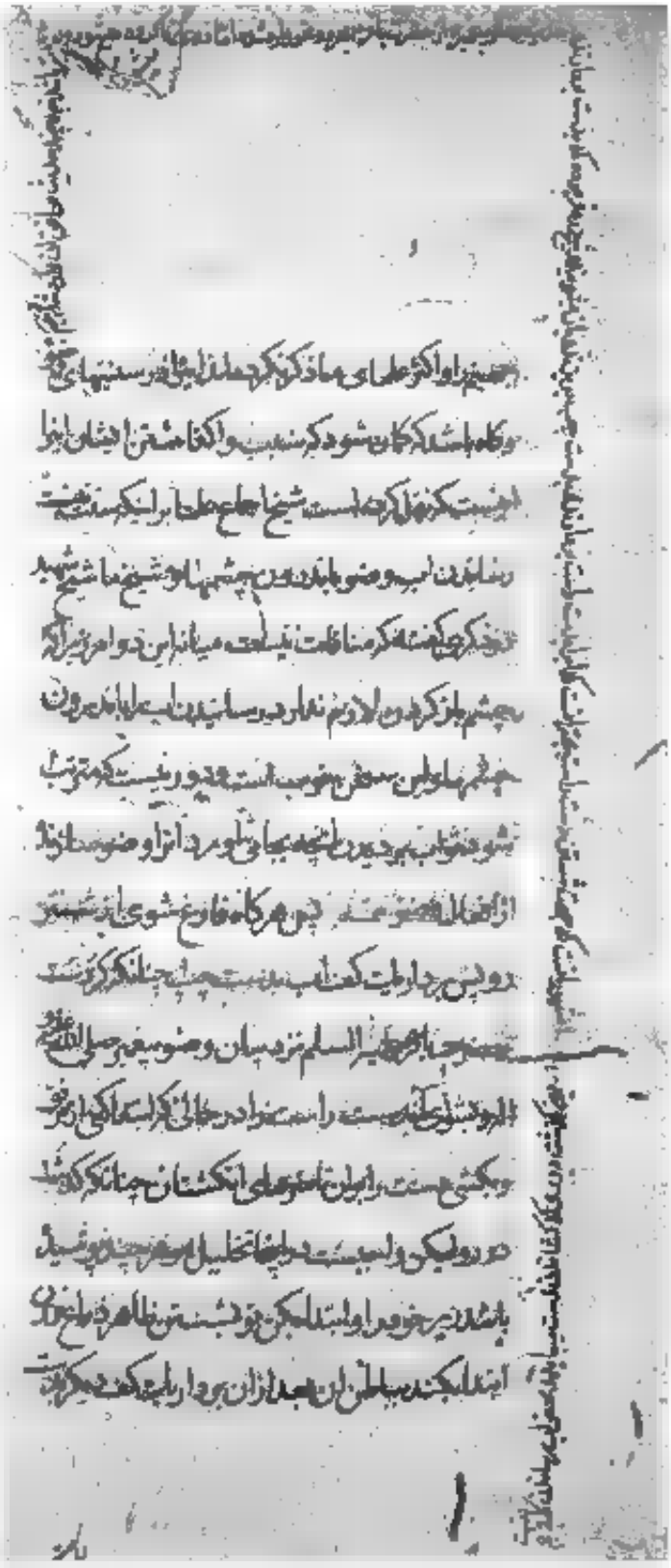

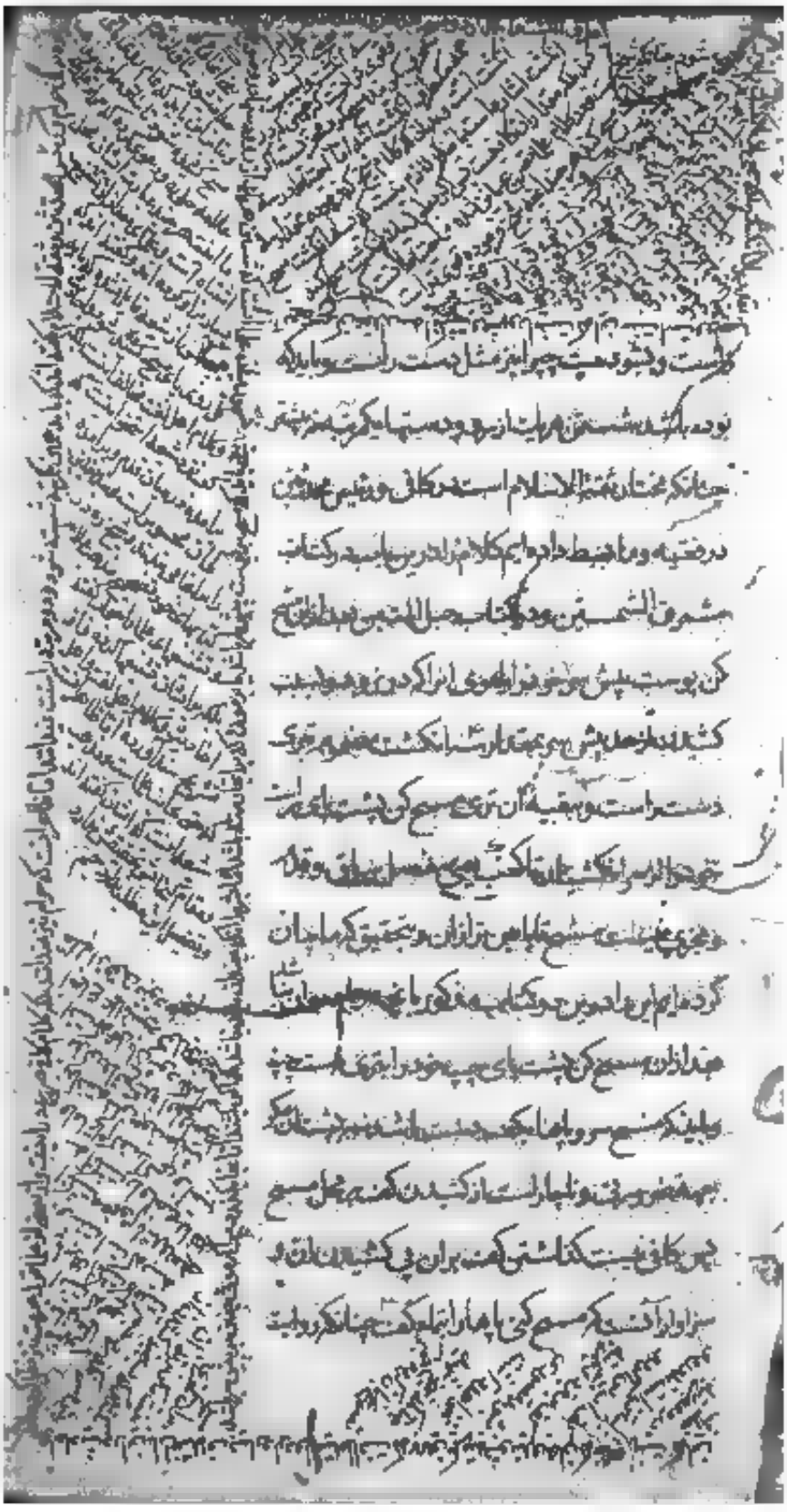

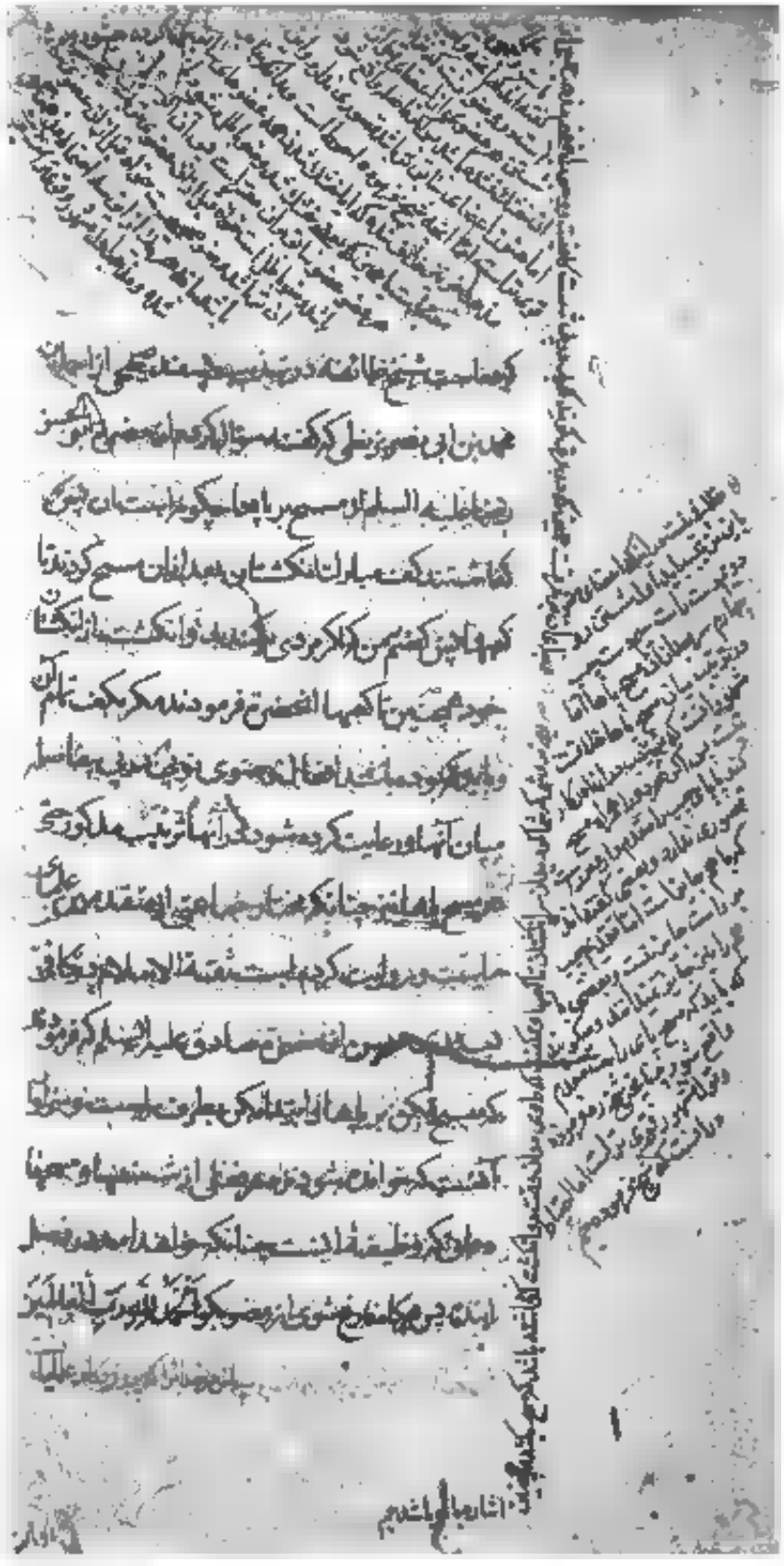

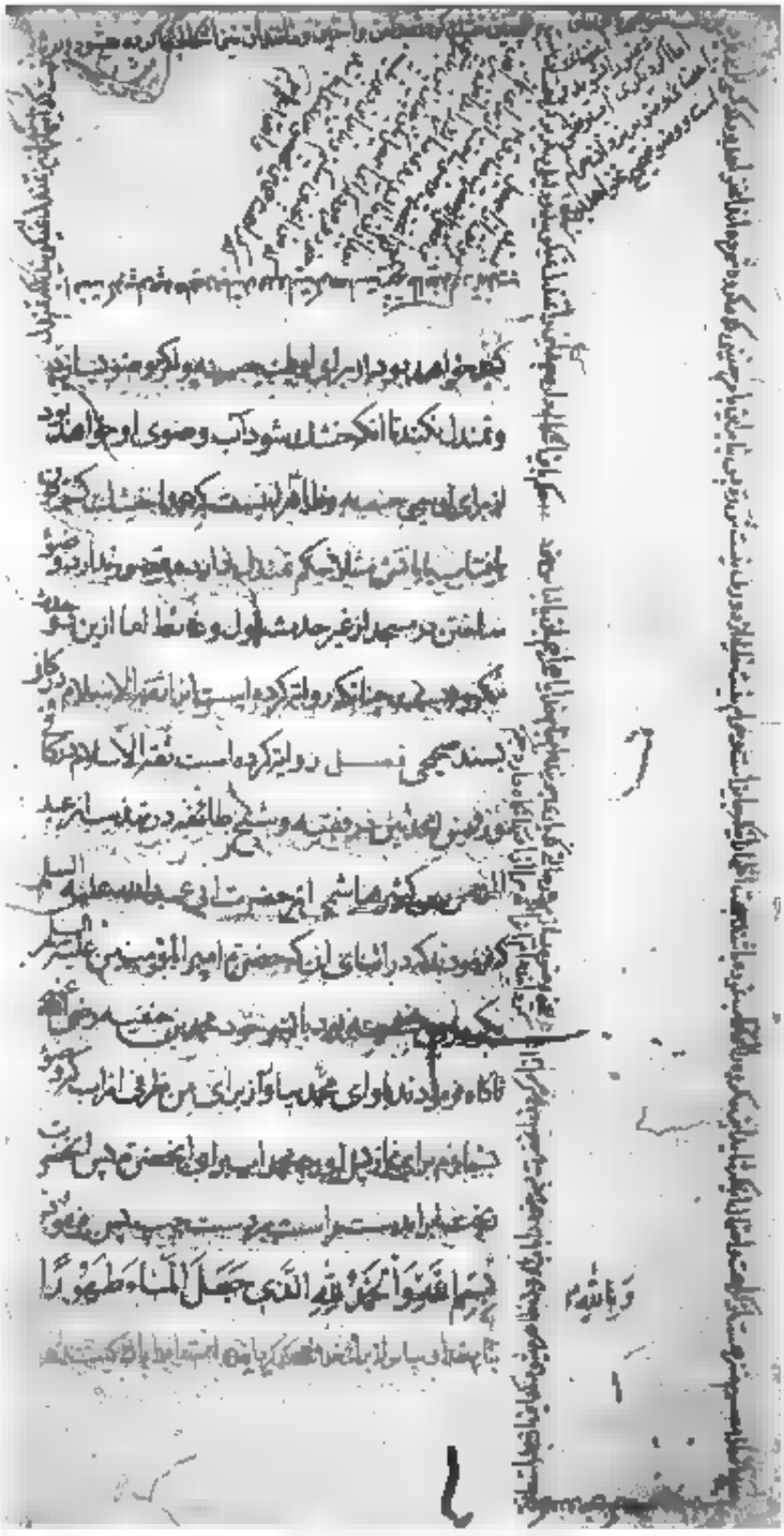

ذکر کیفیت صلوٰۃ کہ در جواب سلام باید خواند

اخضرت صلی اللہ علیہ والہ السلام مبارک باشد بایشان یا بکینہ
و عداوت کہ مذکور شد از آن اخضرت صلی اللہ علیہ والہ
مضمری کہ راجع باو باشد یعنی چہ بین باشد و اطلاع نیابم
در کلام علمای ما قدس اللہ ارواحہم در بین باب بر چیزی
اختیاط آنست کہ ما گفتیم کہ در ہمہ صورتہای مذکور سلام
فرستادہ شود و بدانکہ ظاہر تر آنست کہ قولہ و صل ابراہیم
بگفتن اللہم صل علی محمد و آل محمد و لما انہ روایت شدہ است
کہ چون نازل شد ایہ مذکورہ گفتند یا رسول اللہ ہذا السلام
علیک قد عرفناہ فکیف الصلوٰۃ علیک یعنی این سلام
بر تو تحقیق کہ دانستہ ایم آنرا پس چگونہ است صلوٰۃ بر تو
پس آنحضرت صلی اللہ علیہ والہ فرمود کہ بگوئید
اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی
خداوندا بگردان فرود بر محمد و آل محمد چنانکہ فرود آوردی بر
اِبْرٰھِیْمَ وَ آلِ اِبْرٰھِیْمَ وَ بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا
ابراہیم و آل ابراہیم و زیادہ کردہ بر محمد و آل محمد چنانکہ

این اشارہ بسلام است کہ
بعد از ان واقع شدہ و معنی
عبارت آنکہ ایزد این سلام را دانستہ
ایم کہ چگونہ باید گفت یا نہ را
کہ این چگونہ است صلوٰۃ بر تو
و گفتہ است کہ این اشارہ بسلام و یا
کہ از لیہ تحصیلیہ و الشکل
علی ان ہذا یدل و معنی آن ماشل
کہ ہر آئینہ از سلام السلام علیک است
تحقیق دانستہ ایم این را و این
حکم است صلوٰۃ بر تو پس بر ہر
تقدیر بر این حدیث دلالت کند
یا تکبیر مراد سلبی او ایہ السلام
علیک کہ نہی است ند اطاعت
و انقیاد کردن و اعتقاد اعلم

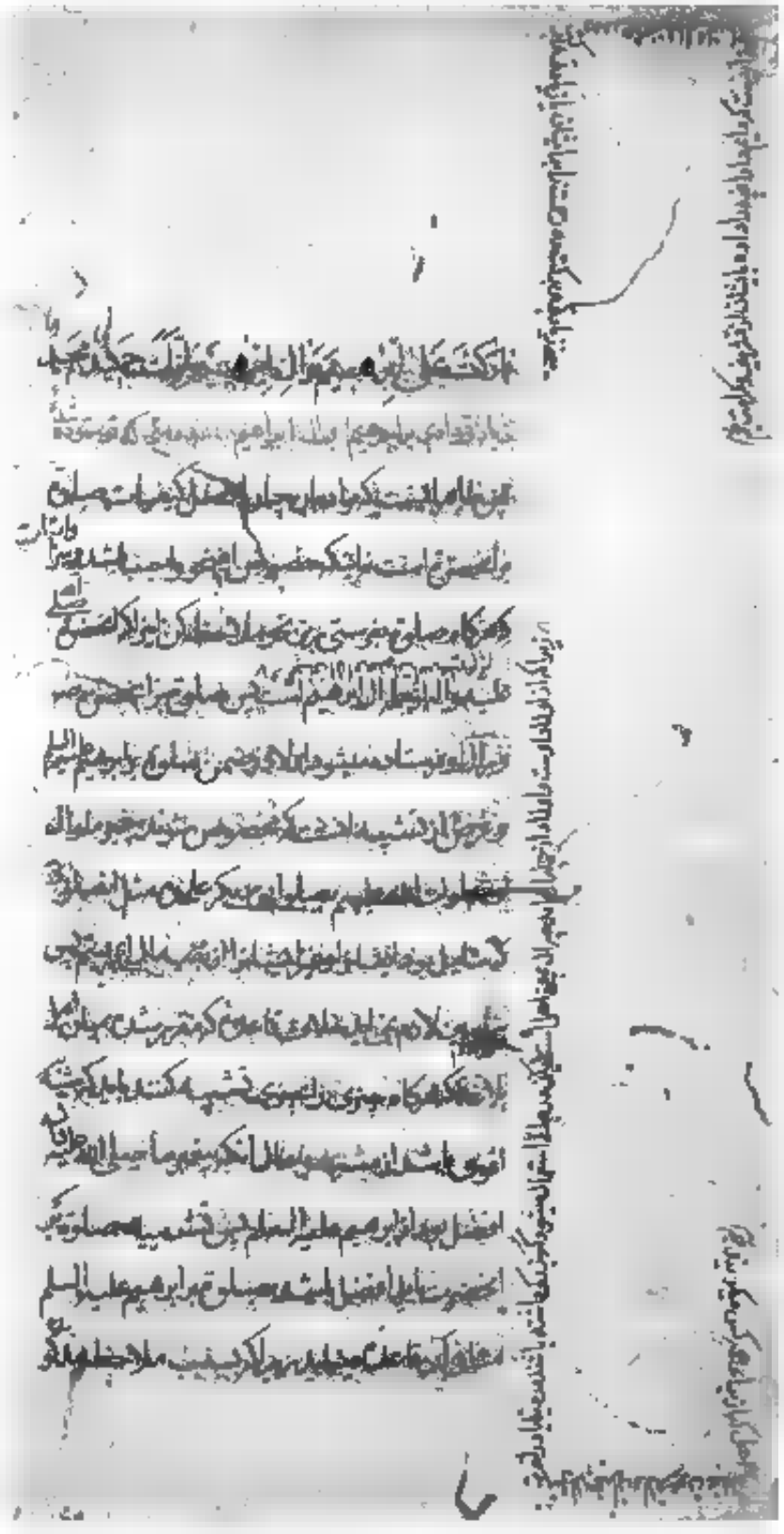

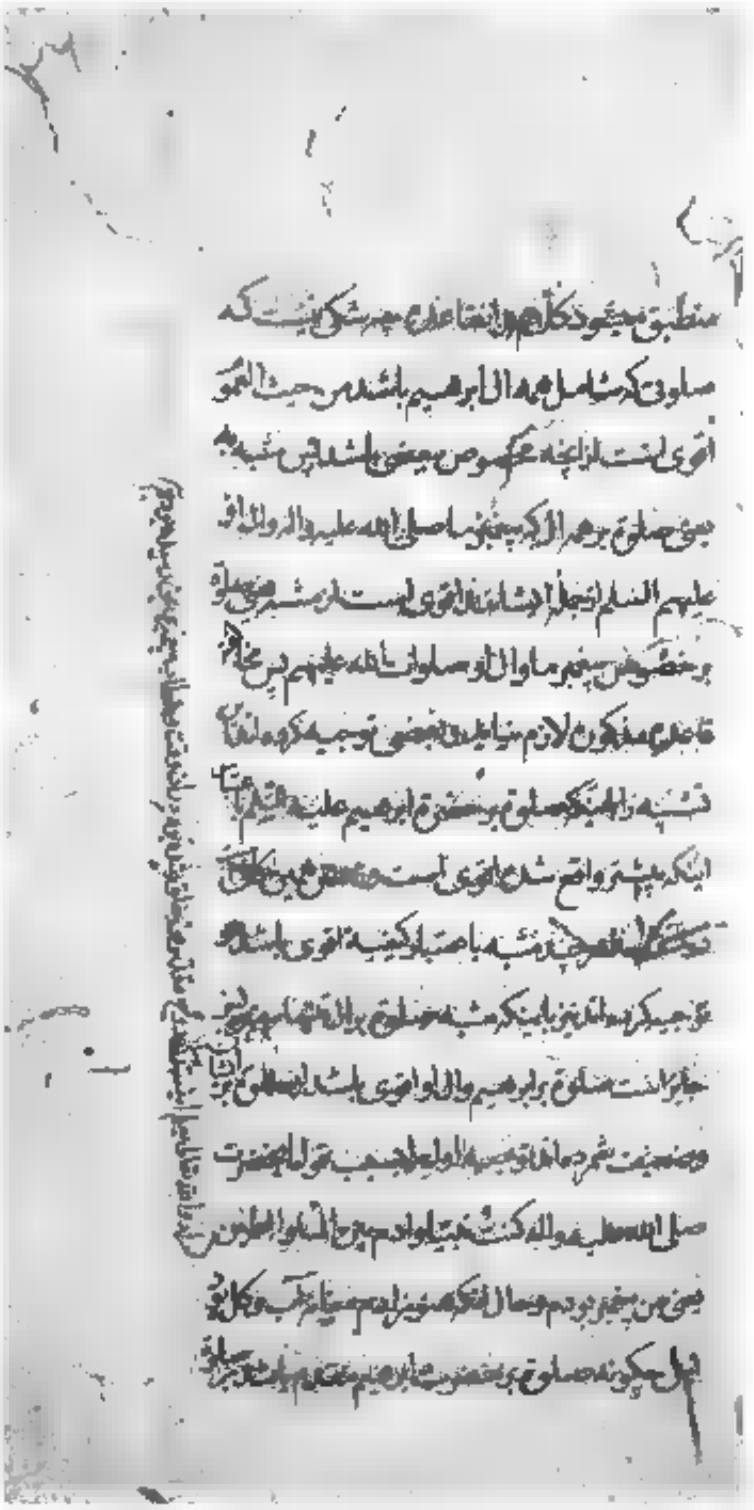

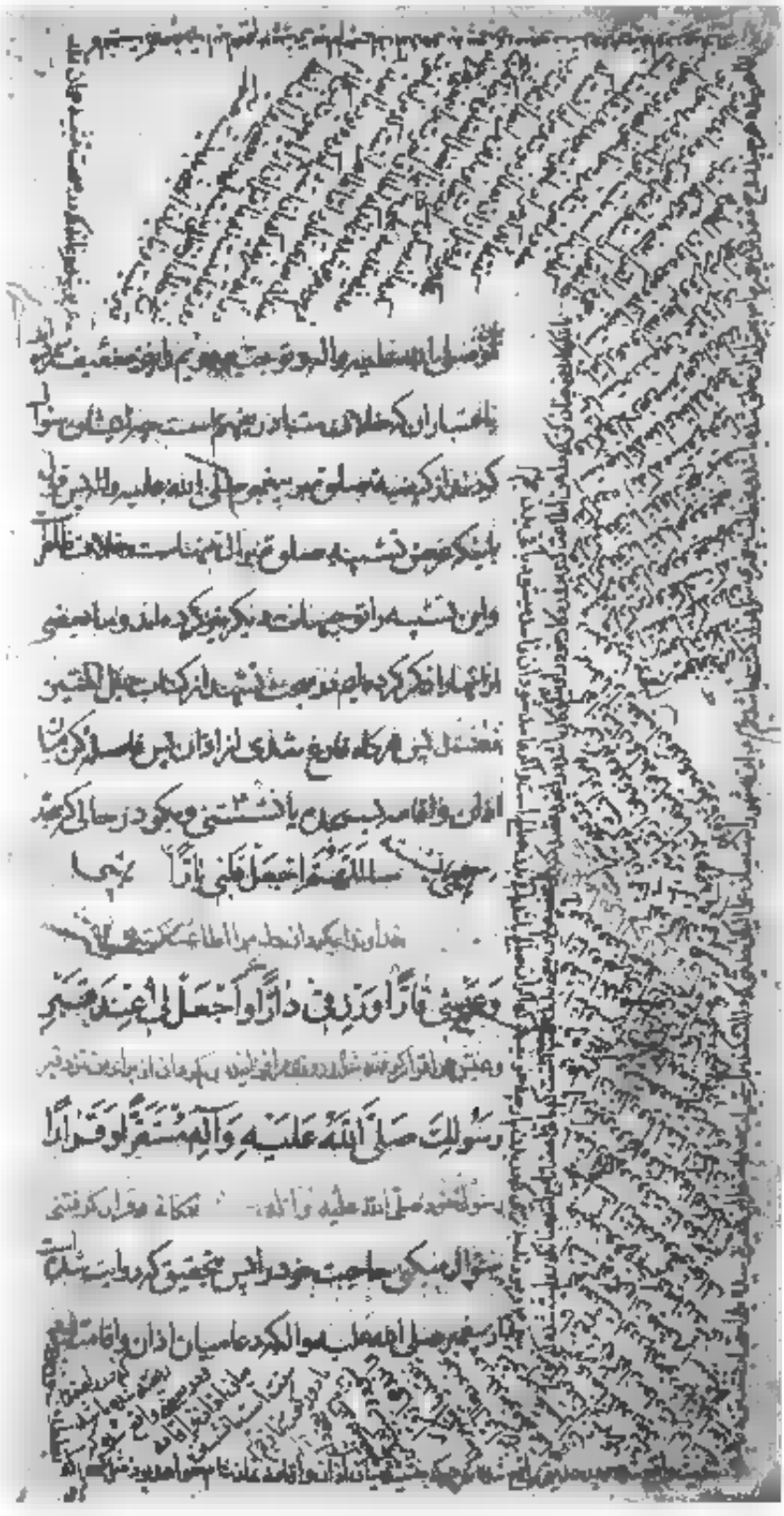

وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب

ربطش مرا از نهاد خود رحمتی که تو بی نیازی بخشنده

وباید که بایستی در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستها
خود را بر روی رانها مقابل زانوها و بگشائی میان قدمها
خود را بقدر یک وجب و نیم کشاده مانند یکدیگر با یکسر و نگاه
کنی بموضع سجود خود و بلند نکنی خود را نظر آسمان و نه
اوری بخاطر خود که این نماز کسیست که وداع میکنی از نماز
بعد از این بقصد کن ادای نماز صبح واجب جهت فرمان بردار
امر خدای تعالی و مضاف نماز نیت را بیکی از شش تکبیر که
در اول نماز گفته میشود و باید میکنی در حال ادای این تکبیر
دستهای خود را بعنوانی که گفته شد بطرف قبله باشد
و انگشتان هیچکدام چسپیده باشد و نه فاصله شان زیاد
باید که کشاده باشد و منگذرانی کف دستها را بر ابرو
گوشهای خود و ابتدا کنی بتکبیر و ابتدائی دست بردن
و تمام میکنی از اثر دست بردن او و بیان که مقتضی ایستادن
متانت این اضطراب نموده اند در باب نیت و دراز کردن

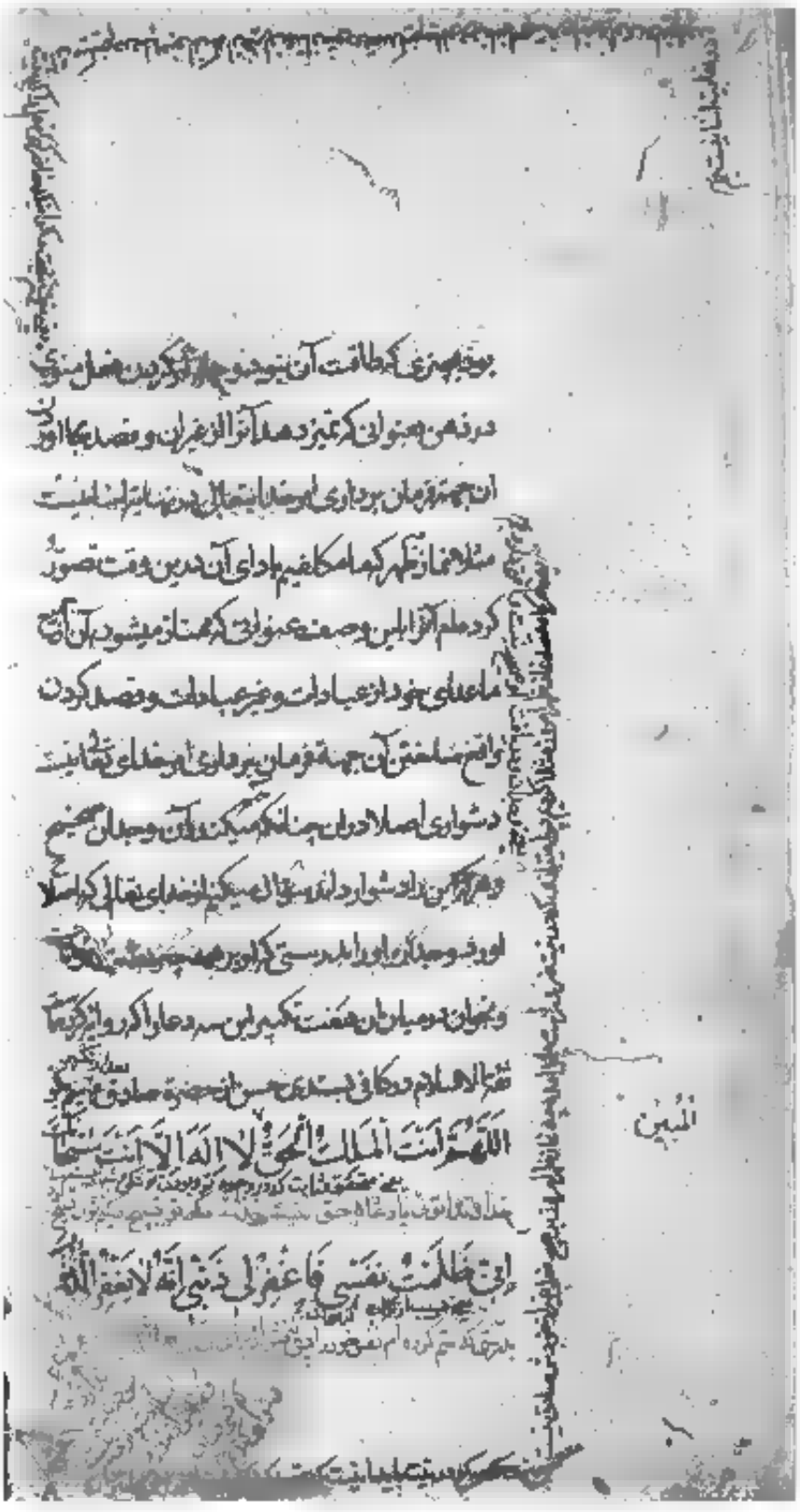

ذکر کرده ایم خود مشاهده میکنید و بعد از آنچه ایم کلام را در بین
بسم الله الرحمن الرحیم بعد از آن استعاذه میکنی بعد از فراغ از
دعای بسم الله پس بسم الله الرحمن الرحیم
بدانکه میان بعد الاستعاذه تا
بواستعاذه نزدیک مخصوص بر کعت اولست و بعد از آن
میکوئی بعد از آن بخوان سوره حمد را و بعد از آن
و بلند بخوان تا آواز بشنود و وقفهای او را مراعات کنند
آن و حاضر کنند قلب خود را تفکر کنند معانی آن
ساکت میشوی بعد از آن بخوان سوره بعد از آن بخوان سوره
بعد از آن رکوع و تمام کرده باشد سوره بعد الحمد را بیاموزد
یاد هر یک از آنچه مانند اینها باشد و در رکوع میگوئی سبحان ربی
کرده است از اشیاع طائفه در نهایت بیشتر کسی از
حضرت ابی عبد الله علیه السلام و ساکت میشوی بعد از آن
چنانکه ساکت شدی قبل از آن بعد از آن بر میداری
دستهای خود را چنانکه برداشتی در آن وقت تکبیر
و میگوئی الله اکبر بعد از آن بر کوع برو بعنوانی که بکذارد

دست راست بر ران اوی چپ و بر کف کف راست را بر پشت
خود و لقمه سازی انها را بسر انگشتان خود و برگرداندن
انها را بطرف پیش و هواری کنی پیش خود را و یکی
کردن خود را و برهم گذاری چشمهای خود را بانگاه کنی
بسیار قدمهای خود بعد ازان مکروه است نظر
کردن است نظر الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق
اللهم لک رکعت و لک اسلمت و بک
خدایا نماز برای تو رکوع کرده ام و مر ترا اطاعت کرده ام و بتو
امنت و علیک توکلت و انت ربی
ایمان اورده ام بر تو و توکل کرده ام و تو پروردگار منی
لک سمعی و بصری و شعری و بشری
از برای تو گوش من و دیده من و موی من و پوست من
و لحمی و دمی و مخی و عصبی و عظامی
و گوشت من و خون من و مغز من و پی من و استخوانهای من
و ما اقلته قدمای غیر مستکبر و لا
و انچه برداشته است قدمهای من نه تکبر نماینده

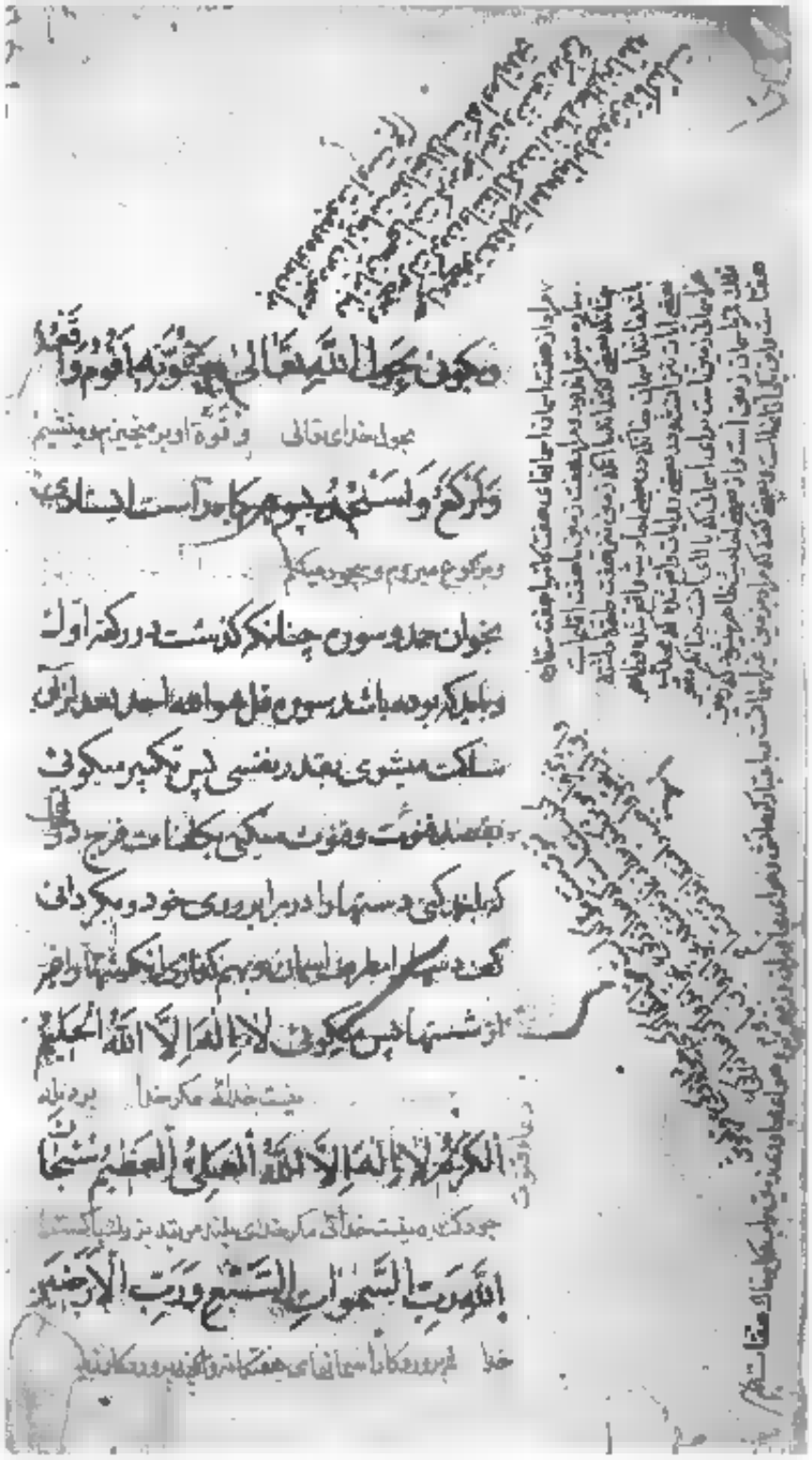

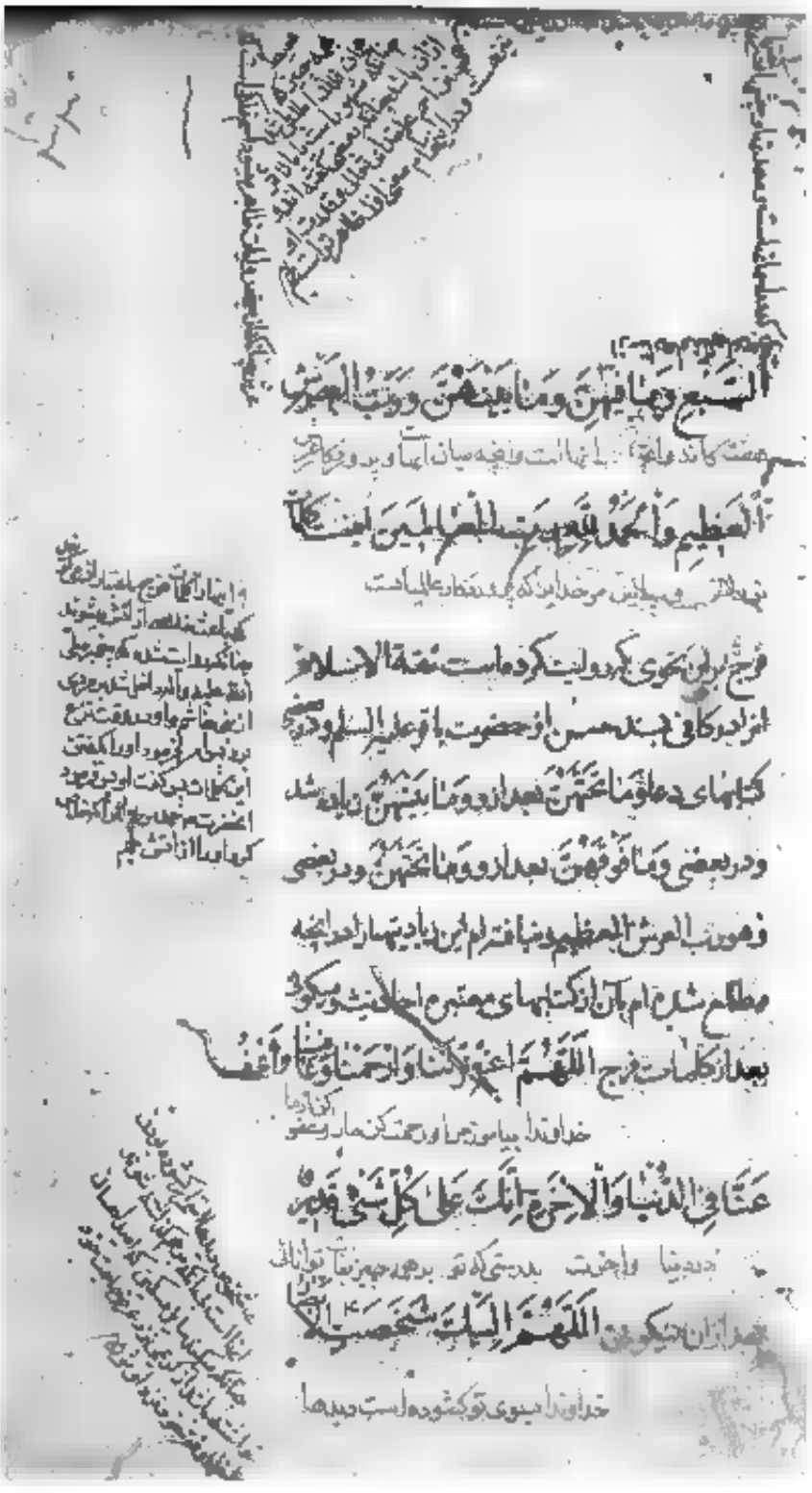

السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش

هفت گانند واچه در ایشانست واچه میان ایشانست وپروردگار عرش

العظيم والحمد لله رب العالمين ابتدا كلا

بزرگ وستایش مر خدایرا که پروردگار عالمیانست

فرج بر این نحوی که روایت کرده است ائمة الاسلام

امرا در کافی بسند حسن از حضرت باقر علیه السلام و در

کتابهای دعا وما تحتهن بعد از و وما بینهن زیاده شد

و در بعضی وما فوقهن بعد از و وما تحتهن و در بعضی

ورب العرش العظيم و نیافتم این زیادتها را در آنچه

مطالعه شده ام از آن از کتابهای معتبر احادیث و میگوید

بعد از کلمات فرج اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف

خداوندا بیامرز ما را ورحمت کن ما را وعفو

عنا في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير

کن از ما در دنیا وآخرت بدرستی که تو بر هر چیز توانائی

بعد از ان میگوید اللهم الیك شخصت الابصار

خداوندا بسوی تو گشوده است دیدها

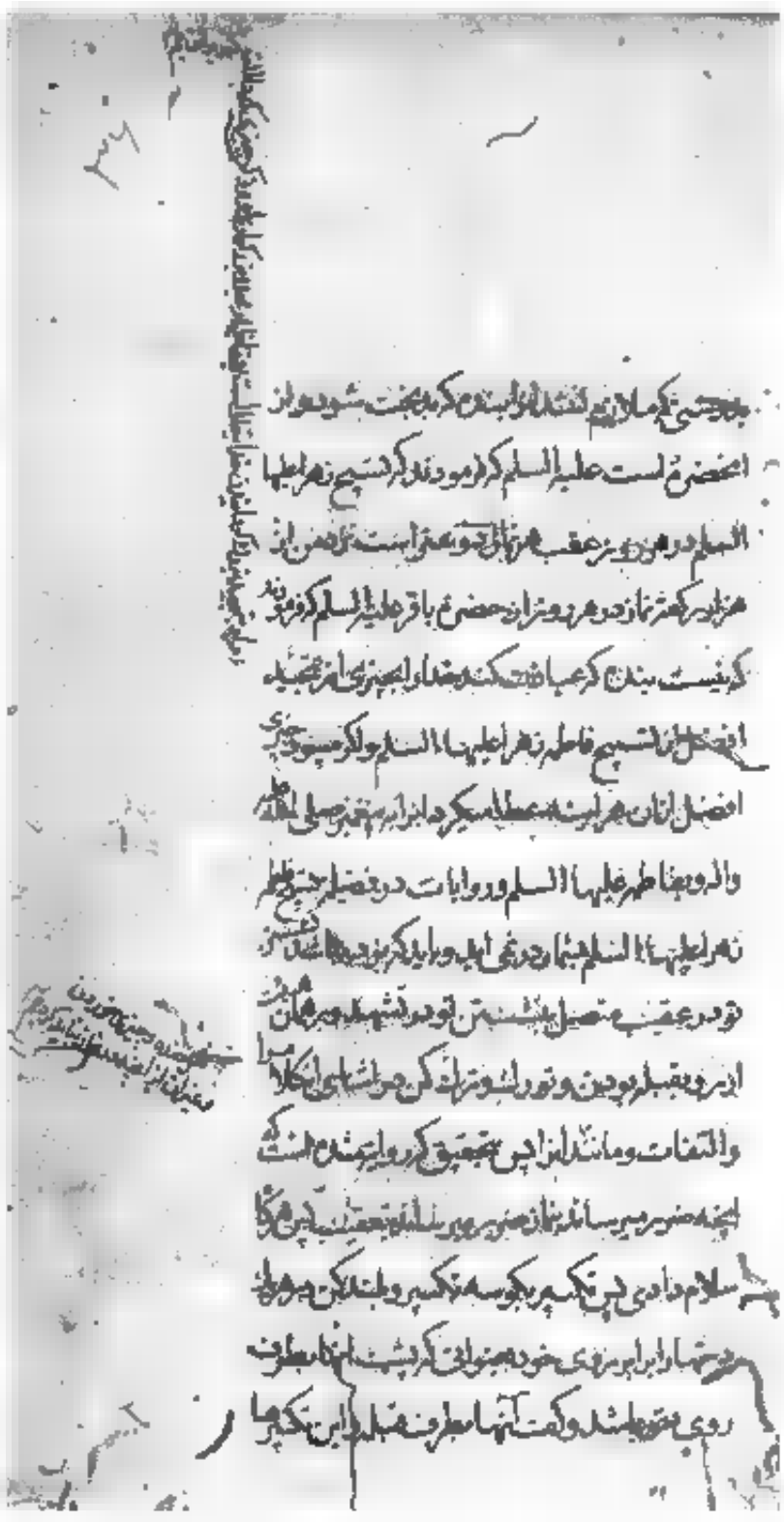

ذو الجلال والاكرام

وَأَتُوبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ

وتوبه میکنم بسوی تو خداوندا هدایت کن مرا از نزد خود

وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ خَيْرَاتِكَ

وبریز بر من از فضل خود وبپراکنده کن بر من از خیرات

وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

وفرود آور بر من از برکتهای خود تسبیح میکنم تو را بیت ضد آنکه مکر

أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

تو بیامرز از برای من گناهان مرا تمام اتمام آنها زیرا که بس بدرستیکه نمی بخشد

الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ كَمَا

گناهان را تمام اتمام آنها مگر تو خداوندا همچنان

أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ

که من سوال میکنم تو را از هر خیری که فرو گرفته است از را علم تو و پناه

بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ

میبرم بتو از هر شری که فرو گرفته است از را علم تو خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ

بدرستیکه من سوال میکنم تو را عافیت تو در امرهای من تمام آنها و پناه

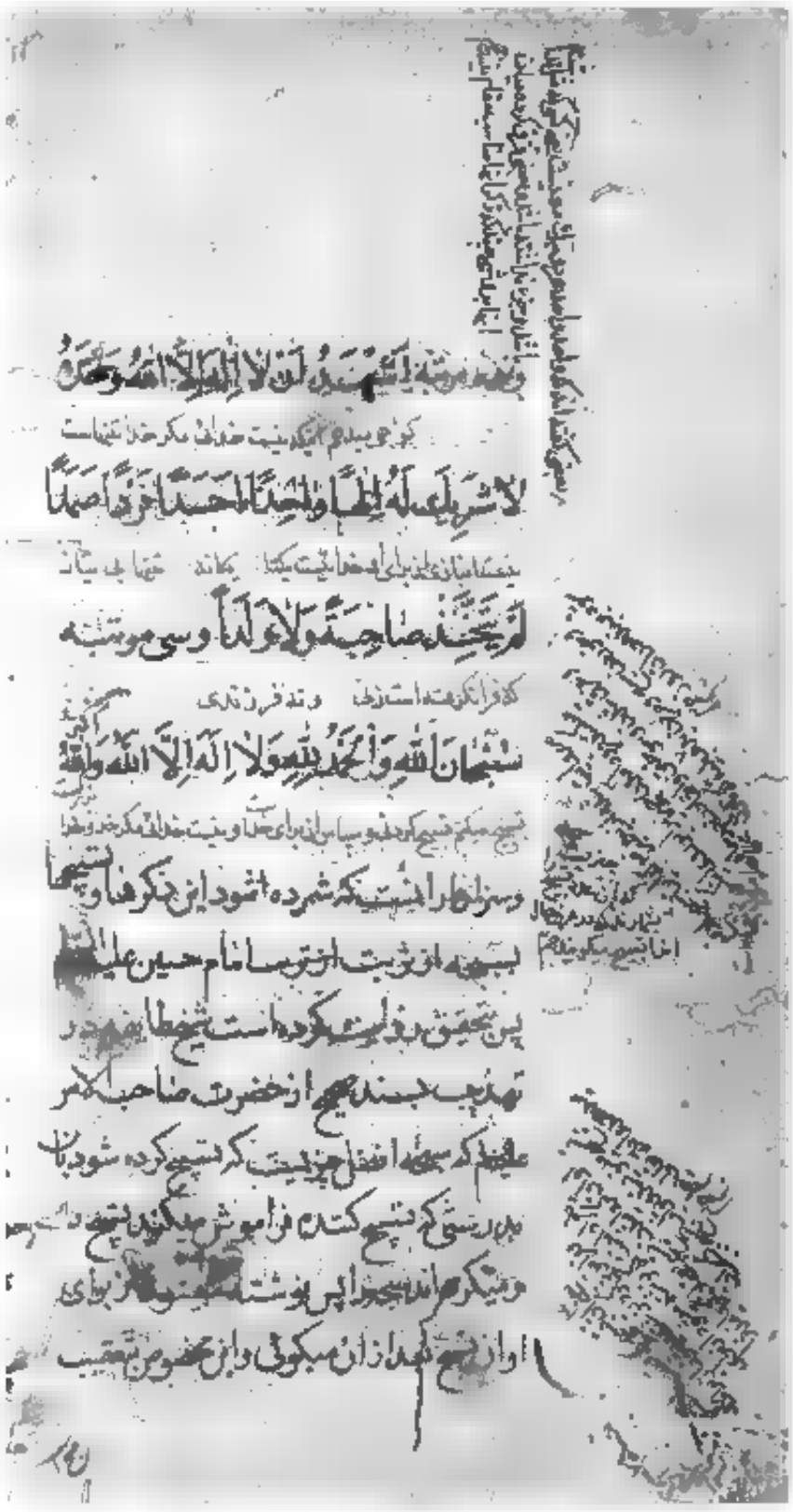

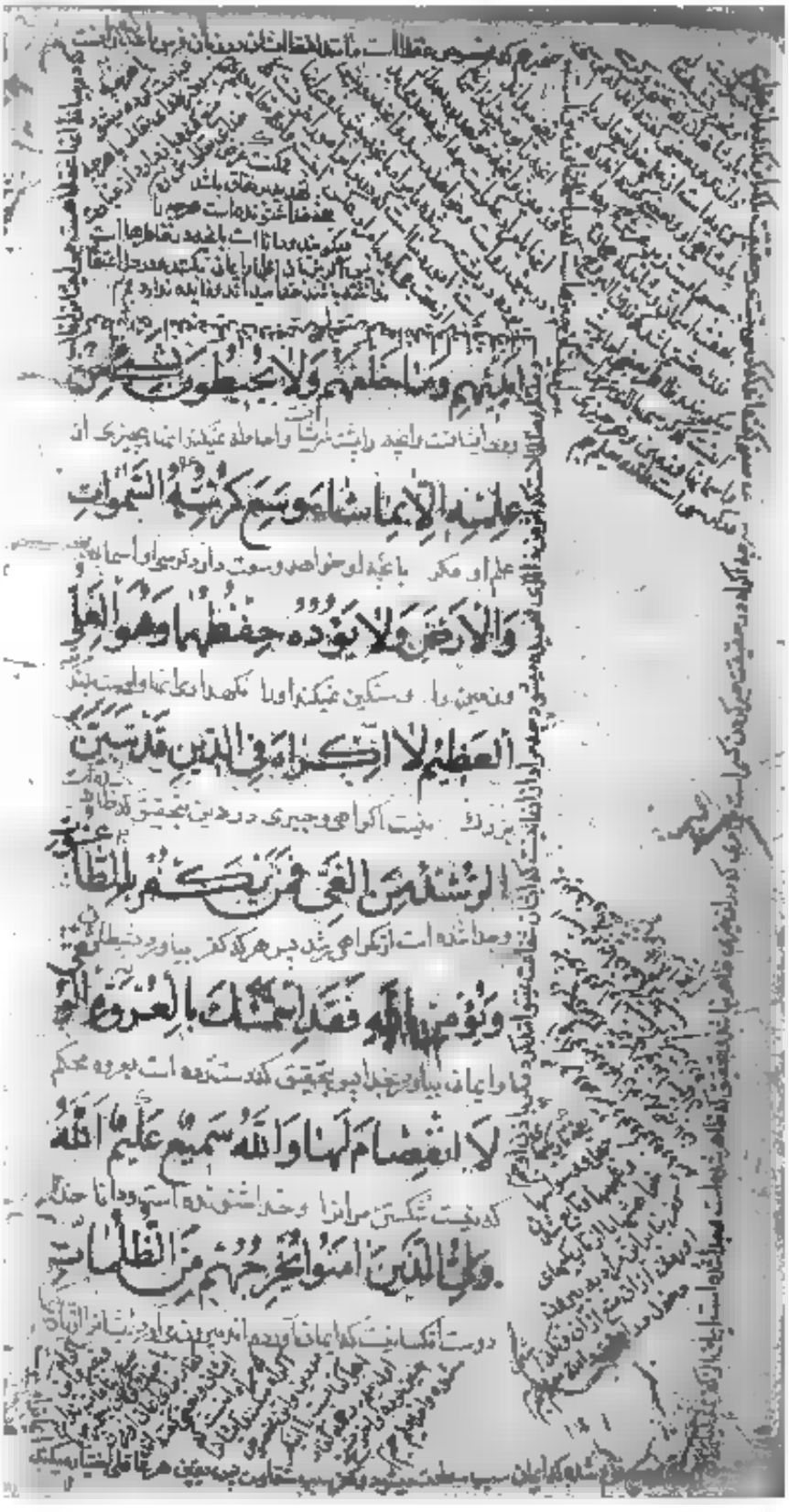

وآیه ملک قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک

بگوای بخشنده دهنده ای صاحب پادشاهی میدهی پادشاهی

من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء

کسی را که میخواهی و میگیری پادشاهی را از کسی که میخواهی و عزیز میکنی

وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل

وخوار میکنی کسی را که میخواهی بدست تو است خیر بدستی که تو بر هر

شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج

چیزی توانائی داخل میکنی شب را در روز و داخل میکنی

النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت و

روز را در شب و بیرون میآوری زنده را از مرده

تخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر

بیرون میآوری مرده را از زنده و روزی میدهی هر که را خواهی بی

حساب وآیه سحر ان ربکم الله الذی

حساب بدستی که پروردگار شما خدائیست

خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم

که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا
هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا

عزیز جبار متکبر پاکست خدا از انچه

يُشْرِكُونَ هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ

شریک میکنند اوست خدای تقدیر کننده آفریننده صورت بخشنده مر او را

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ

نامهای نیکو تسبیح میکنند او را انچه در آسمانها

الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ بعد از ان میخواند سوره

و زمین است و اوست عزیز دانا قل هو الله احد و آیة

مرتبه بعد از ان میکوید در حالی که کشاده باشد دستها

خود را برابر روی خود اللهم انی اسألك باسمك

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم

الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ وَاسْأَلُكَ

پنهان کرده شده خزانه کرده شده پاکی پاکیزه مبارک و سوال

بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَاهِبَ

بنام عظیم تو و پادشاهی قدیم تو ای بخشنده

الْعَطَايَا وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارَى يَا فَكَّاكَ

الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

کردنها از آتش سوال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِي

وآل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش و اینکه بیرون آری

مِنَ الدُّنْيَا اٰمِنًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاَنْ

از دنیا ایمن و داخل کنی مرا بهشت سالم و اینکه

تَجْعَلَ دُعَائِي اَوَّلَهُ فَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا

بگردانی دعای مرا اول او رستگاری و میانه او پیروزی

وَاٰخِرَهُ صَلَاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

و آخر او صلاحی بدرستی که تو دانای غیبها

بعد از آن مسکوت و این مخصوص است بعقب صبح

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ وَكَفٰى بِكَ شَهِيدًا

خدایا و بدرستی که من داخل صباح شدم گواه میگیرم ترا و کفایت میکند

وَاُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ

و گواه میگیرم فرشتگان ترا و برداران عرش ترا و ساکنان

وَاَرْضَكَ وَاَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَالصَّافِّينَ

و زمین ترا و پیغمبران ترا و رسولان ترا و صف کشان

وَمِنْ عِبَادِكَ جَمِيعِ خَلِيقَتِكَ فَاشْهَدْ لِي وَكَفَى

از بندگان تو را و هر از ایشان تو را بس گواه شو برای و بسنده

بِكَ شَهِيدًا إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ وَحْدَكَ لَا

بر ای گواه بر اینکه من گواهی میدهم که بدرستیکه تو خدای منی یگانه

شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ

انبازی از برای تو و اینکه محمد رحمت کناد خدا بر او و آل او بنده تو

وَرَسُولُكَ وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ

و رسول است و اینکه هر معبود است که پرستیده شده از زیر عرش تو

إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ

تا قرارگاه زمین هفتمین پائین تو باطل

مُضْمَحِلٌّ مَا عَدَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ

و مضمحل است غیر از ذات کریم تو پس بدرستیکه او عزیز

وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ

و گرامی تر و جلیل تر و بزرگ تر از اینکه وصف کنند وصف کنندگان

كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ يَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ

يَا مَنْ فَاقَ مَدْحُ الْمَادِحِينَ فَخْرَ مَدْحِهِ وَعَلَا

ای آنکه بالاتر است از مدح مدح کنندگان فخر مدح او و بلند

وَصْفُ الْوَاصِفِينَ مَا لَا يُحْمَدُ وَجَلَّ عَنْ مُقَابَلَةِ

از وصف وصف کنندگان . مکرمتهای خداوند بلند است از کفت

النَّاطِقِينَ بِتَعْظِيمِ شَأْنِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

سخن گویندگان بتعظیم شان او رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَافْضَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى

محمد و بکن با ما آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری

وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا

و سزاوار آمرزش تسبیح میکنم خدا را هر گاه

سَبَّحَ اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا

تسبیح کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا که تسبیح کرده شود و

هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ

سزاوار آنست و چنانکه سزاوار باشد از برای کریمی ذات او

وَعِزِّ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَيْءٌ

و غلبه بزرگی او و حمد از برای خداست هر گاه حمد کند خدا را چیزی

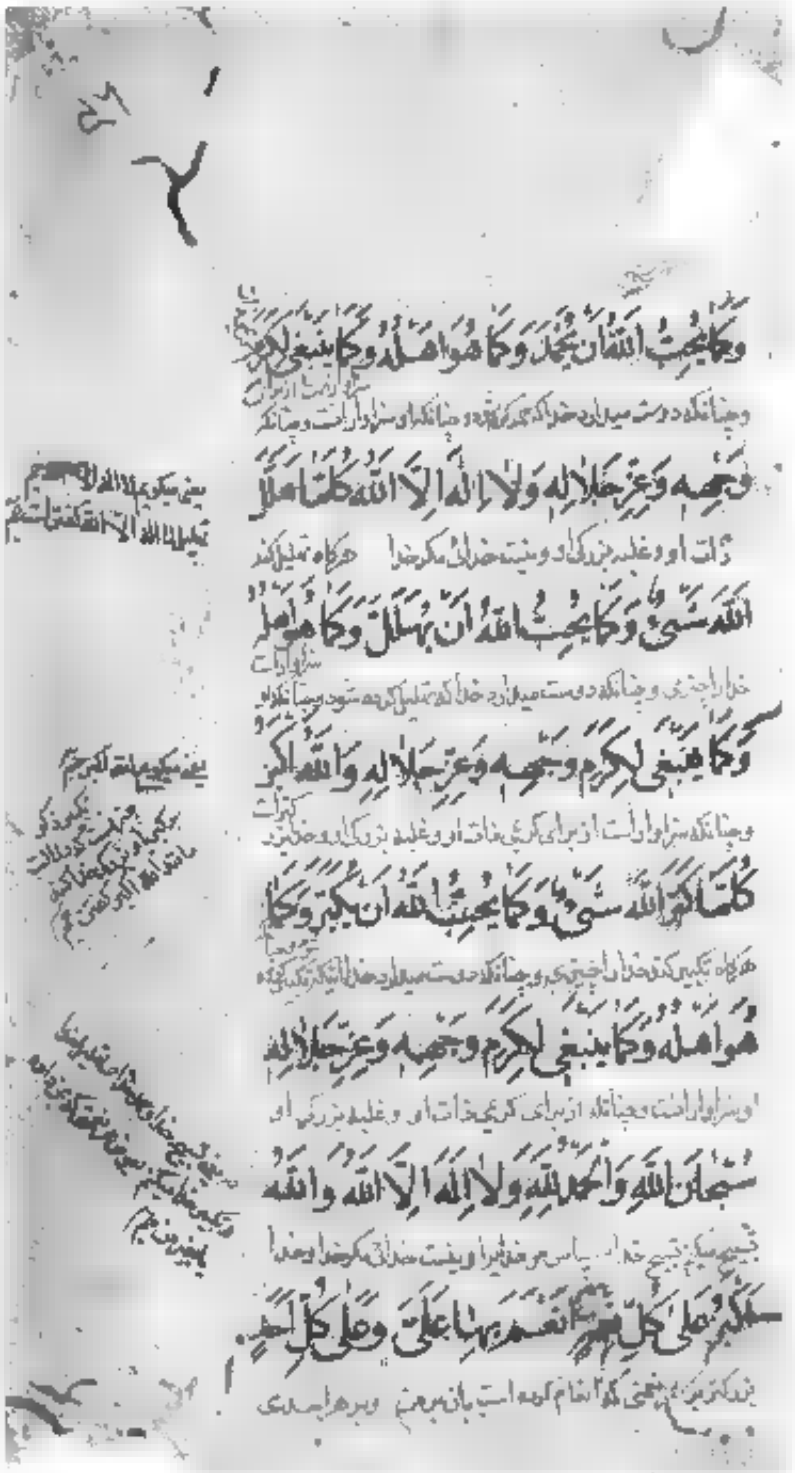

مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

از افریدگان خود از آنکه بوده است یا خواهد بود تا روز قیامت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو را از اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُوا وَخَيْرَ مَا لَا أَرْجُوا

و سوال میکنم تو را خیر آنچه امید دارم و خیر آنچه امید ندارم

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا

و پناه می آورم بتو از شر آنچه خوف دارم و از شر آنچه خوف

أَحْذَرُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ وَأَنْ يَزْدَادَ عَاهَاتِ

ندارم و در شام نیز خواند میشود

بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ

بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین و

السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سُمٌّ وَلَا

آسمان بنام خدائی که ضرر نمیرساند با نام او هیچ زهر

دَاءٌ بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ

و دردی بنام خدا صبح شدم و بر خدا توکل کردم بنام خدا

عَلَى قَلْبِي وَنَفْسِي بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى دِينِي وَعَقْلِي

بردل من ونفس من بنام خدا بردین من وعقل من

بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى اَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى مَا اَعْطَانِي

بنام خدا بر اهل من ومال من بنام خدا بر انچه عطا کرده است مرا

رَبِّي بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي

پروردگار من بنام خدا که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در

الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

زمین ونه در آسمان واوست شنونده دانا

اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اَللّٰهُ

خدا است خدا پروردگار من نمیخواهم شریک گیرم با او چیزی خدا است

اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است پناه میبرم بخدا بزرگتر از شر

وَاُحَذِّرُ عِزَّةَ رَبِّكَ وَجَلَالَتَهُ وَقُدْرَتَهُ وَنِقْمَتَهُ

وخوف میدارم عزیزی پروردگار تو وبزرگی او وتوانائی او وانتقام او

اَسْمَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ

نامهای تو ونیست خدائی غیر از تو خداوندا پناه میبرم بتو

مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ

از شر نفس خود و از شر هر پادشاهی سختی

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّا

و از شر هر شیطان سرکشی و از شر هر جبار گردنه

عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

عنیدی و از شر قضای بد و از شر هر

دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جنبنده که تو گیرنده باشی ناصیه او را بدرستی که تو بر راه راست

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ إِنَّ وَلِيِّيَ

و تو بر هر چیز نگاهبانی بدرستی که کارساز

اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

خداوند آن که فرو فرستاده قرآن را و او متولی صالحان است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

پس اگر اعراض کنند پس بگو بس است مرا خدا که نیست هیچ معبودی

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بر او توکل کرده ام و او پروردگار عرش بزرگ است

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ
پس زود باشد که کفایت کند خدا او را و شنونده و داناست و نیست
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ
و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ و رحمت کناد خدا
عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَبَعْدَ آنَ
بر بهترین آفریدگان خود محمد و آل او که پاکانند
مکونی و این نیز مخصوص است بمخصیب صبح
بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
بنام خدا و رحمت کناد خدا بر محمد و آل او و عدا میکنم
أُمَرِّي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ
امر خود را بسوی خدا میدهم بدرستی که خدا بینا است به بندگان پس نگاهداشت او را
اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
خدا از بدیهای مکر آنچه مکر کردند نیست خدائی مگر تو
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا
بپاکی یاد میکنم ترا بدرستی که من بودم از ستم کنندگان پس اجابت کردیم
لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ
او را و نجات دادیم او را از غم و چنین نجات میدهیم مؤمنان را

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ

بس است ما را خدا و بهتر بن وکیلت بس گشتند ایشان بنعمتی

مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مَا شَاءَ

از جانب خدا و فزایش نرسید بایشان بدی هرچه خواست

اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ

خدایست حولی و نه قوتی مگر بخدا آنچه خواست خدا

لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَإِنْ كَرِهَ

نه آنچه خواستند مردم آنچه خواسته است خدا و اگر ناخوش

النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِي

مردم بسنده است مرا پروردگار از پرورده شدگان بسنده است

الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ

مرا آفریننده از آفریده شدگان بسنده است مرا روزی دهنده

مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي

از روزی داده شدگان بسنده است مرا آنکه همیشه بسنده بود مرا

حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مَالِكًا حَسْبِيَ حَسْبِيَ اللّٰهُ

بسنده است مرا آنکه بود مادام که من بودم بسنده است بسنده است خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بیست خدائے کہ کارہا بدو راست و توکل کردہ ام و اوست پروردگار عرش بزرگ

بعد از آن میگوید اللّٰهُمَّ اَصْبَحَ ظِلِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ

خداوندا داخل صباح شدہ است سایہ من پناہ جوینده بعفو تو

وَاَصْبَحَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَاَصْبَحَ خَوْفِي

و داخل صباح شدہ است گناہان من پناہ جوینده بآمرزش تو و داخل صباح شده

مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ وَاَصْبَحَ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ

پناہ جوینده بایمنی تو و داخل صباح شده است درویشی من پناہ جوینده بتونگری تو

وَاَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا

و داخل صباح شده است خواری من پناہ جوینده بعزت تو و داخل صباح شده است ضعف من

بِقُوَّتِكَ وَاَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ

بقوت تو و داخل صباح شده است ذات فانی من پناہ جوینده بذات

الْبَاقِي يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَائِنًا بَعْدَ

باقی تو ای موجود پیش از هر چیز و ای موجود بعد

كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر چیز و ای موجود کننده هر چیز رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي

محمد و بگردان از برای من از امر من گشادگی و بیرون شدن و روزی دہ مرا

مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ

از جائی که گمان دارم و از جائی که گمان ندارم

بِعِزَّتِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ هَوْلٍ وَحَالٍ أَنْكَرْتُهُ أَوْ عَرَفْتُهُ

وَبِنَفْسِ خُودْ رَا بِدَسْتِ رَاسْتِ وَكَشُودَه بَاشِي كَفِّ دَسْتِ

چپ را بسوی آسمان یا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای پروردگار محمد و آل محمد رحمت بفرست

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ

وآل محمد و تعجیل کن راحت آل محمد را ای پروردگار محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي

و آل محمد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن گردن مرا

مِنَ النَّارِ بَعْدَ إِيمَانِي بِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

از آتش ای خدای بخشنده ای مهربان

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ اللَّهُمَّ آمِنْ

ای زنده ای پاینده ای خدا بر تو طلب فریاد میکنم خداوندا بر تو ایمن

تُغْنِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ

اعتماد من در هر اندوهی تو و امید من در هر سختی تو

لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

از برای من در هر امری که فرود می آید اعتماد و قصد پس بیامرز گناهان

كُلَّهَا وَاكْشِفْ هَمِّي وَفَرِّجْ غَمِّي اللَّهُمَّ اغْنِنِي

تمام آنها و بگشای اندوه مرا و بگشای غم مرا خدایا بی نیاز گردان

بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ

بحلال تو از حرام تو و بفضل تو از کسی که

سِوَاكَ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ

غیر تو باشد و عافیت ده مرا از شر دنیا و عذاب آخرت

صد بار این دعا خوانده میشود در شام

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي

داخل شدم خداوندا در حالتی که چنگ زده ام بذمه تو که

لَا يُحَاوَلُ وَلَا يُطَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ

محتاج کرده نمیشود و نزاع کرده نمیشود از شر هر ستمگر کننده و رنج دهنده

مِنْ سَائِرِ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلَائِقِ الصَّامِتِ

از همه آنچه آفریده از آفریدگان خاموش

و گویا

وَالنَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسِ سَابِغَةٍ

وگویا در سایهٔ حق کہ پیوستہ او را از ہر چہ مخوف است بزرہ فراخی

وَلِوَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

کہ از دوستی اہل بیت پیغمبر تو محمد و محبتہا عبد تو براو

وَعَلَيْهِمْ مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي بِأَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ

و بر ایشان پادپوشیدہ شد از ہر چہ کند مرا بازار رسانند و بدی

حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّسْلِيمِ

محکم اخلاص در اعتراف در حق ایشان و تسلیم

بِحَيْلُولَتِهِمْ مُوقِنًا بِأَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَلَهُمْ

بہ پیمان اینکہ یقین دارند بایشان حق از برای ایشانست و با ایشانست و در ایشانست و ازایشانست

أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا وَأُفَاصِلُ عَلَى

دوستی میکنم با ہر کہ دوستی کردہ اند او را و دوری میکنم با ہر کہ دوری کردہ اند از او

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأُعَادِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مَنْ شَرَعَ مَا أَبَّقَهُ

محمد و آل محمد و بیاده مر اخداوندا با ایشان از شرایعیکہ حذر دارم

يَا عَظِيمُ حَجَزَتْ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَوَاتِ

ای بزرگ باز داشت کردم دشمنان را از خود بدو بدید آورندہ آسمانہا

وَقَدْ اَسْبَلَ مَعِيَ حُسْنُ الظَّنِّ بِكَ فِي عِتْقِي

وچشمی کہ روان کردہ است اشک امید کہ بمن ورا زاد کردن

وَتَصَبِّي مِنَ النَّارِ وَتَغَمُّدِي بِذَلِكَ وَبِاِتِّكَالِهِ عَتْقِي

وخطای مرا کردن من از آتش و پوشانیدن گناہ من و در گذشتن از فرق

وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ فِيهِ وَلَا

وگفتہ تو وگفتن تو حق است کہ نیست خلاف در وی و نہ

سَبِيلَ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ اَللّٰهُمَّ

تغییر یعنی روزی کہ میخوانیم ہر طایفہ را بہ پیشوای ایشان

اِنِّي اُقِرُّ وَاَشْهَدُ وَاَعْتَرِفُ وَلَا اَجْحَدُ وَاُسِرُّ

بدرستی کہ من اقرار میکنم و گواہی میدہم و اعتراف میکنم و انکار نمیکنم و در پنہان

وَاُظْهِرُ وَاُعْلِنُ وَاُبْطِنُ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي

و آشکارا و ظاہر و باطن قائم باینکہ تو ئی خدائی کہ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

نیست خدائی مگر تو تنہائی نیست شریکی مر تو را

وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ

و اینکہ محمد بندہ تو و رسول تو است و اینکہ علی امیر

المؤمنين وسيد الوصيين ووارث علم

وسرکردهٔ مؤمنان وبزرگ جانشیان ووارث علم

النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين

پیغمبران وکشندهٔ مشرکان وپیشوای پرهیزگاران

ومجاهد الناكثين والقاسطين والمارقين

وجهاد کننده است با جمع کثنده عهد بیمان را وجمع کننده از دین

امامي ومحجتي وصراطي ودليلي ومحجتي

ازدین امام وپیشوای منست ودلیل منست وراه راست از براهین وطریقت

ومن لا اثق بالاعمال ولن زكت ولا ارلها

وکیست که اعتماد نداشته بعمل او کارها واگرچه پاکیزه باشد وعجب نیاورد

منجية وان صلحت الا بولايته والايمان

نجات دهنده وهیچ چیز نیکو مگر بدوستی او وپیروی

به والاقرار بفضائله والقبول من حملتها

باو واقرار کردن بفضیلتهای او وقبول کردن از حمل کننده

والتسليم لروايتها اللهم واقر باوصيائه

وباور کردن بآنها از روایت کننده آنها خداوندا واقرار بکن بجانشیان او

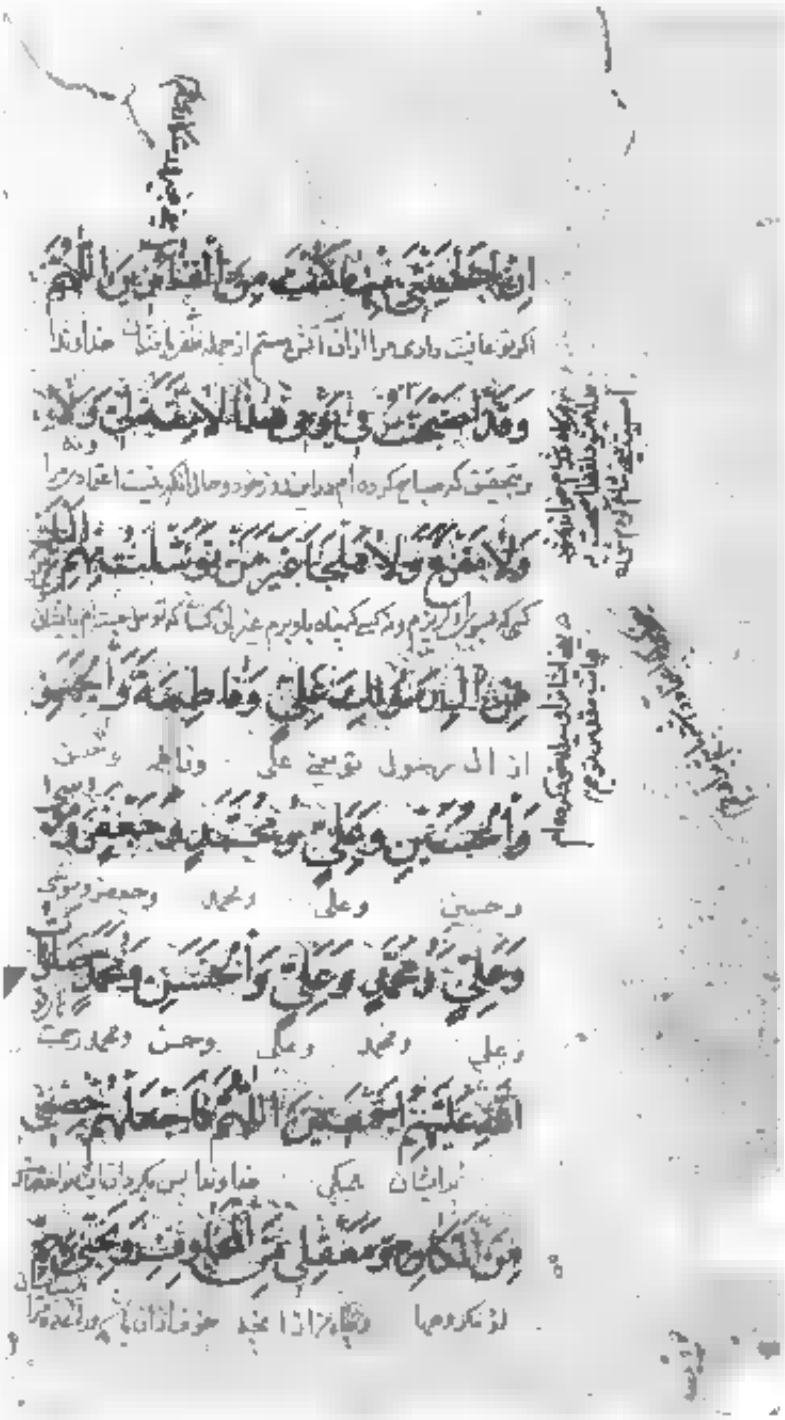

مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطَاغٍ وَفَاسِقٍ بَلِغٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْرِفُ

از هر دشمن از حد بگذرنده و گشنده فاسق تمام و از شر آنچه میشناسم

وَمَا أُنْكِرُ وَمَا اسْتَتَرَ عَلَيَّ وَمَا أُبْصِرُ وَمِنْ شَرِّ

و آنچه نمیشناسم و آنچه پوشیده است بر من و آنچه می بینم و از شر

كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ

هر جانوری که خدای من گرفته است ناصیه او بدرستیکه پروردگار من بر راه

مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ بِوَسِيلَتِي إِلَيْكَ بِهِمْ وَبِمَنْزِلَتِهِمْ

راست است خداوندا بحق توسل جستن من بتو بدیشان و بمنزلت ایشان نزد یکی

افْتَحْ عَلَيَّ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحَبِّبْنِي

بگشای بر من درهای رحمت خود را و امرزش خود را و دوست

إِلَى خَلْقِكَ وَحَبِّبْنِي بُغْضِهِمْ وَعَدَاوَتِهِمْ إِلَيْكَ

بسوی خلق خود و دور گردان مرا از دشمنی ایشان و کینه ایشان بدرستیکه تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ تَوَسَّلَ

بر هر چیز بغایت توانائی خداوندا و از برای هر متوسل جویندهٔ

وَلِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ فَأَسْأَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ

و از برای هر صاحب شفاعتی حقی هست پس سوال میکنم تو را بآنکه گردانیده

وَالْأَرْضِ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ

وزمین وکردانیدیم از پیش روی ایشان سدی واز

خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝ وَسَوَاءٌ

پس سر ایشان سدی و پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمی بینند

عَلَيْهِمْ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّمَا تُنْذِرُ

یکسان است بر ایشان بیم کردن ایشان یا بیم نکردن ایشان ایمان نمی آرند

مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ

بیم کردن تو کسی را که پیروی کند قرآن را و بترسد خدای را در غیب پس مژده ده او را

وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا

بآمرزش و مزد نیکو ما ما زنده میکنیم مردگان را و می نویسیم

وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ

آنچه پیش فرستادند و اثرهای ایشان را و هر چیزی شمرده ایم آن را در لوح محفوظ

مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ إِذْ أَرْسَلْنَا

بیان کن ایشان را مثل اهل قریه را چون آمدند بدان قریه فرستادگان

إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ

چون فرستادیم بسوی ایشان دو تن پس دروغ زن داشتند ایشان را پس قوی گردانیدیم بسوم تن پس گفتند

مُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَٰنُ

ما بسوی شما فرستادگانیم گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاده است

مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا

خدای رحمن هیچ چیز را نیستید شما مگر دروغ میگویید گفتند پروردگار ما میداند که ما

إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ قَالُوا

بسوی شما فرستادگانیم و نیست بر ما مگر رسانیدن آشکارا گفتند

إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ

ما بد شگون گرفتیم بشما اگر باز نایستید از گفتار خود سنگسار کنیم شما را و برسد شما را

مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ

از ما عذاب دردناک گفتند بدشگونی شما با شماست آیا اگر پند داده شوید بلکه

أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ

شما گروهی اسرافکارید و آمد از دور شهر مردی

قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۝ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

گفت ای قوم من پیروی کنید فرستادگان را پیروی کنید کسی را که نمی خواهد از شما مزدی

وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ

و ایشان راه یافتگانند و چیست مرا که نپرستم آن خدای را که آفرید مرا و بسوی او

تُرْجَعُونَ ۝ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ

باز گردانیده میشوید آیا بگیرم بجای او خدایان اگر خواهد مرا خدای رحمن بزیانی

لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ۝ إِنِّي إِذًا لَفِي

که دفع نکند از من شفاعت ایشان چیزی و نرهانند مرا اگر چنین کنم هر آینه

ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝ قِيلَ ادْخُلِ

در گمراهی آشکارا باشم ایمان آوردم بپروردگار شما پس بشنوید سخن من گفته شد او را در آی

الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي

بهشت گفت ای کاش قوم من میدانستند بآنچه آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا

مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۝ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ

از گرامی داشتگان و نفرستادیم بر قوم او بعد از او هیچ لشکر

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

از آسمان و نبودیم ما فرستنده آن نبود مگر یک بانگ

فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ۝ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ

پس ناگاه ایشان مرده اند دریغا بر بندگان چیست نمی آید ایشان را از

رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ

هیچ پیغامبر مگر بودند بدو ریشخند میکردند آیا ندیدند چند هلاک کردیم پیش از ایشان

مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝ وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ

از گروهها که ایشان بسوی ایشان باز نمی گردند و نیست هیچ مگر همه

لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا

نزد ما حاضر کرده شدگانند و نشانی است ایشان را زمین مرده زنده کردیم آن را

وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ

و بیرون آوردیم از آن دانه پس از آن میخورند و گردانیدیم در آن بوستانها

مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ۝ لِيَأْكُلُوا مِنْ

از خرما و انگور و روان کردیم در آن از چشمه ها تا بخورند

ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝ سُبْحَانَ الَّذِي

از میوه آن و آنچه کردند آن را دستهای ایشان آیا شکر نمی کنند پاک است آن خدای

خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا

که آفرید جفتها را همه از آنچه میرویاند زمین و از خود ایشان و از آنچه

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ

نمیدانند و نشانی است ایشان را شب بیرون میکنیم از آن روز را پس ناگاه ایشان

مُظْلِمُونَ ۝ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ

در تاریکی اند و آفتاب میرود بجایگاه خود آن اندازه کرده

الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ

خدای غالب دانا و ماه اندازه کردیم او را منزلها تا باز گشت مانند

الْقَدِيمِ ۝ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا الَّيْلُ

شاخ خرما کهنه نه آفتاب را سزد که دریابد ماه را و نه شب

سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا

پیش رونده است روز را و همه در آسمان میروند و نشانی است ایشان را که ما

حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ

بردیم فرزندان ایشان را در کشتی پر و آفریدیم ایشان را از

مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۝ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ

مانند آن آنچه سوار میشوند و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس نباشد فریادرسی ایشان را

وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ۝ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ وَإِذَا

و نه ایشان را خلاص کنند مگر رحمتی از ما و برخورداری تا وقتی معین و چون

قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

گفته شود ایشان را بترسید از آنچه پیش روی شماست و از آنچه پس شما تا شاید بر شما رحمت کنند

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝

و نمی آید ایشان را هیچ نشانی از نشانهای پروردگار ایشان مگر بودند از آن روی گردانندگان

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

و چون گفته شود ایشان را خرج کنید از آنچه روزی داد شما را خدا گفتند کافران

لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ

مؤمنان را آیا طعام دهیم کسی را که اگر خواهد خدا طعام دهد او را نیستید شما

إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

مگر در گمراهی آشکارا و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید

صَادِقِينَ ۝ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ

راستگویان نمی نگرند مگر یک بانگ که فرو گیرد ایشان را و ایشان

يَخِصِّمُونَ ۝ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۝

بخصومت مشغول باشند پس نتوانند وصیتی کردن و نه بسوی اهل خود باز گردند

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ۝

و دمیده شود در صور پس ناگاه ایشان از گورها بسوی پروردگار خود میشتابند

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ

گفتند ای وای بر ما کیست برانگیخت ما را از خوابگاه ما این است آنچه وعده کرد خدای رحمن

وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ

و راست گفتند فرستادگان نبود مگر یک بانگ پس ناگاه ایشان

جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا

همه نزد ما حاضر کرده شدگانند پس امروز ستم کرده نشود هیچ کس چیزی و

تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي

جزا داده نشوید مگر آنچه بودید میکردید بدرستی که اهل بهشت امروز در

شُغُلٍ فَاكِهُونَ ۝ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ

کار خود شادمانند ایشان و زنان ایشان در سایه ها بر تختها

مُتَّكِئُونَ ۝ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا

تکیه زنندگانند ایشان را در آنجا میوه است و ایشان را آنچه میخواهند سلام گفته شود

مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ ۝ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ۝ أَلَمْ أَعْهَدْ

از پروردگار مهربان و جدا شوید امروز ای گنهکاران آیا نفرمودم

إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

بشما ای فرزندان آدم که نپرستید شیطان را بدرستی که او شما را

مُبِينٌ ۝ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ

دشمن آشکارا است و اینکه بپرستید مرا این است راه راست و بتحقیق گمراه کرد از شما

جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ

گروهی بسیار آیا نبودید که خرد میکردید این است دوزخ که بودید

تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ

وعده داده میشدید بسوختن امروز بآنچه بودید کافر میشدید امروز مهر میکنیم

عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

بر دهانهای ایشان و سخن میگوید با ما دستهای ایشان و گواهی میدهد پایهای ایشان بآنچه بودند

يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ

کسب میکردند و اگر خواهیم محو کنیم بر چشمهای ایشان پس بشتابند بر راه

فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا

پس چگونه بینند و اگر خواهیم مسخ کنیم ایشان را بر جایگاه ایشان پس نتوانند

اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ۝ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ

رفتن و نه باز گردند و هر که عمر دهیم او را باز گردانیم او را در آفرینش

أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا

آیا خرد نمیکنند و نیاموختیم او را شعر و نه سزد او را نیست این مگر

ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ۝ لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى

پند و قرآن آشکارا تا بیم کند هر که زنده دل باشد و ثابت شود سخن بر

الْكَافِرِينَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا

کافران آیا ندیدند که ما آفریدیم ایشان را از آنچه کردند دستهای ما

أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ۝ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ

چهارپایان پس ایشان مالکان آنند و رام کردیم آنها را ایشان را پس از آنها سواری ایشان

وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ۝ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝

و از آنها میخورند و ایشان را در آنها منفعتها و آشامیدنیها است آیا شکر نمی کنند

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ۝ لَا يَسْتَطِيعُونَ

و گرفتند بجای خدا خدایان تا شاید ایشان را یاری کنند نتوانند

نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ۝ فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا

یاری دادن ایشان را و ایشان لشکری اند حاضر کرده شدگان پس اندوهگین نکند تو را سخن ایشان بدرستی که ما

نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ

میدانیم آنچه پنهان میدارند و آنچه آشکارا میکنند آیا ندید آدمی که ما آفریدیم او را

مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ

از نطفه پس ناگاه او دشمن آشکارا است و بیان کرد برای ما مثل و فراموش کرد

خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ۝ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي

آفرینش خود را گفت کیست زنده کند استخوانها را و حال آنکه پوسیده است بگو زنده کند آنها را آن

أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ۝ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ

خدای که پدید آورد آنها را نخست بار و او بهمه آفرینش دانا است آن خدای که گردانید شما را

مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ۝ أَوَلَيْسَ

از درخت سبز آتش پس ناگاه شما از آن آتش میافروزید آیا نیست

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

آن خدای که آفرید آسمانها و زمین را توانا بر آنکه بیافریند مانند ایشان

بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ

آری و او آفریننده داناست جز این نیست که فرمان او چون خواهد چیزی را

يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ

که گوید او را باش پس باشد پاک است آن خدای که بدست او است پادشاهی هر چیز

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝

و بسوی او باز گردانیده میشوید

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

تنها است نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم که محمد بنده اوست

وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ

و رسول اوست و گواهی میدهم که قیامت آینده است نیست شکی

فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ

در آن و اینکه خدا برمی انگیزد هر که را که در قبرهاست بر این اعتقاد

أَحْيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ

زنده ام و بر این میمیرم و بر این برانگیخته میشوم اگر خواهد

اللَّهُ أَقُولُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ السَّلَامِ

بگذارید بگویم محمد را رحمت کند خدا بر او و آل او از تحیات درود

بَعْدَ أَنْ يَكُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بعد از آن که بگوئی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي

در روز هرگاه ظاهر شود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در

اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

شب هرگاه بپوشاند و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا

در آخرت و دنیا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادام

لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا اطَّرَدَ

که ظاهر شوند دو تازه و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادام که

الْخَافِقَانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا صَلَّى

باشند مشرق و مغرب و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادام که نماز

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا عَسْعَسَ لَيْلٌ وَمَا

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادام که بیاید شب و مادام که

أَضَاءَ فَجْرٌ وَمَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ

برود شب تاریک و مادام که بنفس زند صبح و مادام که روشن شود

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ

خدایا بگردان محمد را خطیب وارد شوندگان مؤمنان بسوی تو

وَالْمَكْسُوَّ حُلَلَ الْأَمَانِ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ

و پوشانیده شده جامهای امان هرگاه بایستد در برابر تو و

النَّاطِقَ إِذَا خَرِسَتِ الْأَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ

گویا هرگاه گنگ شوند زبانها بثنای تو

اللهم اجعل منزلته وارفع درجته واظهر حجته
خداوندا بلند کن منزلت او را و رفیع کن مرتبه او را و ظاهر کن حجت او را
فتقبل شفاعته وابعثه المقام المحمود الذي
و قبول کن شفاعت او را و فرست او را منزلی پسندیده شده که
وعدته واعطه ما لم تبدث المحدثون من امته
وعده کرده او را و بده مر او را از هوای او را بخشیده احداث کرده امت او را
بعدك اللهم اني اسألك موجبات رحمتك
بعد از او خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو را واجبات رحمت تو را
وعزائم مغفرتك والغنيمة من كل بر
و عزم کنندگان امرزش تو را و غنیمت بردن از هر نیکی
والسلامة من كل اثم واسألك الفوز
و سلامتی از هر گناهی و سوال میکنم تو را فیروزی
بالجنة والنجاة من النار اللهم صل على محمد
بهشت و خلاصی از آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد
وآل محمد واجعل لي في صلواتي ودعائي زكية
و آل محمد و بگردان از برای من در نمازم و دعایم تزکیه

تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِي وَتُؤْمِنُ بِهَا دَعْوَتِي وَتُكَشِّفُ بِهَا

کہ پاک کردانی بان دل مرا و امان دہی بان دعوتِ مرا و رفع کنی بان

كُرْبَتِي وَتَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِي وَتُصْلِحُ بِهَا أَمْرِي وَتُفَرِّجُ

اندوہ مرا و بیامرزی بان گناہ مرا و اصلاح کنی بان حال مرا و تفرج

بِهَا فَقْرِي وَتُذْهِبُ بِهَا ضُرِّي وَتُفَرِّجُ بِهَا

بان درویشی مرا و ببری بان بدحالی مرا و زایل کنی بان

هَمِّي وَتَسْلِي بِهَا غَمِّي وَتَشْفِي بِهَا سُقْمِي

ہم مرا و تسلی دہی بان غم مرا و شفا دہی بان بیماری مرا

وَتُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي وَتُجَلِّوْا بِهَا حُزْنِي وَتَقْضِي

و ایمن کردانی بان ترس مرا و ببرطرف کنی بان اندوہ مرا و ادا کنی

بِهَا دَيْنِي وَتُجْمِعُ بِهَا شَمْلِي وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي

بان قرض مرا و جمع کنی بان پراکندگی مرا و سفید کردانی بان روی مرا

وَتُجْعَلُ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا زَالَ عَنِّي

و بگردانی انچہ نزد تو است خیر از برای من

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ اللّٰهُمَّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلَا يَرْحَمُ

خداوندا بدرستی کہ میخوانم ترا خداوندا کہ نمی گشاید اندوہ مرا مگر تو و نمی بخشاید

بہ نیمہ ترین مذہب ابی سیلاد
محمود بایعہ جم

لا تسئل الا منك ولحاجة لا يقضيها الا

گردیده نمیشود مگر از جانب تو برای حاجتی که برنمی آورد آنرا مگر

انت يا كريم اللهم كما كان من شأنك ما اردت

تو ای صاحب میل چنین خداوندا پس نباشد بود از امر تو آنچه اراده کرده

به من ذكرك والمحبة به من شكرك ودعاك

بلند از یاد او ری تو و وردها ز حمد او خبر بوی از شکر تو و خواند تو

فليكن من شأنك الاجابة لي فيما دعوتك

پس بوده شد از امر تو اجابت کردن مرا در آنچه خواندم تو را

والنجاة مما فزعت اليك منه فان لم اكن

و نجاة از آنچه پناه آورده ام بسوی تو از آن پس نبوده باشم

اهلا ان ابلغ رحمتك فان رحمتك اهل

من سزاوار آنکه برسم برحمت تو پس بدرستی که رحمت تو سزاوار آنست

ان تبلغني وتسعني لانها وسعت كل شيء

که برسد بمن و کفایش داشته باشد مرا زیرا که کفایش داده هر چیزرا

وانا شيء فلتسعني رحمتك يا مولاي بعد ان

و من چیزیم پس باید که کفایش داشته باشد رحمت تو ای خدای من

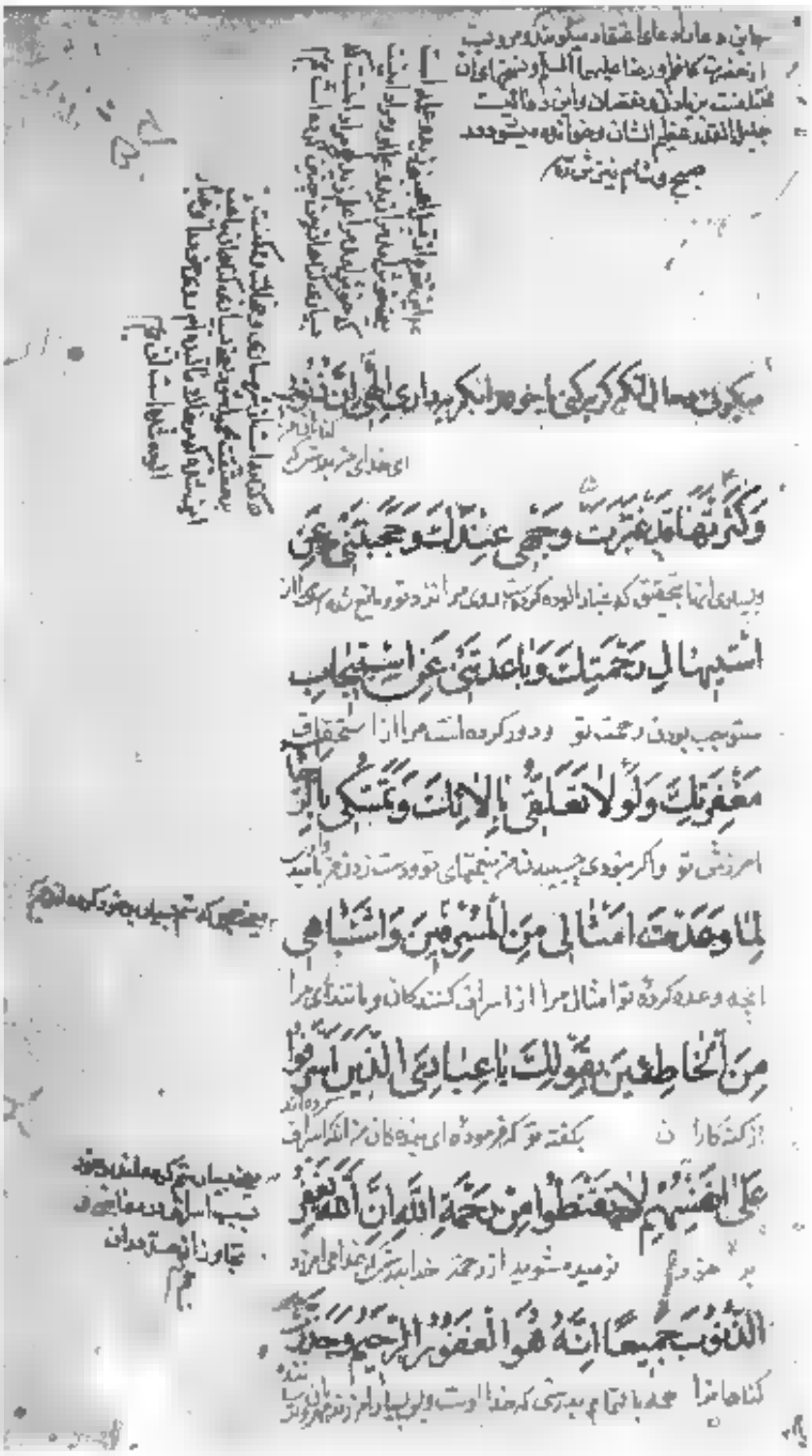

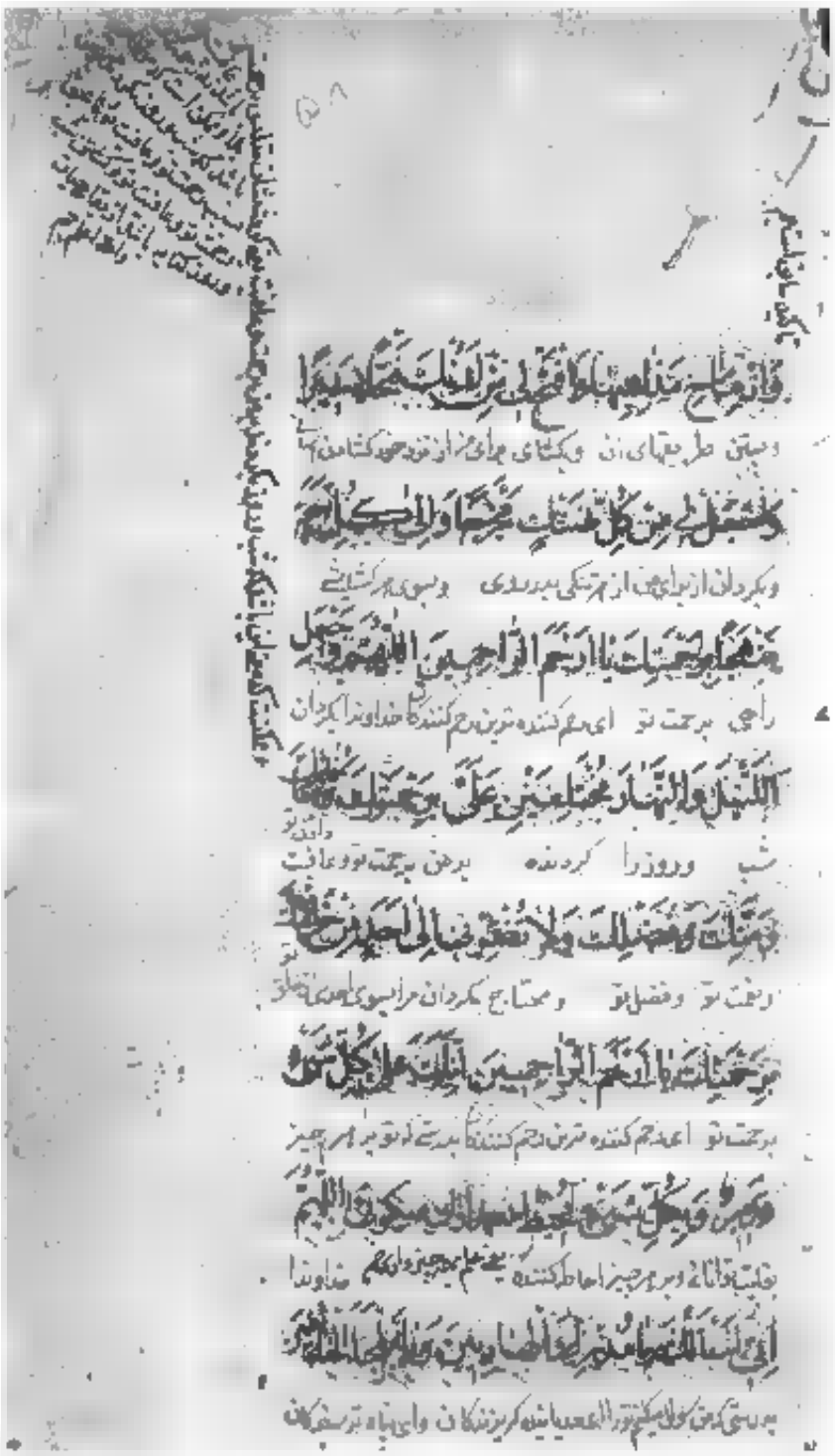

وَالطَّوْلِ الْعَظِيمِ يَا مَعْرُوفًا بِالْإِحْسَانِ يَا مَوْصُوفًا

وبفضل بزرگ ای شناخته شده باحسان ای وصف کرده شده

بِالْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ تَصَرَّفَتْ عَنْ وَصْفِهِ أَلْسُنُ

بمنت دادن ای آنکه کوتاه هست از وصف او زبانهای

الْوَاصِفِينَ وَتَقَطَّعَتْ عَنْهُ أَفْكَارُ الْمُفَكِّرِينَ

وصف کنندگان وبریده شده است از او فکرهای فکر کنندگان

يَا شَاهِدَ النَّجْوَى يَا كَاشِفَ الْغَمِّ وَدَافِعَ الْبَلْوَى

ای داننای راز ای زایل کننده غم ودفع کننده بلا

يَا عَظِيمَ التَّجَاوُزِ وَالْمَوْلَى يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ

ای عفو بسیار کننده وبرورنده ای بخشنده ای فضل کننده ای احسان کننده

يَا جَلِيلُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ صَغِيرٌ عَنْ كَبِيرٍ وَلَا كَبِيرٌ

ای بزرگوار ای کسی که مشغول نمیسازد او را کوچکی از بزرگی ونه حقیری

عَنْ خَطِيرٍ يَا مَنْ بَادَرَ بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَارِهَا

از شریفی ای کسی که مبادرت کرده است بخشیدن نعمتها پیش از استحقاق

وَالْعَطِيَّةِ قَبْلَ اسْتِجْلَابِهَا يَا أَحَقَّ مَنْ عُبِدَ

وبفضل پیش از استجلاب آن ای سزاوارترین کسی که پرستیده

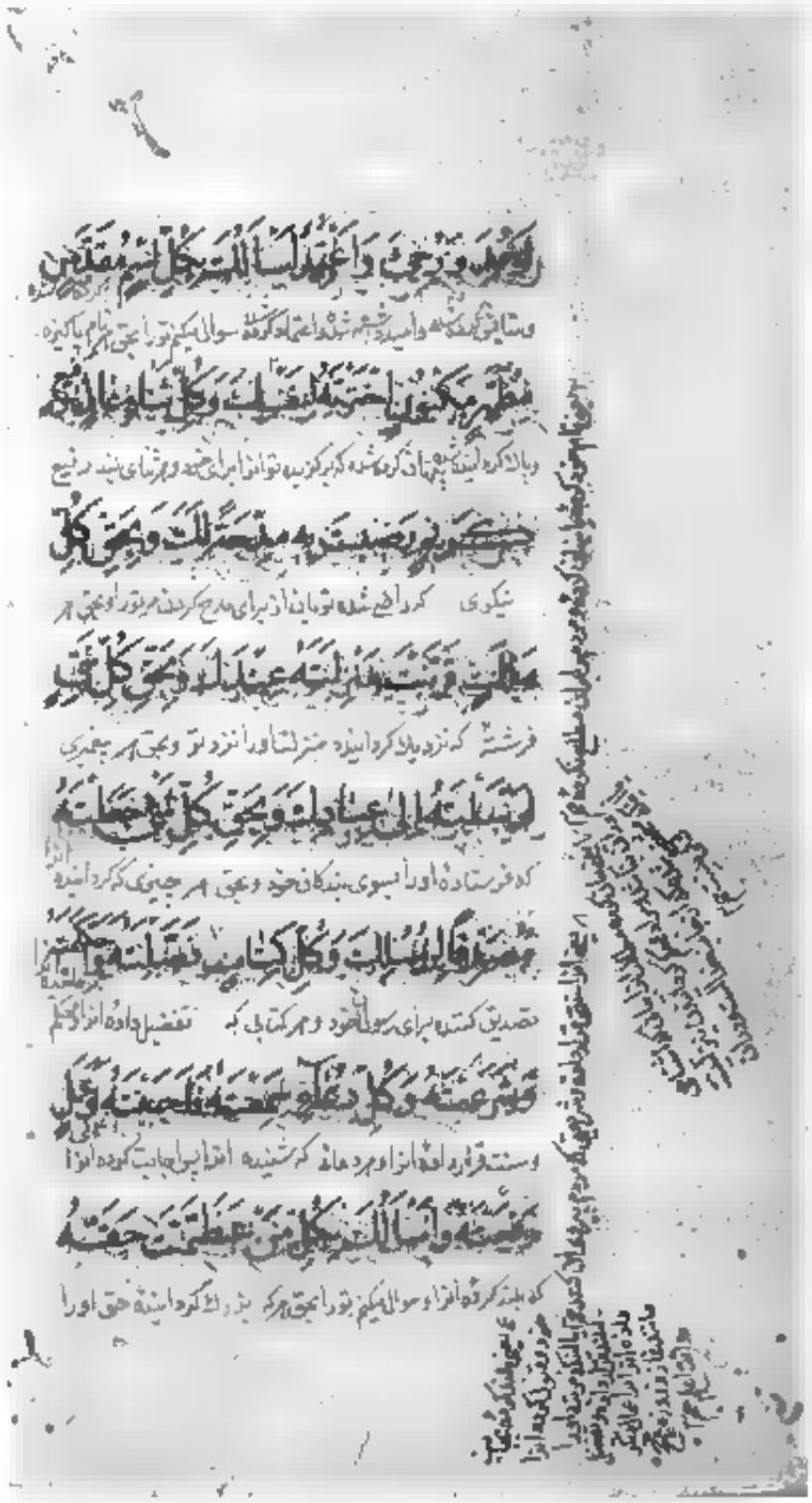

بِأَنَّكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا بَارِئُ يَا بَارِئُ يَا بَارِئُ وَأَنَا عَبْدُكَ لَكَ طَائِعًا

ای خدا ای خدا ای خدا ای بیدا کنندهٔ ای بیدا کنندهٔ ای بیدا کنندهٔ رغبت میکنم بسوی تو در حالی

وَعَائِذًا وَأَوَّلًا وَآخِرًا بِحَبِيبَاتِ وَرَسُولَاتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

وعائذ واول واخر بحبیبات تو ورسولات تو محمد پیغمبر

الْمُرْسَلِينَ وَأَشْرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَبِآلِهِ

رسولان وشریفترین گذشتگان واستگان وبرسالت

الَّتِي أَدَّاهَا وَالْعِبَادَةِ الَّتِي اجْتَهَدَ فِيهَا وَالْمَخَافَةِ الَّتِي

که ادا کرد او را عبادتی که صرف طاقت کرد در آن وبخشی که

صَبَرَ عَلَيْهَا وَالْمَعْرُوفِ الَّتِي دَعَا إِلَيْهَا وَالْإِيمَانِ

صبر کرد بران وامر بشی که خواند بسوی آن واطاعتی

الَّتِي خَصَّ بِهَا مُنْذُ وَقْتِ رِسَالَتِهِ إِيَّاهُ

که مخصوص کرد بران از وقت فرستادن تو او را

إِلَى أَنْ تَوَفَّيْتَهُ وَبَيْنَ ذَلِكَ مِنْ أَقْوَالِ الْحِكْمَةِ

تا وقتی که رحلت فرمودی او را وبا فرمودن او از اقوال حکمت او

وَأَفْضَلِ الْكَرَمِ وَمَقَامَاتِ الشَّهْوَةِ وَسَاعَاتِهِ

وافضال او نیکوی او ومقامهای حاضر کردن شهوت او وساعتهای

المعهود وان تصلي عليه كما وعدته من نفسك

شرمنده شده اینکه رحمت نویسی بر او چنانکه وعده کرده او را از جانب

وتعطيه افضل ما امّلوا من ثوابك وزلفاه عندك

برعطا کنی باو افضل انچه قصد کرده اند از ثواب تو و نزدیکی

منزلته ورفعة عندك درجته وتبعثه المقام

منزلت او را و بلند کردن نزد خود مرتبه او را و برانگیزی او را جایگاه

المحمود وتوردنه حوض الكريم والجواد حوضه

پسندیده و وارد سازی او را بر حوض کریم وجواد وبر

الى الطيبين الاطهار المنجبين الابرار الذين

اله او که پاکیزگان پاکان برگزیدگان نیکوکار اند

جبرئيل وميكائيل وملك الموت والملائكة المقربين والى

جبرئیل ومیکائیل وفرشته موت ومقربان والی

جميع الانبياء والمرسلين والشهداء والصالحين

جمیع پیغمبران ورسولان وشهیدان وصالحان

اللهم اني اصبحت لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا

خداوندا بدستی که صبح کردم امید ندارم برای نفس خود ضرری را ونه نفعی

لعفوك مفتقر الى عفوك طالب بعفوك راج

سر فرو نیاورد فقیر نیست بسوی عفو تو صاحب حاجتست بسوی

سخطك وقد منعني الفقر وآلمني الضر وعلمني

رحمت تو و بتحقیق که رسیده است مرا فقر و رسیده است مرا ضرر و آموخته است مرا

الخصاصة وعرّفني الحاجة وذوّقتني الزلة

احتیاج و شامل شده است حاجت و نشان کرده شده است مرا خواری

وحلّتني المسكنة ووحفت على الكلمة ولحاجتي

و غلبه کرده است بر من درویشی و سزاوار کرده است مرا خاموشی

الى الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدته

بسوی گناه و این وقتیست که وعده شده

لأوليائك فيه الاجابة فامسح ما بي بيمينك

دوستان خود را در آن اجابت کردن فرو خواندن را نیز در وقت بده

الشافية وانظر اليّ نظرة لا تعقّب الراحة واكفني

شفا دهنده خود و نگاه کن بسوی من بدیده که نگاه کردنی

بي رحمة تواسعها وافضل عليّ بجود تهبني

فراخ رحمت و اسع خود و بر من بفضل خود ببخش که

حاجیان است که قاصد
مقصد خواهند شد
و بنی جهانت خواهند

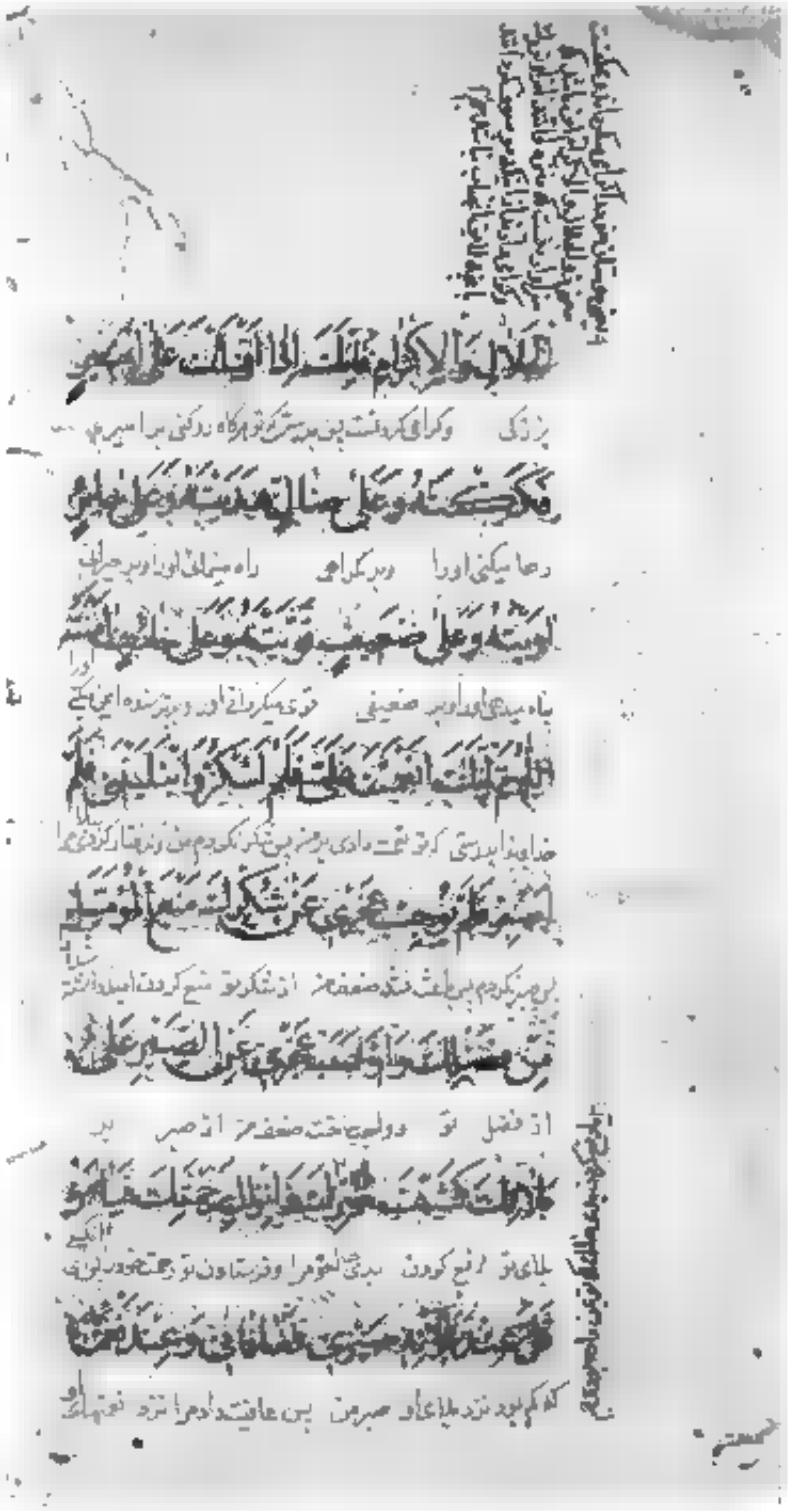

شكري فاعطني أسألك المزيد من فضلك

شکر ترا پس عطا کن مرا سوال میکنم ترا زیادت از فضل تو و

والإيزاع لشكرك والإعتناء بمحامدك

و بدل از ادای شکر تو و بدل رعایت نعمتهای تو و

العافية واسبغ النعمة عليك في كل شيء

عافیت و کامل گردان نعمت بر تو در هر چیز بعنایت خود

اللهم لا تخلني من هذه ولا تنزعني لغاية بعدك

خداوندا و امکنان مرا از دست خود و مکدار مرا دور از تو بعد از برای

ولا لعدوي ولا توحشني من لطائف الجميل

و نه از برای دشمن من و وحشت حفر مرا از لطفهای بسیار تو

وكفايات الجميلة هذا مقام العائذ بك اللاذ

و کفایتهای جمیله این مقام کسیست که پناه آورنده بتو التجا

بعفوك المستجير بعزك الملاذ بسترك أعلام قدرتك

بعفو تو پناه جوینده بعزت تو بلند پرده تو بحقیقت دیده عبارت عنها

فارزم آثار رحمتك اللهم تولني ولاية تغنيني بها

پس بنما باو آثار رحمت خود را خداوندا تو او را متولی شو ولایتی که غنی میسازد

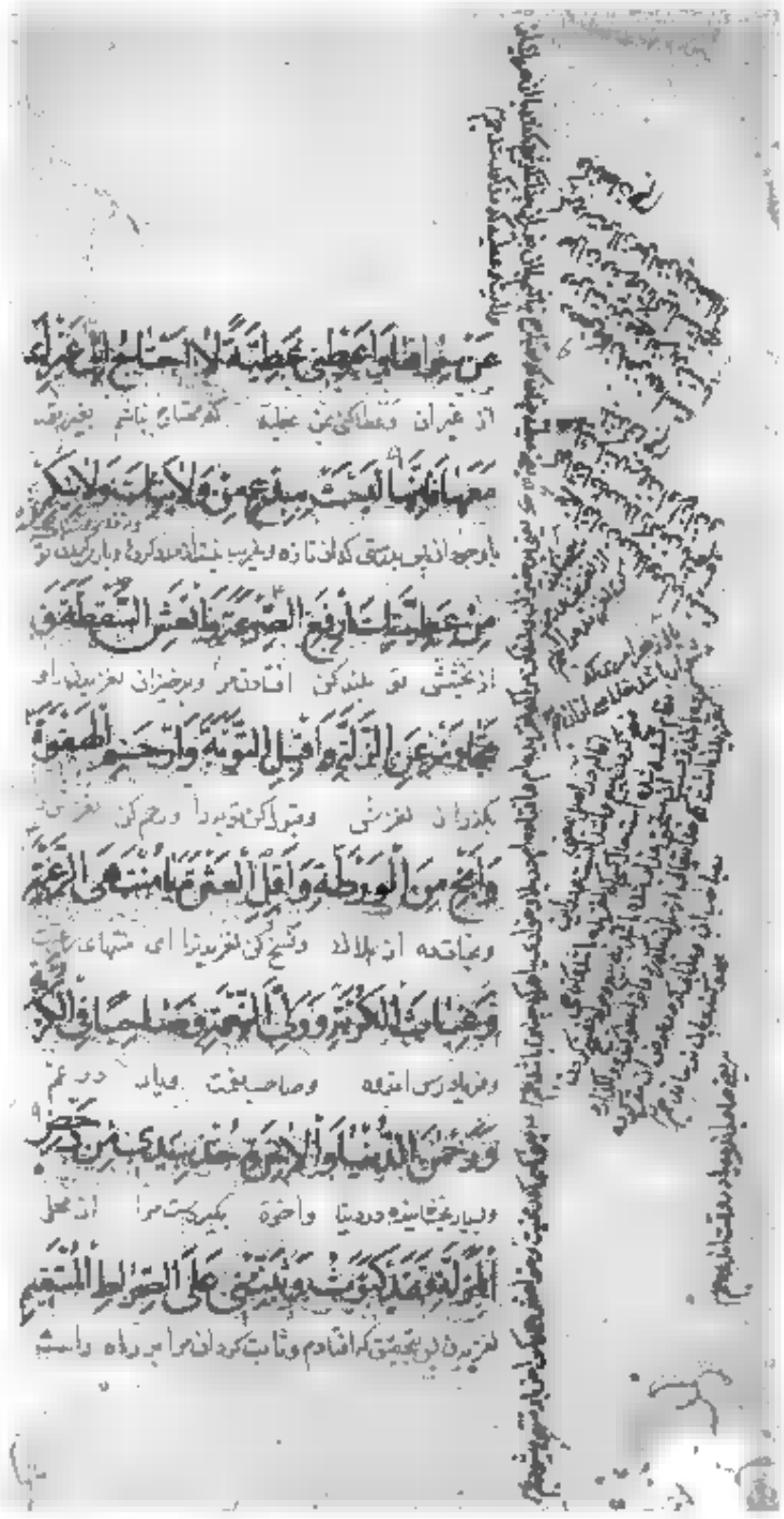

وَالاَهْوِيَتْ يَا هَادِيَ الطَّرِيقِ يَا فَارِجَ الضِّيقِ

یا کریمی که خواهی بودن شادی دهنده راه ای کشاینده تنگی

يَا جَارِيَ الْتَّصْدِيقِ يَا كَاشِفَ الْوَثِيقِ احْلُلْ عُقَدِي

وای جاری شده در بلوی جزای کن محکم من بکشای از من

الْمَضِيقِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا اُطِيقُ وَمَا لَا اُطِيقُ يَا اَهْلَ

تنگی را . وکفایت کن مرا در شر آنچه طاقت ندارم و آنچه طاقت

التَّقْوَى وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ وَالْعَزْمِ وَالْعَفْوِ وَالْاَنَاةِ

پرهیزکاری و اهل آمرزش و عزت و توانائی و رفق

وَالْعَظَمَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي

و بزرگی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مبر از خود امید مرا

وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي وَلَا تُجْهِدْ بَلَائِي وَلَا تُشْمِتْ بِي

و ناامید مکردان دعای مرا و سخت مکردان بلای مرا و شادمان مکن

وَلَا تَجْعَلِ النَّارَ مَثْوَايَ وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ مَنْزِلِي

و مکردان آتش را جایگاه من و مکردان بهشت را منزل

وَاَعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا مُنَايَ وَبَلِّغْنِي مِنَ الْاٰخِرَةِ

و عطا کن مرا از دنیا آنچه خواهی مرا و برسان مرا از آخرت

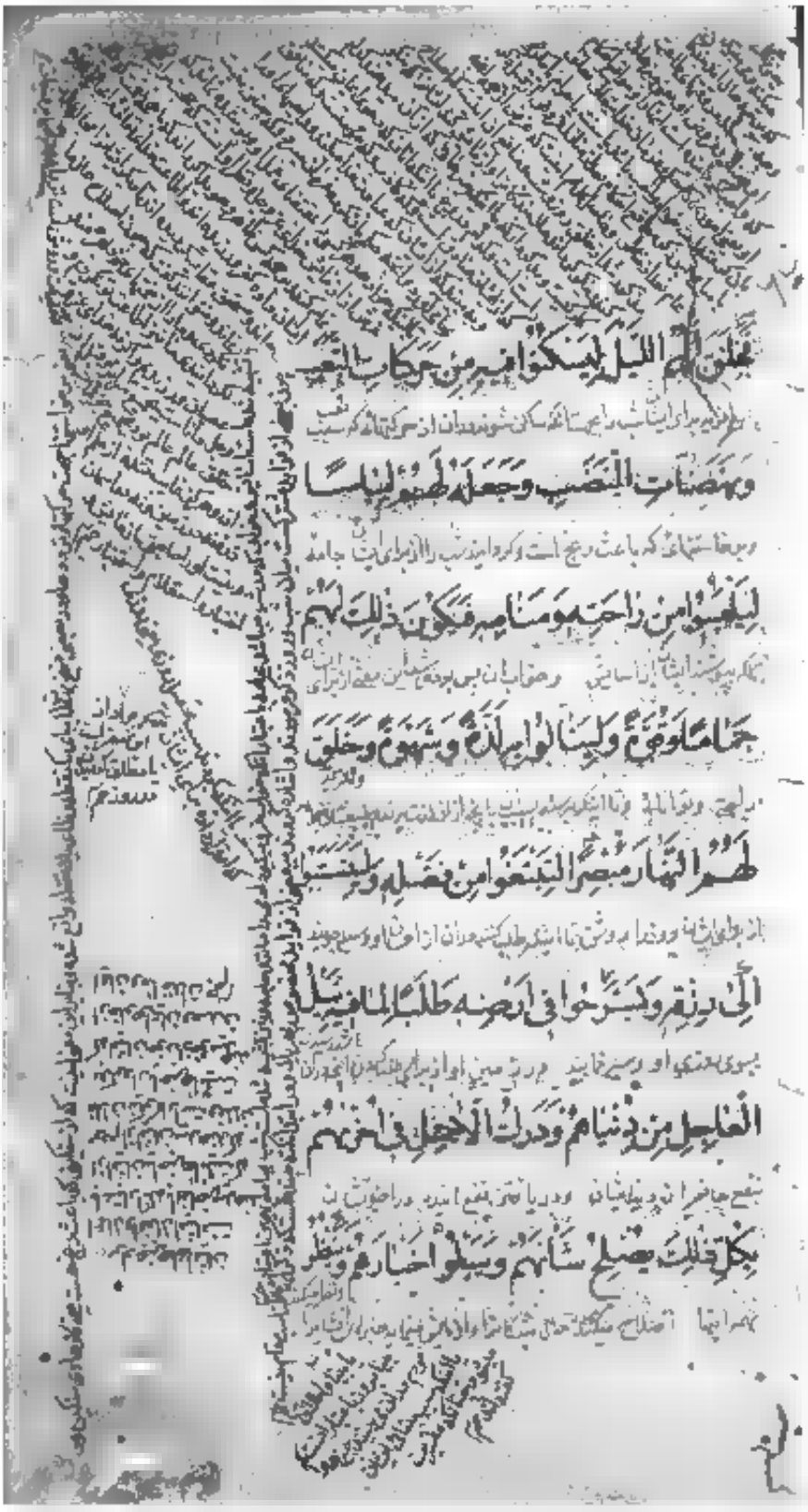

كَهْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَمَضَارَّ لِلرُّوحِهِ

كه جكونه انديشان در وقتهاى طاعت او ودرجاهاى والجيزاد

وَمَوْلِفَ أَحْكَامِهِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

وموقف احكام او تا انكه باداش بدهد آنان را كه نيكوكرده اند

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا پس مر ترا است سپاس بر انچه شكافتى از براى ما از صبح

وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ هُدُوِّ النَّهَارِ وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنْ مَطَالِعِ

وبهره مند كردانيدى ما را بآن از خفتكى روز وبينا كردى ما را بآن

الْأَنْوَارِ وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْأَقْدَارِ

روزها وكاه داشتى ما را در آن از انچه كه در شب حادث ميشود

أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِمَلَإٍ مِنْهَا لَكَ

صباح كرديم ما وصباح كرد همه چيزها بحكمى از انجام از براى تو

سَمَاوَاتُهَا وَأَرْضُهَا وَمَا أَبَانَتْ وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا

اسمانهاى او وزمين او وانچه پراكنده ساخته در هريك از زمين و

سَاكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ وَمُقِيمُهُ وَشَاخِصُهُ وَمَا عَلَا

ساكن او وجنبنده او واقامت كننده او وروونده او وانچه بالا كرفته

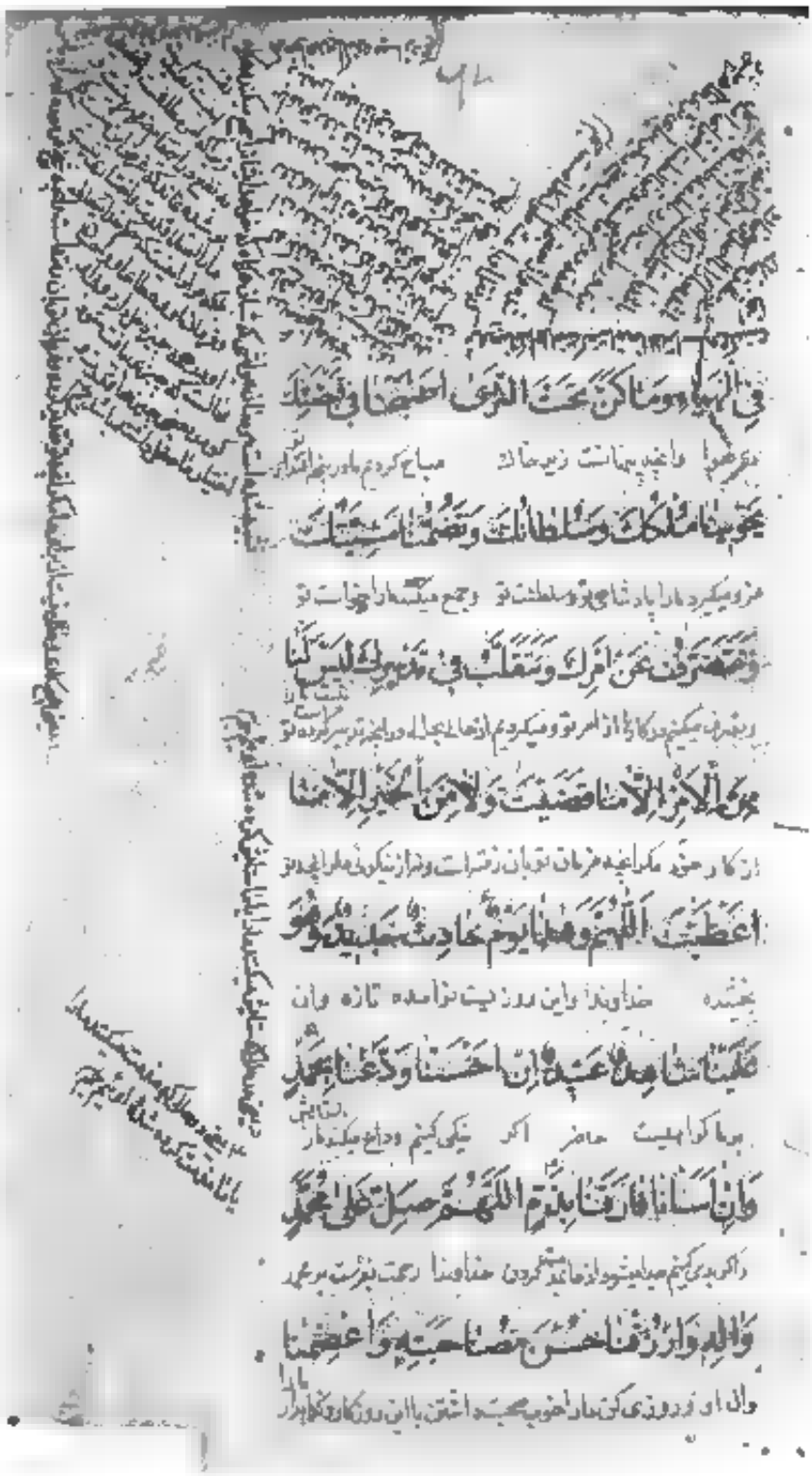

فِي النَّهَارِ وَمَا كَنَّ بِحَتِّ الثَّرَى اصْطَفَاكَ فَضْلُكَ

مقرر شود و آنچه پنهانست زیر خاك مباح کردم یا در بحر اقدار

يَجُوبُ بِنَا مُلْكَكَ وَسُلْطَانَكَ وَتَضُمُّنَا مَمْلَكَتُكَ

مزد میکرد ما را پادشاهی تو و سلطنت تو و جمع میکند ما را مملکت تو

وَتَصَرُّفُ عَنَّا أَمْرَكَ وَتَقَلُّبُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنَا

و تصرف میکنند در کار ما از امر تو و میکردیم از نهاد جلال و در تدبیر تو بر گزیده تو

مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا

از کار هیچ مگر آنچه فرمان تو بران رفته است و از نیکی هیچ مگر آنچه

أَعْطَيْتَ اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ

بخشیده خداوندا و این روز نیست نو آمده تازه و آن

عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ

بر ما گواهیست حاضر اگر نیکی کنیم وداع میکند ما را

وَإِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و اگر بدی کنیم جدا میشود از ما بنکوهش خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَآلِهِ وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنَا

و آل او و روزی کن ما را خوب صحبت او و نگاه دار ما را

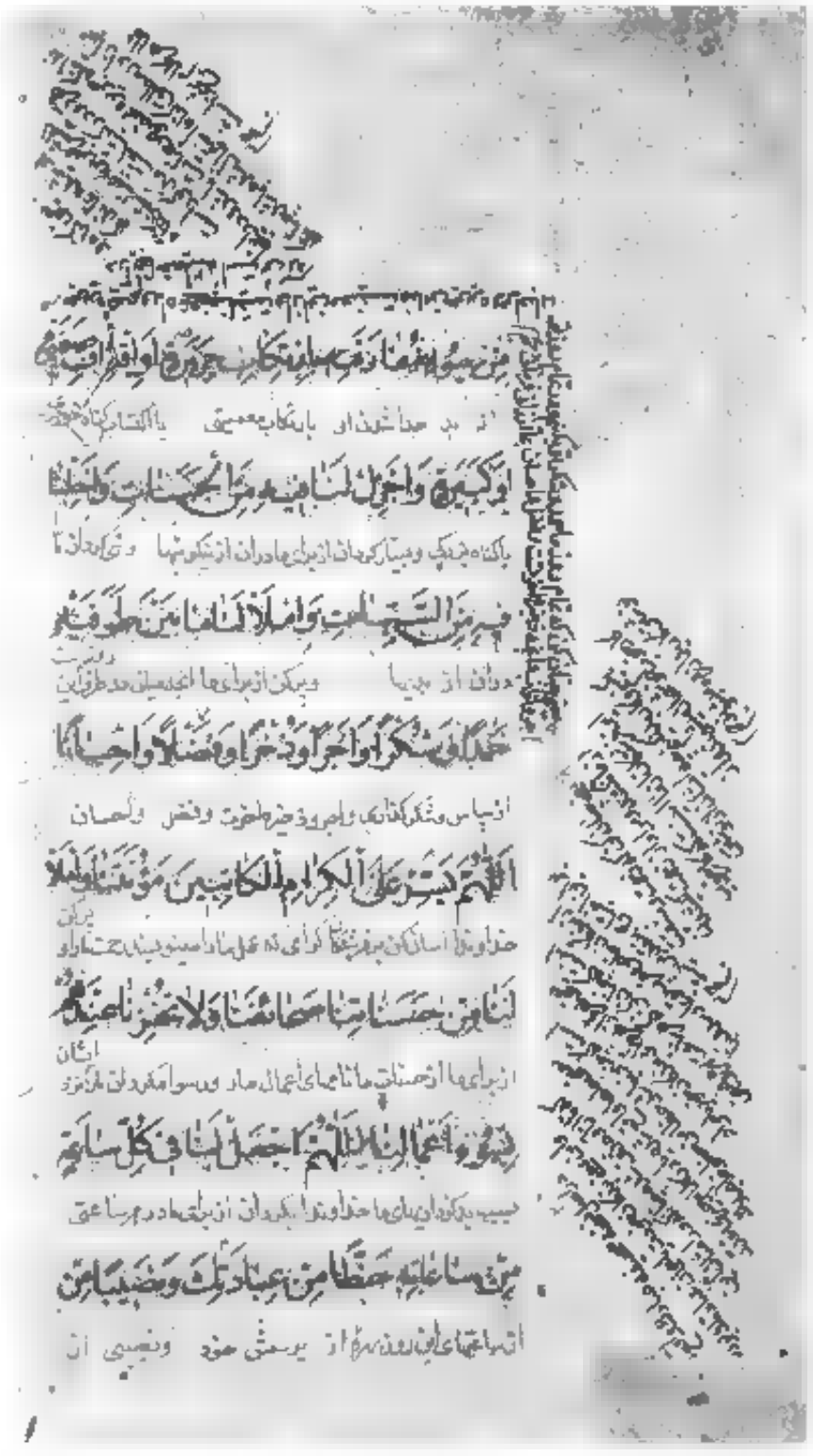

شَكَرَةً وَشَاهِدَةً وَمُؤَيِّدَةً مَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ

شکرکنان او و گواه و یاری از فرشتگان خود خلوت او را

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْهُ بِهِمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ

بر محمد و آل او و نگاه دار او را بدان از پیش دوی ما و از

خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ

پس سرها و از جانبهای راست ما و از جانبهای چپ ما و از همه

نَوَاحِينَا حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا

جانبها نگاه داشتنی که نگاه دارنده باشد از معصیت تو راه نماینده باشد

إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بسوی طاعت تو کار فرموده شده با بدوستی تو خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي

و آل او و توفیق ده ما را در این روز ما و این شب ما و در

جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهُجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ

همه روزهای ما را بر ای کردن کار خیر و دوری کردن از شر و

النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ

شرعت من شرايعك واوقفهم عما حددت
شروع کرده از شریعتهای خود وباز ایستاده میکنی ایشانرا از آنچه مقرر نمودی
من مناسكك اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا
از مناسک خود خدایا بدرستی که من گواه میگیرم تو را و بسی تو برای گواهی
واشهد سمائك وارضك ومن اسكنتهما من
وگواه میگیرم آسمانهای تو را و زمین تو را و هر که را ساکن گردانیدی
ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا و
فرشتگان تو وباقی آفریدهای تو در این روز و
ساعتي هذه وليلتي هذه ومستقري هذا انك
در این ساعت و در این شب من و در این جایگاه من براستیکه
انت اشهد انك انت الله الذي لا اله الا انت
گواهی میدهم که تو تنی خدائی که نیست خدائی مگر تو
قائم بالقسط عدل في الحكم رؤوف بالعباد
پیدارنده انصاف عادلی در حکم بسیار مهربان بندگان
مالك الملك ترحم بالخلق وان محمدا عبدك
صاحب پادشاهی ترحم کننده بخلایق وانکه محمد بنده تست

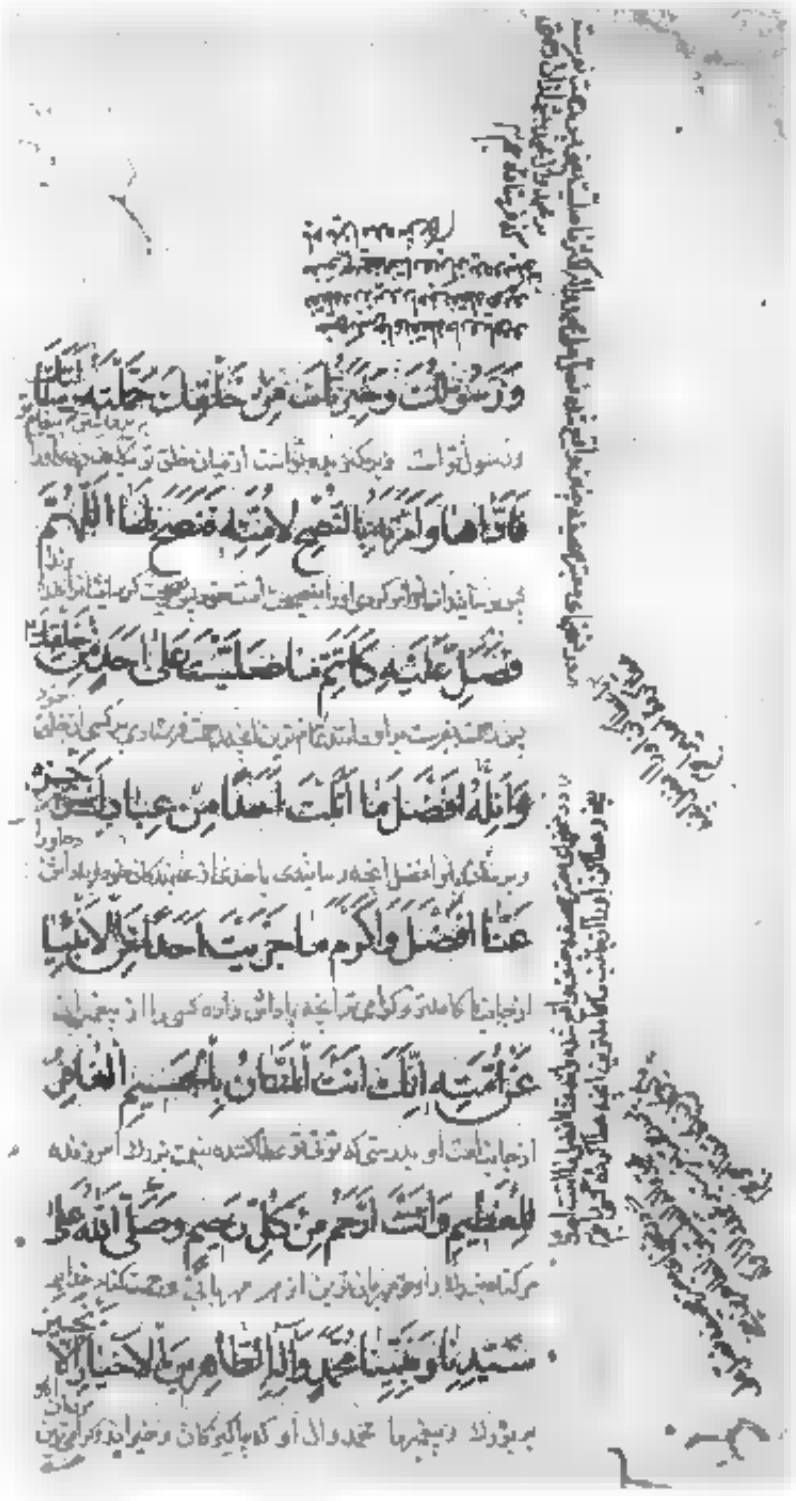

وچون كه دعاها و ذكرها كه وارد شده است از ائمه
عليهم السلام الله عليهم در تعقيبات صبح بسيار است
جدا و ما اكتفا كرديم باين قدر جهة الاختصار و الله ولي
الاعانة و التوفيق و بدانكه اصحاب ذكر كرديم امرا از تعقيب
ماخوذ است از روايات متعدده و جمع شده اند
در روايت واحدي پس مراست كه اقتصار كني بر بعضي
از آن هر گاه وسعت نداشته باشي و وقت تو از براي
همه و هر گاه بيابي از نفس خود سستي و ملالي پس
قطع كن تعقيب را و تكليف مفرما او را بر اتمام كردن آن
بي ميل بسوي آن و اقبال بر آن زيرا كه توجه و اقبال
روح عبادة و دعامت و سعادت است نشستن تو
در مصلاي خود بعد از نوافل نماز صبح تا اينكه طلوع كند
آفتاب و هر چند بوده باشي مشغول بتعقيب پس
بتحقيق كه روايت شده است از حضرت امير المؤمنين
عليه السلام كه فرموده است هر كه هر گاه نماز كند پس بنشيند
مصلاي خود تا طلوع آفتاب خواهد بود از براي او

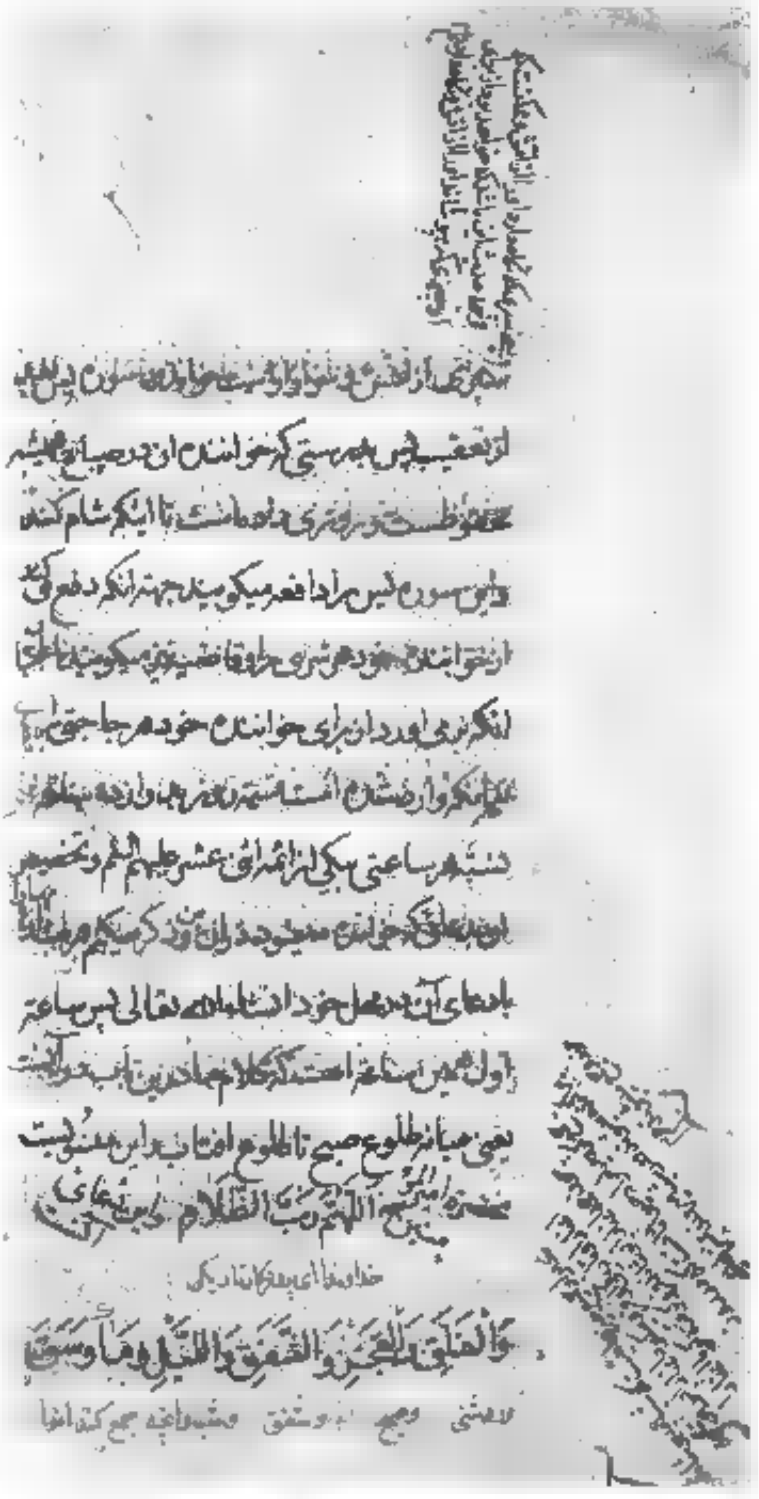

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ خَالِقَ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ اظْهَرْتَ

وماه چون راه جمع شود ای آفریننده انسان از پاره جمع شدن نظام

قُدْرَتَكَ بِبَدِيعِ صَنْعَتِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ

قدرت خود را بصنعت بدیع خود وآفریدهٔ بندگان خود را

لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ بِكَرَمِ فَضْلِكَ

برای آنچه تکلیف کردهٔ ایشان را از عبادت خود و راه نمودهٔ ایشان را بکرم فضل خود

إِلَى السَّبِيلِ لِطَاعَتِكَ وَتَعَرَّفْتَ فِي مَلَكُوتِكَ

سوی راه طاعت خود و بگاه جبروت پادشاهی خود

بِعَظِيمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّدْتَ إِلَى خَلْقِكَ

بسلطنت عظیم و باظهار کرده و بدوستی خلق خود

بِعَمِيمِ الْإِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ إِلَى بَرِيَّتِكَ بِتَحْمِيدِ

بانعمان عام و باظهار کرده بر آفریدگان خود بستودن

الْأَمْتَانِ بِمَا تَسْأَلُ الْمَرْءَ فِي التَّمَوُّلِ وَالْأَثَرِ

دادن جسیم آنچنانکه سؤال میکنند او را هرگاه در سایهٔ او زیادت

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ

هر روز او در کاری و بعزیت سؤال میکنم ترا خدایا بمحمد

عجبی و تعرج کربی و سلبنی من حلاوة مناجاتک و
عجب بردارد و فرج کند اندوه مرا و برباید از من حلاوت تو
عبادتک آمالی و تقضی لی حوائجی الدنیا و الآخرة
عبادت تو بارزوی من و برآورد مرا حاجتهای مرا دنیا و
یا ان حضر الرجل عند من یجوز له ان یکبر و ان
آخرت یا آنکه حاضر شود مرد نزد کسی که جایز است که تکبر کند و
لا یکبر و هذا من جملة التعقیب
نکند این دعا از جمله تعقیب
یا آنکه بوده باشد آخر آنچه بجا می آورد پس از نماز
سجدهٔ شکر پس تحقیق که روایت کرده است و علیبن جعفر
در فقه خود از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمود
که سجدهٔ شکر واجب است بر هر مسلمانی تمام میکند با نماز
خود و راضی میگردانی آن پروردگار خود را و میگفت
صد بار شکر از تو و باید بسی که بنده هر گاه نماز کند بعد
از آن سجده کند بعد شکر را میگفت باید پروردگار
جبار ایمان بنده و میان ملائکه پس میفرماید ای ملائکه
من نگاه کنید بر بنده من بجا آورد آنچه فرض من بر او لازم
کرده ایست عمل او پس سجده کرد است برای من جهة

یا آنکه بجا آورد ملتفت
از صفحه ۳

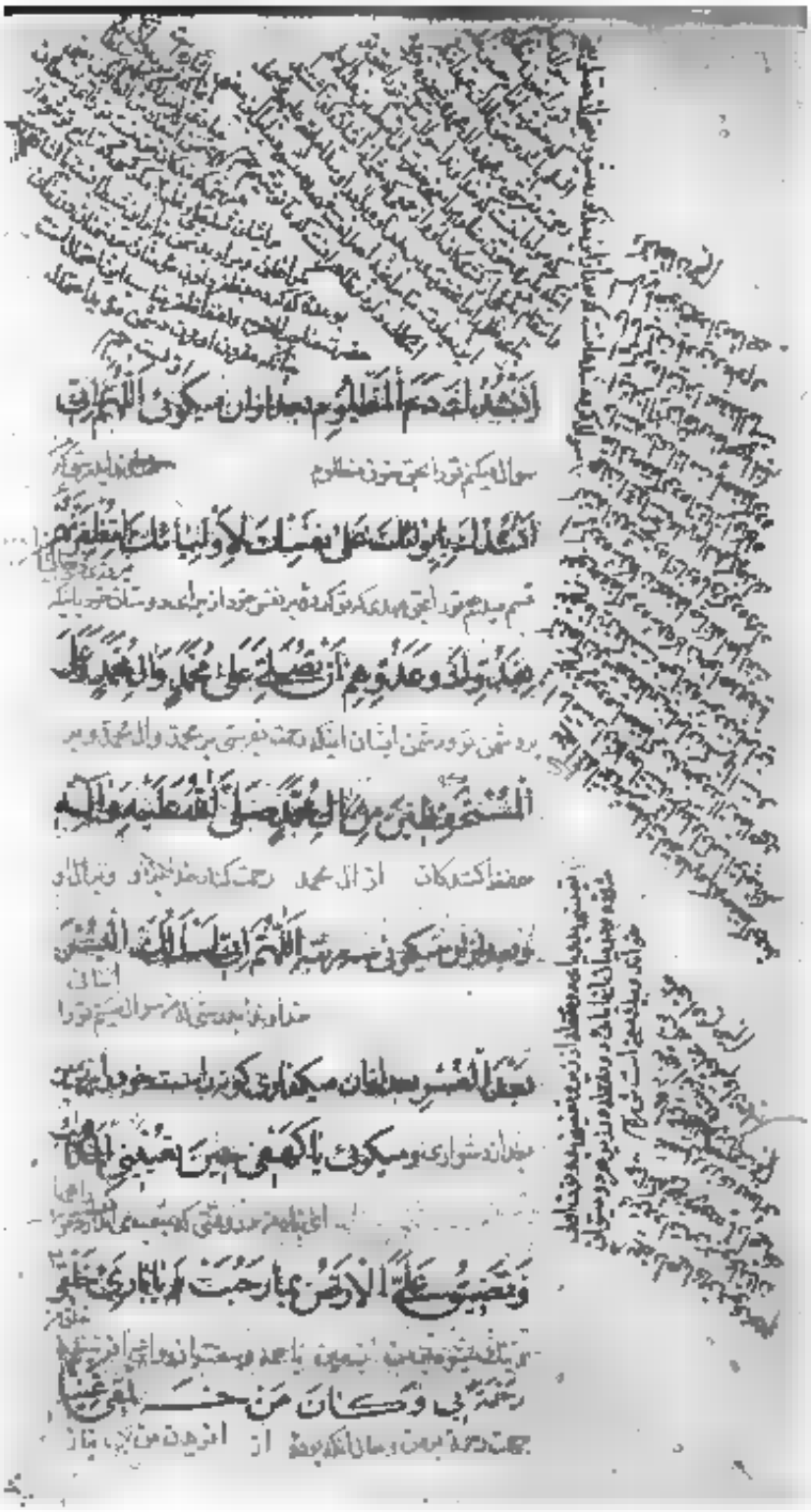

لأوبقتني وعصيتك بسمعي ولو شئت
بر اینه کند میکردی مرا او عصیان کردم تو ابقیتم خود کار میخواستی تم
لأكمهتني وعصيتك ببصري ولو شئت
بر اینه کور میکردی مرا او عصیان کردم تو ابکور خود کار میخواستی تم بصرت
لأصممتني وعصيتك بسمعي ولو شئت
بر اینه کر میکردی مرا او عصیان کردم تو ابدست خود کار میخواستی
عوقبتك لكنك منني وعصيتك بمشيي ولو شئت
تم عقوبت بر اینه قدرت میکردی مرا او عصیان کردم تو ابدست خود کار میخواستی
وعوقبتك لأجذمتني وعصيتك بفرجي ولو شئت
تم عقوبت بر اینه مبتلا میکردی مرا او عصیان کردم تو ابفرج خود کار میخواستی
وعوقبتك لعقمتني وعصيتك بجميع جوارحي
تم عقوبت بر اینه عقیم میکردی مرا او عصیان کردم تو ابجمیع اعضاء خود
التي انعمت بها علي وليس هذا جزاؤك عندي
که انعام کردی با ما بر من و نیست این جزاء تو از جانب من
بعد از ان میکشد العفو العفو العفو از هر سه
بعد از ان میبخشد عفو عفو عفو

باواز حزین بوت المیلت بذنبی عملت سوءا

اقرار کرده ام بسوی تو بگناه خود کرده ام بدی

وظلمت نفسی فاغفرلی ذنوبی کلها

وستم کرده ام نفس خود را پس بیامرز مرا ای آمرزنده گناهان مرا همه

لا یغفر الذنوب غیرک یا مولای بعد از ان

که نمی آمرزد گناهان را غیر تو ای پروردگار من

یجب ان یذکر من رجب خود را نزدیک و میکند سه

مرتبه ان اسم من اسلاء و افتری و استکان

باید کسی را که کرده باشد و اکتساب کناه کرده باشد و زیونی کرده باشد

واعترف و میکوئی هر گاه بر داری سر خود را از سجده

و اقرار کرده باشد

اللهم لک الحمد کما خلقتنی و ام

خداوندا مر تراست سپاس چنانکه بیافریدی مرا و

انک شیئا مذکورا و ترا عجبی علی اهوالی

بودم من چیزی یاد کرده شده ای پروردگار من بسیاری کن مرا بر هولها

الدنیا و بوائق الدهر و نکبات

کار ها و سختیهای روزگار و نکبتهای

الزمان ومصيباته الليالي والأيام

زمان ومصيبتهای شبها ـ روزها

واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض

وكفایت کن از شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین

وفي سفري فاصحبني وفي أهلي فاخلفني وفيما

ودر سفرمن پس رفیق باش مان ودر اهل من پس جانشین من در

ورزقني فأدلل لي وفي نفسي فلم فذللني

روزی کرده مرا پس برگشته بمیرای بخود ونفس من پس خوار

وفي أعين الناس فعظمني وإليك فحببني

ودر دیدار مردم پس بزرگ کردان مرا وسوی تو پس

وبذنوبي فلا تفضحني وبعملي فلا تبتلني

وبسبب گناهان من پس رسوا مکن مرا وبسبب کرده من پس مبتلا مکن مرا

وكسر يرت فلا تخزني ومن شر الجن والإنس

وبسبب سریرت من پس رسوا مکردان مرا واز شر جن وانس

فيالني ولمحاسن الأخلاق فوفقني ومن

پس سالم دار مرا واز برای اخلاق پسندیده پس توفیق ده مرا واز

الّا لک حتّی ترضی ولک بعد الرضا ولا

از برای تست بار تا اینکه خشنود شوی و بعد از خشنودی نیز تست

حول ولا قوّة الّا بالله یا مبدء هر دو انچه

کوتاهی از معصیت و نه قوّت بر طاعت بسبب تست

کوفه میشود میانه طلوع آفتاب تا پیشین بجهت

آنکه شب در اواخر باب اول اینکه وارد شده است

عشر بدو از ده ساعت و اینکه از برای هر یک از ائمه اثنی

عشر علیهم السلام ساعتیست و از برای هر ساعت دعا

مخصوص باو است پس ساعت اول امکان میانه

طلوع صبحست تا طلوع آفتاب از حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام است و ذکر کردیم مناسبهای آن را در

اعمال الوقت پس هر اینه ذکر میکنیم در هر مقام انچه مخصوص

باو است پس میگوئیم که ساعت اول ان طلوع آفتاب

تا برطرف شدن سرخی آن و این از حضرت امام حسن علیه السلام

و میخوانی در این ساعت اللّهمّ یا خالق النّور والظّلمات

مضافا باعاد یکه ذکر شده اسماء

والارض ومثل للقابض والبسط والقبض ومثله

وزمین ... وتنگ کشادن ... وبستن وکشاد وتدبیر کننده

الابرام والنقض ومن لا يجب المضطر اذا

محکم کردن ... وخراب کردن وکسی که نومید میکند ... بیچاره را هرگاه

دعاه ويكشف السوء يا مالك يا جبار يا واحد

بخواند او را ودور میکند بدی را ای خداوند جبار یکتا

يا قهار يا عزيز يا غفار يا من لا تدركه الابصار

ای قهار ای عزیز ای آمرزگار ای که نمی بیند او را دیدگان

وهو يدرك الابصار يا من لا يمنعه جنة

وادراک میکند دیدگان را ای کسی که نمیکند او را سپر

ولا توقاني ولا يغيره خوف الاملاق يا سكوت

نگه داشتن و نه تغییر میکند او را ترس فقیر شدن ای بی زبان

يا براق يا مبتدئا بالنعم قبل الاستحقاق

ای پیدا کننده ای ابتدا کننده بنعمتها پیش از استحقاق

يا من يسهل الروح كمن امر على من قسا من عباده

ای کسی که آسان میکند روح را مانند امر او بر هر که میخواهد از بندگان

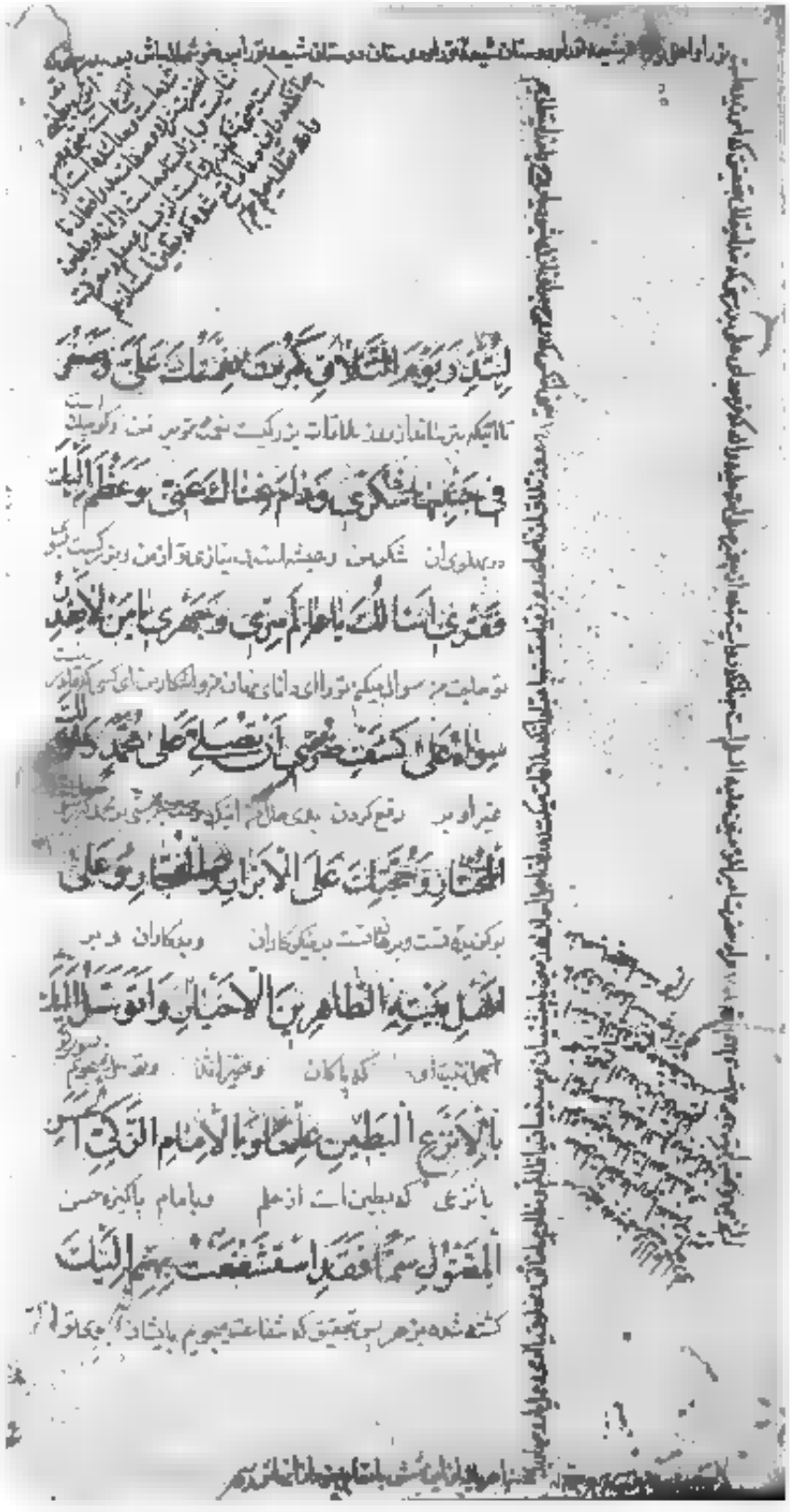

إني أسألك بمحمد وآله واستشفع بهم إليك وقد

بدرستی که من سوال میکنم تو را بمحمد و آل او و شفاعت میجویم بهم بسوی تو

قدمتهم لنفسي وبين يدي حوائجي أن لا تقطع

مقدم میدارم ایشانرا پیش خود و پیش پیش حاجتهای خود اینکه

رجائي من استغاثك ولا تخيب مأمولي في التوسل

امید وی مرا از انعام تو ونومید گردانی امید مرا در احسان

وتوالك ولا تمتلك البسط المسئول على

وعطای تو وندرک بگستردن را که میشود

من خزائنك ولا تقبض عني عطاياك وطولك

از خزانهای تو وتنگ نکن از من عطاهای فضل خود

ونعمائك ووفقني لما يقربني إليك واصرف

ونعمتهای خود ووفق بده مرا برای آنچه نزدیک میکند مرا بسوی تو وبگردان

عني ما يباعدني عنك واعطني من الخير أفضل

از آنچه دور میکند مرا از تو وعطا کن مرا از خیر افضل

ما ترجو الكفي من الشر ما أخاف واحذر

آنچه امید دارم برکفایت کند از من از شر آنچه میترسم وحذر دارم

يَا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ

يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْبَائِسِ

وَأَدْعُوكَ دُعَاءَ الْمُضْطَرِّ الْكَسِيرِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِتَضَرُّعِ الصَّالِعِ

الْحَقِيرِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ تَوَكُّلَ الْخَاشِعِ

الْكَبِيرِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ تَوَكُّلَ الْخَاشِعِ

الْمُسْتَجِيرِ وَأَقِفُ بِبَابِكَ وُقُوفَ الْمُؤَمِّلِ

الْفَقِيرِ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْبَشِيرِ النَّذِيرِ

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنِ عَمِّهِ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ الْمُخْبِتِ الْمُخْلِصِ

زینت عبادت کنندگان و پیشوای پرهیزگاران بیمناک و صمیمی

وَالْخَاشِعِ الْمُتَضَرِّعِ وَالنَّاسِكِ الْمُجْتَهِدِ فِي

وخشوع کننده در نماز و تضرع کننده و عبادت کننده در

الْمُجَاهَدَاتِ السَّاجِدِ فِي الْمُنْقَطِعَاتِ أَنْ تَصَلِّيَ

مجاهدات سجده کننده صاحب پیشانی پینه بسته که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجْعَلَنِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَ

بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا بایشان بسوی خود

قَدِّمْهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَأَنْ

پیشاپیش و در پیش روی حاجتهای و اینکه

تَعْصِمَنِي مِنْ مُوَافَقَةِ مَعَاصِيكَ وَتَسْلُكَ

نگاه داری مرا از معاصی تو و راه نمائی

بِي إِلَى مُوَافَقَةِ مَنْ تُصَلِّي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُوَ

بسوی موافقت آنچه راضی گردانی تو را و بگردانی مرا از

لِجُ وَتَهْتَبِلُ وَتُحَابُّ وَتُرَاعِيكَ وَتُرَاعِيهِ

زمره کسانیکه داخل میشوند از تو و امید میدارند از تو و التفات میورزد

وَلِيَسْتَحْيِلَكَ وَيَتَقَرَّبْ إِلَيْكَ بِمُوَالَاةِ مَنْ

دشمن میدارد از تو دوستی میجوید بسوی تو بدوست گرفتن کسی را

تُوَالِيكَ وَيَتَجَنَّبْ إِلَيْكَ بِمُعَادَاةِ مَنْ يُعَادِيكَ

که دوست میگیرد تو را و اظهار دوستی میکند بسوی تو بدشمنی گرفتن کسی که دشمنی

وَيَتَصَرَّفُ فِي آلَائِكَ بِعَظِيمِ نِعَمِكَ وَآيَادِيكَ

و اعتراف میکند نزد تو بزرگی نعمتهای تو و احسانهای تو

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبِهِ أَنْذَرَ

برحمت تو ای مهربانترین مهربانان

نسخهای دعا عن ساعتها الاختلاف بسیار افتاد

بزیادت و نقصان و آنچه او نزدیکتر است من آنرا در این کتاب

آوردم و ثوق دارم بان و اعتماد دارم بر آن و

خداست ولی توفیق حاصل و از آنچه من اختیار کردم

کرده شود در اول هر روز صدقه ایست بآنچه میسر شود

و هر چند چیز حقیری باشد مرا نیز کرده است ثقة الاسلام

در کافی از بعضی صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله

علیه و آله فرمود که صبح بگاه بدهید صدقه تا نیز

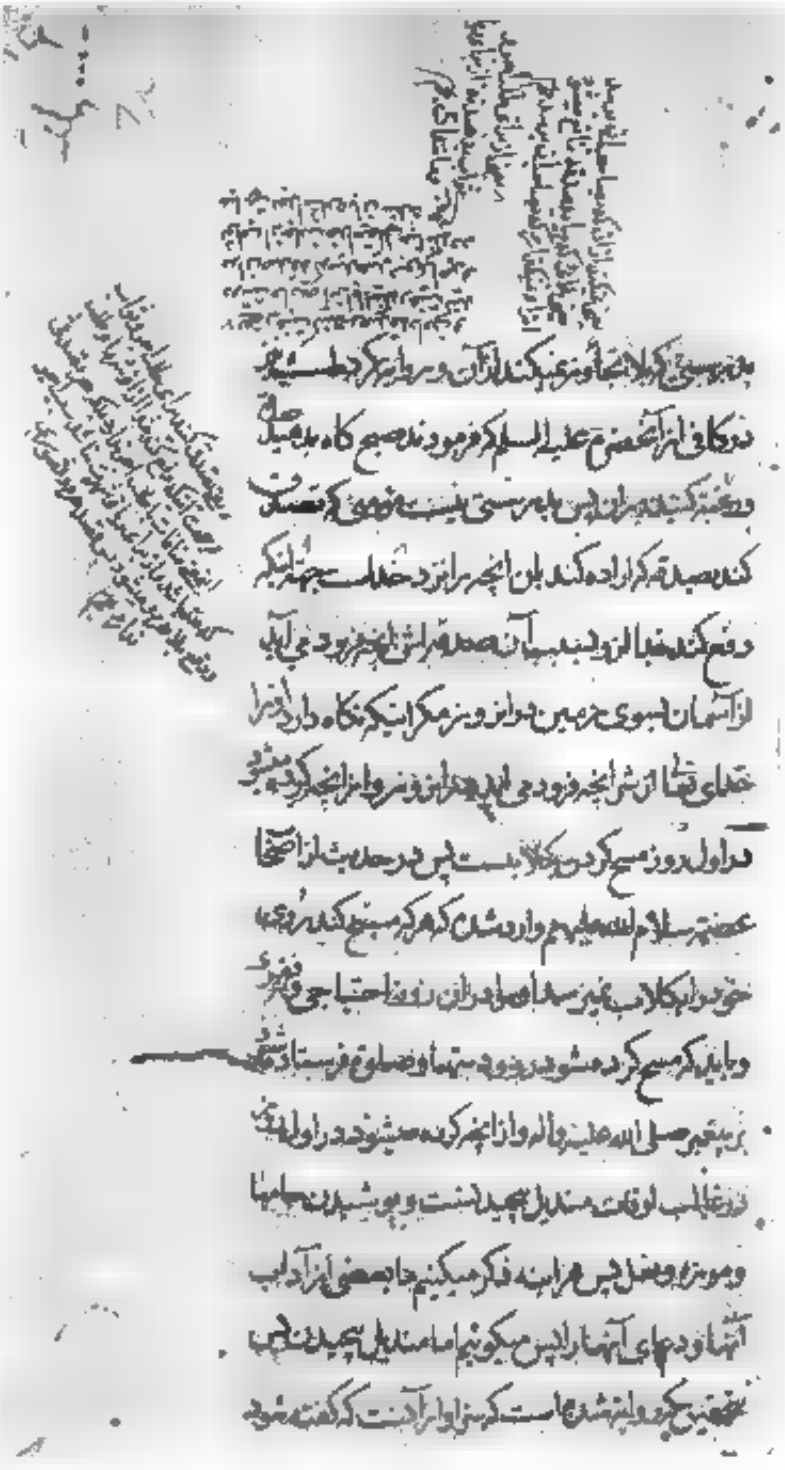

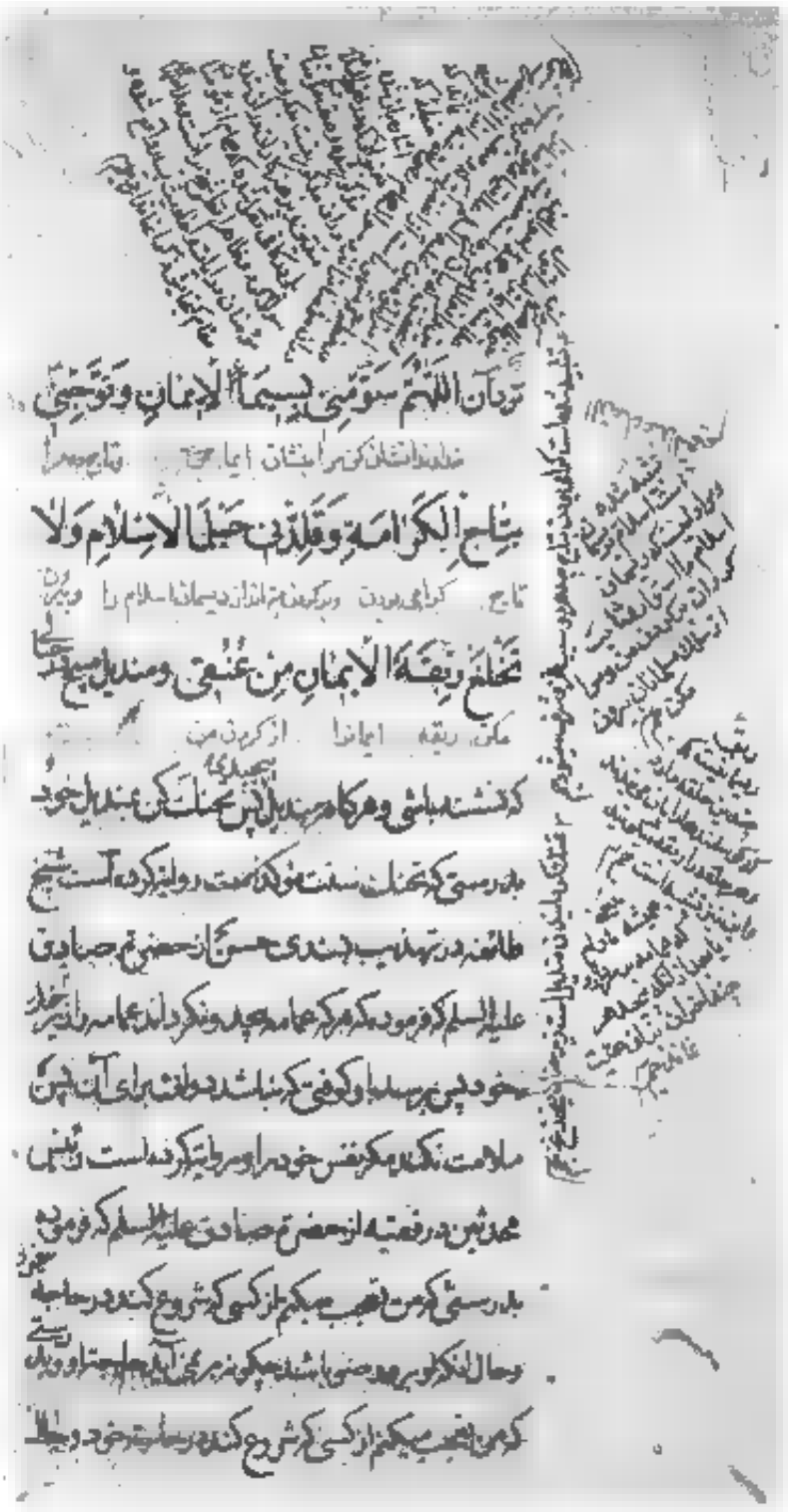

تو دان اللهم سومنی بسیماء الایمان وتوجنی
خداوندا نشان کن مرا بنشان ایمان تاج دهد مرا
بتاج الکرامة وقلدنی حبل الاسلام ولا
تاج کرامی دادن وبر گردنم انداز ریسمان اسلام را ویبرون
تخلع ربقة الایمان من عنقی ومنذ الیوم الی
مکن ربقه ایمان را از گردن من
که نشسته باشی و هر کار بندیل این تحفه کن بندیل خود
بدرستی که تحفه سنت موکد است و واجب کرده است شیخ
طائفه در تهذیب بسندی حسن از حضرت صادق
علیه السلام که فرمود که هر که عمامه بندد و نکرداند عمامه را زیر حنک
خود پس برسد باو که فقیر گردانید و واجب کرد برای آن بر وی
ملامت نکند مگر نفس خود را و سرزنش کرده است او را پس
محمد بن در قضیه از حضرت صادق علیه السلام که فرمود
بدرستی که من تعجب میکنم از کسی که شروع کند در حاجه
و حال آنکه او بر وجه صبی باشد چگونه برمی آید حاجت او و زیاده
که من تعجب میکنم از کسی که شروع کند در حاجت خود و باطل

انکار کردانیدن باشد عمامه را در بخشات خود چگونه بر نمی‌آید
خلیفه او واحادیث در ترغیب در بخشات بسیار است
تحقیق که متفق علیه است اجماع طایفه بر آن و عجب
از مخالفین ما که چگونه انکار میکنند آنرا با انکه در دیباچه
در کتابهای خود از پیغمبر صلی الله علیه وآله که نهی فرموده
از اقعاط و امر کرده است بتلخی کشته است در کتاب صحاح
اقعاط بسر عمامه است پس چگونه کردانیدن زیر حنک
و در حدیث واقع شده است که پیغمبر صلی الله علیه وآله
نهی کرده از اقعاط و امر کرده است بتلخی تمام سد کلام
وتلخی کردانیدن عمامه است زیر حنکین و بدانکه استحباب
بخشات عامست در جمیع اوقات و حالات و مخصوص
بحال نماز و هر چند نماز در آن افضلست بلکه آن سنتی است
پس خود خواه نماز کرده شود در آن یا نه و بیست استحباب
آن از برای نماز چنانکه ظاهر میشود از کلام بعضی علمای
ما و نیافتم من در احادیثی که در کتب اصول ما نقل شده
چیزی را که دلالت کند بر استحباب آن از برای نماز و لکن

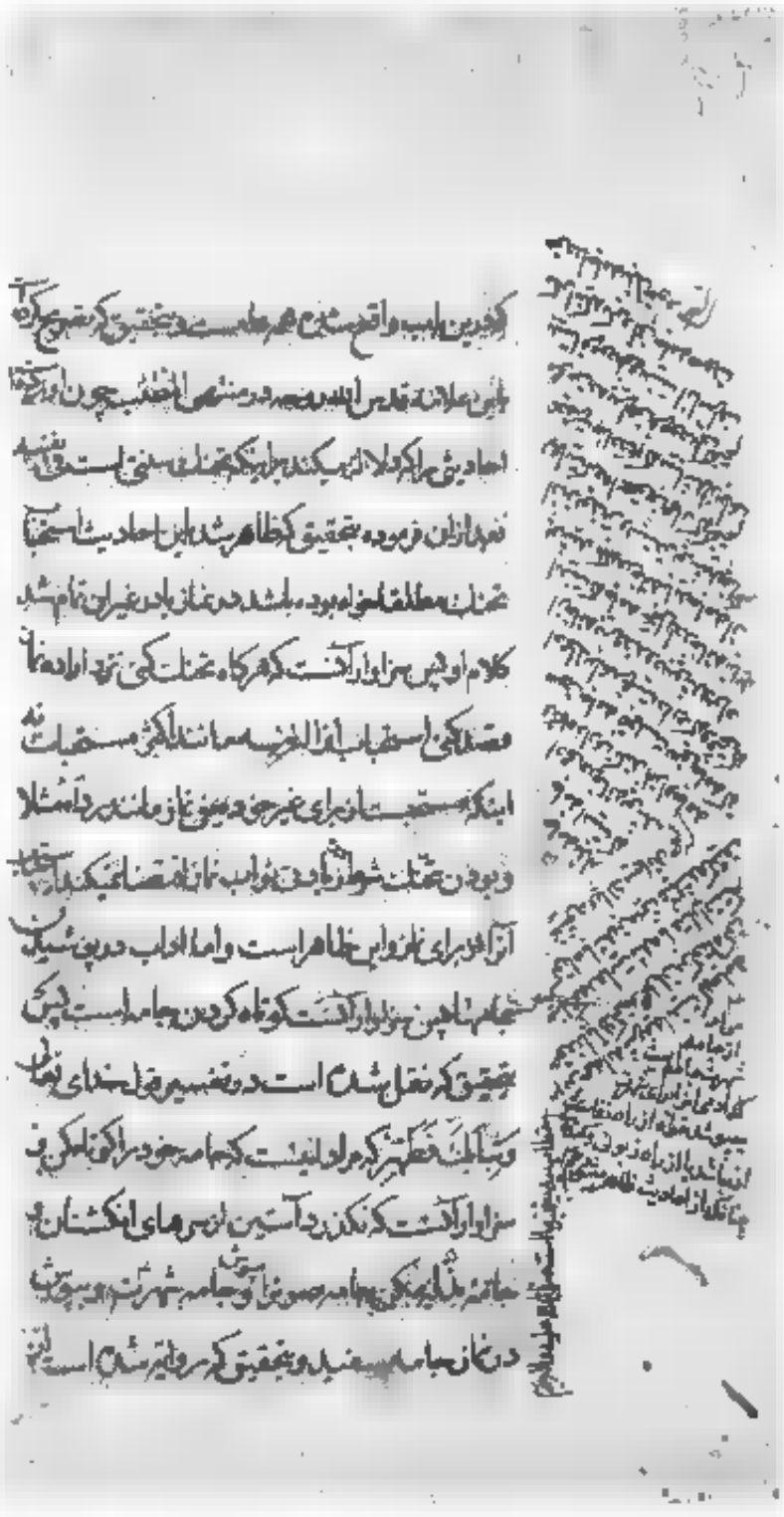

حضرت صادق علیه السلام که مکروه است در عبا
مگر در سفر چرا که نوعی و عبا و عمامه و اما در حضر پوشیدن
جائز است پس بحدیثی که روایت شده است از حضرت صادق
که گفته میشود در پوشیدن جبه و عمامه
اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اللهم ارزقنی
خدایا بگردان این جامه را یمن و برکت خدایا روزی کن
فیه شکر نعمتك و حسن عبادتك و افعل
در آن شکر نعمت تو و نیکوئی عبادت تو و بجا
بطاعتك الحمد لله الذی رزقنی ما اتسربه
بطاعت تو سپاس مر خدای را که روزی کرد مرا آنچه بپوشم
عورتی و اتجمل به فی الناس و روایت شده است که چون
عورت خود را و زینت کنم بآن در میان مردم یاد کند خدا
تبارک و تعالی اللهم اجعله ثوب یمن و تقوی
خدایا بگردان این جامه را جامه یمن و پرهیزگاری
و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتك و عملا
و برکت خدایا روزی کن مرا در آن نیکوئی عبادت تو و عمل

کہ ایستادہ باشد و میگوید تو نزدیک ما بہتر از پوشیدن ما تو

وبعد این دعا بسم اللہ وباللہ اللھم صل علی محمد

نام خدا و بیاری خدا و بخدا و بتوفیق خدا

وآل محمد ووطئ قدمی فی الدنیا والاخرۃ وثبتھما

و آل محمد و بر آنہا بیامرز گامہای مرا در دنیا و آخرت و ثابت گردان

علی الصراط یوم تزل فیہ الاقدام ومکنی فی

بر صراط روزی کہ بلغزد در آن پاہا کہ بنشیند

بسم اللہ آمنا باللہ الذی رزقنی ما اوقی بہ قدمی

بنام خدا ایمان آوردیم بخدا کہ روزی کرد مرا آنچہ محفوظ کند بآن پاہای

من الاھوی اللھم ثبتھما علی صراطک ولا تزلھما

از افتادن خداوندا ثابت گردان ایشان را بر صراط خود و نلغزان

عن صراطک السوی وبر وایتی شد است از حضرت

از صراط راست حضرت صادق علیہ السلم کراہت دارند

مو زن سرفع در سحر ند در بعضی روایت شد است نیز

از آنحضرت علیہ السلم کہ فرمودند کہ از جملہ سنت است

مو زن سیاہ و بعضی روایت مکروہ شمردہ اند آنحضرت علیہ السلم

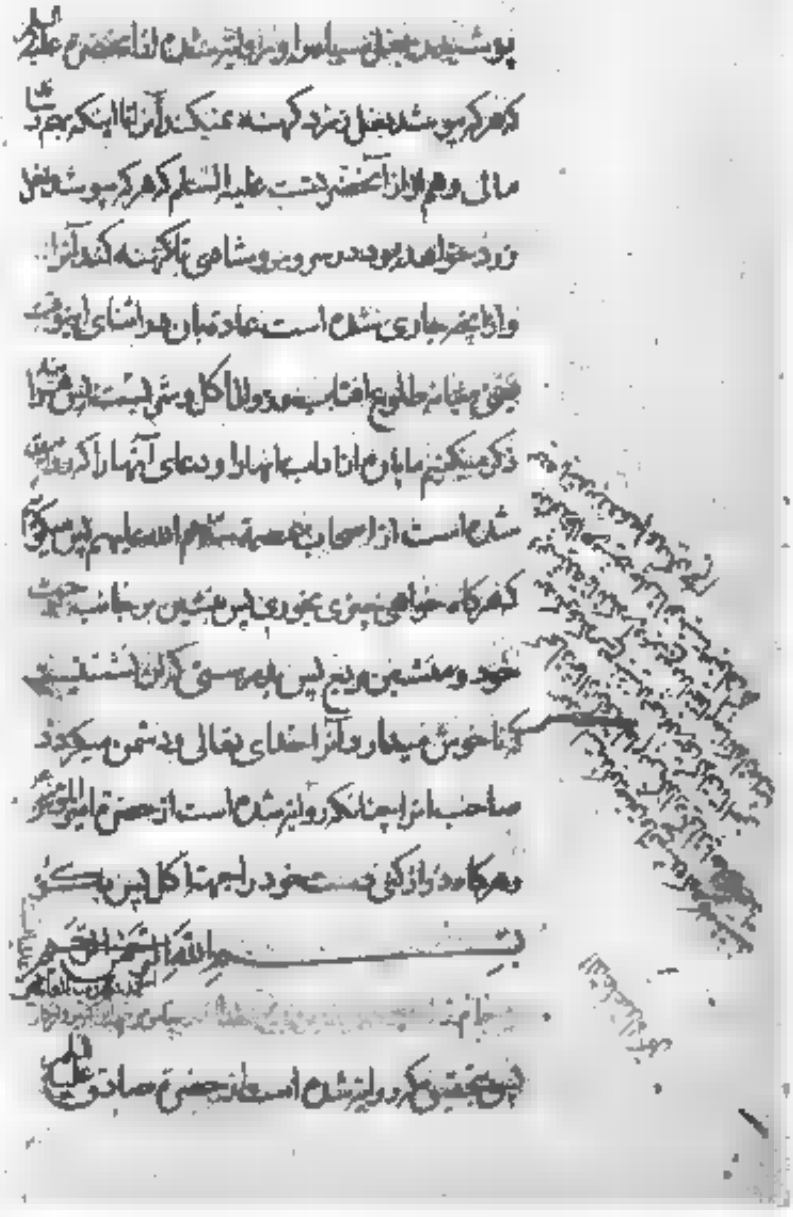

مرد را پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد
چیزی خوردن تو بیلت دست و روا نیز کرده است
محدثین در خطبه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده
که هر که بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از آن فقیر
نگردد و فراخی و عافیت داده شود از بلائی که در بدن او باشد
و بتحقیق که روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که این زیاده میکند در عمر و جلا میدهد چشم را و ابتدا کن
تو اگر صاحب طعام باشی بشستن اول بعد از آن بشوید
بعد از تو کسی که بر طرف راست تو باشد و در شستن دوم
میشوی تو آخر همه و ابتدا میکند کسی که بر طرف چپ تو باشد
و روایت شده است ابتدا در شستن دویم بهر که بر طرف
راست تو باشد خواه از اهل باشد یا نباشد و بالا میکند دست
خود را بمندیل بعد از شستن اول و بالا کن او را بان نفید
از شستن دویم بعد از انکه مالیدن باشی تو بآن از بیخ نها
خود و بالا مکن دست خود را بمندیل هر گاه دران از طعام
نلشیده از انکه بالیسی آن را بان کاری که مضطر نشاد در اثنای اکل

محمد زمان نوشته کمترین محمد صادق
غفر الله لهما و لجمیع المؤمنین

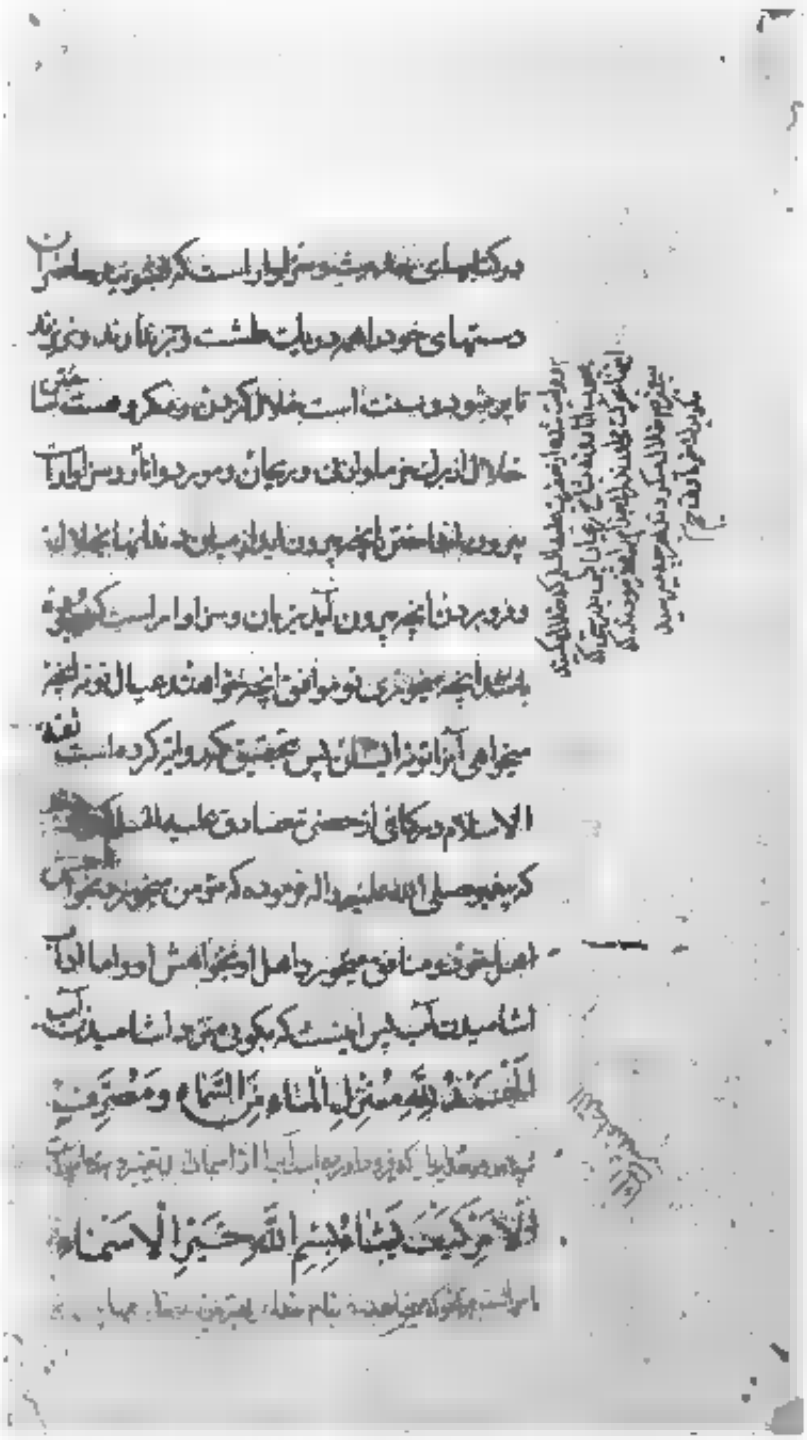

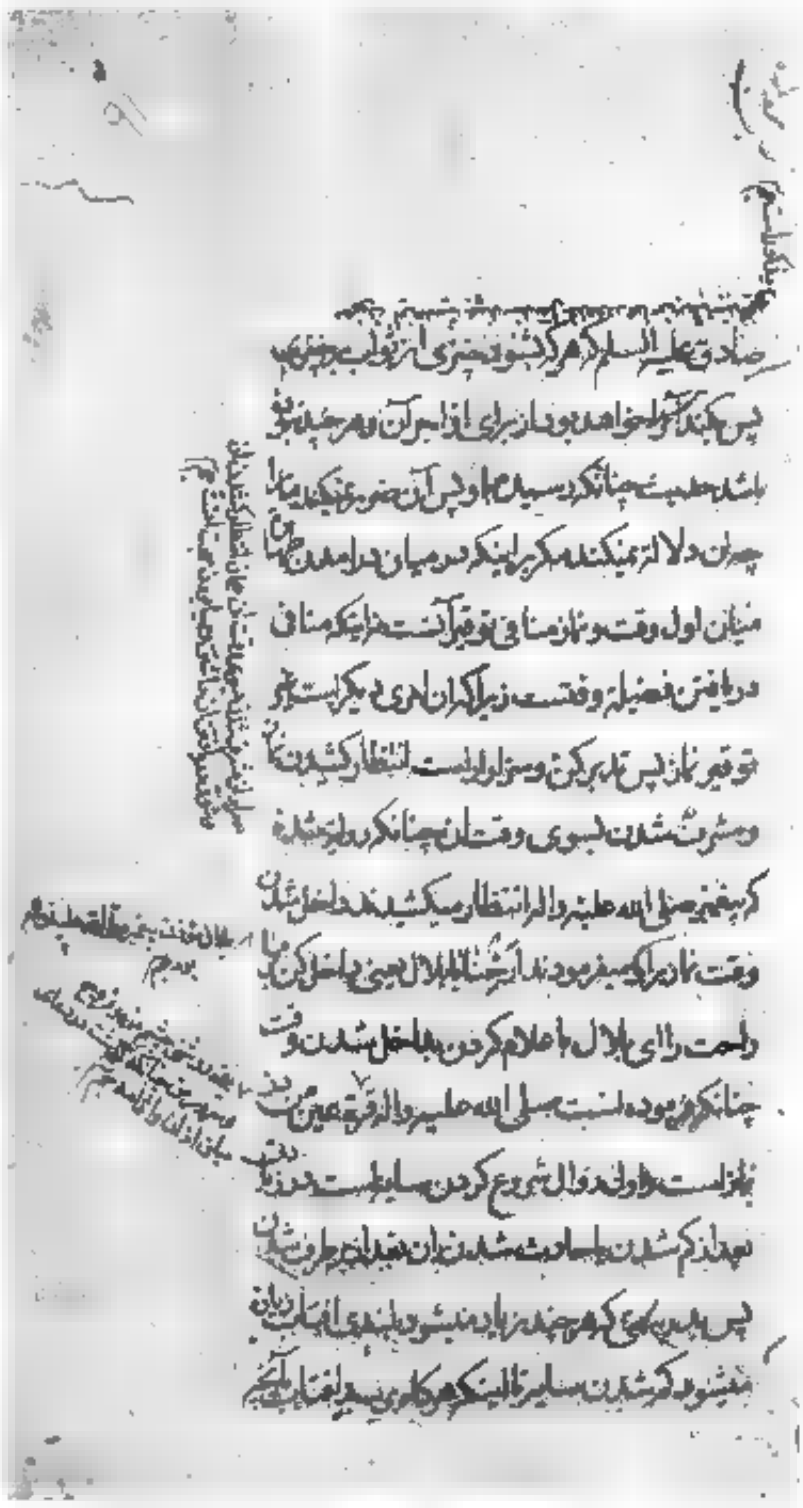

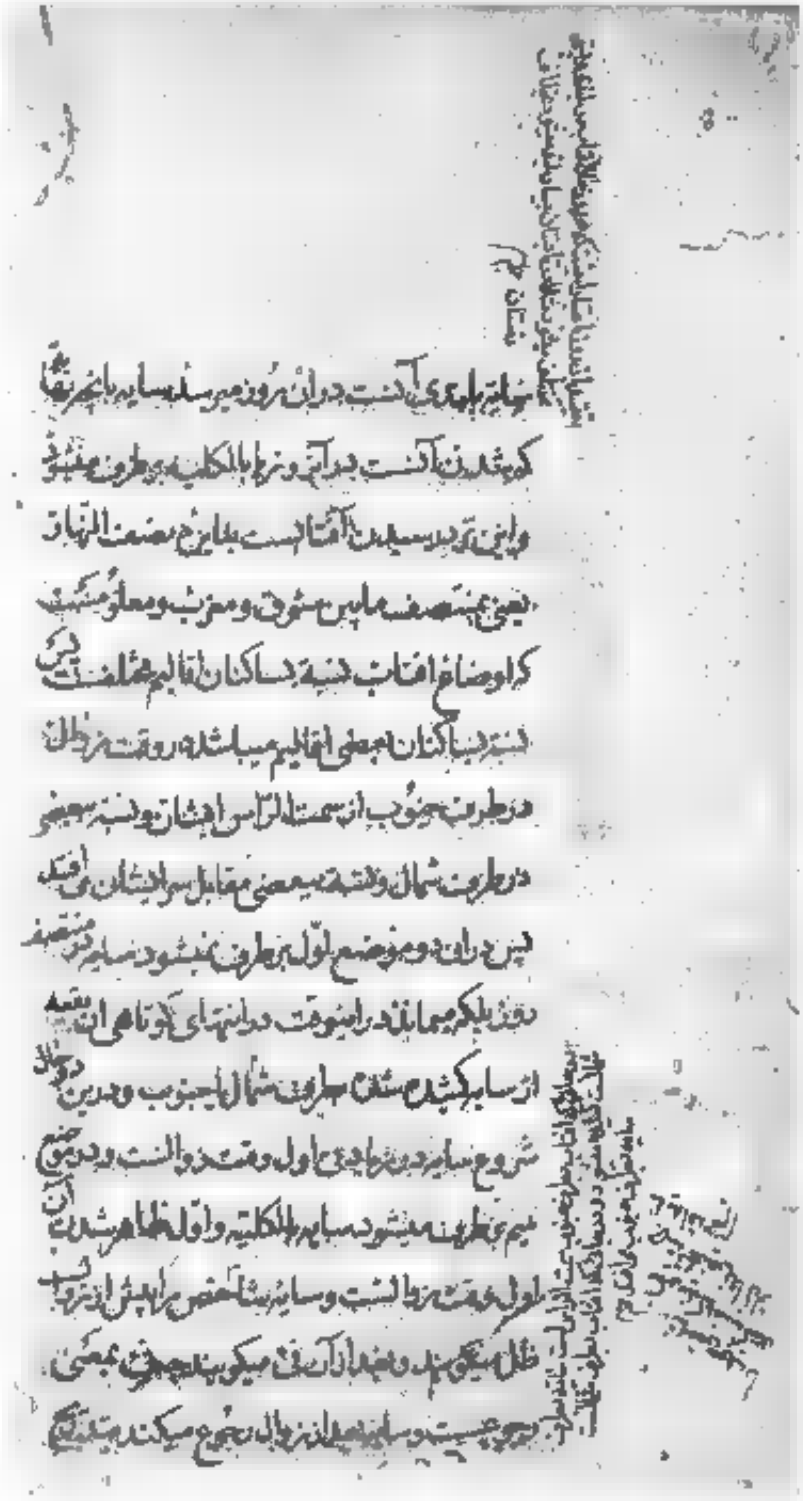

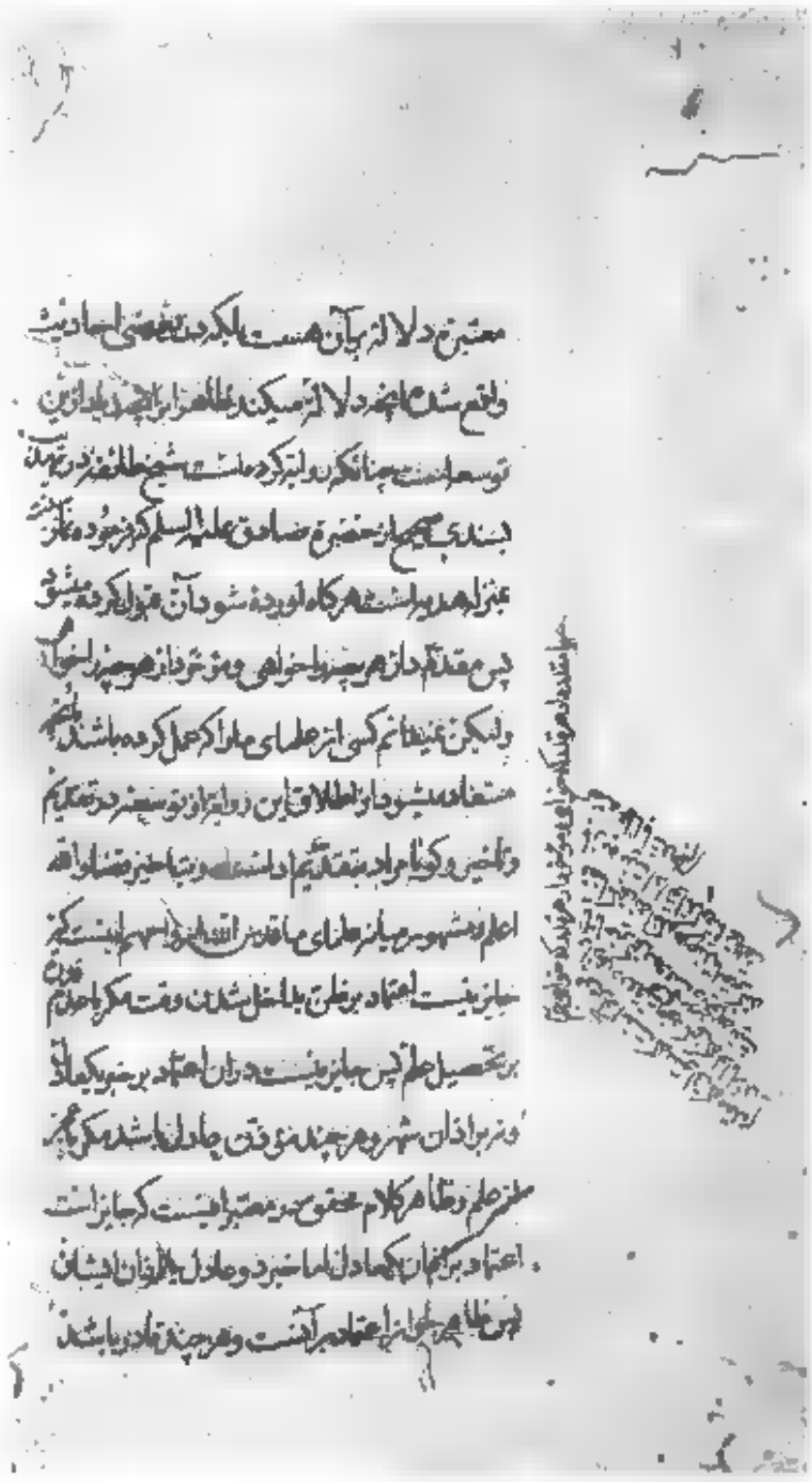

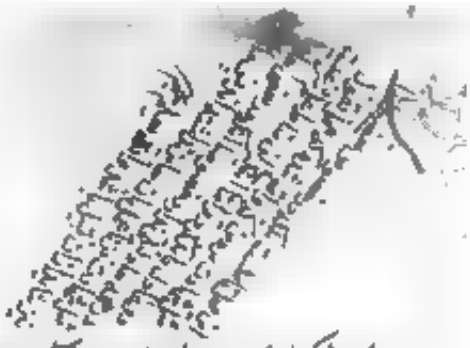

بر علم نیز اگر علم شرعی حاصل شد بآن دست او را است
از برای کسی که اعتیاد داشته باشد بشان از اول و اهتمام
باید نماز فضیلت را اول وقت اینکه اماده کرده باشد یعنی
خانه خود یا بر روی بام خود چوب راستی که نصب کرده شد
در مکان همواری و باید که آن راست نصب شده باشد
بنحوی که بهیچ طرف میل نکرده باشد او قیم کرده شده
باشد بهمت حصیر پس هر گاه برسد سایه بهمان اول نقصان
و ابتدا کند در زیادتی یاد رحادث شدن پس شروع
کند در ناظر ظهر اگر کسی است که توفیق داده است خدای
تعالی او را بر بجی سعادت بیجا اوردن نوافل یاد را وائی
ظهر در اول وقت ان اگر چه وانشت از ان سعادت و تحضر
کند وقت را پس هر گاه بگذرد بقدر رکوع شاخص یا مثل
آن بنا بر خلاف مستحب شود برای ناظر گذاردن بیرون وقت
وقت نافله ظهر پس اگر در این وقت هنوز تمام نکرده باشد
رکعت از ان را بگذارد ناظر او مشغول شود بعمل خود اگر
تمام کرده است یک رکعت از او تا می رکعت را بین بیشود که فارغ

شده باشد از فکر بجای دویم و هر چند بر نداشته باشد
سهو را از آن پس مقدم دارد تمام هفت رکعت باقی را بر قضیه
و ظاهر تر آنست که شش رکعت باقی در بین مقام ادا
زیرا که هشت رکعت در حکم یک نماز است بعد از آن میگذارد
نماز ظهر را و تخصص میکند سایر را بعد از آن پس اگر زن
باشد و هم بهار سبع بشاخص باید و بداند بر آن بنا بر انچه
گذشت از خلاف پس شروع میکند در نافله عصر و اگر
نرسیده باشد بآن معلوم میشود بهم بودن رفتن وقت
آن و خواهد بود ادای آن در ترتیب ان و مقدم داشتن
بر فریضه مثل سایر نوافل ظهر چنانکه گذشت و انچه مذکور
شد در غیر روز جمعه است و در جمعه زیاده میشود
بر این دو هشت رکعت چهار دیگر و میگذارد ان بین نیست
رکعت هجدهم رکعت را پیش از زوال و زمانی که مرحصه
گذشته باشد از اول آن از کشش رکعت باشد در وقت
بودن کشیدن آفتاب و ثلث دیگر در وقت بلند شدن
آن و ثلث دیگر در وقت راست ایستادن آن و میگذارد

دو رکعت باقی را بعد از زوال نماز اول ظهر بجا میآورد
بعد از مخصوص شدن زوال لیست که بجواز اتیان نماز را مرخص
کرده است رئیس محمد بن یعقوب در نسخه که خصوص با و علیه السلام
تعلیم کرده است آن را محمد بن مسلم روایت نموده است او که گفت
گفت بر من چنانکه محافظه میکنی بر چشمهای خود تا آنکه
سُبْحَانَ اللهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ
پاک خدا را و نیست خدائی مگر او و ستایش خدا را که
يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ
نگرفته فرزندی و نیست از برای او شریکی در پادشاهی و نیست
يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا
از برای او دوستی از خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی
بعد از آن بنشین بسوی وضوء بعد از آن شروع میکنی
بوضوء و قبل از آن نیت میکنی دو رکعت اول را و میگوئی
آنهفت تکبیر را بعد دعاهای آنها بر نحوی که گذشت ذکر
آن در باب اول بعد از آن میگوئی أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ و میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول انا انزلناه در نوزدهم

مثل الهنا و میخوانی بعد از هر یک از این دو رکعتها بعد
و دعائی را که مذکور شد بعد از انکه تمام کردی شش
رکعت را یا توابع ان هر چه میخواهی و اذان میگوئی
از برای ظهر و فاصله میکنی میان اذان و اقامه بده
رکعت بعد از ان منوال و این دو رکعت هفتم و هشتم اند
ان نافله ظهر بعد از ان اقامه میگوئی و میگوئی بعد از اقامه
اللَّهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ
خدایا پروردگار این دعوت تمام و نماز
الْقَائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بپا ایستاده برسان محمد را صلی الله علیه و آله و
الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ
بدرجه و منزلت و تقدم و فضیلت
بِاللّٰهِ اسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
بیاری خدا امید میکنم و بخدا طلب میکنم از حکم و بمحمد صلی الله
عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَوَجَّهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
بر او و آل او و بدرگاه خداوند راه میجویم بر محمد و آل

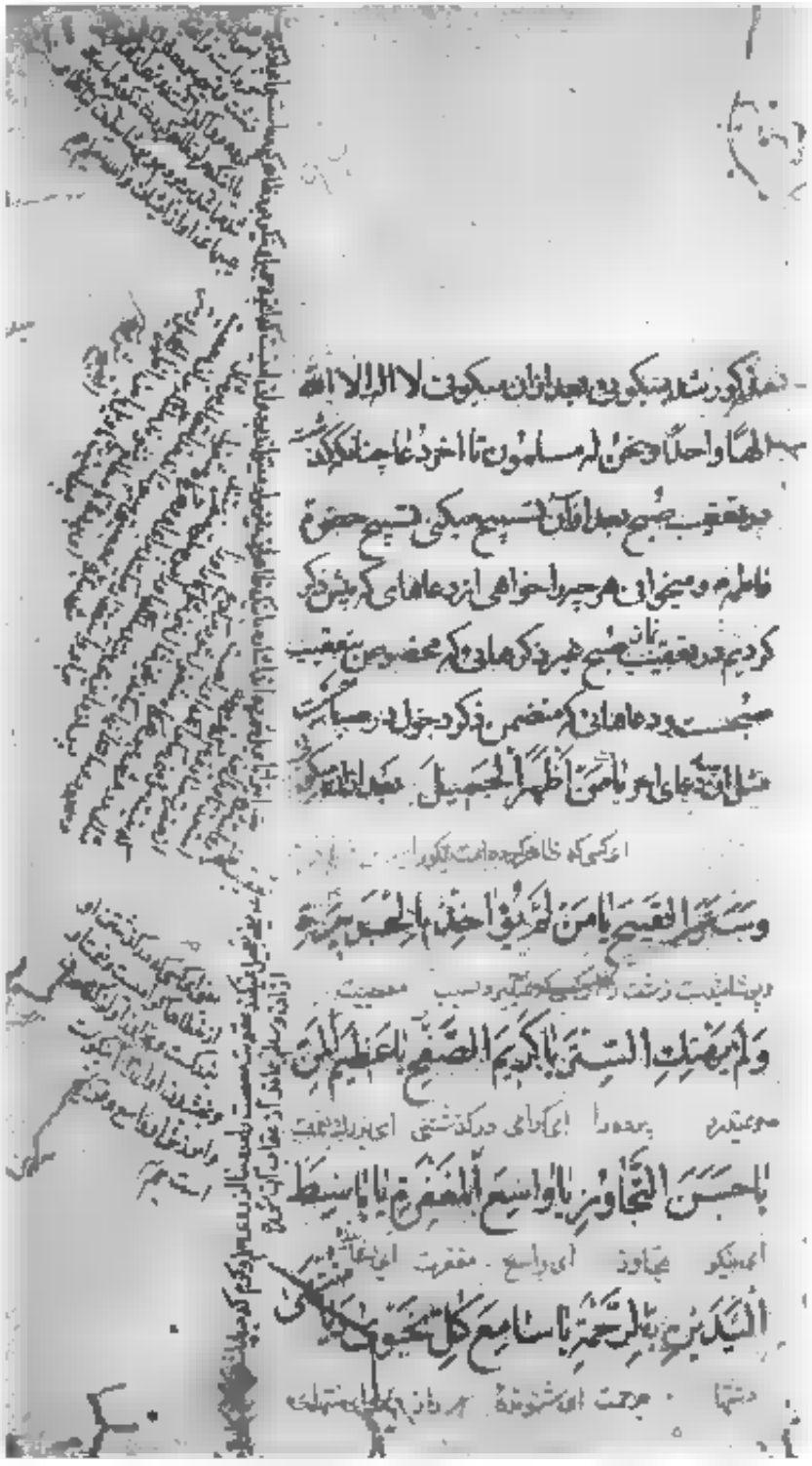

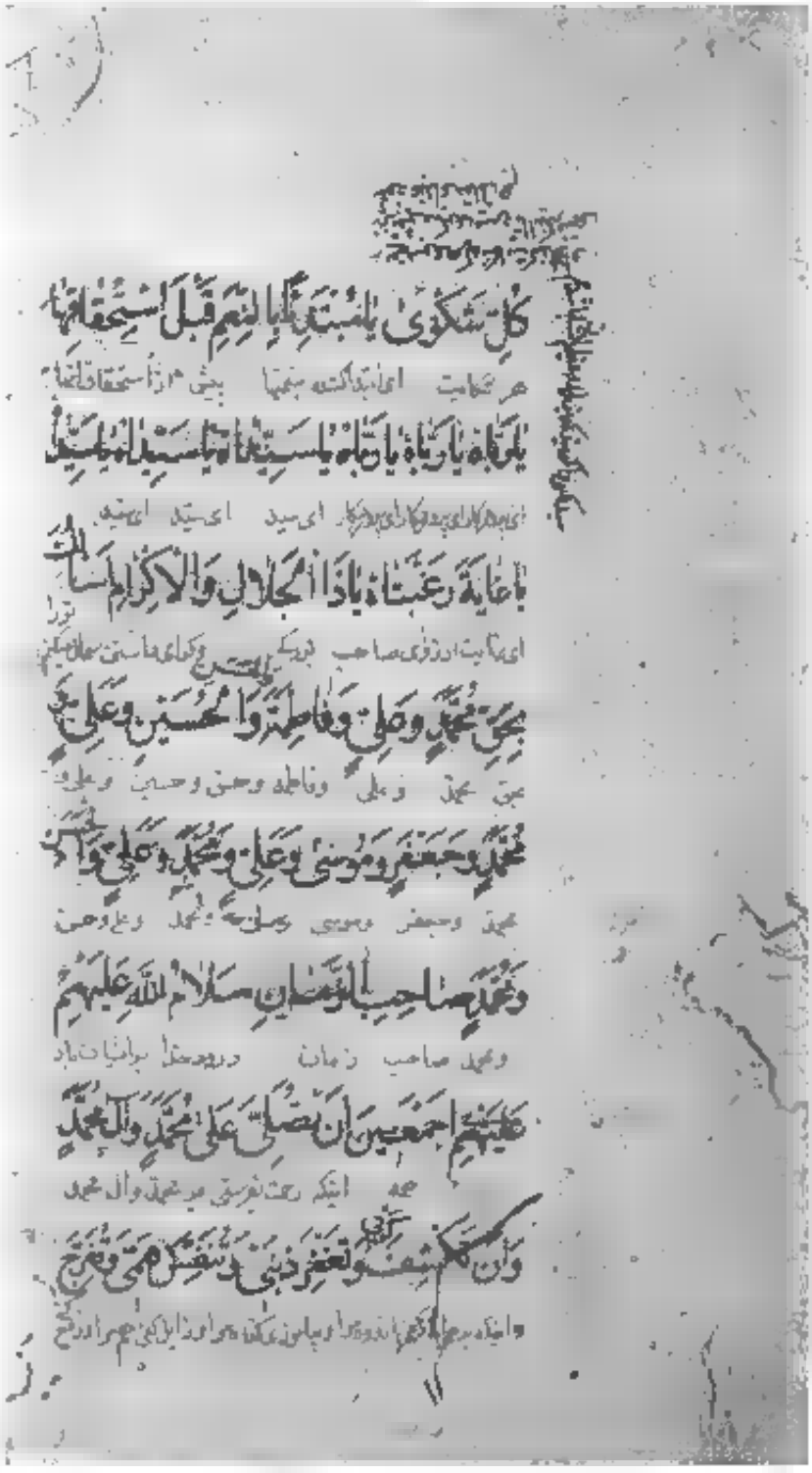

كُلِّ شَكْوَى يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا

هر شکایت ای ابتدا کننده بنعمها پیش از استحقاق آنها

يَا مَوْلَايَ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ

ای مولای من ای پروردگار ای سید ای سید ای سید

يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ

ای نهایت آرزوی صاحب بزرگی و گرامی تو را سئوال میکنم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ

بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی

مُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ

محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن

وَمُحَمَّدٍ صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

و محمد صاحب زمان درود خدا بر ایشان باد

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

همه اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَكْشِفَ وَتُغْفِرَ ذَنْبِي وَتَشْفِيَ صَدْرِي وَتُفَرِّجَ

و اینکه برطرف کنی و بیامرزی گناه مرا و شفا دهی سینه مرا و فرج

يَا مُعِيدُ يَا فَعَّالُ يَا مُبْدِئُ يَا مُحْصِي عَدَدَ الْأَنْفَاسِ

ای بازگرداننده ای کننده ای آغازکننده ای شمارنده عدد نفسها

وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ بِلَمْحِ الْبَصَرِ عِنْدَ عَلَانِيَةِ

وحرکت قدمها باعکس بهمان نزد اعلان

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

سوال میکنم تورا بحق تو که واجب بر گردانیده تو از خلق تو

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ

وبحق ایشان که واجب گردانیده بر ایشان بر نفس خود

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

اینکه رحمت فرستی بر محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و اهل بیت او و اینکه بیامرزی مرا

السَّاعَةَ السَّاعَةَ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

در این ساعت عین ساعت بخلاصی گردن من از آتش

وَأَنْ تُجِيرَ لِي بِسَيْلِكَ وَابْنِ سَبِيلِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ

و اینکه پناه دهی برای من بسبب راه خود و بسبب پیغمبر که خوانده است بسوی تو

بِأَوْكَدِ عَهْدِكَ وَأَمَانِكَ فِي أَرْضِكَ وَعَنِيَّكَ فِي عِبَادِكَ

بمحکمترین عهد و امان تو در زمین تو و دیده بان تو بر بندگان تو

ع یعنی برگردید کان که غرض تو مقام نفیده میشود جم ۱۲

۲ مراد حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم است صلوات الله علیه جم ۱۲

وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ

وحجت تو بر خلق تو بر او باد رحمتها و دعوتها و برکتها تو

وَعَدُوِّ اللَّهُمَّ آيِّدْهُ بِنَصْرِكَ وَانْصُرْ عَبْدَكَ وَلِيَّكَ

و عدو او را خداوندا تقویت کن او را بیاری خود و یاری کن بندهٔ خود را

اصْطَبِرْ وَصَبِّرْهُمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

اصحاب او را و صبر بده ایشان را و بگردان از برای ایشان از نزد خود توانائی

بَصِيرًا وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَمَكِّنْهُ مِنْ أَعْدَائِكَ

یاری کننده و تعجیل فرما راحت او را و متمکن ساز او را از دشمنان تو

أَعْدَاءِ سُؤَالِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِعِزَّتِكَ

و دشمنان سؤال تو ای مهربانتر مهربانان بعزت تو

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ

خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ

هفت و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و آنچه زیر آنهاست

وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ

و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل

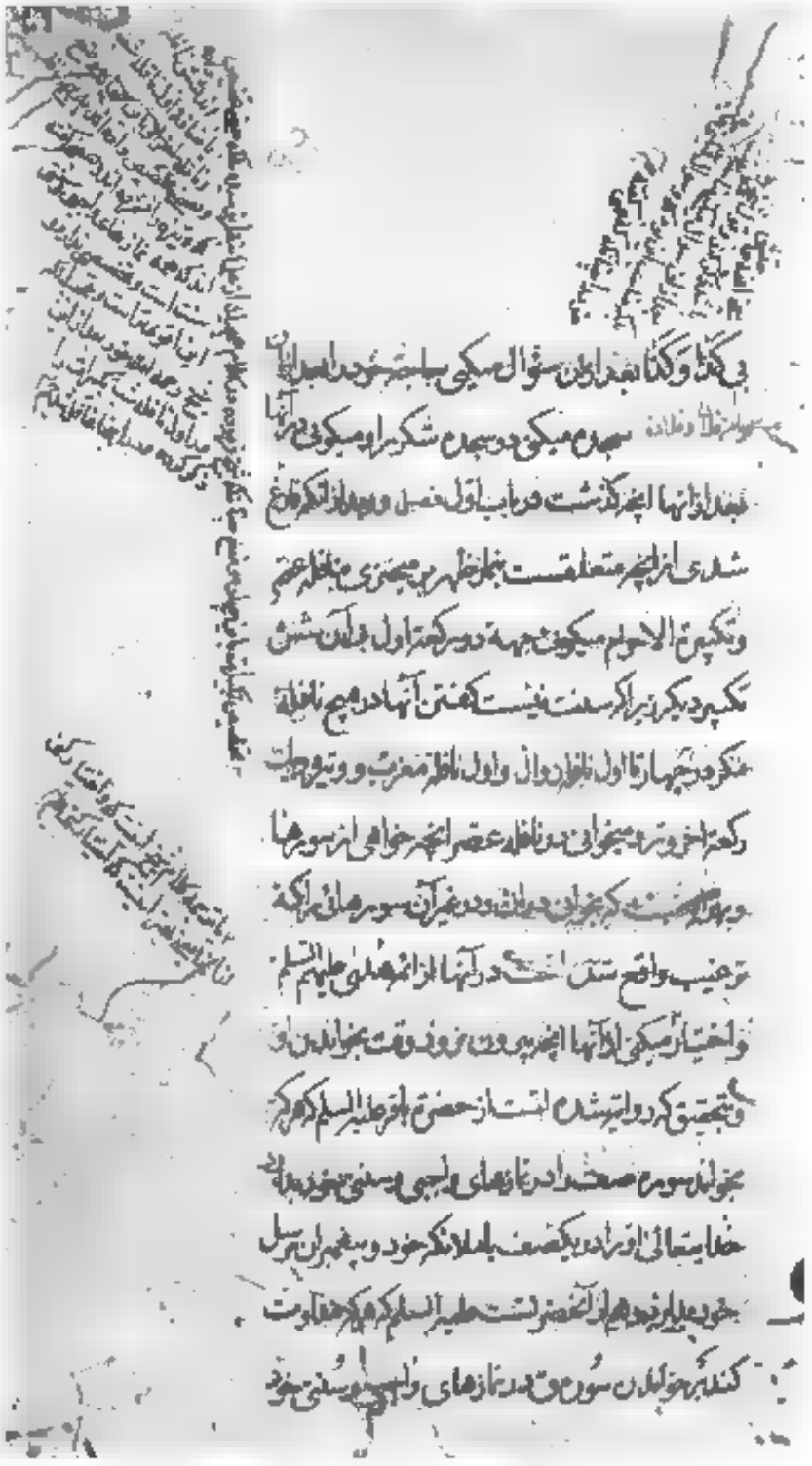

لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا صَلِّ

نرا فرزند نیست و فرا انکه نه جفتی و نه فرزند صلوات

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا جَزَاءً أَنْ

بر محمد و آل او و بکن با من فلان و فلان

میگذاری دو رکعت دیگر و میگوئی بعد از آن اللهم رب

السموات السبع و الارضین بعد از آن میگذاری دو رکعت دیگر

و میگوئی اللهم انی ادعوک بما دعاک به نبیک انها

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا بانچه خواند ترا

بِهِ عَبْدُكَ يُونُسُ لِوَجْهِ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ

بان بندهٔ تو یونس در حالتی که رفت غضبناک بر امت خود

تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ

تنگی تو بر او پس ندا کرد در ظلمات که نیست خدائی

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ

مگر تو پاکی یاد میکنم ترا بدرستی که من بودم از ستمکاران پس اجابت

لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا

او را و رهانیدی او را از غم پس بدرستی که خواند ترا او بنده تو و

ادعوك وانا عبدك
وسبلك
وانا

اَسْأَلُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

سوال میکنم تورا و من بندهٔ تو ام اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِيْ كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهٗ وَاَدْعُوكَ بِمَا

و اینکه اجابت کنی از برای من چنانکه اجابت کردی او را و من میخوانم ترا

دَعَاكَ بِهٖ عَبْدُكَ اَيُّوبُ اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ فَدَعَاكَ

بخواندن تو او را بان بندهٔ تو ایوب در وقتی که رسید باو بدی پس خواند ترا

اِنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ

بدرستی که رسیده است بمن بدی و تو رحم کننده ترینی رحم کنندگان پس اجابت کردی

لَهٗ وَكَشَفْتَ مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَاٰتَيْتَهٗ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ

او را و رفع کردی آنچه باو بود از بدی و دادی باو اهل او را و مثل

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَذِكْرٰى لِلْعَابِدِينَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا

با ایشان رحمتی از جانب تو او را و پندی تا عبادت کنندگان و من میخوانم تورا و من

عَبْدُكَ وَسَائِلُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا سَائِلُكَ وَاَنَا

بندهٔ تو ام و سوال میکنم تورا و او بندهٔ تو بود و من سوال میکنم تورا و من

عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْرَحَ

بندهٔ تو ام اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی

عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَانْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ

او من چنانکه زایل کردی غم او را و اینکه اجابت کنی مرا در من چنانکه اجابت

لَهُ وَادْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ اِذْ فَرَّقَتْ بَيْنَهُ

کردی او را و من میخوانم ترا بآنچه خواند ترا بآن یوسف در وقتی که جدا کرد

وَبَيْنَ اَهْلِهِ وَاِذْ مُوسَى اِذْ دَعَاكَ وَهُوَ

میان او و میان اهل او و موسی وقتی که او را خواند و او

عَبْدُكَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ وَسَاَلَكَ وَهُوَ

بنده تو بود و من میخوانم ترا و من بنده توام و سوال کرد ترا او

عَبْدُكَ وَاَنَا اَسْاَلُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

بنده تو بود و من سوال میکنم ترا و من بنده توام اینکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ

محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی از من چنانکه زایل کردی از او

وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و اینکه اجابت کنی از برای من چنانکه اجابت کردی برای او پس رحمت فرست بر

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَذَكَرَ مَا يَكْنِي حَاجَتَهُ

آل محمد و بکن بمن فلان و فلان

خود را بعد از آن میگذاری و دو رکعت اخیر را میکونی بعد
از انها یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح تا اخر آن و بعد از فراغ شدن
از این اذان میکونی از برای نماز عصر و فاصله میکونی میان اذان
و اقامه تسبیح و دعا میکونی بانچه گذشت در صبح و ظهر بعد از آن
مشغول شو بنماز عصر و عمل میکنی جمیع اداب آنرا که سابقا
مذکور شد و میخوانی در رکعت اول از انجا که حضرت الصلوة و الفتح بالخیر
الملکات و مانند آنها را در رکوعها چنانکه روایت کرده است آنرا
شیخ طاب ثراه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسندی
صحیح بعد از فارغ شدن از نماز تعقیب میکنی بانچه تعقیب
کردی بان در ظهر مگر انچه مخصوص بنماز ظهر است و میکونی بعد از آن
انچه مخصوص است استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذا الجلال و الاکرام
طلب امرزش میکنم از خدا که نیست خدائی
الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذا الجلال و الاکرام
مگر او زنده و نگهدارنده بخشاینده مهربان صاحب بزرگی و کرامت
و اسأله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر
و سوال میکنم از او که قبول کند توبه مرا توبه بنده خوار فروتن محتاج

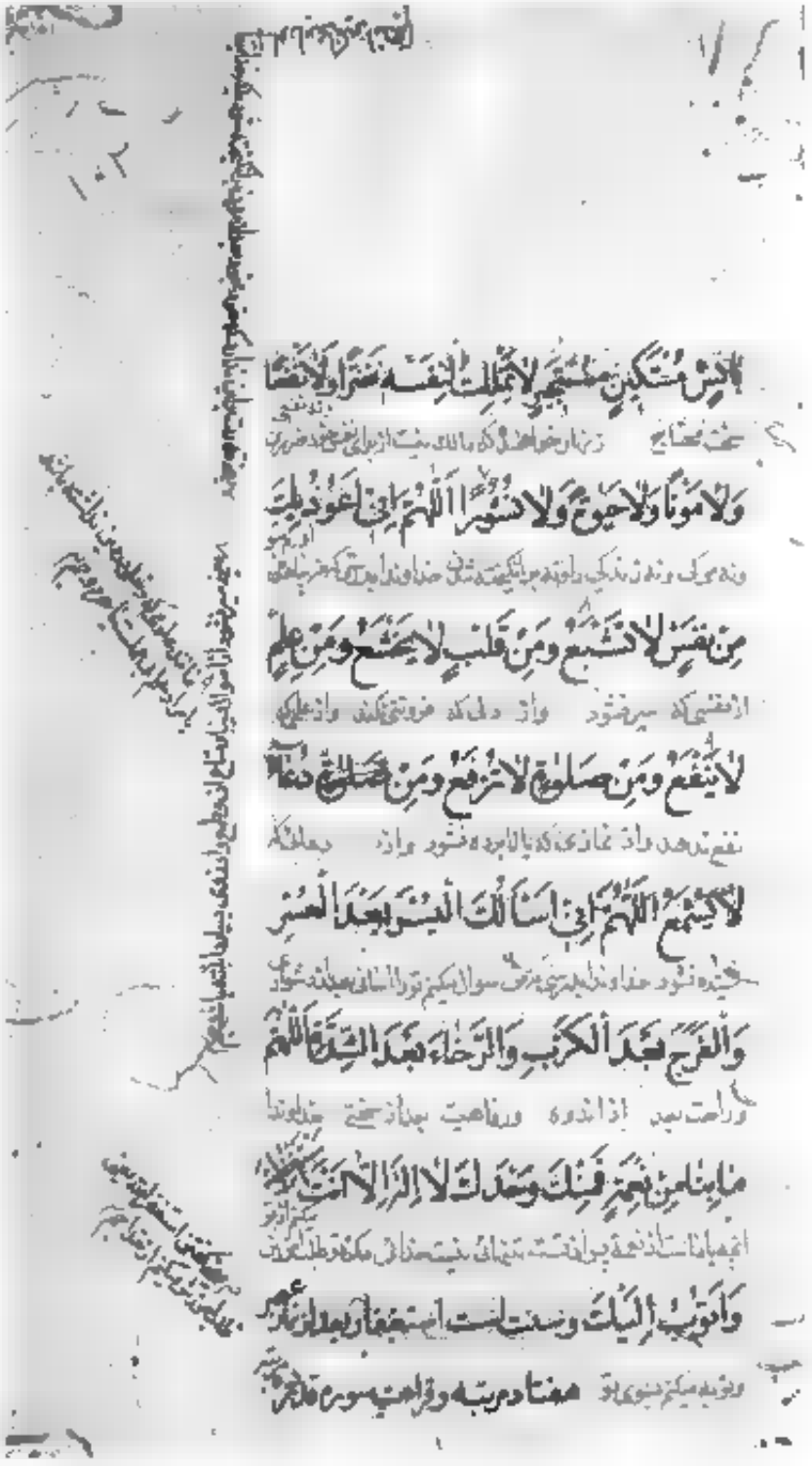

پس تحقیق کرد و ایزد شد است از حضرت صادق علیه السلام
که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بامرزد
خدای تعالی هفتصد گناه او را و از امام حسن بن جعفر ثانی علیه السلام
که فرموده که هر که بخواند انا انزلناه فی لیلة القدر ده مرتبه
بعد از عصر یکدیگر دهد از برای او به مثل اعمال خلایق
و دعا و ورد بعد از ان دو رکعت نماز شکر بکند و بخواند هذا آنها و
اولها الی آخر و بعد از ان بگوید باسمک اللهم
الی آخر و بعد از ان بگوید
اللهم الیک وجهت وجهی الیک وافیت
خداوندا بدرستی که روی خود را بسوی تو گردانیدم و کار خود را بتو واگذاشتم
بک اعلق علیک رغبتی انجابتک طامعا فی
بدعای خود بر تو امیدوار اجابت تو طمع دارنده در امرزش تو
طلب الوسیلة الیک علی نفسی مستشفعا
طلب کننده وسیلت بسوی تو بر نفس خود شفاعت کننده
الیک بمولای امیر المؤمنین صلی علی محمد
بسوی تو بمولای من امیر المؤمنین که رحمت فرستی بر محمد

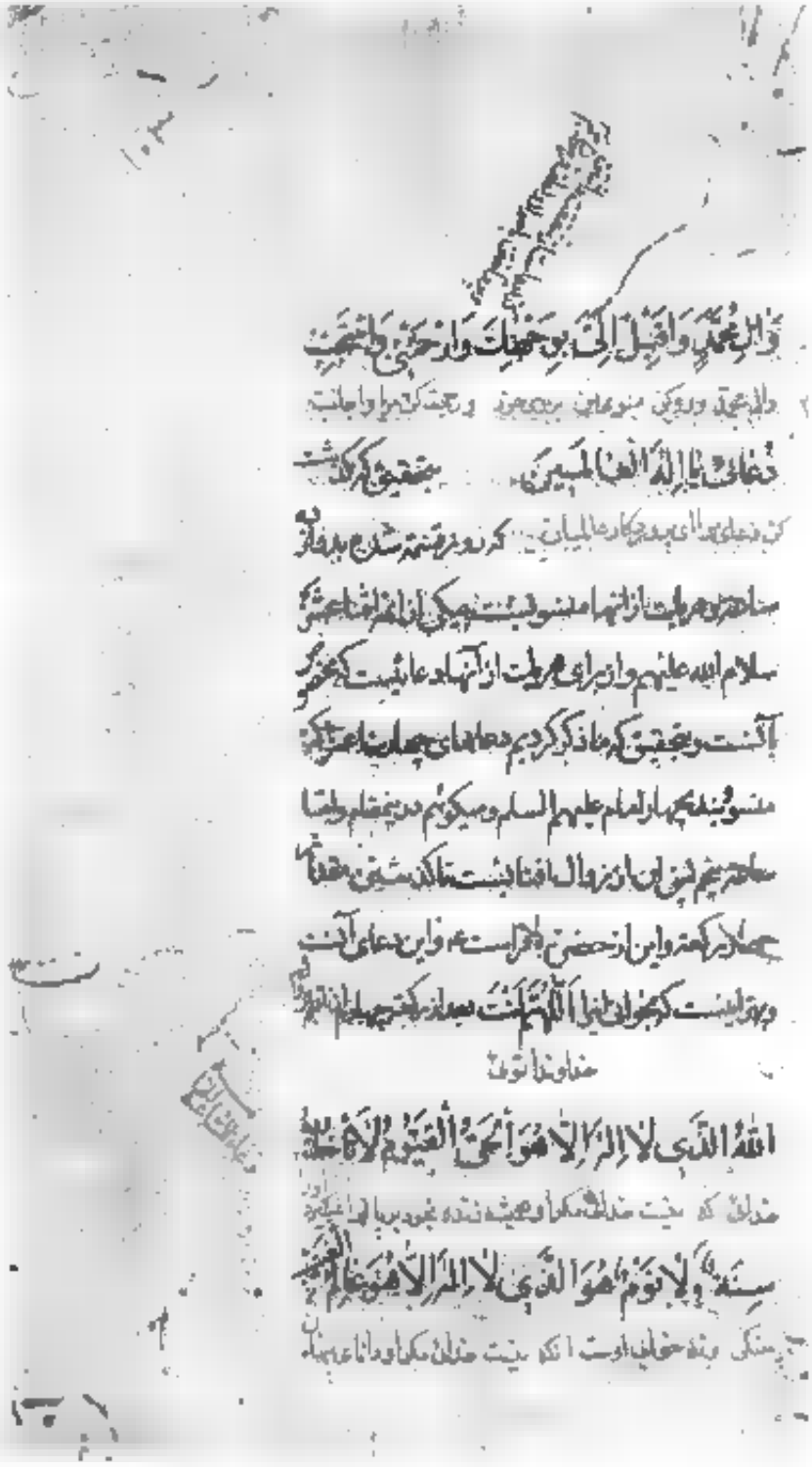

وان محمد وافضل الی بوجهك وارحمني واستجب
وان بحق وروی منوعان بروی جوز ورحمت کن مرا واجابت
دعائی یا الٰه العالمین بحقیق کرداشت
کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان کردر رقعه نوشته شده بدان
سادات روایت از انها منسوب است یکی از انها اشاره
سلام الله علیهم وانرای روایت از آنهاد عائیست که مخصوص
آنست وبحقیق که ماذکر کردیم دعاهای چهارده معصوم که
منسوب بنده چهار امام علیهم السلم وسیکونم در یکمقام واحد
ساخته یکم ایشان از زوال افتابست تاکذشتن مقدار
چهار رکعت واین از خصوص خواست وواین دعای آنست
وروایتست که بخواند اینرا اللهم انت بعد از رکعتین از نوافل
خداوندا تو
انت الذی لا الٰه الا هو الحی القیوم لا تاخذه
خدائی که نیست خدائی مکر او زنده نکهدارنده
سنة ولا نوم هو الذی لا الٰه الا هو عالم الغیب
چرتی ونه خوابی اوست انکه نیست خدائی مکر او دانای نهان

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَهُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ

وخاص اوست بخشاينده مهربان اوست اول واخر

وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ خَالِقُ

وظاهر وباطن واوست بهمه چيز دانا ست بيافريد

الْاِصْبَاحِ وَجَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

صبح وگرداننده شب جنبش گرداند آرام گيرند بآن وآفتاب وماه

حُسْبَانًا ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ يَا غَالِبُ يَا قَهَّارُ

حساب اينست تقدير غالب دانا اى غالبى كه

مَغْلُوْبٍ وَشَاهِدَ الْغَيْبِ يَا رَبِّ يَا مُجِيْبُ

مغلوب نشود واى حاضر كه غايب نشود اى زنده اى دوست

وَلِيُّ اللّٰهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْوٰرِثِيْنَ

است خداى من مرا مگذار تنها وتو بهتر

لَيْسَ لَكَ مَا لَيْسَ لَكَ مَا لَيْسَ لَكَ مَا لَيْسَ لَكَ

بازگشت نيكم فرو نيكم سوى تو فرو نيكم طلب كنندگان وزارى نيكم

مِنْ ذَلِيْلٍ خَضُوْعِ الرَّاغِبِيْنَ وَاَسْاَلُكَ سُؤَالَ

مسكين تو زارى كردن رغبت كنندگان وسوال نيكم تو سوال

الفقير للمسكين وادعوك تضرعا وخفية انك
فقیر بیمار محتاج وبیوام تو را زاری کنند و پنهان کنند بدرستی
لا تحب المعتدين وادعوك خوفا وطمعا ان
دوست نمیدارد از حد گذرندگان را و میخوانم تو را ترسان و امیدوار
رحمت قريب من المحسنين وأتوسل اليك
که رحمت تو نزدیک است بنیکوکاران و متوسل میشوم بسوی تو
بمحو زلتي وصفوتك من العالمين الذين جاءهم
بمحو کردن لغزش من و اختیار کردن تو از جمله عالمیان انکه آورده است
بالصدق وصدق المرسلين محمد عبدك
براستی و تصدیق کرده است رسولان تو را محمد بنده تو
ورسولك النذير المبين وولييك وعبدك
و رسول تو که ترساننده است و ظاهر و ولی تو و بنده تو
علي بن ابي طالب امير المؤمنين وباب الامام
علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و باب امام
محمد بن علي ناشر علوم الاولين والآخرين
محمد بن علی پراکنده علوم پیشینیان و پسینیان

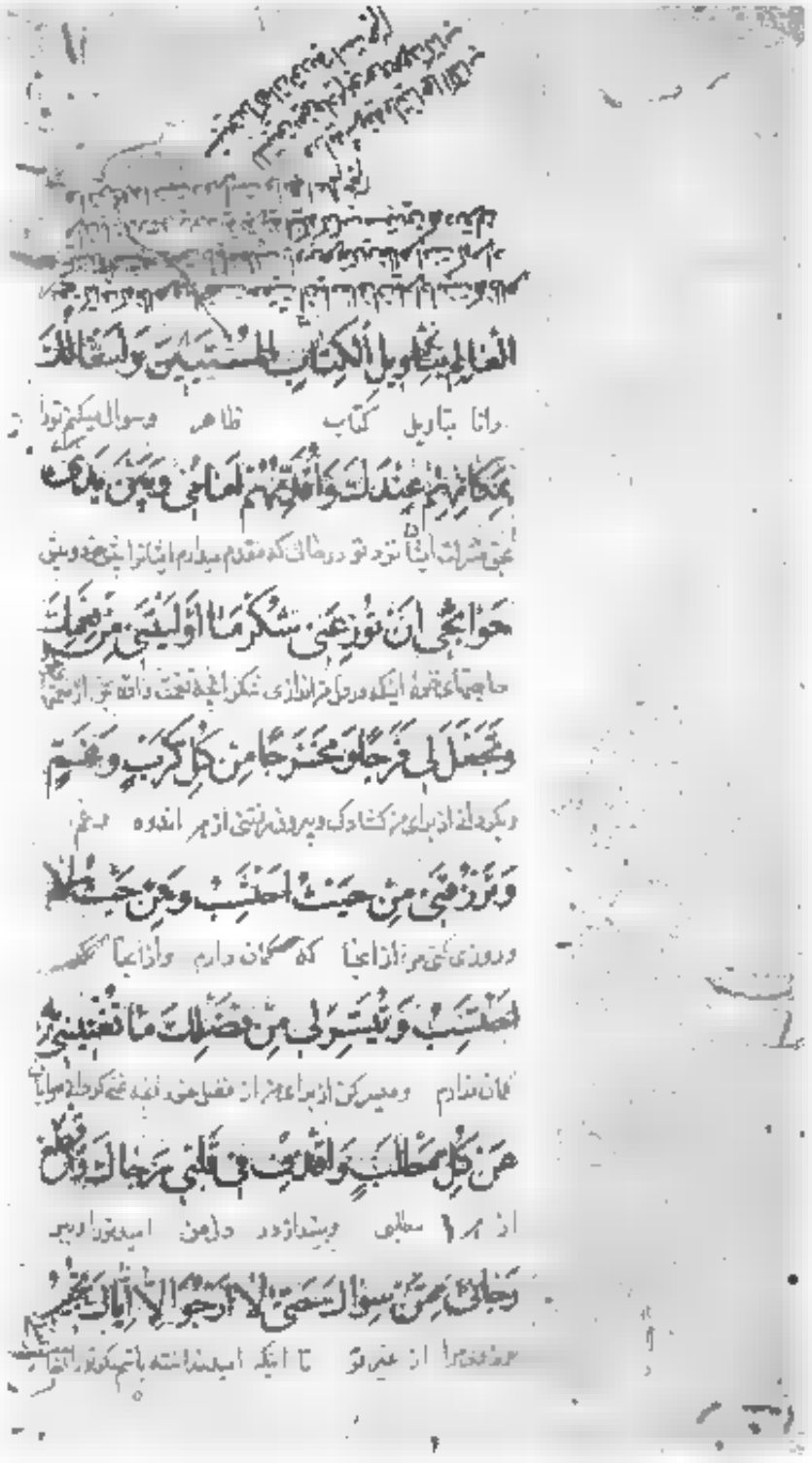

الدّاعي إذا دعا لو وتعبّد المدعوّ إذا دعا له
خواننده را هرگاه خواهد تا دعا کند و بخواند یعنی تعبّد کند را هرگاه او را دعا کند را

وأنت أيّها المريد لهذه الصلاة ستّ ركعات
و تو ای مرید این نماز شش رکعت است

تا تمام شد این دعا که بخواند این را بعد از رکعت ششم از نافله
آنست و خوانند که بخواند این را بعد از رکعت ششم از نافله

اللّهمّ أنت أوليتني بإحسانك وعلّمتني الغيب
خداوندا تو فرو فرستاده باز مرا بر احسان خود و دانستن غیب

بعفوك وسترت الأمور بكرمك وذللت الصعاب
بخشودن خود و پوشیده کارها را بکرم خود و آسان کردن دشوارها

بمشيّتك وأعجزت العقول عن علم كيفيّتك وقد
بخواستن خود و عاجز کرده عقلها را از دانستن چگونگی خود و

حجبت الأبصار عن إدراك صفتك والألوهيّة
بپوشانیده دیدها را از دریافتن صفت خود و الهیت

عن حقيقة معرفتك واضطررت الأفهام
از حقیقت شناختن خود و مضطر کرده اندیشه‌ها را

عَلَى مَكْنُونِ الْأَسْرَارِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَى اٰلِهِ

بر پوشیده سرها رحمت کناد خدا بر او و بر اهل

بَيْتِهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ

بیت او بدشام وصبح خدایا بدرستی که من سوال میکنم ترا

اَسْتَشْفِعُ بِمَكَانِهِمْ لَدَيْكَ وَاَتَقَدَّمُ اِلَيْكَ بِهِمْ اَمَامَ

وشفاعت میجویم بمنزلت ایشان نزد تو ومقدم میدارم ایشانرا پیش

بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي فَاَعْطِنِي الْفَرَجَ الْهَنِيَّ وَالْمَخْرَجَ

وپیش حاجتهای خود پس عطا کن بمن گشایش آسان وبیرون رفتن

الْهَوِيَّ وَالْمَصْنَعَ الْقَرِيبَ وَالْاَمَانَ مِنَ الْفَزَعِ

دلخواه واحسان نزدیک وامان از هول

فِي الْيَوْمِ الْعَصِيبِ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي مُوبِقَاتِ الذُّنُوبِ

در روز سخت وآنکه بیامرزی مرا بر من هلاک کننده گناهان

وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ الْعُيُوبِ فَاَنْتَ الرَّبُّ

وبپوشانی بر من رسوا کننده عیبها را پس تو پروردگار

وَاَنَا الْمَرْبُوبُ وَاَنَا الطَّالِبُ وَاَنْتَ الْمَطْلُوبُ

ومن پرورده شده ام ومن طلب کننده ام وتو طلب کرده شده

وَأَنْتَ الَّذِي بِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَأَنْتَ

وتوئی کہ بیاد اوری توارام میگیرد دلها وتوئی

الَّذِي تَعْرِفُ بِالْحَقِّ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ الْأَكْرَمُ

کہ بحق میشناسی حق را وتوئی دانای غیبها کریمی

الْأَكْرَمِينَ وَيَا خَيْرَ الْفَاصِلِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

ترین کریمان وای بہترین جدا کنندگان وای حاکمترین حکم

وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَمَا سَاعَةً هَمَمْتُ بِأَنْ أَظْهَرَ

کنندگان وای مہربانترین مہربانان تا کردم بمقدار چہار رکعت نماز پیش از

وَبَيْنَ يَدَيْ حَضْرَتِكَ كَلِمَتِي اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمَرْتَ بِهَذَا وَبِإِجَابَتِكَ

وبین دو حضرت کلمت الٰہی تو فرمودی باین و باجابت تو

اشْتَدَّ الْأَمْرُ وَأَنْتَ الْمَدْعُوُّ فِي الْمَسَرَّاتِ وَالْخَيْرِ وَ

سخت شود کاری وتوئی خوانده شده هر گاه بر سد بحالی و

تُجِيبُ الْمَلْهُوفَ الْمُضْطَرَّ وَالْمُنْجِي مِنَ الظُّلُمَاتِ

اجابت کنندہ ستم رسیدگان بیچاره ونجات دهنده از تاریکیها

الْبَرُّ الْبَرُّ وَمَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَالْعَالَمُ يَوْمَ

بسیار نیکوکار وئی کہ مر اوراست خلق وامر وتوئی آفریدگار وپروردگار

العَالِمُ المُطَّلِعُ عَلَى خَفِيِّ السِّرِّ نَاظِرُ كُلِّ نَجْوَى

سینه واکاه بر پنهان سر نهی نهایت هر راز

وَمُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى أَمَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُخْرَى وَ

ومنتهی هر شکایت ای کسی که از برای اوست سپاس در آخرة و

الْأُولَى أَمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

دنیا ای کسی که آفریده است زمین و آسمانهای بلند را

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

بیامرزنده بر عرش مستولی شده از برای اوست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى

واقع در زمین است و آنچه میان آنهاست و آنچه در زیر خاک است

وَإِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى اللَّهُ لَا

و اگر بلند میگیری گفتگو را پس بدرستی که او میداند سر را و پنهان تر از آن را

إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى أَسْأَلُكَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ

نیست خدائی مگر او از برای اوست نامهای نیکو سوال میکنم تو را ای محمد ای علی

يَا عَلِيُّ يَا خَيْرَ خَلْقِهِ مِنْ خَلْقِكَ وَالْمُؤْتَمَنَ عَلَى

ای علی ای بهترین آفریده تو از میان خلق تو و امین بر

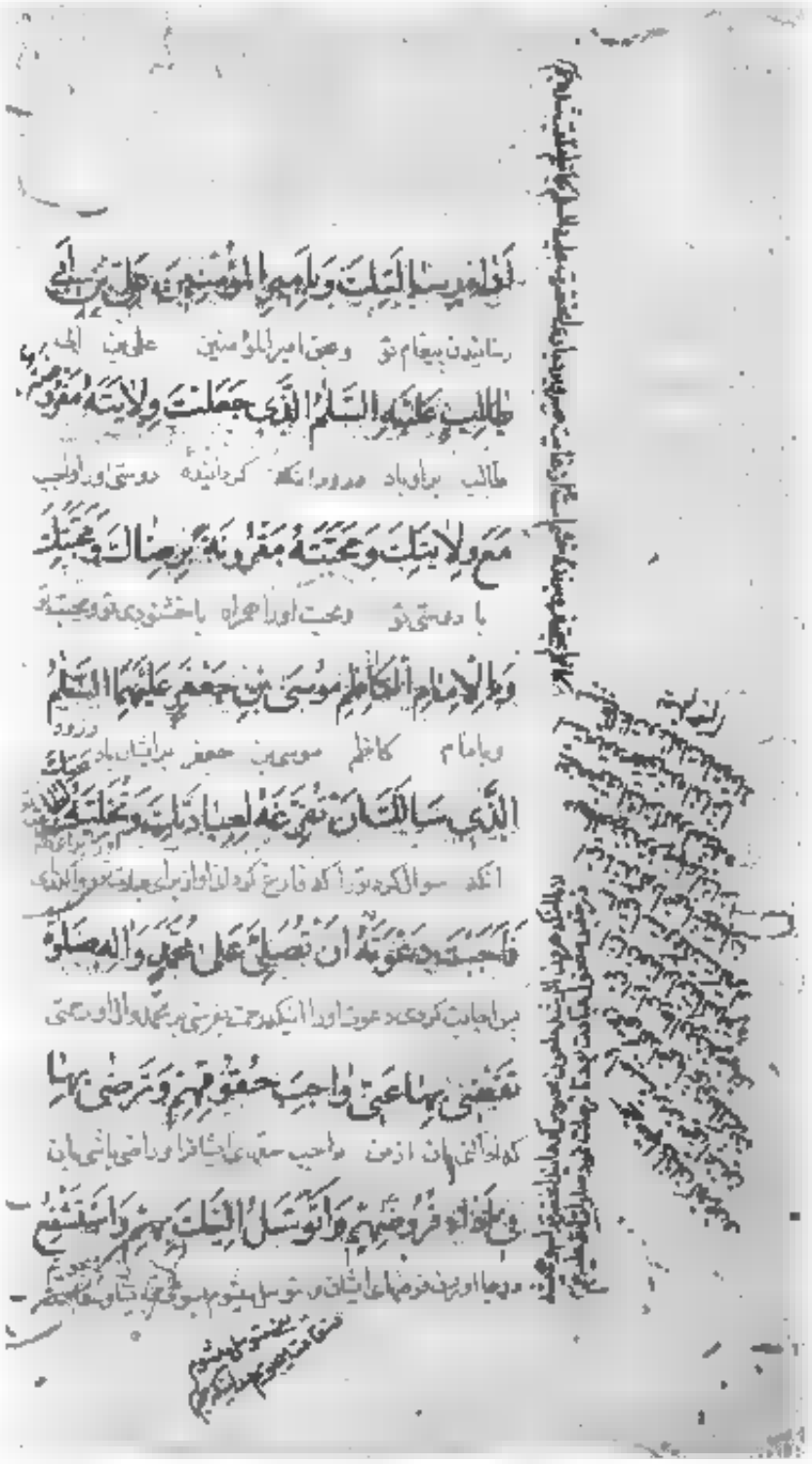

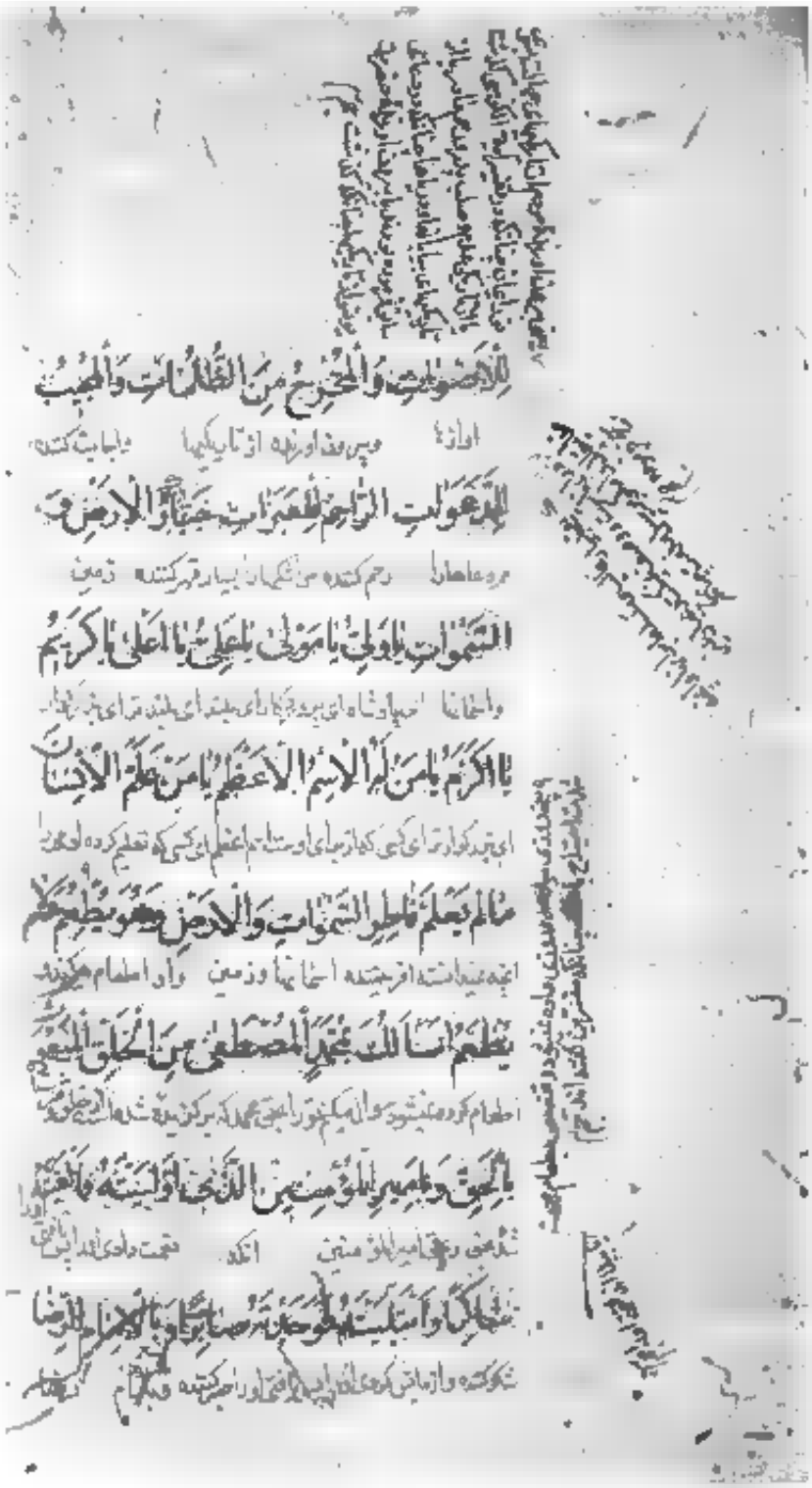

علی بن موسی الذی اوفی بعهد لله ووثق
علی بن موسی انکه وفا کرد بعهد تو واعتماد داشت بر
واعرض عن الدنیا وقد اقبلت الیه وزعم
وروگردانید از دنیا وحال انکه بتحقیق روآورده دنیا بسوی او واو
عن رغبتها وقد رغبت فیه ان یصلی علی
از رغبت دنیا وحال انکه بتحقیق رغبت کرده اند بدانکه رحمت فرستی بر
محمد وال محمد فقد توسلت بهم الیک وقدمتهم
محمد وال محمد بن تحقیق که متوسل شده ام بایشان بسوی تو ومقدم
لحوائجی وبین یدی حوائجی ان تقضیها لی
حاجتهای خود وپیش حاجتهای خود انکه روا سازی مرا
سبیل مرضاتک وتیسر لی اسباب طاعتک
راههای خشنودی خود واسان گردانی برای من اسباب طاعت
وبوفقنی لاجتناء الزلفة عندک وعندهم
وتوفیق دهی مرا برای جای گرفتن نزدیکی نسبت بدرگاه تو ونزد ایشان
واذهب عنی کل خطوة من معاصیک واعذنی
وببر از من هر لغزشی را از معصیتهای تو وپناه ده مرا

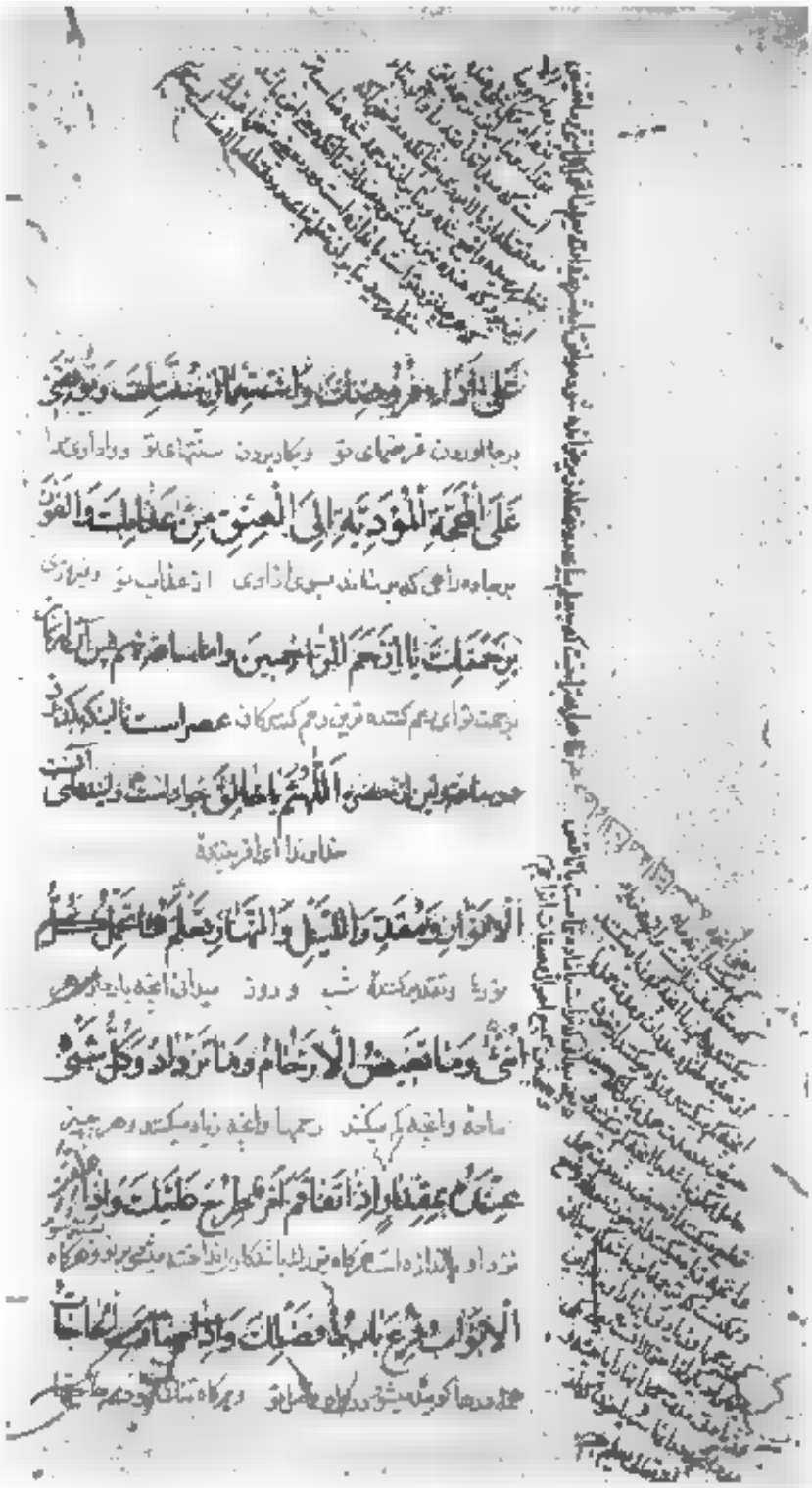

بالتوفيق و الصواب صلى الله عليه و على اهل

بتوفیق و صواب رحمت کناد خدا برای و بر اهل

بيته ما الاطهار ان يجعل موالاتي لهم عصمة من

بیت او که پاکیزگانند اینکه بگرداند دوستی مرا برایشان نگاه داری از

النار و مجنة الى دار القرار فقد توسلت بهم اليك

آتش و جادهٔ سوی دار قرار پس تحقیق که متوسل شدم بایشان بسوی

و قدمتهم امامي و بين يدي حوائجي و انا اتقرب

و مقدم داشتم ایشان را پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینک تقرب جویم

الى الله بزيارتهم و اسئله بمكانتهم ان يعطيني

بسوی خدا بزیارت ایشان و سؤال کنم از او بمکانت ایشان که عطا کند مرا

التعرض لمواقف مرضاته و توفيقي لطول

متعرض شدن جایگاهای خشنودی او و توفیق مرا از برای طول

محبته و مرضاته يا ارحم الراحمين و صلى الله

محبت او و خشنودی او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و

ثم ادع ما احببت بعد ذلك و عند انصرافك زر و قل

پس بخوان هر چه خواهی بعد از آن و هنگام انصراف زیارت کن و بگو

السلام و على ابن خير خلق الله السلام و على

سلام و بر پسر بهترین خلق خدا سلام و بر

الله انت الولي الحميد المحمود النوء و المبدئ

خدایا تو ولی ستوده شده بسیار نوازنده و آغاز کننده

المعبود ذو العرش المجيد والبطش الشديد فعال

عزوفرماینده صاحب شدید بزرك وقهر سخت كننده

لما يريد يا من هو أقرب إلى من حبل الوريد يا من

مراد را میخواهی كه او نزدیكتست بسوی من از حبل ورید ای كسی

هو على كل شيء شهيد يا من لا يعاظمه غفران

كه او بر هر چیز گواهست ای كسی كه بزرك نیاید او را بخشیدن

الذنوب ولا يكبر عليه الصفح عن العيوب يا

گناهان وعظیم نیست بر او درگذشتن از عیبها سوال

بجلالك ونور وجهك الذي ملأ أركان عرشك

بعزوكبریاء ونور ذات تو كه پر كرده است اركان عرش تو

وبقدرتك التي قدرت بها على خلقك وبرحمتك

وبقدرت تو كه تقدیر كرده بآن بر خلق خود وبرحمت تو

التي وسعت كل شيء وبقوتك التي ضعف لها

كه گنجانیده است هر چیز را وبقوت تو كه ضعیف شده است بر آن

كل قوي وبعزتك التي ذل لها كل عزيز يا من

هر قوی وبعزت تو كه خوار شده است بر آن هر عزیزی ای آنكه

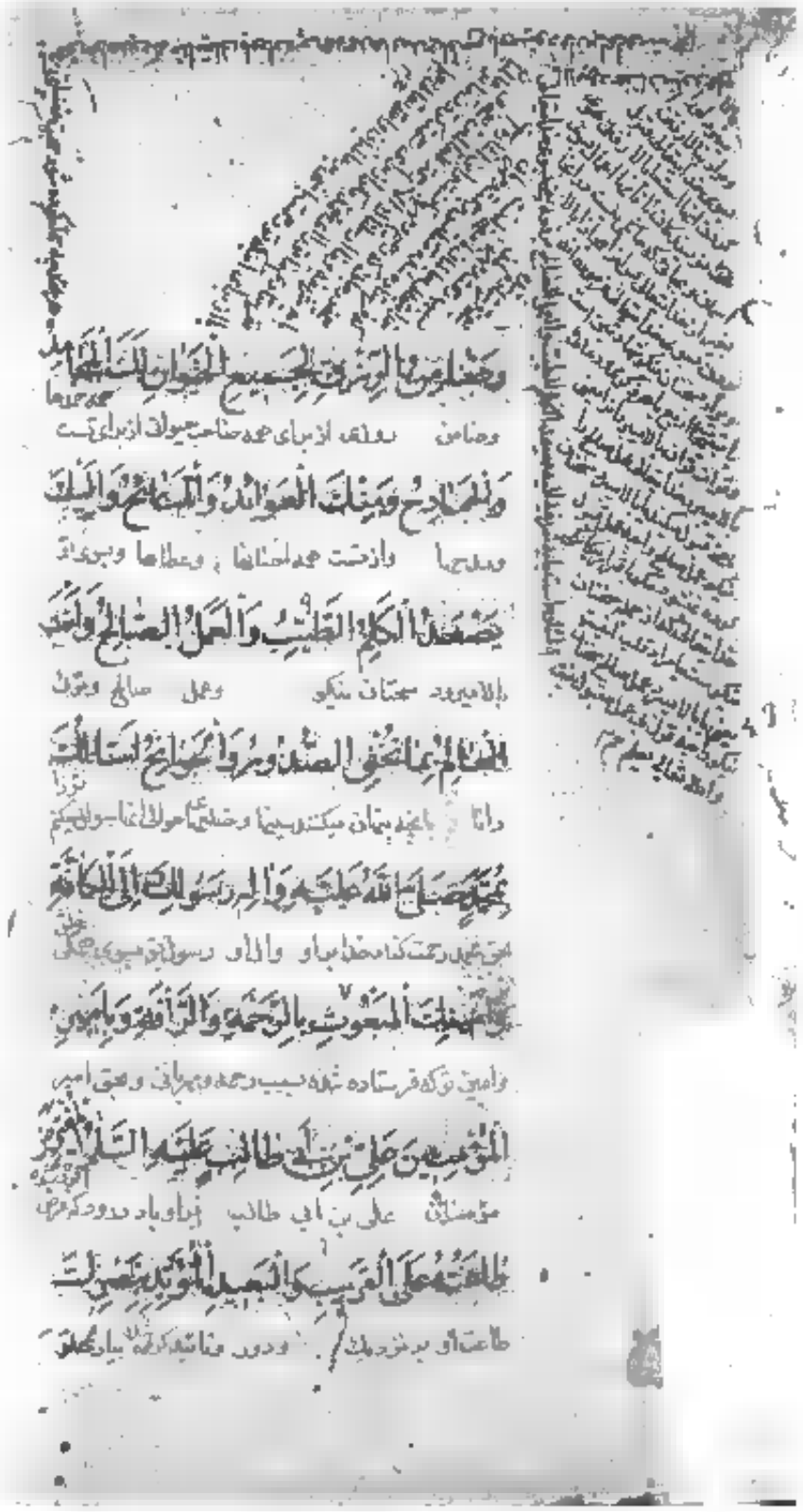

فِي كُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٍ وَالْإِمَامِ الْحَسَنِ

در هر موقف مشهودی و بامام حسن بن

عَلِيٍّ الَّذِي طَرَحَ لِلسِّبَاعِ فَخَلَصْتَهُ مِنْ مَرَابِضِهَا

علی انکه انداخته شد او را برای سباع پس خلاص کردی او را از مرابض

وَامْضِ بِالذَّوَائِبِ الْمُتَعَالِيَةِ فَدَلَلْتَ أَمْرَاكِبِهَا

و امض بالذوائب المتعالیة فدللت امراکبها

وَامْتَحَنْتَ كُلَّ ذِي صَعْبٍ فَلَمْ تَدَعْ لِلْعَاصِي

و امتحنت کل ذی صعب فلم تدع للعاصی

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ

ان تصلی علی محمد و آل محمد فقد توسلت بهم

إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

الیک و قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی

وَأَنْ تَرْحَمَنِي بِالتَّوْفِيقِ لِإِرْتِيَادِ مَصَالِحِ نَفْسِي

و ان ترحمنی بالتوفیق لارتیاد مصالح نفسی

وَتُصَيِّرَنِي عَلَى التَّمَسُّكِ بِطَاعَتِكَ بِالْجِدِّ فِي

و تصیرنی علی التمسک بطاعتک بالجد فی

أَنْ تَجْعَلَ لِي بِالْخَيْرِ مَصَادِرَ أُمُورِي وَتُفَضِّلَ عَلَيَّ

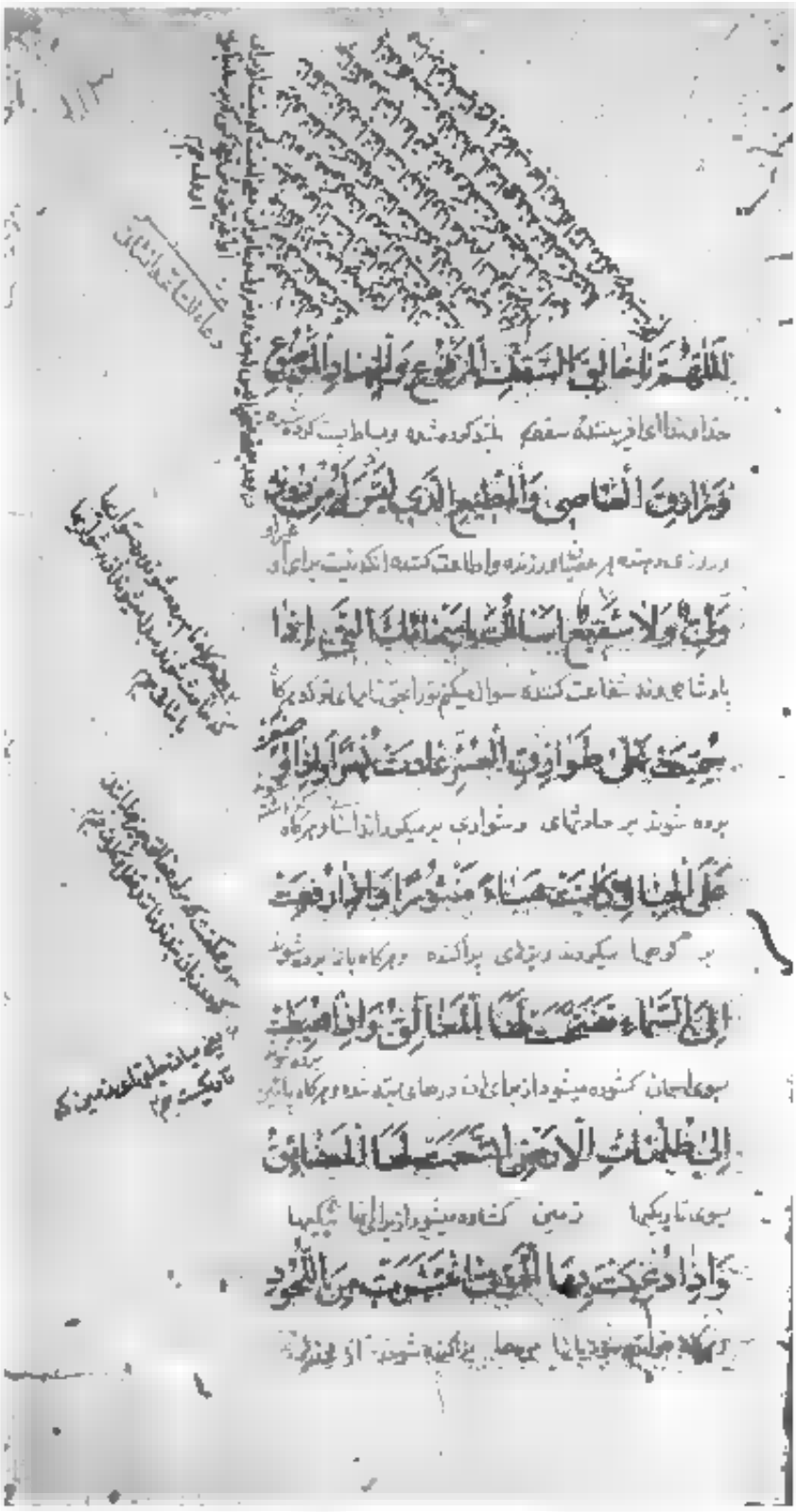

وَاذَا نُوْدِيَ بِهَا الْمَفْرُوْضَاتُ خَرَجَتْ اِلَى

وہرگاہ ندا کردہ شود بانماز ہا روز شنبہ بیرون آید بسوی

الْوُجُوْدِ وَاِذَا ذُكِرَ بِهَا عَلَى الْقُلُوْبِ وَجَلَتْ خُشُوْعًا

وجود وہرگاہ یاد کردہ شود بدلہا بترسند از روی

وَاِذَا قُرِعَتِ الْاَسْمَاعُ فَاضَتِ الْعُيُوْنُ دُمُوْعًا

وہرگاہ خورده شود بانہا بگوشہا روان شوند دیدہ ہا اشکہا

اَسْاَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَسُؤَالِكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجِزَاتِ الْمَبْعُوْثِ

سوال میکنم تو را بحق محمد فرستادہ تو کہ تائید کردہ شدہ بہ معجزہا برانگیختہ

بِمَكَارِمِ الْاَخْلَاقِ وَبِاَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْ

بہ بہای مکارم اخلاق و بحق امیر مومنان علی بن ابی

طَالِبٍ الَّذِيْ اخْتَرْتَهُ لِمُوَاخَاتِهِ وَوَصِيِّهِ

طالب آنکہ اختیار کردہ او را برای برادری رسول خود و وصی

وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصَافَاتِهِ وَمُصَاهَرَتِهِ وَنَصَبْتَهُ

و برگزیدہ او را از برای خالص بودن با و داماد او و نصب

لِزَمَانِ الْمَهْدِيِّ الَّذِيْ تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ

زمان مہدی آنکہ جمع میکند بر طاعت او

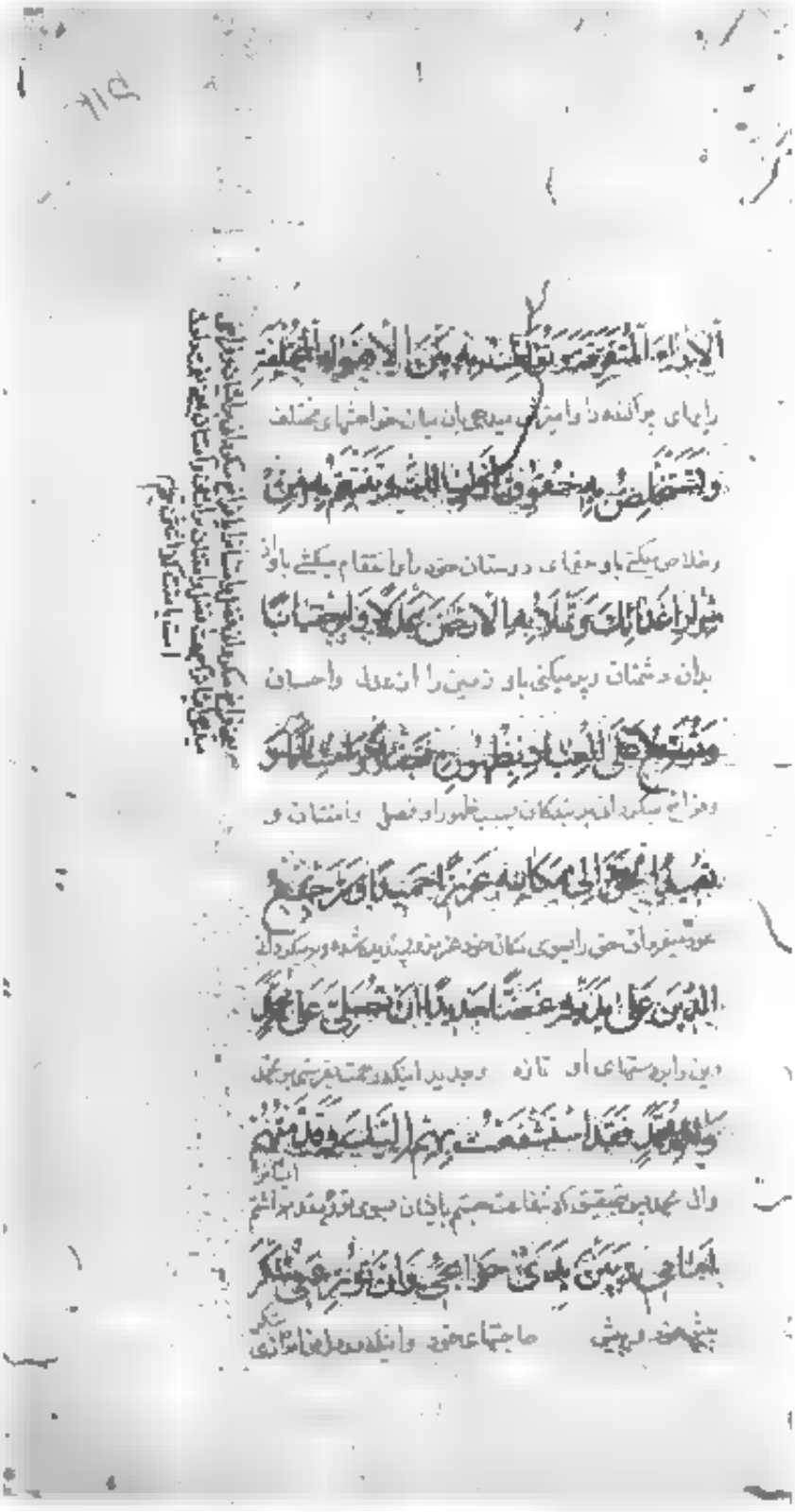

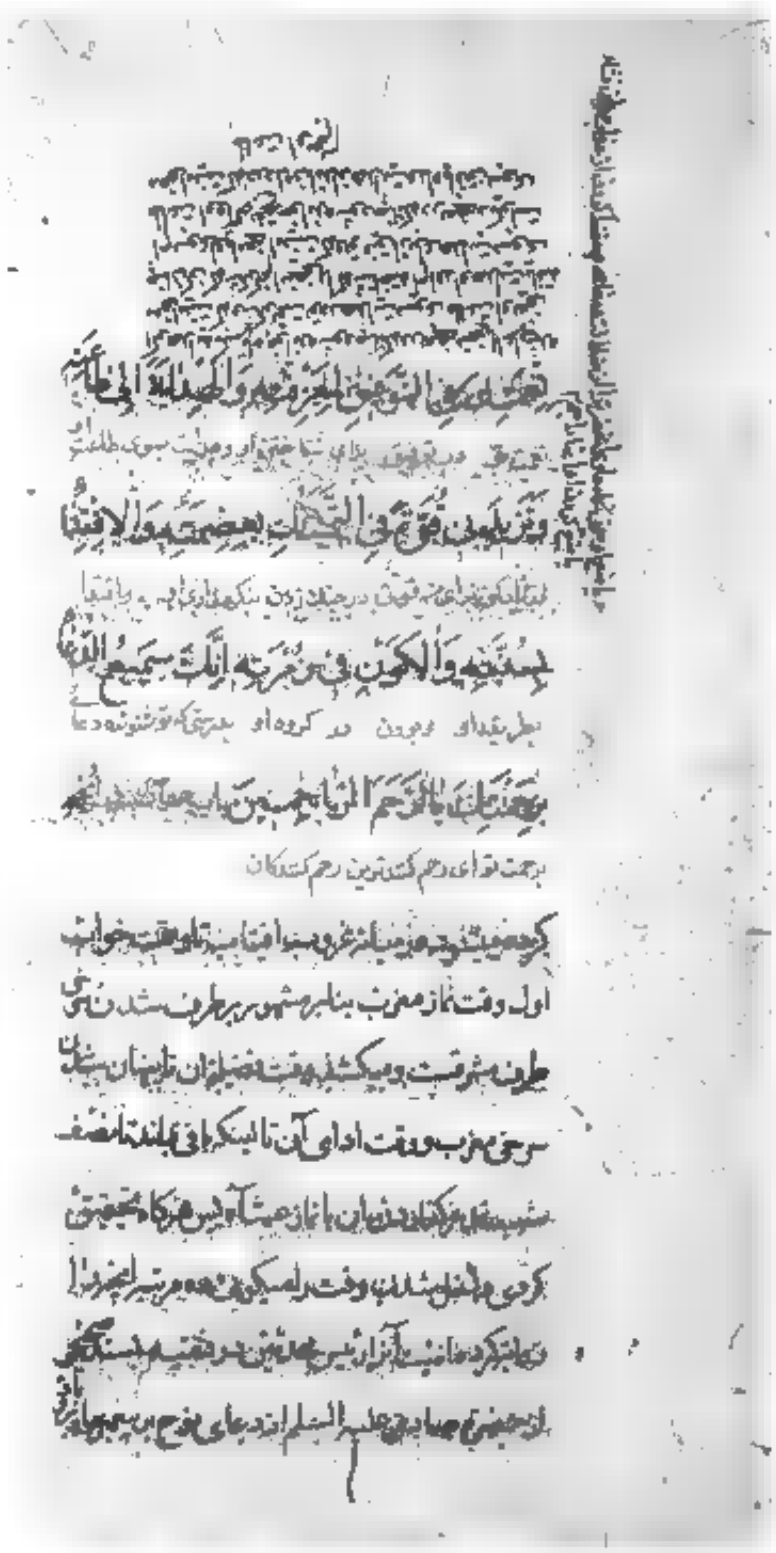

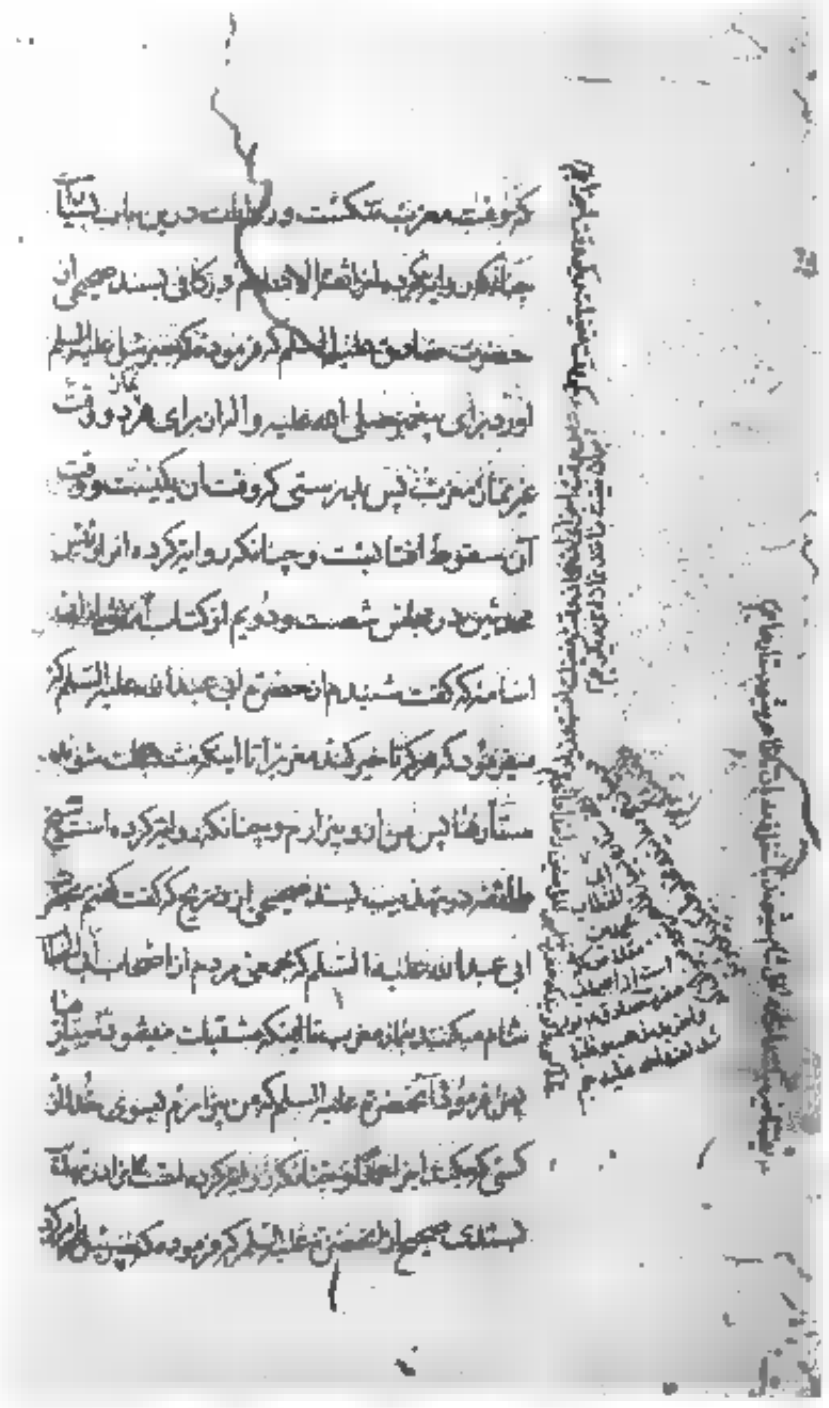

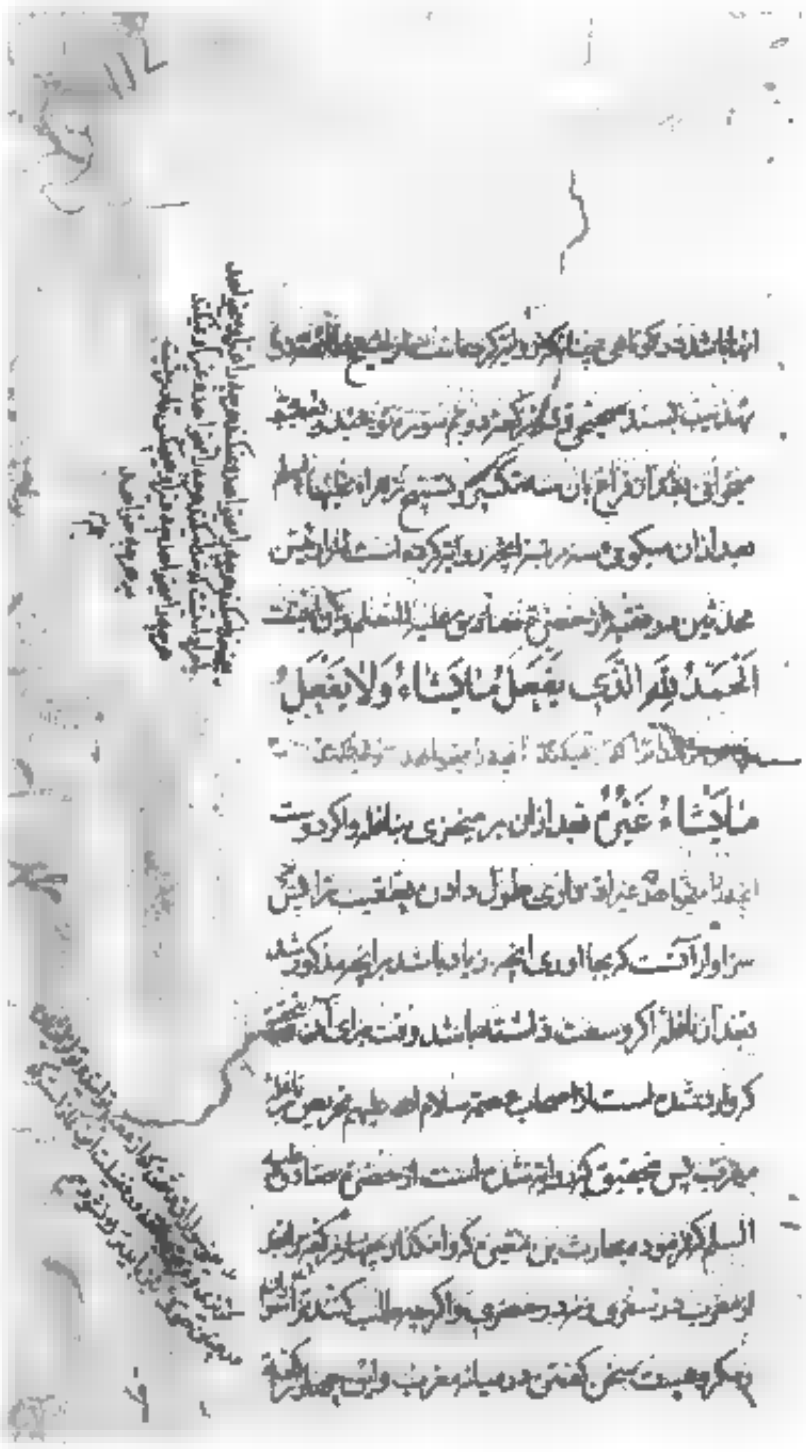

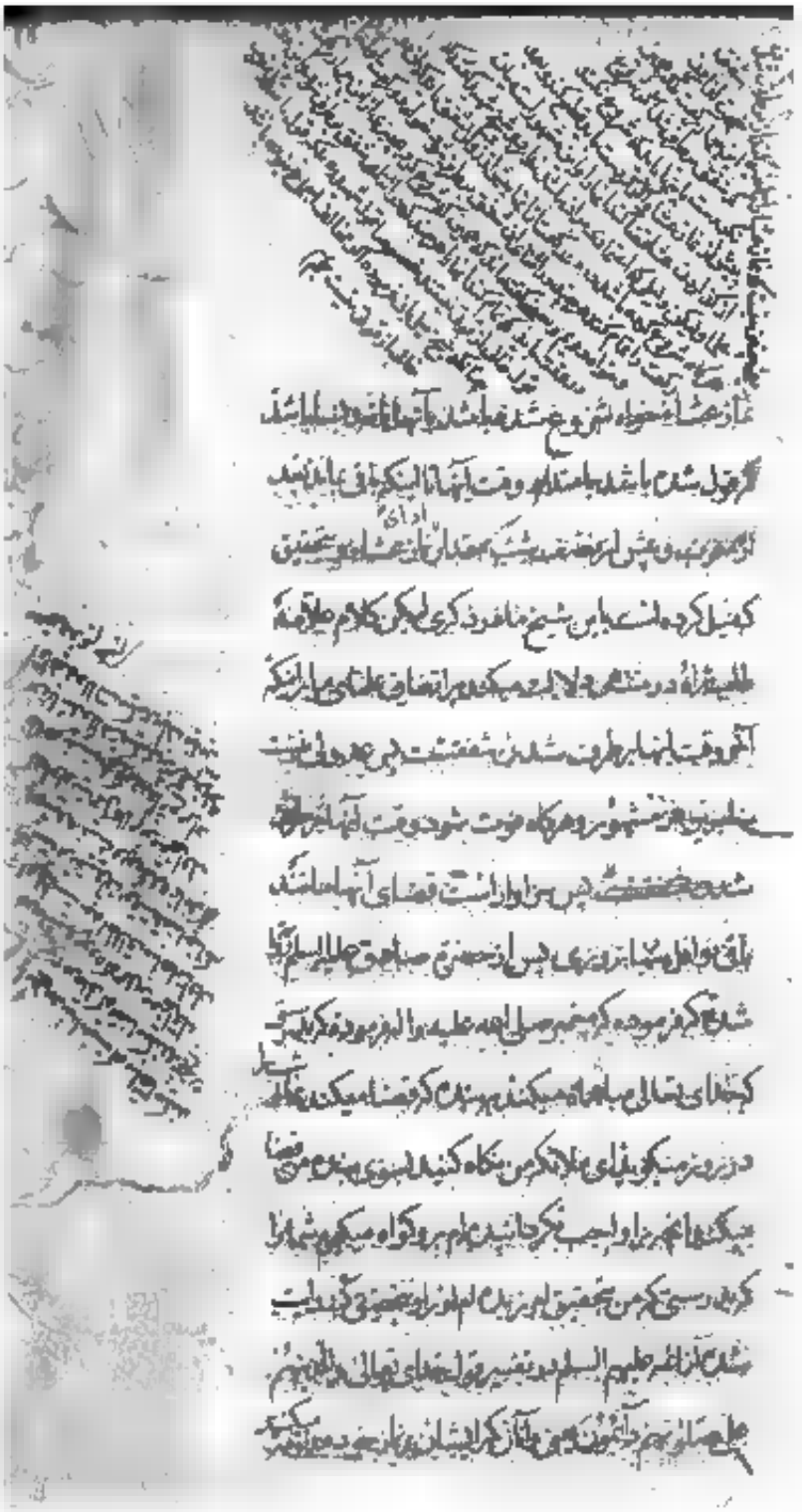

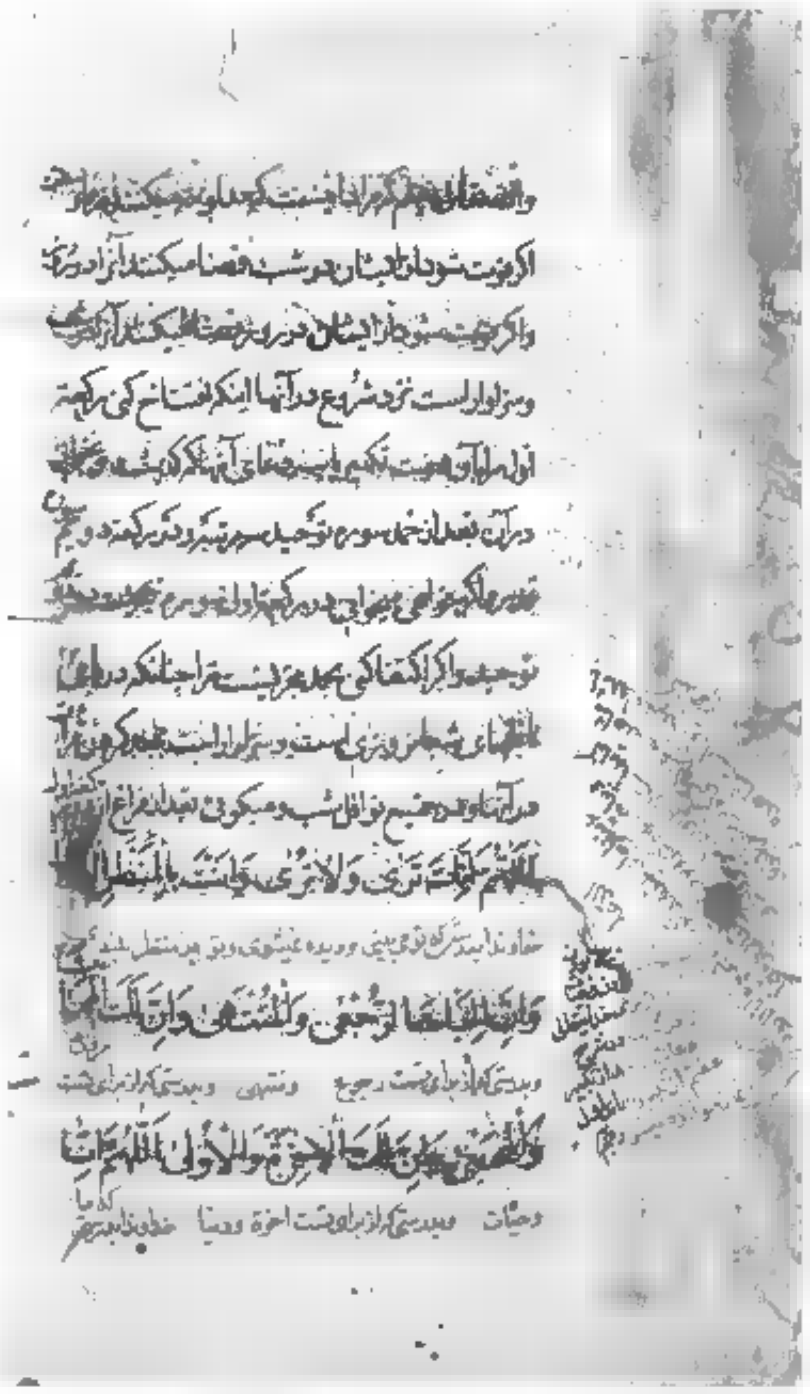

مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَهُوَ

پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکرداند و میمیراند و او

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ

بر هر چیز بغایت تواناست اول و آخر ظاهر

وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ

و باطن و او بهر چیز داناست اوست آنکه آفریده

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى

آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی شده

عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

بر عرش میداند آنچه در زمین میرود و آنچه از زمین

مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا وَهُوَ

بیرون میآید و آنچه از آسمان فرود میآید و آنچه بالا میرود در آن و او

مَعَكُمْ اَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ لَهٗ مُلْكُ

با شماست هر جا که بوده باشید و خدا بآنچه میکنید بیناست مر او راست

السَّمٰوٰتِ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ يُوْلِجُ

آسمانها و بسوی خدا برگردانده میشود کارها داخل میکند

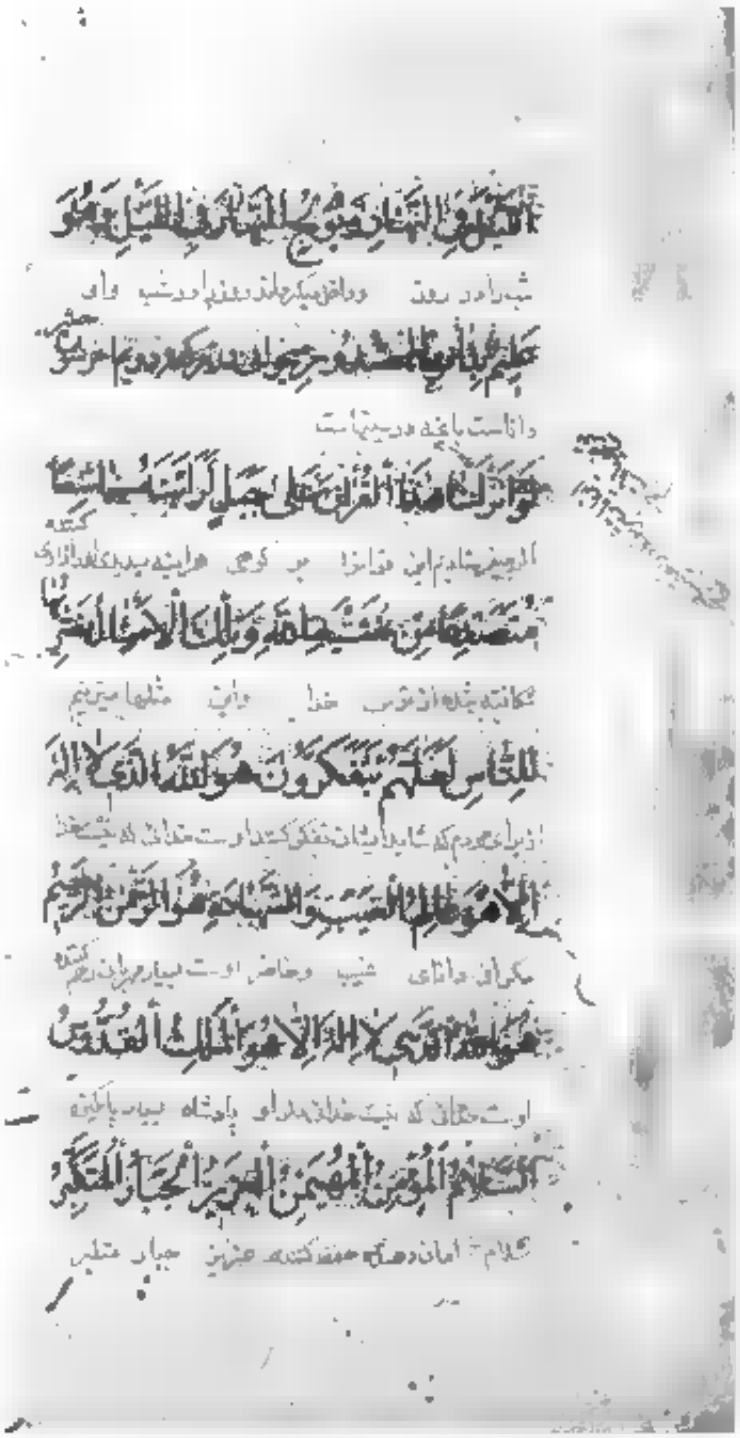

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

پاکست خدا از انچه شریک میکنند او اللہ است آفریننده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي

صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند از برای او انچه

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

در آسمانهاست و زمین است و اوست عزیز

وسیکویند یکبار صد و اخر از بن دو کلمه مبارکه اللّٰهُمَّ إِنِّي

حکیم

أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ

کہ من سوال میکنم تو را بحق ذات بزرگوار تو و نام بزرگ تو

وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و پادشاهی قدیم تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ

و اینکه بیامرزی از برای من گناه بزرگ بدرستیکه نمی آمرزد گناه

إِلَّا الْعَظِيمُ پس مرکاه فارغ شد بذکر جمیع این کلمات

بزرگ پس ما نمی نیست از کامل کردن نماز

بعد فرض این دعا را
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد
بنام خداوند بخشاینده مهربان خداوندا رحمت بفرست بر محمد
البشیر النذیر السراج المنیر الطهر المطاهر
بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن پاکیزه پاک
خاتم انبیائك وسید اصفیائك وخالصك
خاتم پیغمبران تو وبزرگ است برگزیدگان تو وخالص
اخلائك ذی المقام المحمود والمنهل المشهود
دوستان تو صاحب جایگاه پسندیده ومنهل مشهود
والحوض المورود اللهم صل علی محمد کما
وحوض مورود خداوندا رحمت بفرست بر محمد چنانکه
بلغ رسالتك وجاهد فی سبیلك ونصح
رسانید پیغام تو را وجهاد کرد در راه تو وخالصانه

لِأُمَّتِهِ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ وَصَلَّى عَلَى الْهَادِي

براى امت خود تا آنكه او را يقين ... رحمت بفرست بر آن هادى كه او را

الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ

برگزيدگان پرهيزكاران نيكوكاران كه برگزيدى ايشان را

لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَلَمَّتَهُمْ

براى خود ... واختيار كردى ايشان را از خلق خود وايشان گردانيدى

عَلَى وَحْيِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِكَ وَتَرَاجِمَةَ

بر وحى خود ... وگردانيدى ايشان را خزينه داران علم خود وترجمانان

وَحْيِكَ وَأَعْلَامَ نُورِكَ وَحَفَظَةَ سِرِّكَ

وحى خود ... وعلمهاى نور خود ونگاهداران سر خود

وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا

ودور كرده از ايشان رجس را وپاك گردانيده ايشان را پاك كردنى

اللَّهُمَّ افْعَلْ بِنَا وَبِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ

خداوندا بسودمند ما را بدستى ايشان وحشر كن ما را در گروه ايشان

لِوَائِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ وَاجْعَلْنِي

علم ايشان وجدا مكن ميان ما وميان ايشان وبگردان مرا

وَاجْتَنِبْ بِهَلَكَاتِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْ

و بجناب کرم تو دور دار خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و مگردان

عَيْشِي بِجَهْلَةٍ وَلَا تَمْنَعْنِي مَضَارَّ وَلَا تُحَرِّمْنِي عَطْفَكَ

از من روی خود را و منع مکن از من فضل خود را و محروم مگردان مرا

وَاجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَاءَكَ وَأُعَادِي أَعْدَاءَكَ وَأَرْزُقْنِي

و بگردان مرا چنان که دوست دارم دوستان تو را و دشمن دارم دشمنان تو را و روزی کن

الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ

مرا ترس از تو و رغبت بسوی تو و اطاعت مر امر تو را

وَالتَّصْدِيقَ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى

و تصدیق بکتاب تو و پیروی طریقهٔ پیغمبر تو رحمت خداوند

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا

خدا بر او و آل او خداوندا بدرستی که پناه میبریم بتو از نفسی که

تَشْبَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

قناعت نکند و شکمی که سیر نشود و چشمی که گریه نکند و دلی که فروتنی نکند

وَصَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ

و نمازی که بالا برده نشود و عملی که نفع نکند و دعائی که شنیده نشود

وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

وساعت ناخوش واز شر انچه فرو میرود در زمین وانچه بیرون

مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ

ازان وانچه فرود می آید از آسمان وانچه بالا میرود در ان واز شر

طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

حادثهای شب وروز مگر حادثه که حادث میشود بخیر

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي

واز شر هر جنبنده که او بقدرت کار من گرفتست ناصیه او بدرستی که

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ

بر راه راستست پس بسنده باشد ترا نگاهبانی کردن خدا ایشان را

الْعَلِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاتَ كَانَتْ

دانا ستایش مر خدایرا که او گزارد از من نماز را که هست

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا بَعْدَ أَنْ سَكَنُوا اللَّهُمَّ إِنِّي

بر مؤمنان فرضی وقت قرار داده شده بعد از انکه ساکن شدند ای خدای من

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

که من سوال میکنم ترا بحق محمد وال محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد

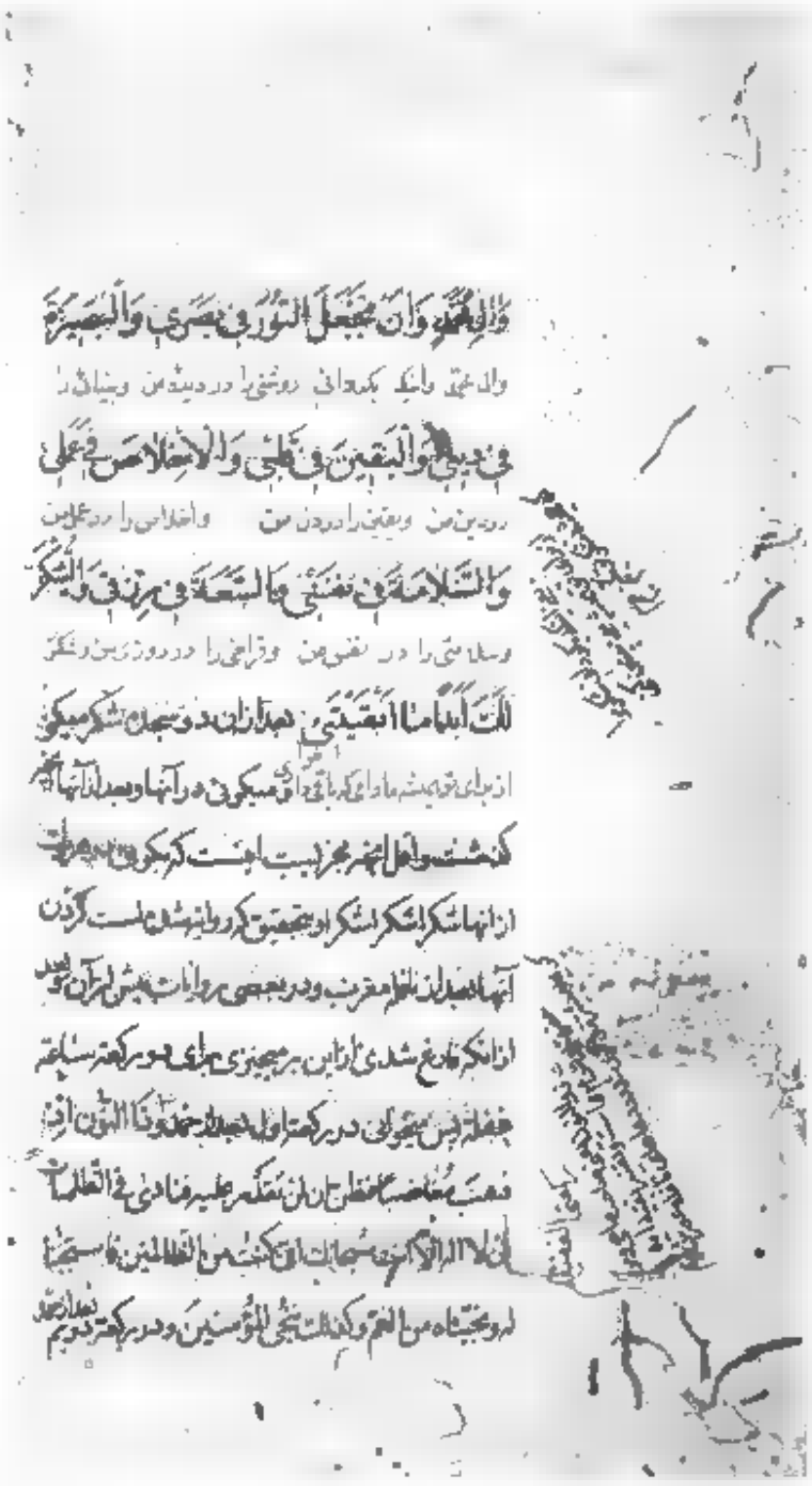

وَالْهُدَىٰ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ
والهدی وانکه بگردانی روشنی را در دیدهٔ من وبینائی را
فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي
در دین من ویقین را در دل من واخلاص را در عمل من
وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ
وسلامتی را در نفس من وفراخی را در روزی من وشکر
لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بعد ازان در وسعت شکر میکنم
از برای تو همیشه مادامی که باقی داری مرا
کشت واهل انجا مجرب است کہ بکنند
از انها شکر لشکر او بتحقیق کہ روایت شدہ است کہ
انها بعد از ظلم مرتب ودر بعضی روایات پیش ازان تا بعد
از انکہ فارغ شدی ازین بر میخیزی برای دو رکعت سابعہ
فاتحہ پس میخوانی در رکعت اول بعد الحمد والتین از
فنعم المطلوب منه ان یقدر علیه فنادی فی الظلمات
أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا
له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين ودر رکعت دوم بعد الحمد

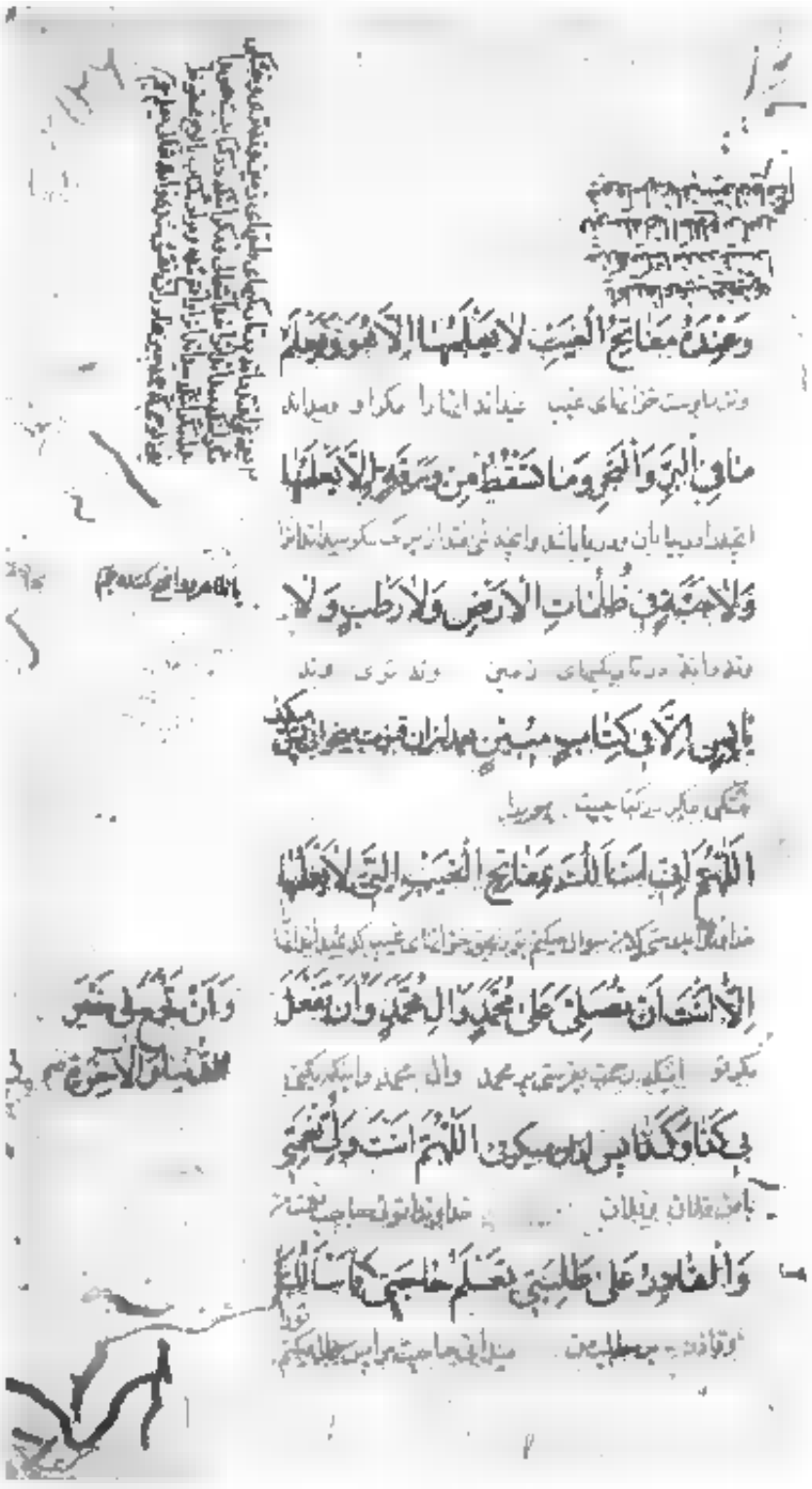

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ

مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا

وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا

يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا

إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

بِي كَذَا وَكَذَا يَسْمِي الْحَاجَةَ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي

وَالْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ

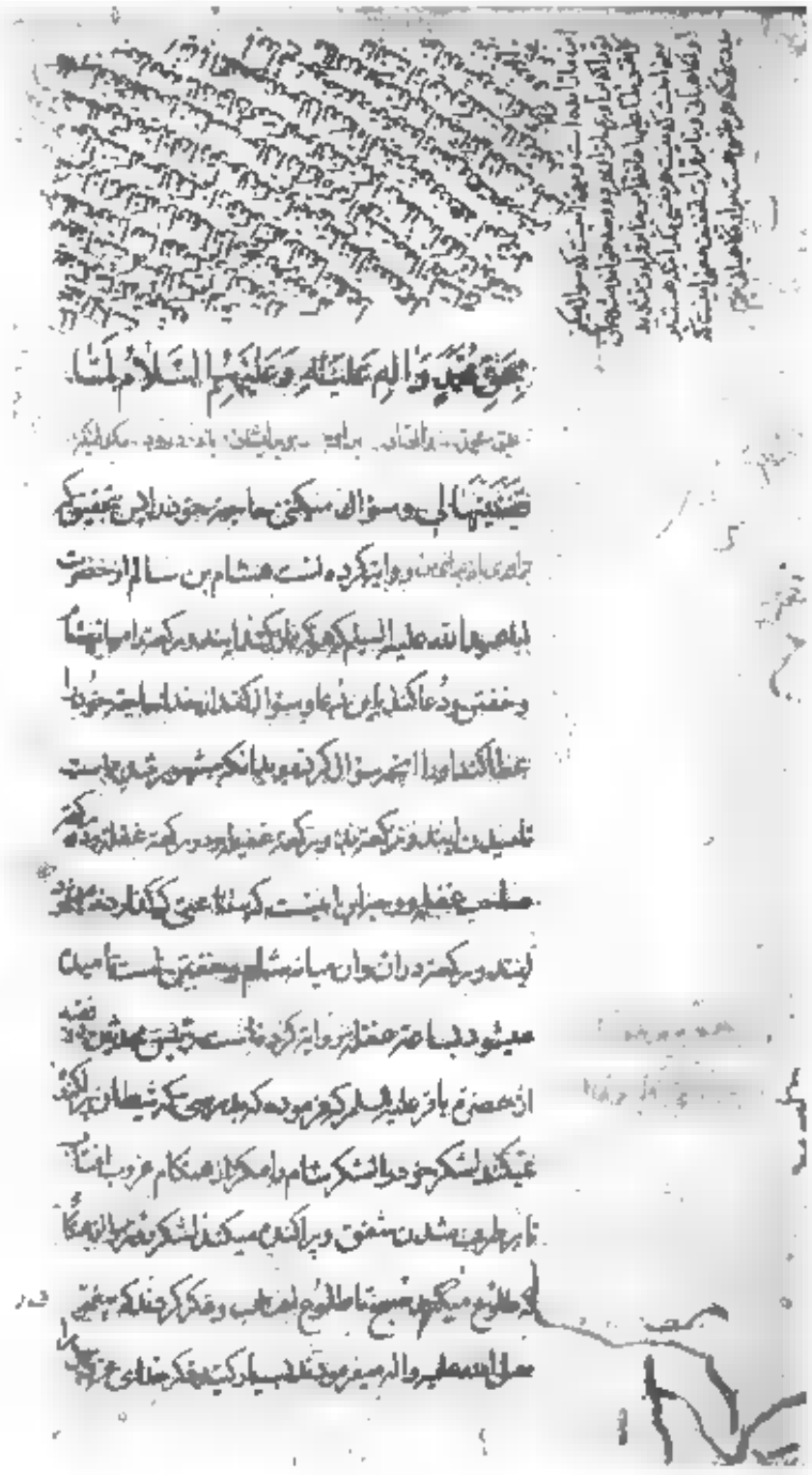

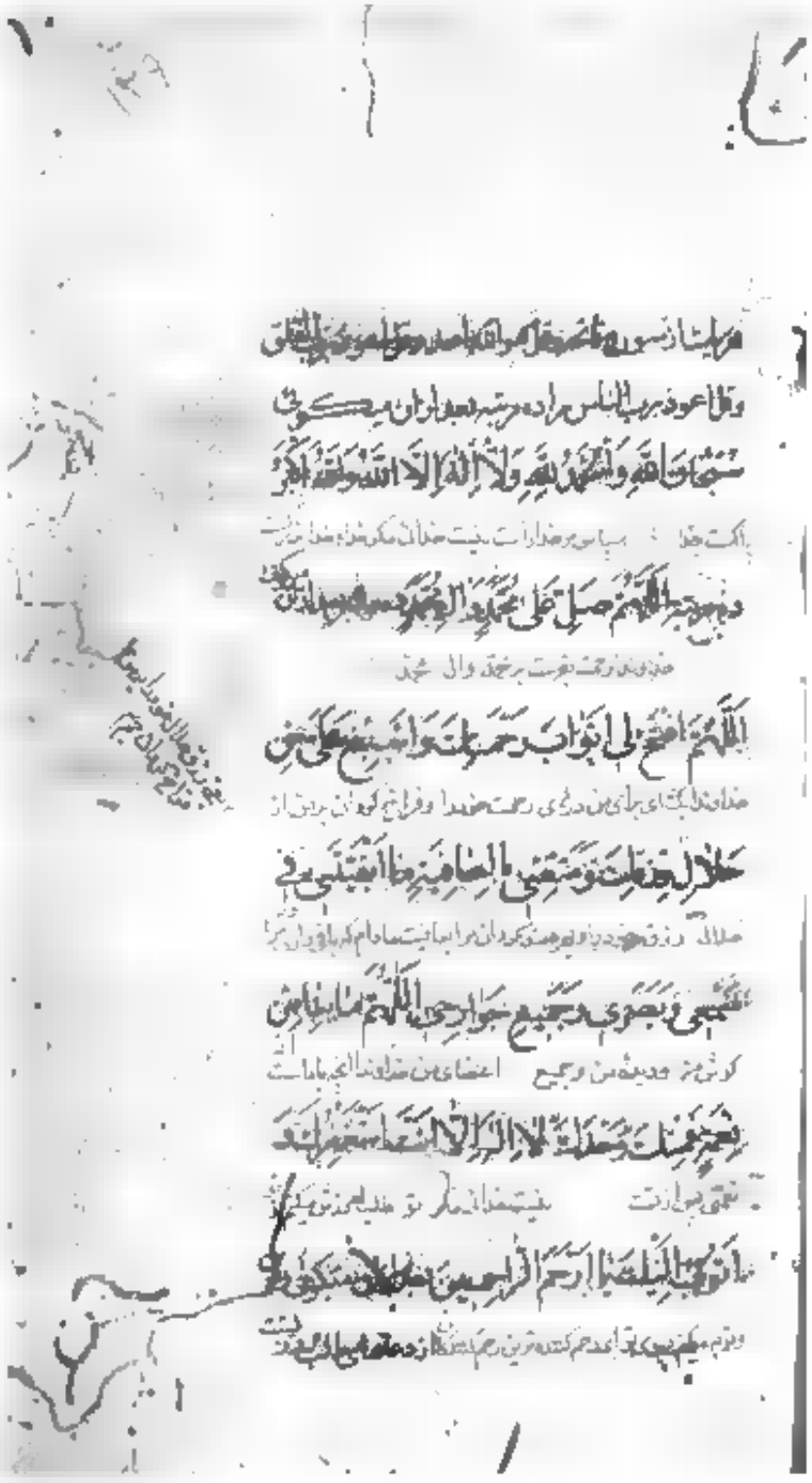

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا وَمَطْلَبَهُ

محمد و یکدمان ای پروردگار من روزی خود را بر من فراخ و طلب آن

سَهْلًا وَمَا حَدَثَ قُرْبَهُ وَلَا تُعَنِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ

آسان و هر آنچه حادث شود از آن نزدیک و بر من سخت مگردان مرا بطلب آنچه

لِي فِيهِ يُسْرًا فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا فَقِيرٌ إِلَى

برای من در آن آسانی نیست پس بدرستی تو بی نیازی از عذاب من و من محتاج

رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمُنَّ عَلَيَّ بِعَبْدِكَ

رحمت تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بخشش کن بر من بنده خود

بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ بِمَنِّكَ يَا اللَّهُ

بفضل خود چه بدرستی که تو صاحب فضل بزرگی بنام خدا

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمُنَّ عَلَيْنَا

بسیار رحم کننده مهربان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بخشش کن بر ما

بِإِدْرَاكِ رِضْوَانِكَ وَأَحْبِبْنَا وَنَجِّنَا بِهَا مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ

بدرک خوشنودی خود و بهشت و نجات ده ما را بآن از خشم خود و آتش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي

خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا از حق و صدق تا آنکه

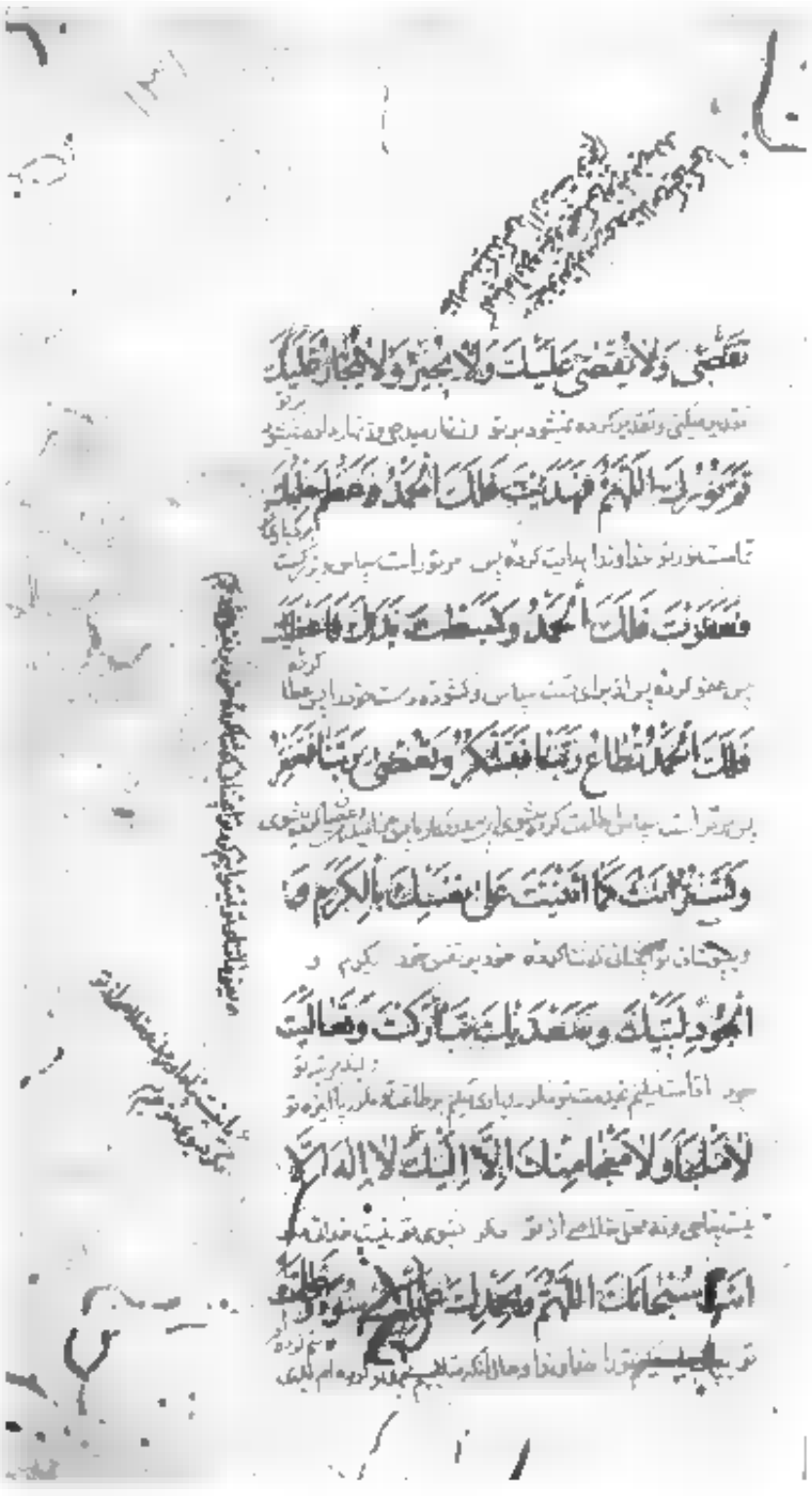

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

درود بر رسولان و سپاس و ستایش بر پروردگار عالمیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَافِنِي مِنْكَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بعافیت گردان مرا از جانب خود

فِي عَافِيَةٍ وَصَبِّحْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَاسْتُرْنِي

در عافیت و داخل صباح گردان مرا از جانب خود در عافیت و بپوشان مرا

مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَأَدْرِجْنِي فِي تَمَامِ الْعَافِيَةِ وَدَاوِ

از جانب خود در عافیت و درز کن مرا فی عافیت و مداوا کن

الْعَافِيَةِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

عافیت را و شکر بر عافیت خداوندا بدرستی که

أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَ

طلب گذاردن میکنم از تو نفس خود را و دین خود را و اهل خود را و مال

وَلَدِي وَأَهْلَ خَرَابَتِي وَكُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا

و فرزند خود را و اهل خرابه خود را و هر نعمتی را که انعام کرده باشی

عَلَيَّ وَتَنْعَمُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

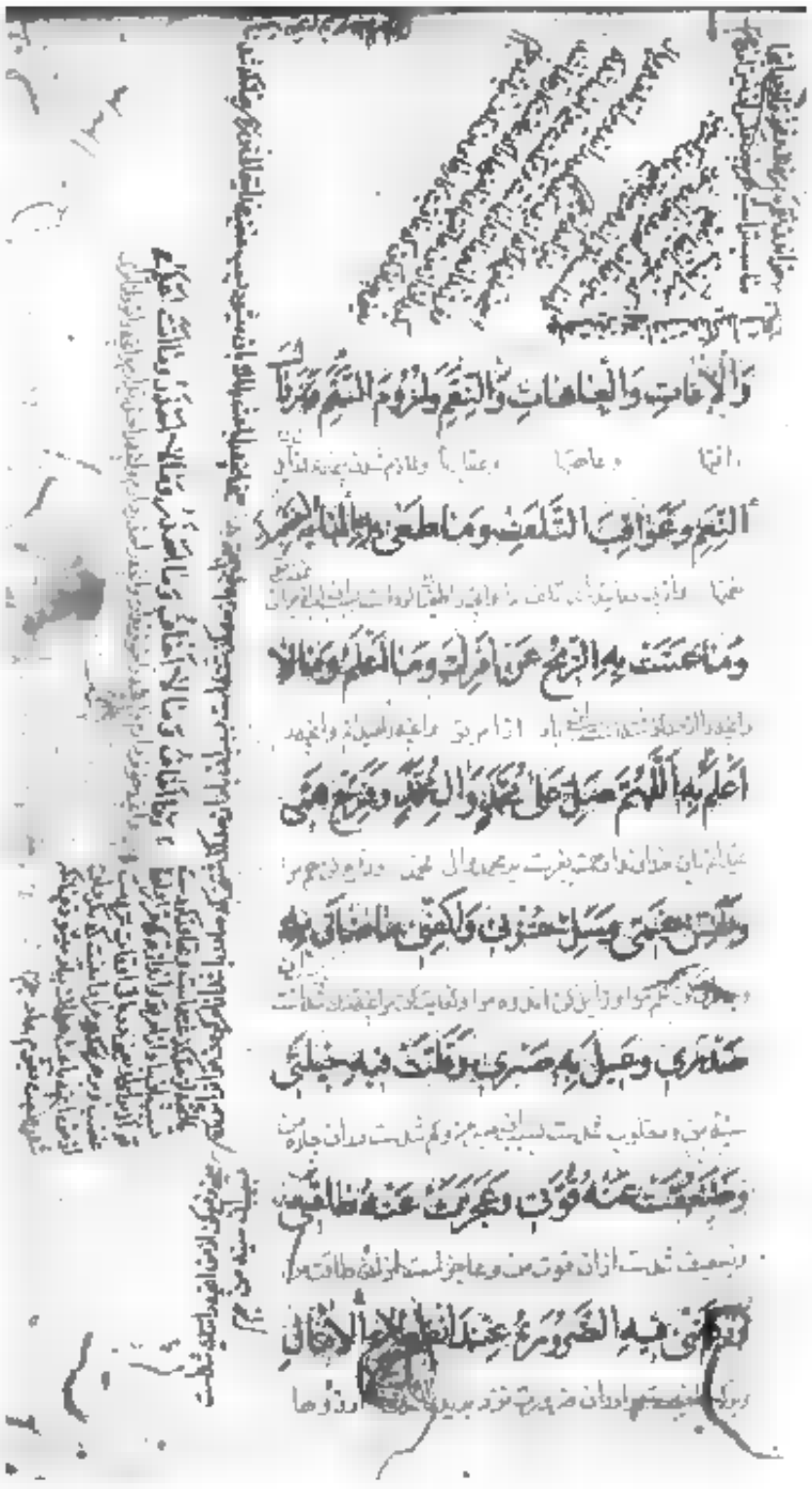

وَالْإِفَاقَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالنِّعَمِ وَلُزُومِ النِّعَمِ مَدَدًا

النِّعَمِ وَعَوَائِدِ التَّلَفِ وَمَا طَغَى وَالْمَائِدَةِ الْمُمِدَّ

وَمَا عَصَمَتْ بِهِ الزَّمِنَ عَنِ افْتِرَاءٍ وَمَا الْعِلْمُ وَمَا لَا

أَعْلَمُ بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي

وَاكْفِنِي بِعِصْمَتِكَ مَسَائِلَ مَحْزُونٍ وَاكْفِنِي مَا أَضْنَانِي بِهِ

صَدْرِي وَقَبَلَ بِهِ بَصَرِي وَعَلَتْ فِيهِ جَبْلَتِي

وَضَعُفَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَتَحَيَّرَتْ عَنْهُ طَاقَتِي

وَتَرَاخَى فِيهِ الضَّرُورَةُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْآمَالِ

وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ اِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى

وخیبت امید از آفریدگان بسوی تو پس رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِيهِ بِاكْفَائِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ

محمد و آل محمد و کفایت کن او را بهر کفایتی از هر چیز و

يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ وَاكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى لَا يَبْقَى

بگیرد از او چیزی و کفایت کن مرا از هر چیز تا نماند

شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ

چیزی از چیزها خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگزار

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

حج خانهٔ حرام خود و زیارت قبر پیغمبر خود صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ التَّوْبَةِ وَالنَّدَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بر او و آل او با توبه و پشیمانی خداوندا بدرستی که من طلب

نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَلَسْتُ كَفِيلَكَ

میکنم از تو نفس خود را و اهل خود را و فرزندان خود و برادران خود و طلب

فَالْقَنِي بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

كُلِّ صَوْتٍ بِاَجْهَرِ الْعَظِيمِ وَهِيَ بِهِمْ وَمُنْتَهَاهُ

هر صوت بلند که کنند خدای را بآواز اعظم بوسیله تا ابد و انتهای

الصَّوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِمَنْ

از صوت رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان از برای آن

اَمْرِنِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

امر صعب گشایشی و بیرون رفتنی او صاحب جلال و کرامت

صدا داد میکنادی مرو بکعبه و بتی را فرستاده بود

کاذبین آنها ایستاده مشهور در آنها فرستاده

و ذکر کرده اند بعضی از علماء این را که فرستادند در آنها که

او را حضرت صادق علیه السلام گفته بود که

بعد از آنها از حضرت صاحب علیه السلام گفته بود که

بود و من میگذارم آنها را و حال آنکه ایستاده بام و صدا

مشهور است و میگذرد وقت ایستادن در کعبه بعد نماز

صبح پس بعد از نیمه شب قضا میشود نماز صبح

آنها که ایستاد کعبه را بسوی های مذکور در یکی از دو رکعت اول

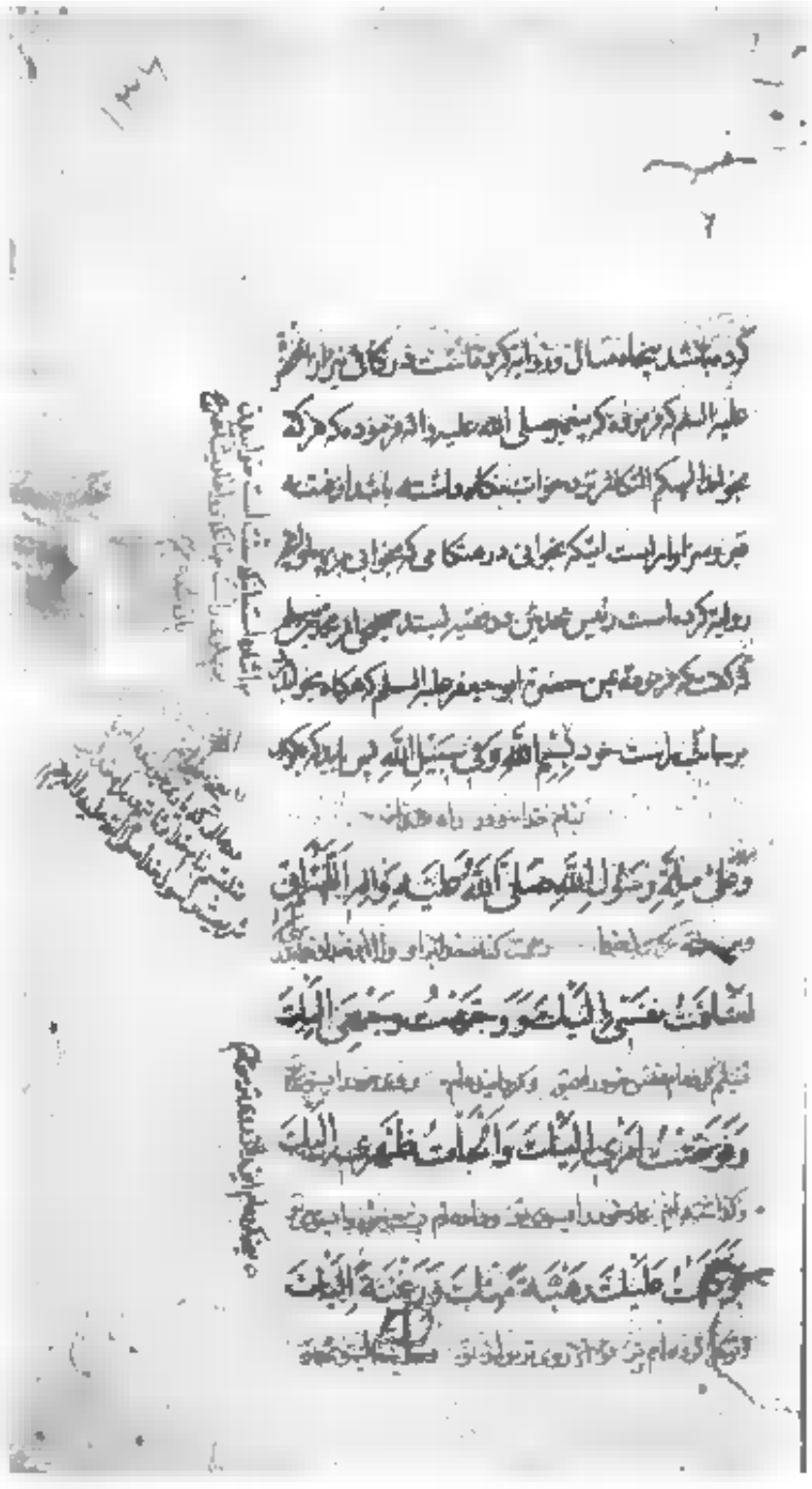

لا ملجأ ولا منجا منك إلا إليك آمنت بكتابك

الذي أنزلت وبرسولك الذي أرسلت

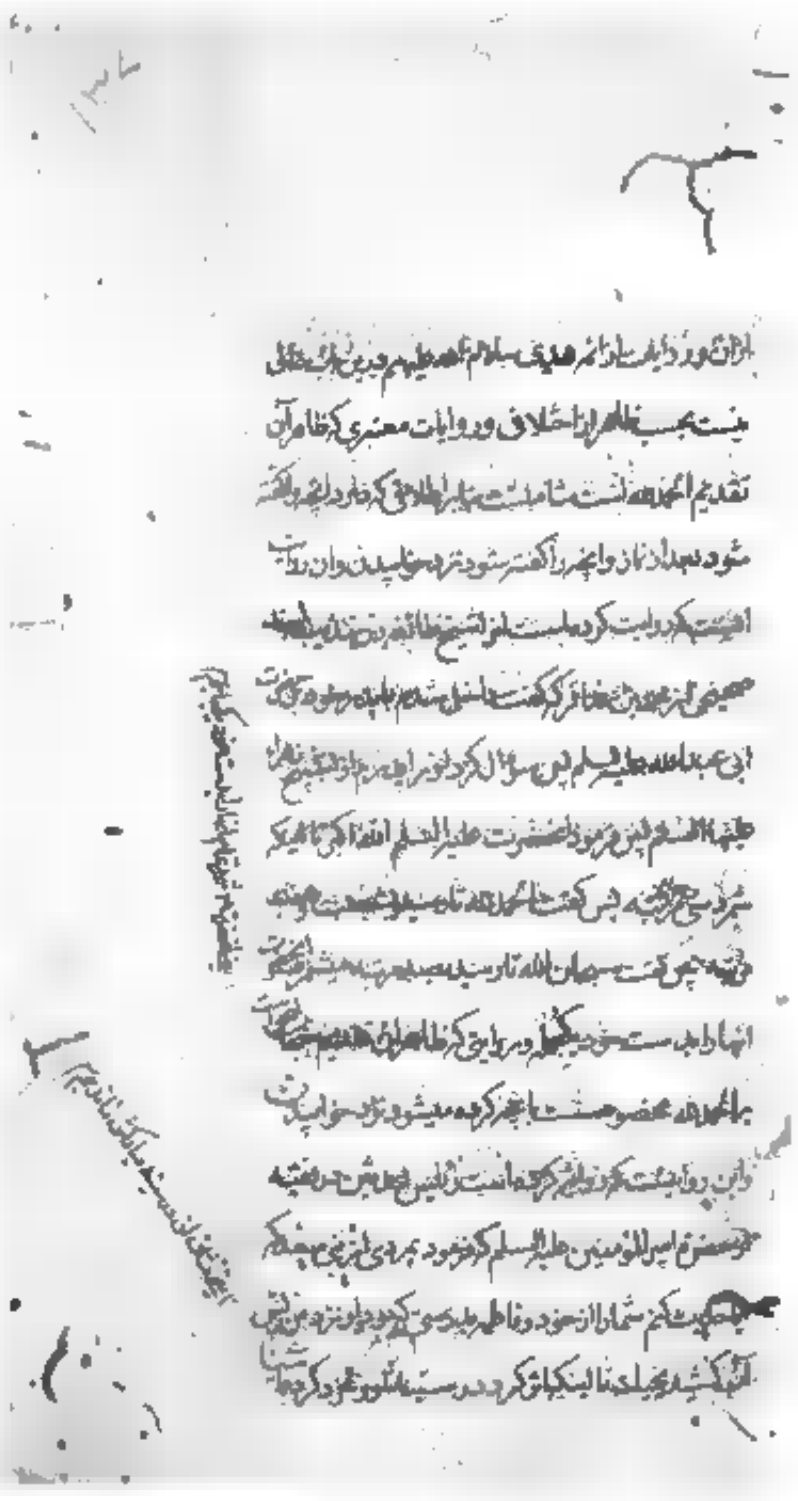

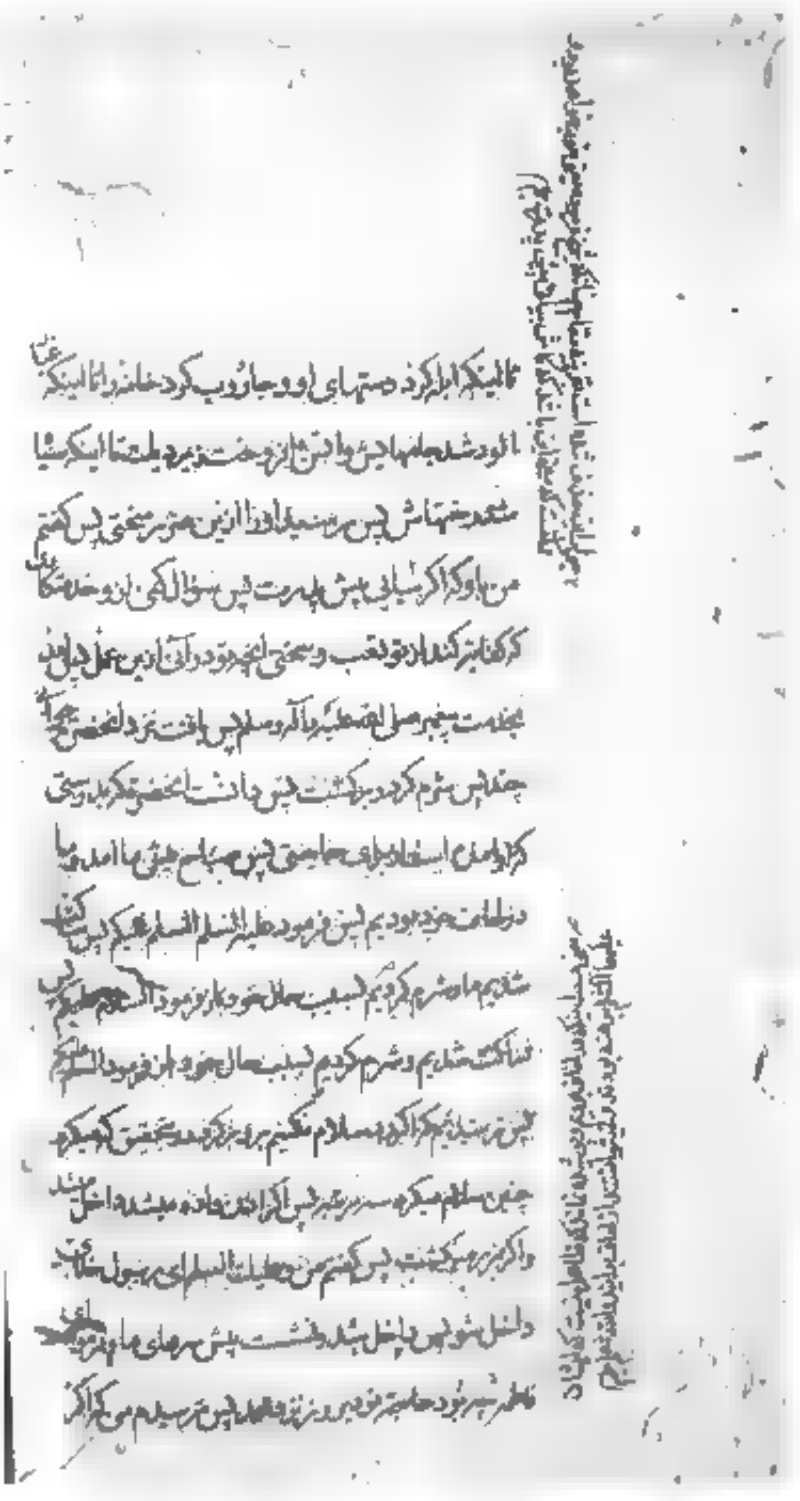

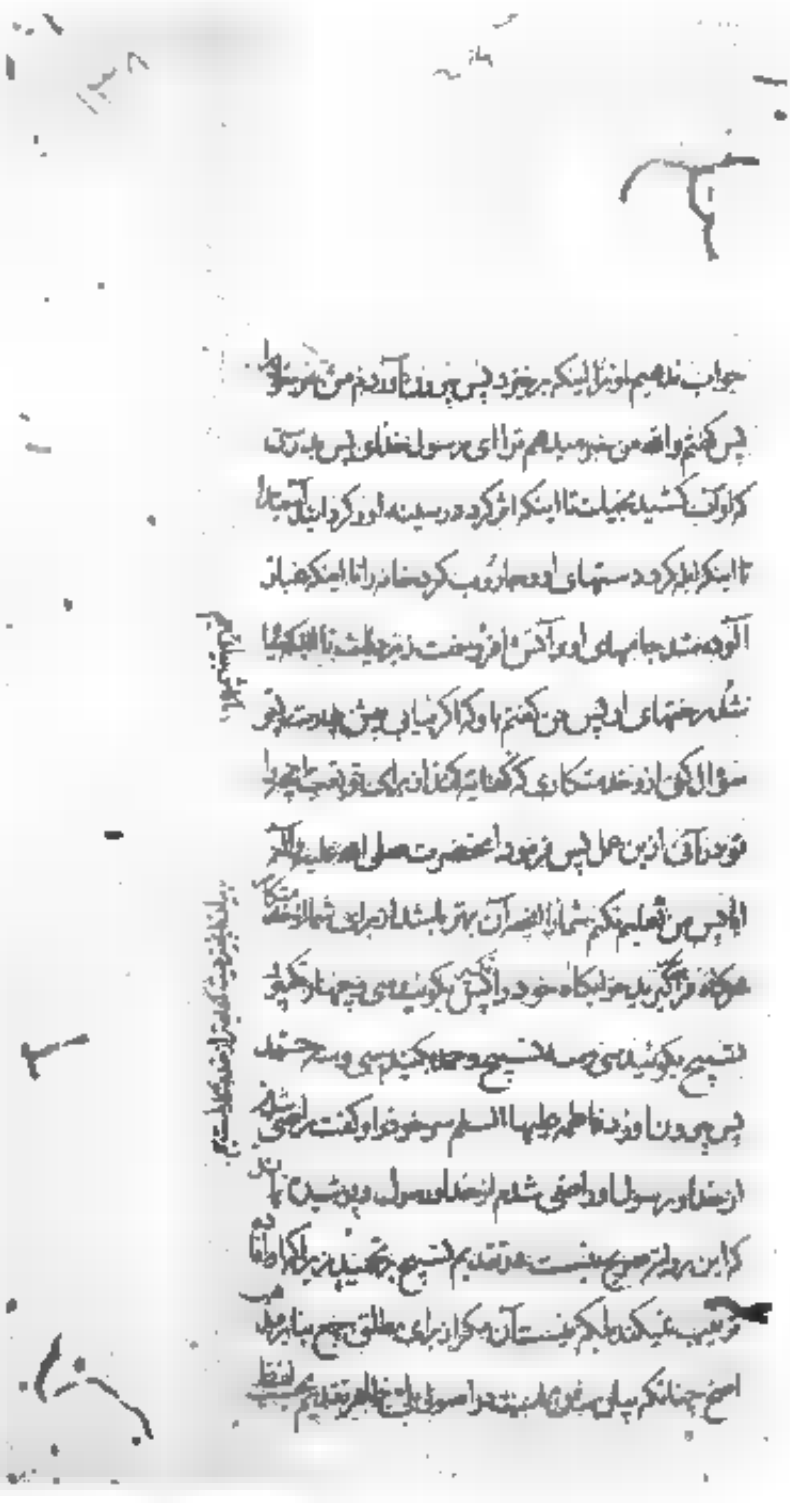

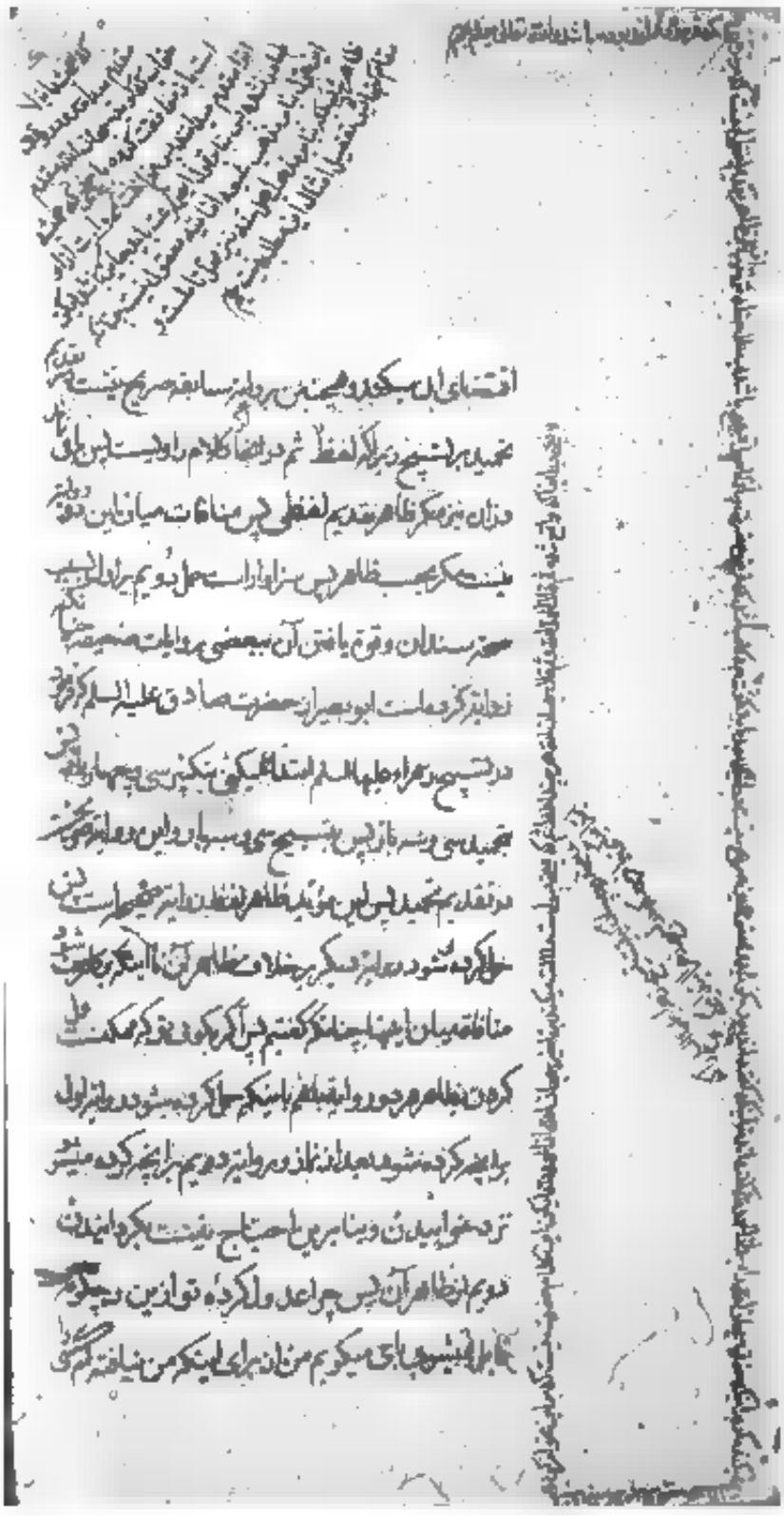

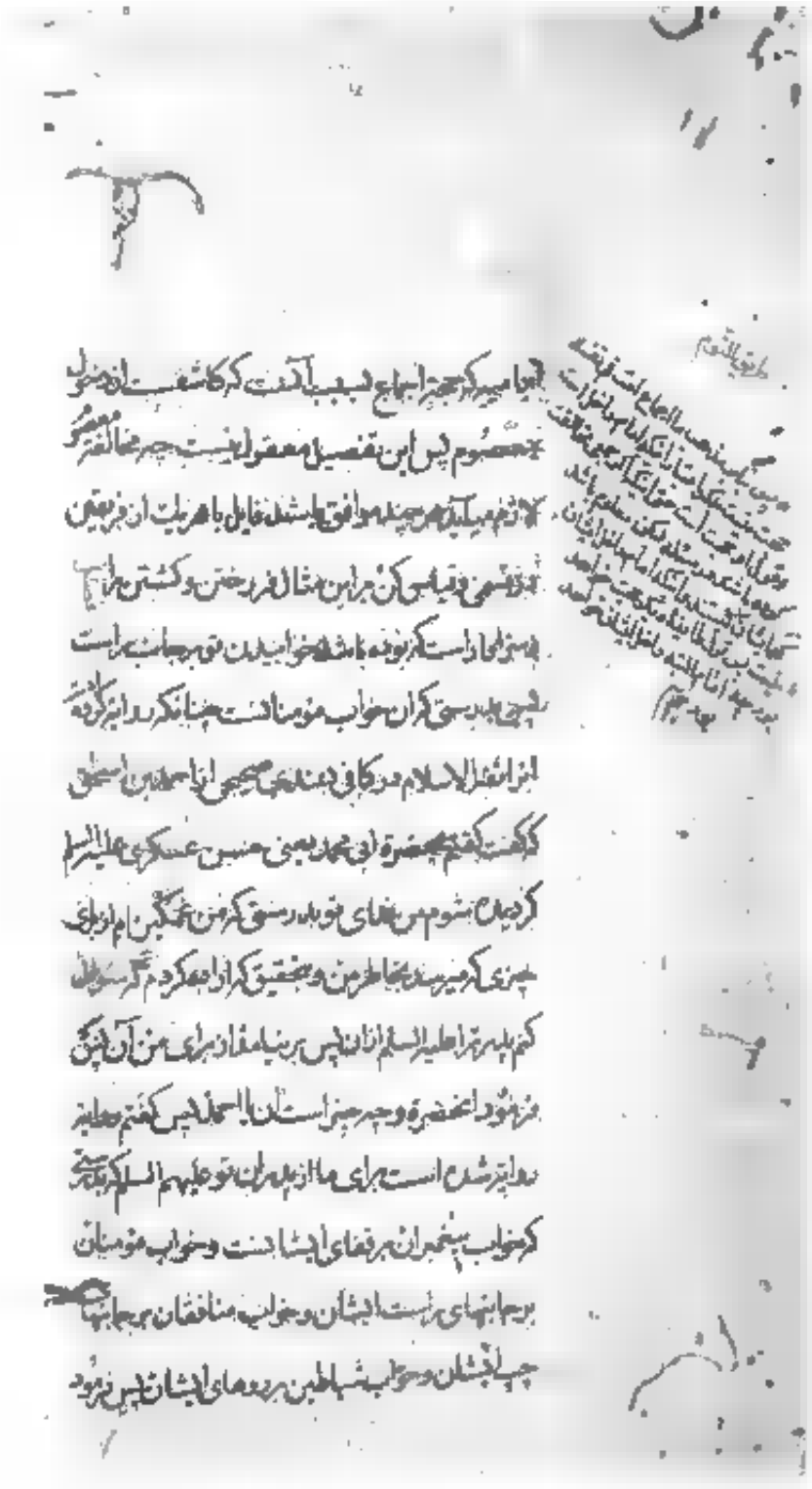

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الحمد لله الذي ملك فقدر والحمد لله الذي

يحيي الموتى ويميت الاحياء وهو على كل شيء قدير

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ

خداوندا بدرستی که من پناه میجویم بتو از احتلام و از شر چیزیکه

الْاَحْلَامِ وَمِنْ اَنْ یَّتَلَاعَبَ بِیَ الشَّیْطَانُ

که در خواب دیده شود و از اینکه بازی کند با من شیطان

فِی الْیَقْظَةِ وَالْمَنَامِ وَدَوَابِرِ شَدَائِدِ است دیگنا

در بیداری و خواب

ملکوت بزرگوار ای کسی از سکر فرود آید بر دوستان او عفو

رضا علیه السلام فرمود که مکتوب صحیفه کامله اراده کرد

کرد بخواند اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ

بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را که بطلا

تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِّنْ

زایل شوند و هرگاه زایل شوند آنها نگاه نمیدارد آنها را هیچکس

بَعْدِهٖ اِنَّهٗ كَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا پس فرود آمد آن

بعد از خدا بدرستی که او بردبار است آمرزنده بر دوستان خود

شارح است بعد کتاب ملکوت یا اسمك اللهم که چون هرگاه

تمام شد توحید او را

اَحْيَا وَبِاسْمِكَ اَمُوْتُ پس هرگاه بیدار میشد میگفت

زنده میشوم و بنام تو میمیرم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَحْيَانِیْ بَعْدَ مَا اَمَاتَنِیْ وَاِلَيْهِ النُّشُوْرُ

سپاس خدایرا که زنده کرد مرا بعد از آنکه میراند مرا و بسوی او است

و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق

که فرموده که هرگاه بشنوی او از خروس پس بگو

سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ

پاک و پاکیزه است و مقدس است پروردگار فرشتگان و روح جبرئیل

سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

پیش گرفته است رحمت تو بر غضب تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْٓءًا وَظَلَمْتُ

تسبیح میکنم تورا و حال آنکه متلبسم بسیاری که کرده ام بدی و ستم

نَفْسِیْ فَاغْفِرْ لِیْ اِنَّهٗ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ

نفس خود را پس بیامرز مرا بدرستی که نمی آمرزد گناهان را مگر تو

و اینچه سزاوار است کردن آن نزد خوابیدن سر میکشد

پس بتحقیق که رسید از پیغمبر صلی الله علیه و آله که میگفت

باشد وان چیست که این سرمه میکشد هر گاه میخواست
که بروید بیاید خواب خود و بتحقیق که روایت شده از حضرت
رضا علیه السلام که فرمود هر که این سرمه را بکشد هفتاد
نوع بلا از وی دفع شود و هفت میل راه نرود خواب بر او غلبه
چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و فائده
شود هم از حضرت علیه السلام که فرموده که سرمه نزدیک خواب
امانت از آفتی که نازل شود در چشم و روایت شده است
که حضرت علیه السلام میفرماید که هر که این دعا را نزد سرمه کشیدن
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تو را بحق محمد و آل محمد که بفرستی
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي
بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نور را در دیده من
وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ
و بینائی را در دین من و یقین را در دل من و اخلاص را
فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي
در عمل من و سلامتی را در نفس من و فراخی را در روزی من

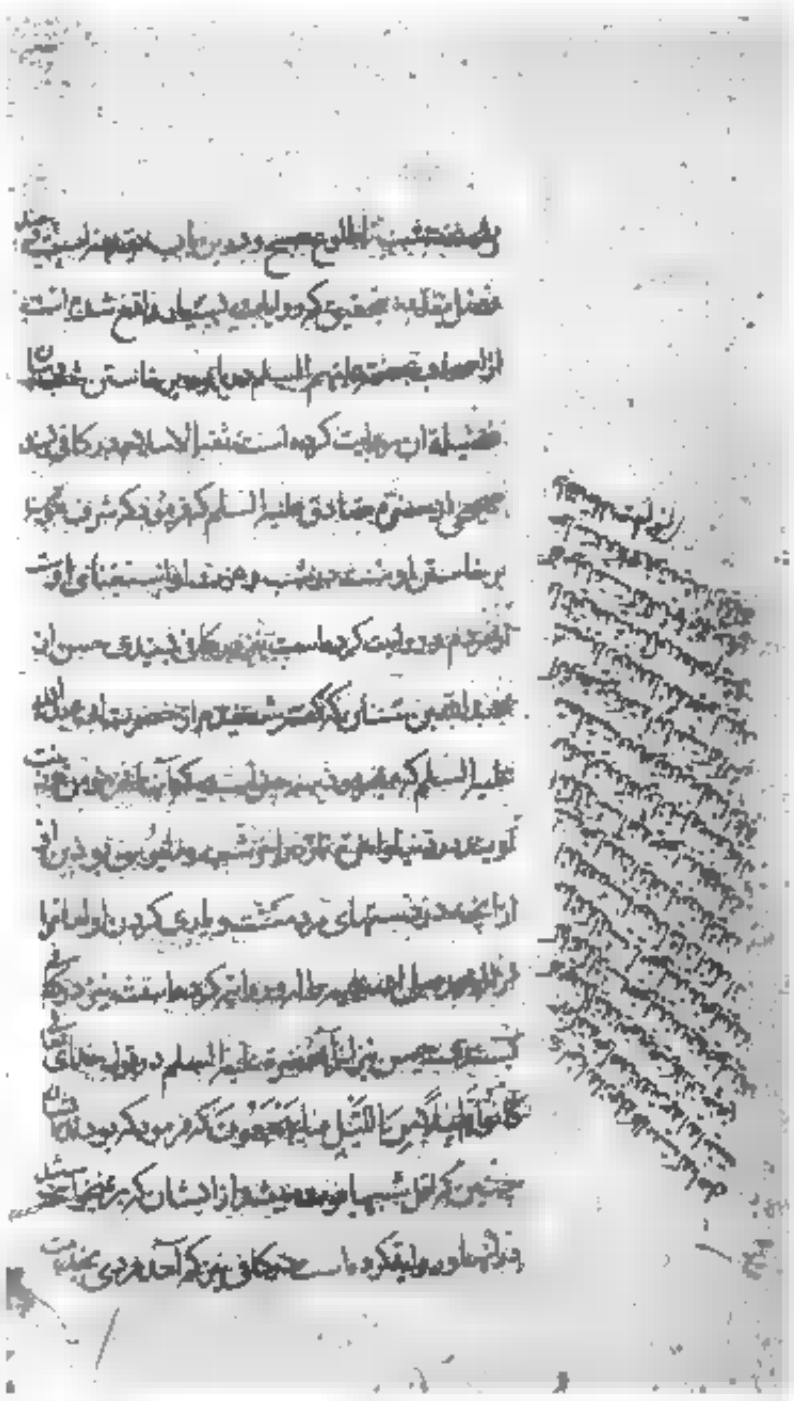

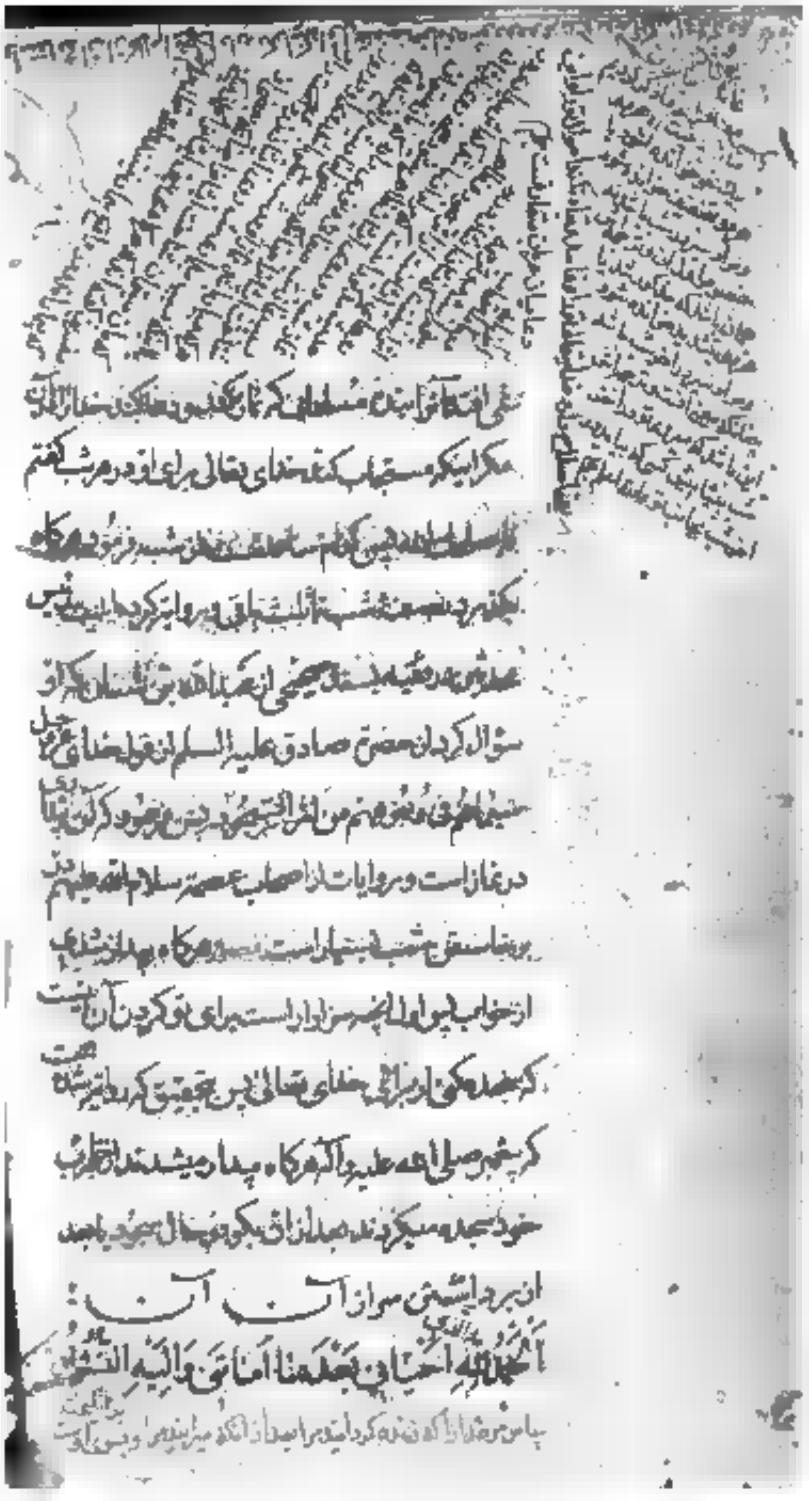

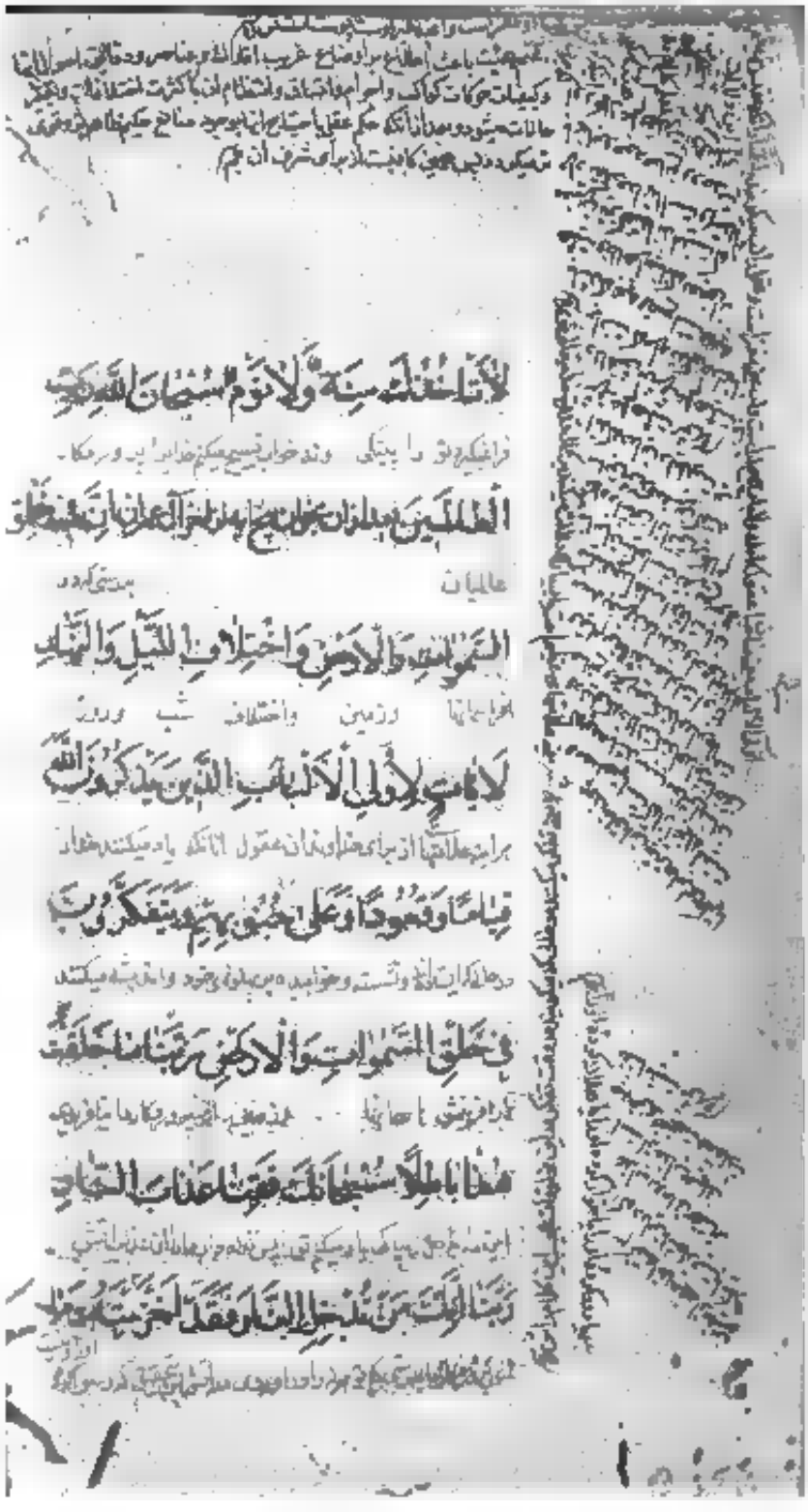

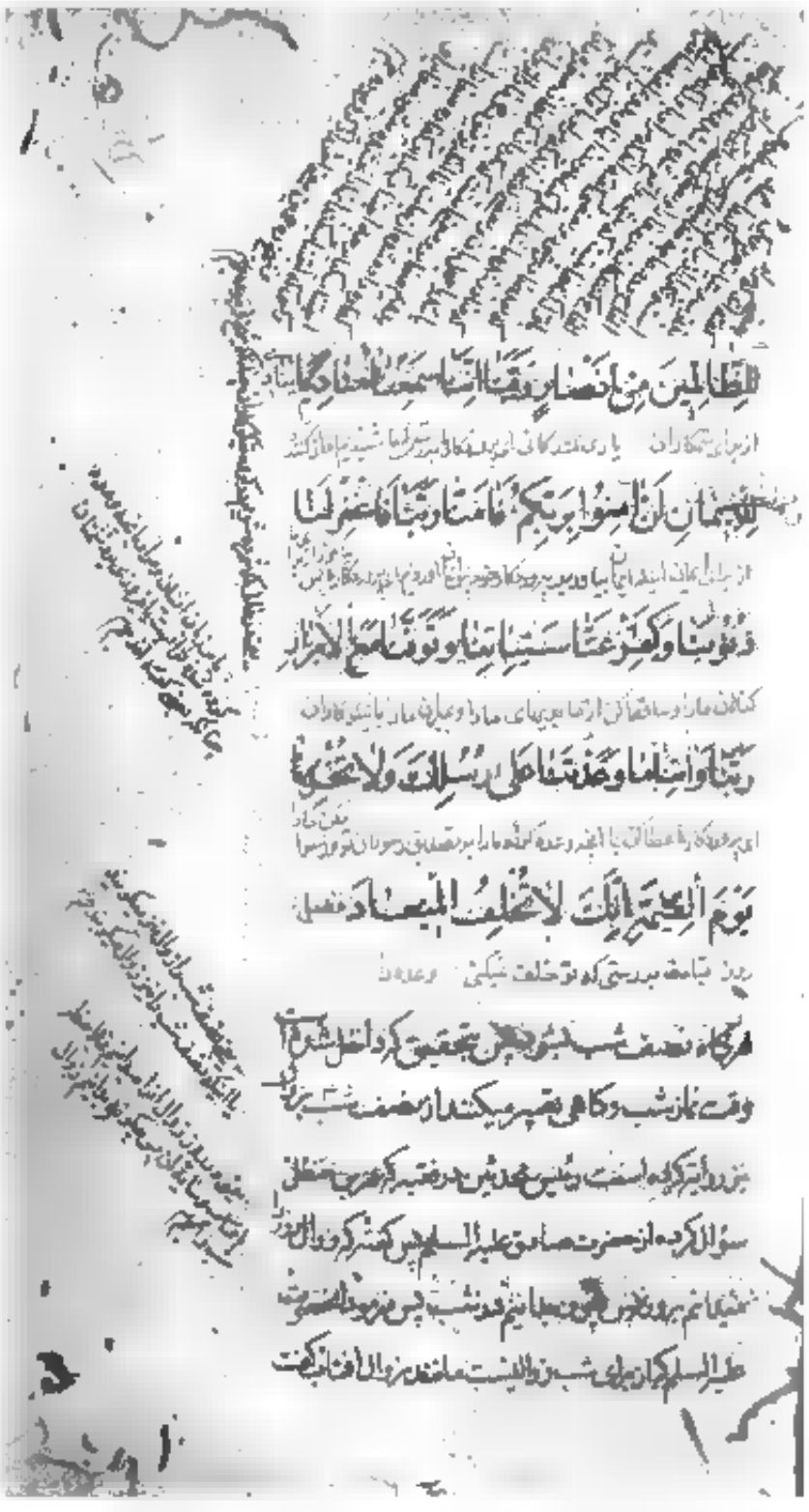

للظالمين من انصار ربنا انا سمعنا منادیا ینادی
از برای ستمکاران یاری نیست کافی است بر ما که شنیدیم منادی را که ندا میکند
للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا
از برای ایمان اینکه ایمان بیاورید بپروردگار خود پس ایمان آوردیم ما پروردگار ما پس
ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار
کناه ما را و ساقط کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران
ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا
ای پروردگار ما عطا کن ما را آنچه وعده کردی ما را بر تصدیق رسولان تو و رسوا
یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد فصل
روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را
هرگاه نصف شب شود یعنی بتحقیق که داخل شود
وقت نماز شب و گاهی تقصیر میکند از نصف شب بر
جزو روایت کرده است ثعلبی محدثین در تفسیر کبیر خود
سؤال کرده از حضرت صادق علیه السلام پس گفت که گاهی
میشد ما نمی بودیم نزد آن حضرت دو شب پس فرمود حضرت
علیه السلام که از برای شب زوالیست مانند زوال آفتاب

پس بجز چهار شنبه سیم آن از مورد بستارها هر گاه متوجه شوند
و ظاهر اینست که آنحضرت علیه السلام اراده کرده بستارها
ستارهائی را که طلوع کرده باشند نزد غروب آفتاب چنانکه
گفته است شیخ ما شیخ شهید ره و مراد بتحدر نشدن آنها
شروع آنهاست در اوائل آخر دی و نماز شب اطلاق میشود
در احادیث کاهی بر هشت رکعت و کاهی بر یازده رکعت بانضمام
وتر رکعت شفع و یکرکعت وتر و کاهی بر سیزده رکعت باضافه
دو رکعت نافله صبح و این نماز شب از سنتهای مؤکده است
بواسطه آنکه فرموده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام که فرموده که رسول خدا
صلی الله علیه و آله صلوات الله علیه السلام ای علی وصیه میکنم ترا در
نفس خود بچند خصلت پس حفظ کن آنها را بعد از آن
فرمود نماز وتر بجای خود پس حفظ کن او را و ذکر کرد بعد از آن خصلتها
تا اینکه فرمود ند و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة
اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة الزوال و علیک
بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال و ظاهر اینست که آن

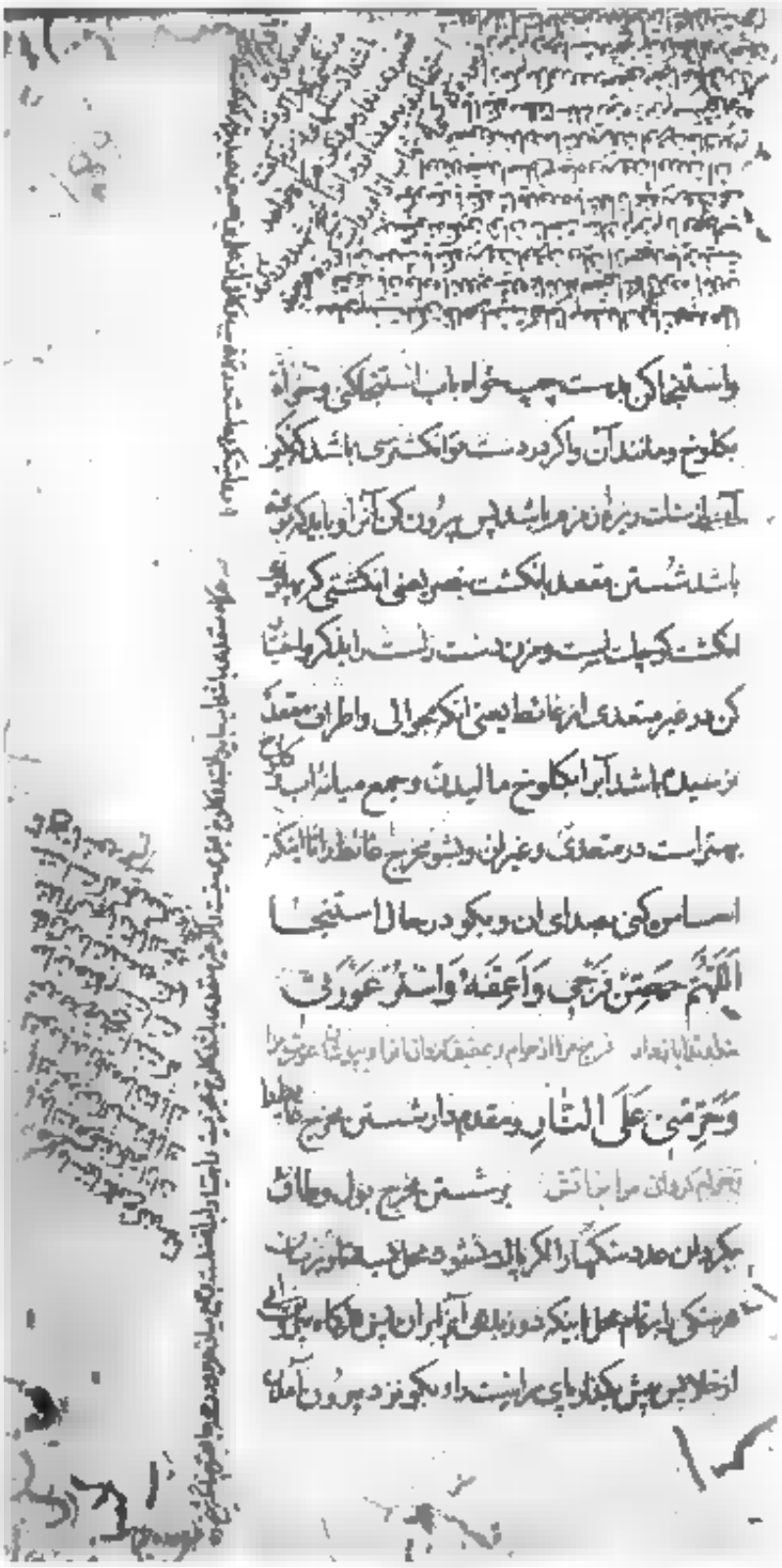

واستنجا کن بدست چپ خواه باب استنجا کنی و خواه
بکلوخ و مانند آن و اگر در دست خواهی کشتی باشد که بر
آب نشسته و بزه آن نزدیک باشد پس بیرون کن آنرا و باید که بر
باشد شستن متعدد بلکه شست بصر یعنی انکشتی که بهاو
انگشت کوچک است و بزن دست راست ابلکه واجب
کن در غیر متعدی از غائط یعنی انکه بجوانی و اطراف متعدی
نرسیده باشد آب را بکلوخ مالیدن و جمع میانه اب و کلوخ
بهتر است در متعدی و غیر آن و شوی مخرج غائط را تا انکه
احساس کنی بصفای آن و بگو در حال استنجا
اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي
خدایا نگاه دار فرج مرا از حرام و عفیف گردان فرا و بپوشان عورت مرا
وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ وَمقدم دارشستن مخرج غائط
حرام کردان مرا بر آتش بر شستن مخرج بول و طاق
بگردان عدد سنگهارا اگر باک نشود محل بسه سنگ زیاده
هر سنگی بر تمام محل اینکه دور بدهی آنرا بران پس فرو کاه بجای
از خلاف پیش بگذار پای چپ را پیشتر از پای راست و بگو نزد بیرون آمدن

الحمد لله الذي عرفني لذته وألهمني شكره في جنبات

سپاس مر خدایرا که شناسانید مرا لذت خود را و الهام کرد مرا شکر خود را در

قوته وأخرج عني أذاه بالطهارة والصلاة

قوتها و بیرون کرد از من اذی را بواسطه طهارت و نماز

العاذرون عذرها فصل پس هر که بیرون آید

قادر آید ثم ذهب اقرا از خلاء ابتدا کن عسوله

بعد از آن وضو بساز وضوی کامل چنانکه گذشت

اول بعد از آن خود را خوش بوی ساز پس تحقیق کرده اند

شاگردان حضرت صادق علیه السلام که فرمود که من از

پدرم صلی الله علیه و آله مسئلت دارم هر گاه که بیرون میرفت

میگرفت آن ابزار که خود را بآن تمیز میکرد و دندان

میزد آن حضرت علیه السلام که فرموده که دور کعت که بگذاری آنرا

بوی خوش کرده افضل است از هفتاد رکعت که بگذاری آنرا بی

خوش نکرده و بیان کرد بوی خوش کردن سنت است از برای

مرد و زن و نیست حضور جمعه از شب و دعا

پس هر گاه که بیرون بیائی بوی خوش کردی پس

دعای حضرت زین العابدین علیه السلام

که میخواندند آنرا در دل شب

الٰهی عارت هجوم سمام الملک و نامت عیون

ایزد اندر فرود آمده اند ستارهای آسمان تو و خواب رفته اند چشمهای

انامک و هدأت اصوات عبادک و اضطامک

انبوه یکبارگی تو و ساکن شد صداهای بندگان تو و بیاسود آوازهای

و تحصنت الملوک علیها ابوابها و طافت بکلائها

و بستند پادشاهان بر خویش درهای خویش و نگاهبانان گماشتند

حراسها و انغلقوا عن رعایاهم خاصة لو تضع

پاسبانان ایشان بر درها و بسته شد از رعیتان ایشان خاصه آنرا که سوا کند از ایشان حاجتی یا طلبد

منهم حاله و تستر الی حق قوم الا تناجاک

از ایشان فایده و توقع الا ایزد را مزینده نیست آنرا که بر خیزد با قرار خواهد بر تو

بسنة و لا تشغلک شئون ما عن شئ و ابواب السماء

چنگ نه مشغول دارد ایشان را از چیزی از چیزها و درهای آسمان

لمن دعاک مفتحة و قد اسبلت علیهم حجبات

از برای آنکه بخواند تو را گشوده و پرده ها بر ایشان فرو هشته

اسئلك الروح والراحة عند الموت والعفو

سوال میکنم تورا راحت و راحت نزد مرگ و عفو

عني جون العالمين وبگذار بدين اذان نماز شب و در گفتن

از من بگذار گناهان کم تورا کہ میخواندند در رکعت اول ان قل هو

احد و در دوم قل یا ایها الکافرون و در نصف ان بخند و میگوید

مبارک خود را تکبیر و دعا میکند و تهر گاه بگذارد این

دو رکعت را این حدیث است کہ بخواند این دعا را در وقت

رئیس محدث در کتاب امالی از ابی الدرداء کہ شنید

او حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کہ میفرمود

در حدیث النبی کم من موبقة حلمت عن

ابتدای موبقه عبید معصیت یا گذشت کرد

عقوبت مقابلتها بنقمات وکم من جریرة

ابرا یا گذاشت ان بعقاب چند و بگذاشت کہ

عن کشفها بکرم ملت الهی ان طال فی عصیانک

الا و سوگند بخدای کہ بزرگ است خداوند من و آقای من تو

محروب و عظم فی الصحف ذنبی فما ان

عرض و بزرگ شد در نامہ گناه من پس نیست من

مؤمّلٌ غيرَ عفوٍ منكَ ولا آملُ غيرَ رضوانِكَ

امیدوار غیر عفو تو و نه من طمع دارم غیر خشنودی تو

إلهي لم أكن أهلاً لأن أبلغ عفوك فتهون كل معصية

الهی نبودم سزاوار آنکه بعفو تو رسم پس آسان میباید بدهی هر گناه

ثم إذ كبر العظيم من أجلك فعظم كل

باز بنیاد می آورم اینکه عظیم است از کوچکی تو پس بزرگ میباید

يلتمس إلهي إن أنا قرأت في الصحف سيئة قد نسيتها

بیرون آید گویی اگر من خواندم در نامها گناهی را که

تاسيتها وأحصيتها فتقول خذوه فيالها

فراموش کرده ام و تو حفظ کرده و شمرده ای پس گویی بگیرید او را وای او را

من ملحوذ لا تجد عشيرته ولا تنفعه فصيلته

از گرفته شده که نه خویشان او را یابند و نه قوم او سودمند باشد او را

آه من نار تنضج الأكباد والكلى آه من نار

آه از آتشی که بپزد جگرها و کلیه ها آه از آتش

نزاعة للشوى آه من غمرة من لهب لظى

بکند پوستها را آه از فروگیرنده از زبانهای آتش

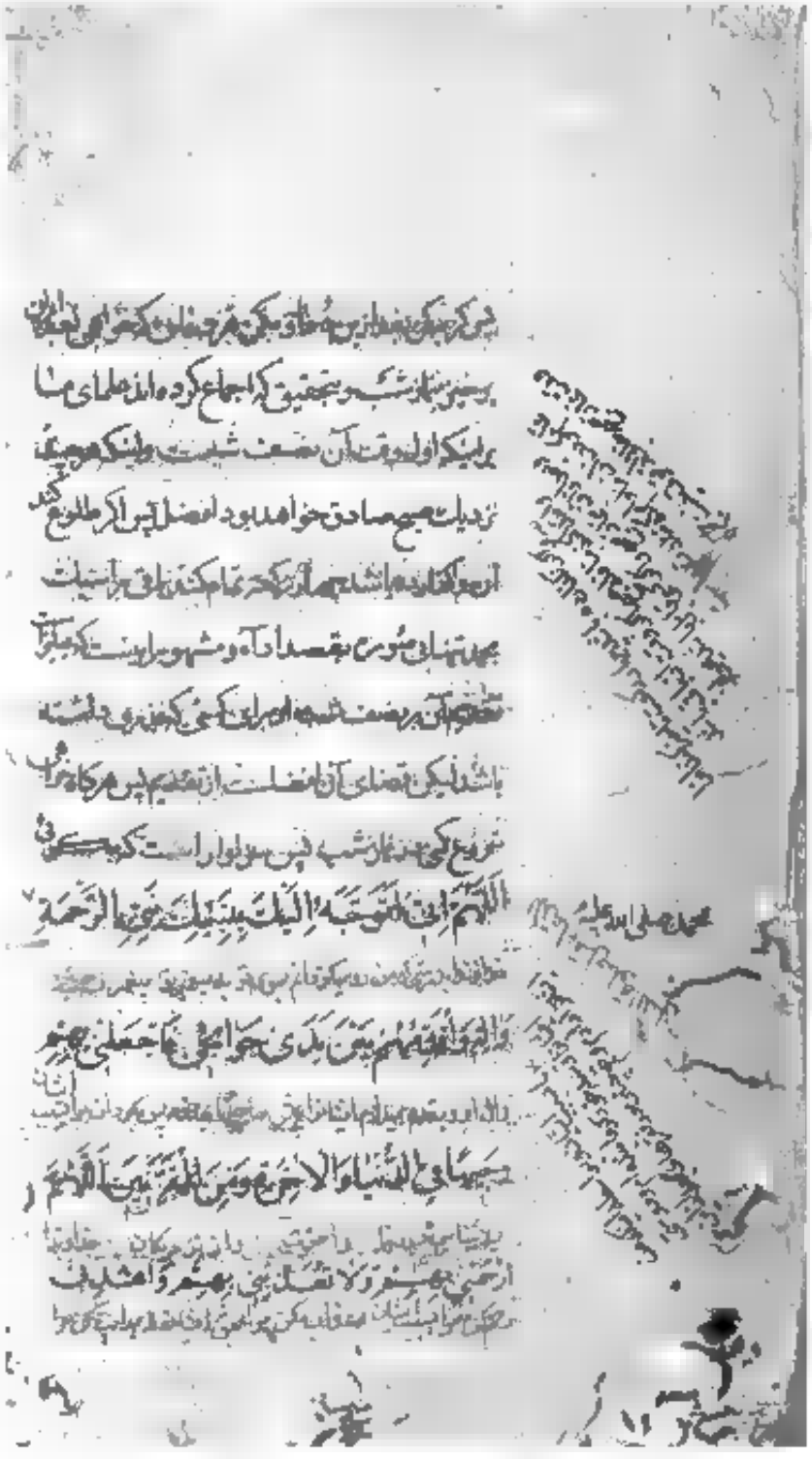

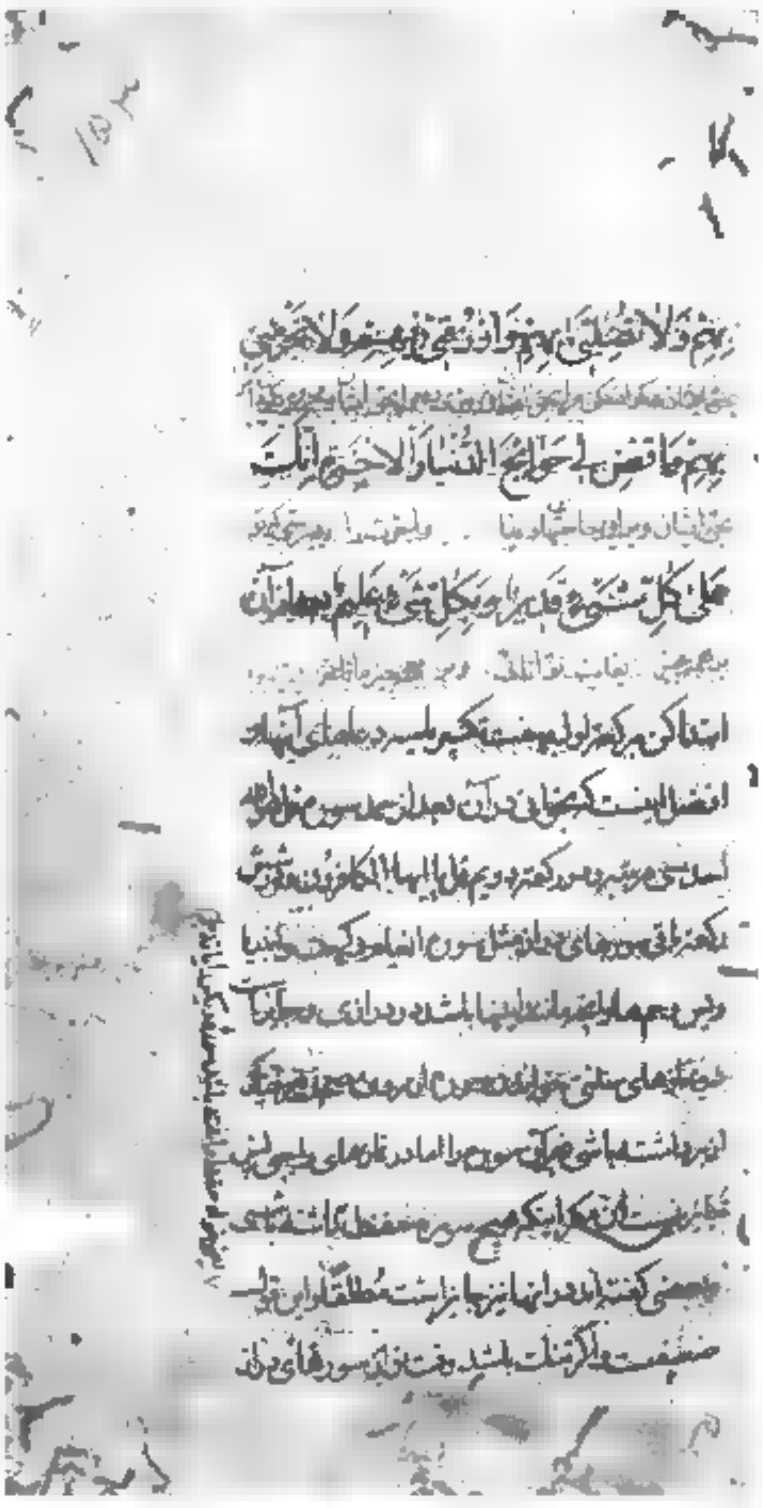

کافیست زراره قال قلت لابی عبد الله علیه السلام در رکعتی دو مرتبه
امتصار بر حمد فقط ما تشاء قال نعم بدانکه بعضی اصحاب
کرده اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانکه سنت است در نماز های
واجب سنت است در هر رکعتی در یکی از نوافل بنا بر روایة
که هست ابن ابی عقبه الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام و کافیست در قنوت اینکه بگوئی
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا
خداوندا بیامرز ما را و رحم کن ما را و عافیت ده ما را و عفو کن
فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
در دنیا و آخرت بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
چنانکه روایت کرده است ابن ابی عقبه در کافی بسند معتبر از
علیه السلام و نیز ظاهر میشود از کافی و من لا یحضره الفقیه
و سنت است بلند خواندن قنوت هر چند در نوافل و نیز
و سنت است طول دادن آن خصوص در نماز شب
و وقت قنوت رسمی وارد و بعضی که روایت کرده است
تعلیم حضرت رسالت صلی الله علیه و آله کرده مر علی را که

از شما در ان زیاشد قوت او در دنیا در ان زیاست تا حشر
او در دنیا در وقت قیامت و تحقیق کرا ورده است سید جلیل
رضی الدین علی بن طاوس در کتاب مهج الدعوات باد
از قوتهای در انکه قوت میکرده اند بانها ائمه ما سلام
علیهم و تقرب میکرده اند در انها بر دشمنان دین یاک
نیست که بخواند قوت را در نوافل از روی کتاب و تمام
از دو منع سد است لازین دو و زاید بر ان از معاصی محترز
لایق است که خواند شود در قوت نوافل و فرایض آنست
که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام

الٰهی کَیْفَ اَدْعُوکَ وَقَدْ عَصَیْتُکَ وَکَیْفَ

الهی چگونه بخوانم تو را و حال انکه تحقیق عصیان کرده ام ترا و

لَا اَدْعُوکَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّکَ فِی قَلْبِی وَاَنْتَ

نخوانم تو را و حال انکه تحقیق شناخته ام دوستی تو را در دل خود و

کَشَفْتَ عَاجِلًا اَمَدَدْتَ اِلَیْکَ یَدًا بِالذُّنُوبِ

آگاه در ان حال که دراز کرده ام بسوی تو دست را بگناهان

مَمْلُوَّةً وَعَیْنًا بِالرَّجَاءِ مُمَدَّدَةً اَمْ کَیْفَ

لبالب و چشمی را بامید دوخته

واژه عاصای موسیط که سزاوار است که خوانده شود و
واژ جمله عاصای وسایل بسوی مسائلت که رو نهاده شد از حضرت
ابتدا عاصت اللهم ان الرجاء لسعة رحمتك
خداوندا بدرستی که از وسیعی رحمت تو
انطقني بمستفاتك والامل لإنائك
گویا کرده است مرا طلب تحقیق تو و امید بسبب درنگ تو
وفقت شجعني على طلب امانك وعفوك
و مطلب ای تو جرأت داده است مرا بر طلب امان تو و عفو تو
وكلي بالوجوب ذنوب قد واجهتها اوجب الاشفاق
و واجب کرده است بر من گناهانی که روبرو افتاده است با
وخطايا قد لاحظتها اعين الاسطلاع
و خطاهائی که بتحقیق که نگریسته است ایشان را دیدهای اطلاع
واستوجبت بها على عدلك اليم العقاب
و استوجب شده است بسبب ایشان بر عدل تو الم عقاب
واستحقت باخبارها بسير العتاب حضيض
و مستحق شده است بسبب اخبار ایشان بآهستگی عتاب

وَاشْدُدْ بِهَا الْإِعَانَةَ وَقَوِّ بِهَا ظَهْرِي وَ

وسخت کن بدیکدشتی قوت مرا وقوی کردان بان پشت مرا و

اَصْلِحْ بِهَا اَمْرِي وَاَطِلْ بِهَا عُمْرِي وَارْحَمْنِي

اصلاح کن بان امر مرا ودراز کردان بان عمر مرا ورحم کن مرا

يَوْمَ حَشْرِي وَوَقْتَ نَشْرِي اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

روز حشر من ووقت برانگیختن من بدرستی که تو بیامرزنده بخشنده

رَؤُوفٌ رَحِيمٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَسَلَّمَ

مهربان رحیمی

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ وَاَنْتَ اَهْلٌ اَنْ تُسْاَلَ مِثْلُكَ اَنْتَ

بار خدایا بدرستی که من سوال میکنم تورا و سوال کرده شده است مثل تو تو

اَرْجَى مَنْ سُئِلَ وَاَجْوَدُ مَنْ اَعْطٰى وَاَكْرَمُ مَنْ عُفِيَ

امیدوار کرده شده کسی از سوال کنندگان و بخشنده تر عطا کنندگان و کریم تر

اَدْعُوكَ وَلَمْ اَدْعُ مِثْلَكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ

میخوانم تورا و خوانده نشده است کسی مثل تو و رغبت میکنم بسوی

تَرْغَبْ اِلٰى مِثْلِكَ اَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّ

و رغبت نکرده است کسی مثل تو تو اجابت کننده دعای بیچاره را

وَارْحَمُ الرَّاحِمِينَ اِنَّكَ اَنْتَ بِاَفْضَلِ الْمَسَائِلِ

وبرحم کننده‌ترین رحم کنندگان سوال میکنم تو را بافضل ترین سوالها

وَاَنْجَحِهَا وَاَعْظَمِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ

وبرآورنده‌ترین آنها و بزرگترین آنها ای خدا ای بخشاینده مهربان ای ببخشاینده رحم کننده

وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى وَاَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنُعُوتِكَ

وبنامهای تو نیکوی تو وصفهای بلند تو ونعتهای تو

الَّتِي لَا تُحْصٰى وَبِاَكْرَمِ اَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَاَنْمَاهَا

که شمرده نمیشود وبگرامیترین نامهای تو بر تو وبرشدیابنده‌ترین

اِلَيْكَ وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَاَكْثَرِهَا مِنْكَ

بسوی تو ونزدیکترین آنها از تو از روی مرتبه وشریفترین آنها نزد تو

مَنْزِلَةً وَاَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا فِي اَهْلِهِ

از روی منزلت وعظیمترین آنها پیش تو از روی ثواب وبلندترین آنها در

اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ

از روی بجابت برآوردن حاجات کرده شده بزرگتر عزیزتر جلیلتر

الْاَعْظَمِ الْاَكْرَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضٰى

الأرضين دمّاً وصديداً لكان ذلك قليلاً

زمینها خونی و چرکاب بودی این بودی باندک

فكيف بما يجب من حقك عليّ ولا يبلغ

در بسیاری آنچه واجب است از حق تو برمن و اگر اینکه تو

الهي عذبني بعذاب لا تعذب به أحداً من خلقك

مرا این عذاب میکردی مرا بعد ازان بعذاب خلایق

أجمعين وعظمني بما شئت من خلقك وجسمي وبلاك

همگی و بزرگ کرده بودی مرا در آنچه میخواستی از اندام من و جسم من

بطبقات جهنم حتى لا يكون لي

طبقهای جهنم را از من تا اینکه نباشد مرا

معذب غيري ولا يكون لجهنم حطب

عذاب کننده غیر از من و نباشد از برای جهنم هیمه

سواي لكان ذلك بعدلك عليّ هيناً

جز من هر آینه بود این بعدالت تو برمن اندک

فكيف بما استوجبته من عقوبتك

الدعاء بعد كل ركعتين من النوافل

چون هر رکعت فارغ از رکعت هشتم این بخوان

این دعا را یا الله یا الله ده مرتبه

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَثَبِّتْنِي عَلَى

رحمت فرست بر محمد و آل او و رحم کن مرا و ثابت دار مرا

دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ

دین تو و دین پیغمبر تو و میل مفرما دل مرا از دین بعد از آنکه

هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ

هدایت کردی مرا و ببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستی که تو

أَنْتَ الْوَهَّابُ وَصَلِّ عَلَى نَبِيِّنَا اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

تو بسیار بخشنده و درود فرست بر پیغمبر ما خداوندا تو زنده پاینده

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّزَّاقُ الْمُحْيِي

بلند مرتبه بزرگ آفریننده روزی دهنده زنده گرداننده

الْمُمِيتُ الْمُبْدِئُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ

میراننده ابداکننده نو پیدا آورنده از برای تست کرم و از برای

الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ

تست جود و از برای تست منت و از برای تست فرمان تنها

لاشريك لك يا خالق بلا رزق يا محيي يا ممت

يست ايمانى بقدرا ايجاد فرينده اى روزى دهنده اى زنده كننده

بلا بديع يا رفيع اسالك ان تصلي على محمد

اى تو پديد آورنده اى بلند مرتبه سوال ميكنم تورا اينكه رحمت بفرستى

وآل محمد وان ترحم ذلي بين يديك و

وال محمد واينكه رحم كنى خوارى مرا پيش روى تو و

تضرعي اليك ووحشتي من الناس

فروتنى مرا بسوى تو ووحشت مرا از مردم

وانسي بك بعد الذل سكوني الخبر احمد ست امين

وانس مرا بتو المومنين ميخواند بعد از كهر هستم

اللهم اني اسالك بحرمة من غاث بك

خداوندا بدرستى كه من سوال ميكنم تورا بحرمت هر كه پناه او برد

ولجا الى عزك واستظل بسعيك وانعم

والتجا آورد بسوى تو وامده بزير سايه تو ودست زده

بحبلك وسم تبتغي الا بك يا جزيل العطايا

بريسمان تو واسمان نخواسته مگر بتو اى بزرك عطاها

الا مَنْ سَمَتْ نَفْسُهُ مِنْ جُودِهِ رَغَبًا

ای کسی که نامید ساخت نفس او ترا بجود خود بسیار بخشنده

اَدْعُوكَ رَاغِبًا وَرَاهِبًا وَخَوْفًا وَطَمَعًا

میخوانم ترا میخوانم ترا رغبت کننده و ترسنده و خوف دارنده و طمع کننده

اِلْحَاحًا وَاِلْحَافًا وَتَضَرُّعًا وَمَلَقًا وَقَائِمًا

الحاح کننده و الحاف کننده و فروتنی کننده و تملق کننده و ایستاده

وَقَاعِدًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا

و نشسته و رکوع کننده و سجود کننده و سواره و پیاده

وَذَاهِبًا وَجَائِيًا وَفِي كُلِّ حَالٍ فِي دَائِبِ اللَّيْلِ

و رونده و آینده و در هر حالی از شبانه روز

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی

بِي شَبِيهَ ذَا وَكَذَا وَدَاوِمْ لِي مَا صَيَّرْتَ لِي

بمن همچون این و آن و دوام کن مرا آنچه مقرر کردی

بعد از آن سپاس گذاری

سجدهٔ شکر و میان هر آنها و بعد از آنها تحریر

و بعد از آنکه فارغ شدی از نافله و فریضه

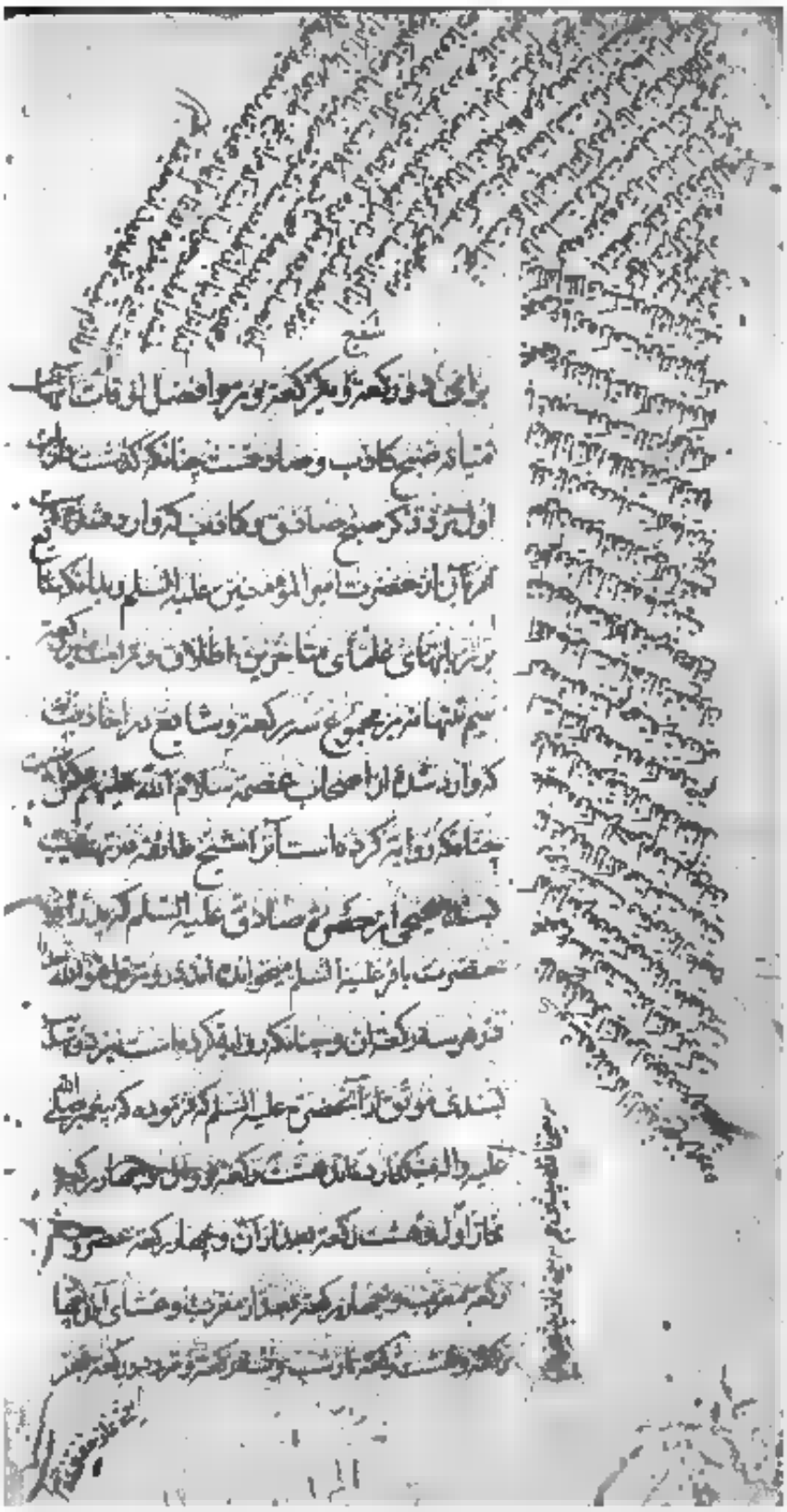

سلام نماز صبح دو رکعت تا آنجا که روایت کرده است
از زراره عن محمد بن مسلم بسند صحیح از جعفر بن سالم خیاط کوفی
گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود
گرباک نیست اینکه بگذارد مرد دو رکعت از وتر را بعد از آن برود و در
حالیکه خود را بذکر دارد پس بگذارد یک رکعت و همچنین غیر اینها
احادیث بسیار است و اما اطلاق وتر بر یک رکعت سیم تنها پس
آن در احادیث بسیار گشته لیکن بسیار است در عبارات
متاخرین علمای ما قدس الله ارواحهم و اما قدما پس اکثر
از ایشان تعبیر میکنند از آن بمفرد موتر چنانکه تصریح کرده است
از آن شیخ طائفه در مصباح و غیر او و از ظاهر میشود که کسی
نذر کند نماز وتر موظف را پس وفا نمی آید نذر او بیقین
مگر بگذارد بعد از آن سه رکعت و ظاهر میشود بکاچه ذکر کرده است شیخ
جلیل ابو علی طوسی رحمه الله مرقوم در کتاب مجمع البیان آنکه
باید خواند در سوره فاتحه در هیچ رکعتی از نمازهای واجبی و سنتی کلامیست دوست خالی از قصور
و انحراف اعتراض کرده است بر او و از اشتباه این کلمه بنا نهاده است

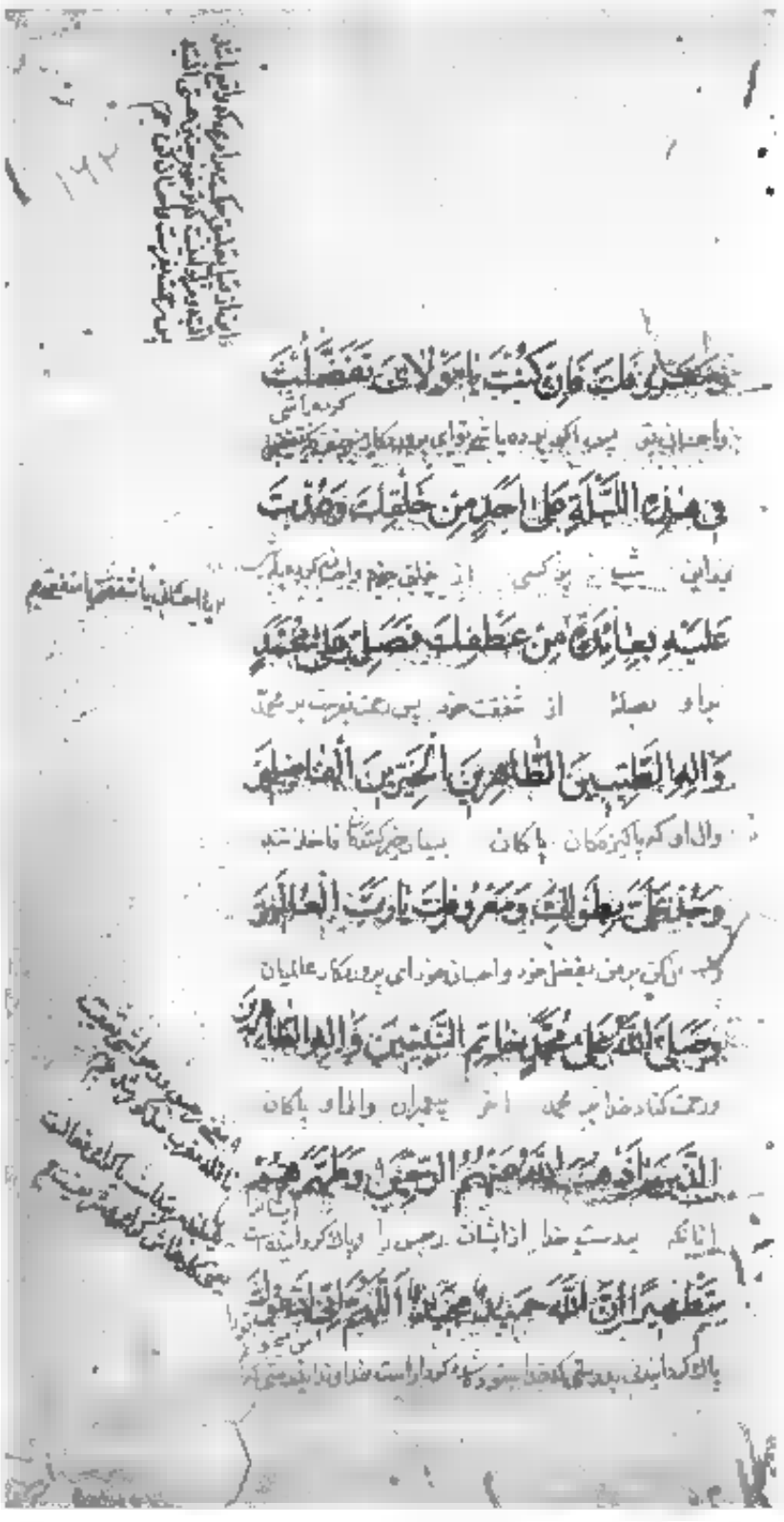

كما امرت فاستجب لي كما وعدت انك لا تخلف

چنانکه امر کرده پس اجابت کن مرا در من چنانکه وعده کرده بدستی که

الميعاد بعدازان برخیز وای مزمل و بر و افتتاح کن

وعده را بهفت تکبیر باسر دعای ابهاو میخوانی در آنا

پس از تعدیل هر واحد بسر مرتبه و مشغول میشوی بعد از آن

میکی دستهای خود را و قنوت میخوانی و حال انکه در رکعتی

باخود را بگیرد بالای انگشت روایت کرده است و پس محمد بن

صبیحی از معروف بن خربوذ از ابا جعفر یعنی حضرت باقر صلوات

کرده که سبحان الله رب السموات السبع و رب

پاک خدا پروردگار آسمانها

الارضين السبع وما فيهن

هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنها

وما بينهن ورب العرش العظيم الحمد لله

و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ ستایش خداوند را

الله نور السموات والارض ومن فيهن

خدا نور آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست

السموات والارض وانت الله بجمال السموات

اسمانها وزمین وتوئی خدا بجمال اسمانها

والارض وانت الله عماد السموات والارض

وزمین وتوئی خدا ستون اسمانها وزمین

وانت الله قوام السموات والارض وانت الله

وتوئی خدا بپادارنده اسمانها وزمین وتوئی خدا

صريخ السموات والارض المستصرخين وانت

فریادرس اسمانها وزمین طالبان وتوئی

الله غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن

خدا غیاث مستغیثان وتوئی خدا کشاینده اند

المكروبين وانت الله المفرج عن المغمومين

اندوهناکان وتوئی خدای فرج بخشنده غمناکان

وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله

وتوئی خدای اجابت کننده دعای بیچارگان وتوئی خدای

اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله

معبود عالمیان وتوئی خدای بسیار رحم کننده مهربان وتوئی خدا

كَاشِفُ السُّوءِ وَأَنْتَ اللَّطِيفُ بِمَا يَشَاءُ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

دفع کننده ناخوشی و تو لطیف بآنچه خواهد فرود آورده میشود هر حاجتی

يَا اللَّهُ لَا يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنَجِّي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ

ای خدا برنمیگرداند خشم تو را مگر حلم تو و خلاصی نمیکند از

عِقَابَكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنَجِّي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ

عقاب تو مگر رحمت تو و نجات نمیدهد از تو مگر فروتنی

إِلَيْكَ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا إِلَهِي رَحْمَةً تُغْنِينِي

بسوی تو پس بخش بمن از نزد خود ای خدای من رحمتی که بی نیاز

بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا

بآن از رحمت کسی که غیر تو باشد بقدرتی که بآن

أَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ وَبِهَا تُنْشِرُ مَيِّتَ

زنده کرده همه آنچه در شهرهاست و بآن میگردانی مرده

الْعِبَادِ لَا تُهْلِكْنِي غَمًّا حَتَّى تُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ فِيمَا

بندگان را و هلاک مکن مرا از غم تا اینکه بمن بنمائی اجابت را در آنچه

وَتُعَرِّفَنِي الْإِسْتِجَابَةَ فِي دُعَائِكَ وَأَرْزُقْنِي الْعِصْمَةَ

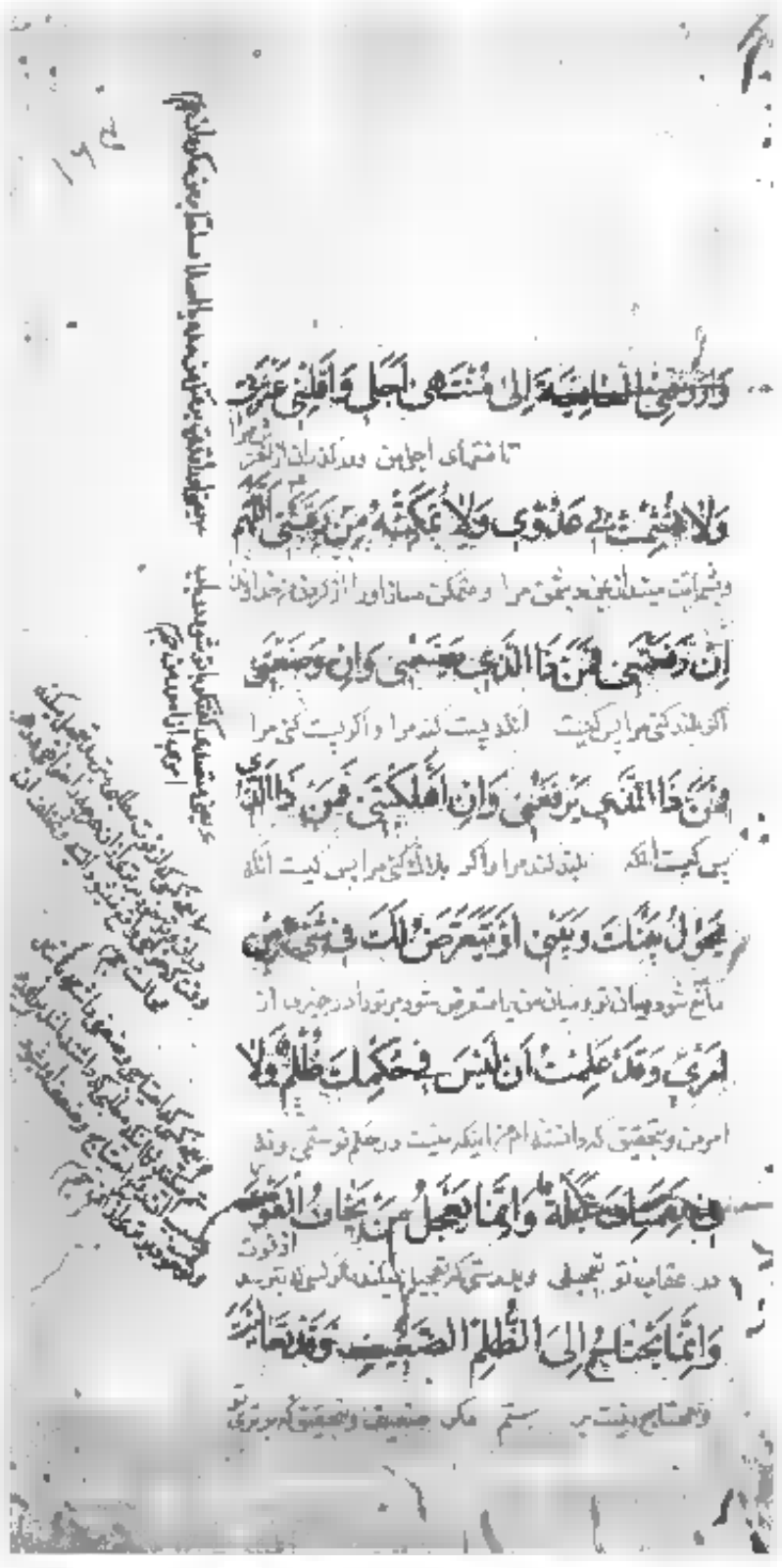

عَنْ ذٰلِكَ يَا إِلٰهِي فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا

وَلَا لِنَقِمَاتِكَ نَصْبًا وَمَهِّلْنِي وَنَفِّسْنِي وَأَقِلْنِي

عَثْرَتِي وَلَا تَسْتَعْلِي بَلَاءً عَلَى إِثْرِ بَلَاءٍ مُفْقِدٍ

قُوَّتِي ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي اسْتَعِيذُ بِاللَّيْلَةِ

فَأَعِذْنِي وَاسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي وَ

أَيْسَ لِلَّكَ أَجَابَةٌ فَلَا تَحْرِمْنِي بَعْدَ أَنْ دَعَوْتُكَ

جَلَّ ثَنَاؤُكَ خُودَ دَسْتَ دَارِي وَاسْتَعِيذُ بِكَ

مَرْبُوطٌ اسْتَ أَزْ حَدِيثٍ وَسُنَّتْ اسْتَ كَهْ دُعَا كُنِي بَرَائِي

كَسِ أَزْ بِرَادَرَانِ خُودَ بِيَادَ مَجْلِسِ بِكُوئِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا

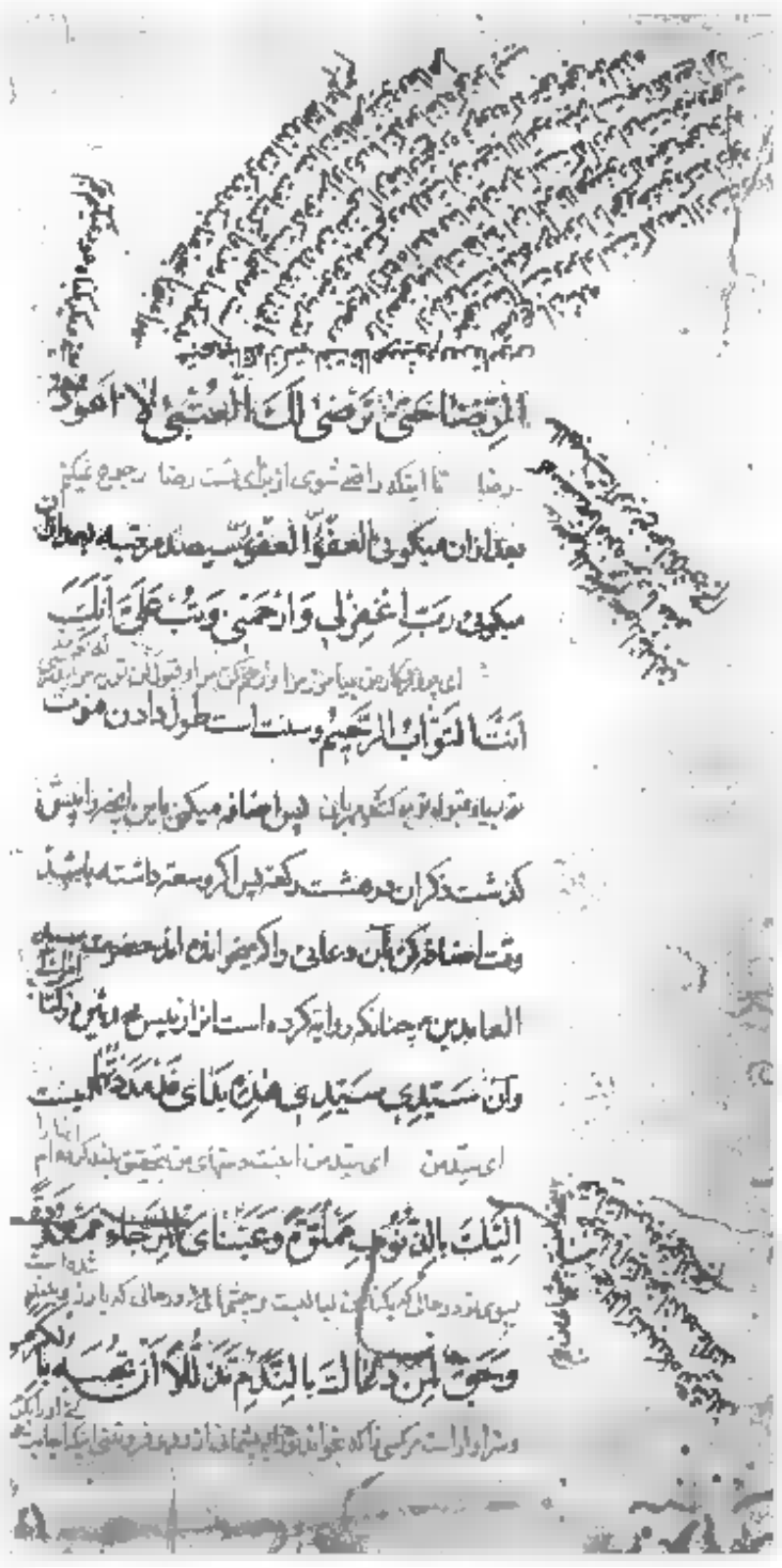

تفضلا سيدي امن اهل الشقاء خلقتني فاطل

از روی تفضل ای سیدمن ایا از اهل بدبختی افریده مرا پس دراز کنم

بكائي ام من اهل السعادة خلقتني فابشر

گریه خود یا از اهل نیک بختی افریده مرا پس مژده میدهم

سيدي الضرب المقاسي خلقت اعضائي

ای سیدمن ایا از برای زدن کردن خلق کرده اعضای مرا

ام للضرب الجميم خلقت امعائي سيدي لو ان

یا از برای آشامیدن جهنم خلق کرده امعای مرا ای سیدمن اگر اینکه

هذا استطاعة الهرب من مولاه لكنت اول

بنده میتوانست گریخت از خداوند خود هرآینه بودم من اول

الهاربين من ملك لكني اعلم اني لا افوتك سيدي

گریزندگان از تو لیکن من میدانم که بدرستی که فوت نمیشوم تو

لو انت عذابي مما يزيد في ملكك لسالتك

اگر اینکه بودی عذاب من از انچه زیاد میکرد در ملک تو هرآینه سوال میکردم

الصبر عليه غير اني اعلم انه لا يزيد في ملكك

صبر بران اما میدانم که بدرستی که نمیکند زیاد در پادشاهی تو

طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ

طاعت اطاعت کنندگان ... وکم نیکند ازان معصیت

الْعَاصِينَ سَيِّدِي مَا أَنَا وَمَا خَطَرِي فِي جَنْبِ

عصیان کنندگان ای سید من چیستم من و چیست قدر من

هَبْ لِي بِفَضْلِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنِّي

بخش مرا بفضل خود و بپوشان مرا بپردهٔ خود و درگذر از

تَوَسُّلِي بِكَرَمِكَ وَبِجَهْلِكَ إِلَهِي وَسَيِّدِي أَرْحَمْنِي

توسل میکنم بکرم ذات خود ای خدای من و ای سید من رحم کن مرا

مُصَرِّعًا عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي وَأَرْحَمُ

در حالی که افتاده باشم بر فراش بگردانند مرا از پهلو بپهلو دستهای دوستان

مُطَرِّحًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي

در حالی که انداخته باشم بر غسلگاه غسل دهد مرا صالح همسایگان من

وَأَنْ يَحْمِلَ نَعْشِي مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَدْنَوْنَ أَطْرَافَ جَنَازَتِي

و آن که حمل کند نعش مرا محمولی که قد تناول الادنون اطراف جنازتی

وَارْحَمْ وَحْدَتِي فِي بَيْتِ الْمَظْلِمِ وَوَحْشَتِي وَغُرْبَتِي

و رحم کن وحدت مرا در خانهٔ تاریک و وحشت مرا و غربت مرا

واگر بنده باشد دولت از طول داد و قوت چون مرد است
اقتصار بر آنچه خواهی از آنچه وسعت داشته باشد این اوقات
واز دعاهای مختصر که خواندنش متوجه بآن قدر وسعت
ونکی در وقت دیگر آن این دعاست

اَللّٰهُمَّ اِنَّ کَثْرَةَ الذُّنُوْبِ تَکُفُّ اَیْدِیَنَا عَنْ اِقْتِضَاءِ

خداوندا بدرستی که بسیاری گناهان باز میدارد دستهای ما را از کشادن

اِلَیْکَ بِالسُّؤَالِ وَالْمُقَاوَمَةَ عَلَی الْمَعَاصِیْ عَمَّا

بسوی تو بسؤال ومداومت بر معاصی منع میکند

مِنَ التَّضَرُّعِ وَالْاِبْتِهَالِ وَالرَّغْبَاءِ یَحُثُّنَا عَلَی

از تضرع وابتهال وارزو تحریص میکند ما را بر

سُؤَالِکَ یَا ذَا الْجَلَالِ فَاِنْ لَمْ یَعْطِفِ السَّیِّدُ

سوال تو ای صاحب بزرگی پس اگر شفقت نکند خداوند

عَلٰی عَبْدِهٖ فَمَنْ یَحْنُوْ عَلَی الْمَوْلٰی فَلَا تَرُدَّ اَکُفَّنَا

بر بنده خود پس از که مهربانی کند بر مولی پس رد مکن کفهای ما را

اَلْمُتَضَرِّعَةَ اِلَیْکَ اِلَّا بِبُلُوْغِ الْاٰمَالِ وَصَلَّی اللّٰهُ

بِنَفْسِي يَا مَلْجَأَ الطَّارِدِينَ بِاثْقَالِ الذُّنُوبِ أَحْمِلُهَا

نفس خود را ای پناه کردنندگان با سنگینیهای گناهان که حمل میکنم

عَلَى ظَهْرِي وَمَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعًا سِوَى

بر پشت خود و نمییابم از برای خود بسوی تو شفاعت کنندهٔ غیر

مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ وَمَحَا

دانستن من اینرا که تو نزدیکترین کسی که امید داشته اند او را طلب

إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَأَمَّلَ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ

برگشته اند بسوی او بیچارگان و امید داشته اند آنچه نزد اوست رغبت کنندگان

يَا مَنْ فَوَّقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَأَطْلَقَ الْأَلْسُنَ

ای کسیکه شکافته است عقلها را بشناخت خود و روان کرده است

بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ كِفَاءً

بحمد خود و کرده است آنچه را منت نهاده است بر بندگان خود

لِنَادِرِ حَقِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْ

از برای یکی از ادای حق او و رحمت بفرست بر محمد و آل و مگردان

لِلْهُمُومِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَلَا لِلْخَطَإِ عَلَى عَمَلِي

دَلِيلًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد از ان سجده
دلیلی برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان میکنی و تشهد
پس هر کاه سلام دادی پس تسبیح کن تسبیح حضرت سید
علیها السلم بعد از ان بخوان این دعا را که معروف است
أَنَا جِيلَتْ يَا مَوْجُودًا فِي كُلِّ مَكَانٍ أَعْلَمُ بِمَا تَسْمَعُ
مناجات میکنم با تو ای ثابت شده در هر مکان امید که تو بشنوی
نِدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَقَلَّ حَيَائِي مِنْكَ
اواز مرا بی تحقیق که بزرگست کناه من و کم است حیای من از تو
مَوْلَايَ أَيَّ الْأَهْوَالِ أَذْكُرُ وَأَيَّهَا أَنْسَى
ایخداوند من کدام یک از هولها را یاد کنم و کدام از انها را
وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى كَيْفَ وَمَا بَعْدَ
کم و حال انکه اکو نبود با شد مکر مرک بر ما کافیست و چکونه و حال انکه
الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَأَدْهَى مَوْلَايَ كَذَلِكَ حَتَّى مَتَى
از مرک بزرکتر است و عظیمتر است ایخداوند من ما را چند تا کی
وَإِلَى مَوْلَايَ لَمْ أَنْسَ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَتُمَّ
و تا چند کی در آورد و نسیان

لا اجد عندي صدقا ولا وفاء فيا عوفاه ثم واعوفاه

باز چیزی نزد من راستی وفا و وفائی پس ای واه باز ای واه

يلتا الله من هوى قلبي غلبني ومن عدو قد استكلبني

بنال ای خدای از خواهشی که بر دل من غلبه کرده است و بر من سگ شده است

على ومن دنيا اقذرتني بنيتك لي ومن فقر امارة الكلبية

بر من و از دنیائی که بر دل من زینت داده مرا برای خود و از فقری که بی ادبی را بر من گشاده است

الا ما رحمت مولاي مولاي ان كنت رحمته

آگاه باش بر حم کرده باشد مولای من مولای خود را اگر رحم کرده است

مثلي فارحمني وان كنت قلت مثلي فاقبلني

مثل مرا پس رحم کن مرا و اگر بوده است قول کرده مثل مرا پس قبول کن مرا

يا مقبل السحرة اقبلني يا من لم يزل اتعرف منه

ای قبول کننده ساحران قبول کن مرا ای کسی که همیشه میشناسم از او

الحسنى يا من يحلني بالنعم صباحا ومساء

نیکوئی ای کسی که فرود میآورد بر من نعمتها در صبح و شام

ارحمني يوم اتيك وحيدا خجلا اليك بصري

رحم کن مرا روزی که بیایم نزد تو تنها شرمنده خود

۱۶۹

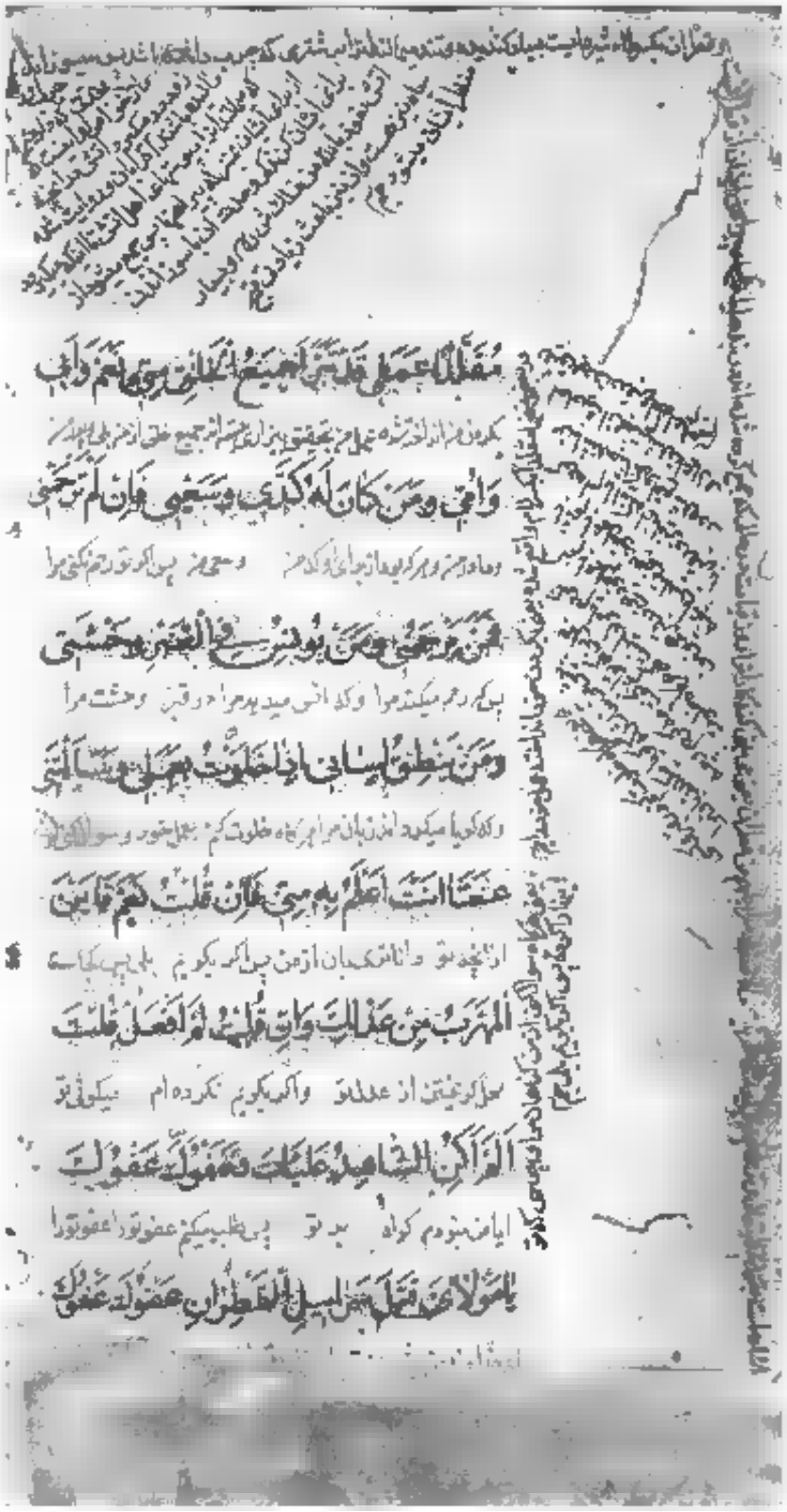

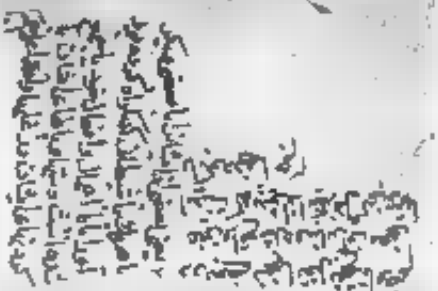

يا مولاي قبل أن تقفل الأيدي إلى الأعناق

ای خداوند من پیش از آنکه غل کرده شود دستها بگردنها

يا أرحم الراحمين وخير الغافرين صل على محمد وآله

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم صل على محمد وآله وارحم غربتي بين يديك

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و رحم کن غربتی مرا پیش تو

وانقطاعي إليك ووحشتي من الناس وما أنس

و زاری کردن مرا بسوی تو و رسیدن مرا از همه و آرام هوا

به يا كريم يا كائنا قبل كل شيء يا مكون كل

بتو ای بزرگوار ای کسی که بوده پیش از هر چیز ای آفریننده هر

شيء يا كائنا بعد كل شيء لا تقطعني فإنك

چیز ای کسی که هست بعد از هر چیز و مبر مرا که تو

بي عالم ولا تعذبني فإنك على قادر اللهم إني

بمن دانائی و عذاب مکن مرا بس بدرستی که تو بر من قادری خداوندا

أعوذ بك من كرب الموت وهول المطلع في

پناه می آرم بتو از اندوه مرگ و از بدی بازگشت در

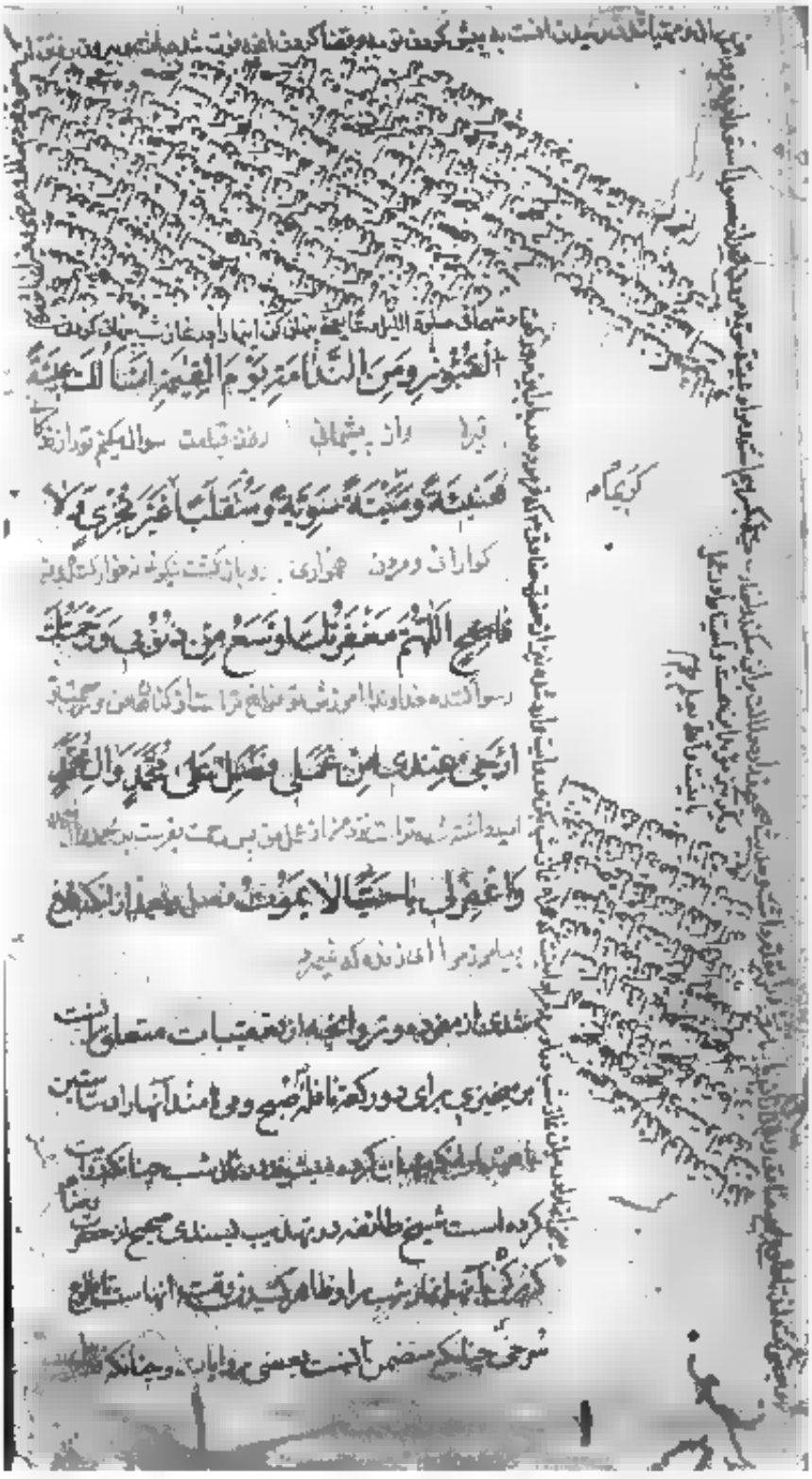

شده از آن جا حق از علی بن ابی طالب علیه السلام
هر چند افضل اوقات آنها میانه صبح کاذب و صادق
و مجموع سه مرتبه اول تا عبد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون
و در دوم قل هو الله احد بیرم گاه سلام داد پس بخواب
بر پهلوی راست و قبله روی کرمیت داده رکعت هیکذارند
و بگذارد که منه راست خود را بر روی دست راست خود
بِاسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ
دست زده ام بعروه خدا که محکمتر است انکه بیت شکستگی
لَهَا وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللهِ الْمَتِينِ وَاعُوذُ بِاللهِ
مر انرا و چنگ زده ام به پیمان خدا که استوار است و پناه می آورم بخدا
مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ رَبِّيَ اللهُ رَبِّيَ اللهُ
از شر فاسقان جن و فاجران پروردگار من خداست پروردگار من
رَبِّيَ اللهُ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا
پروردگار من خداست ایمان آوردم بخدا توکل کردم بخدا نیست حول و قوه
قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ

العرب والعجم وشر
فسقة هم

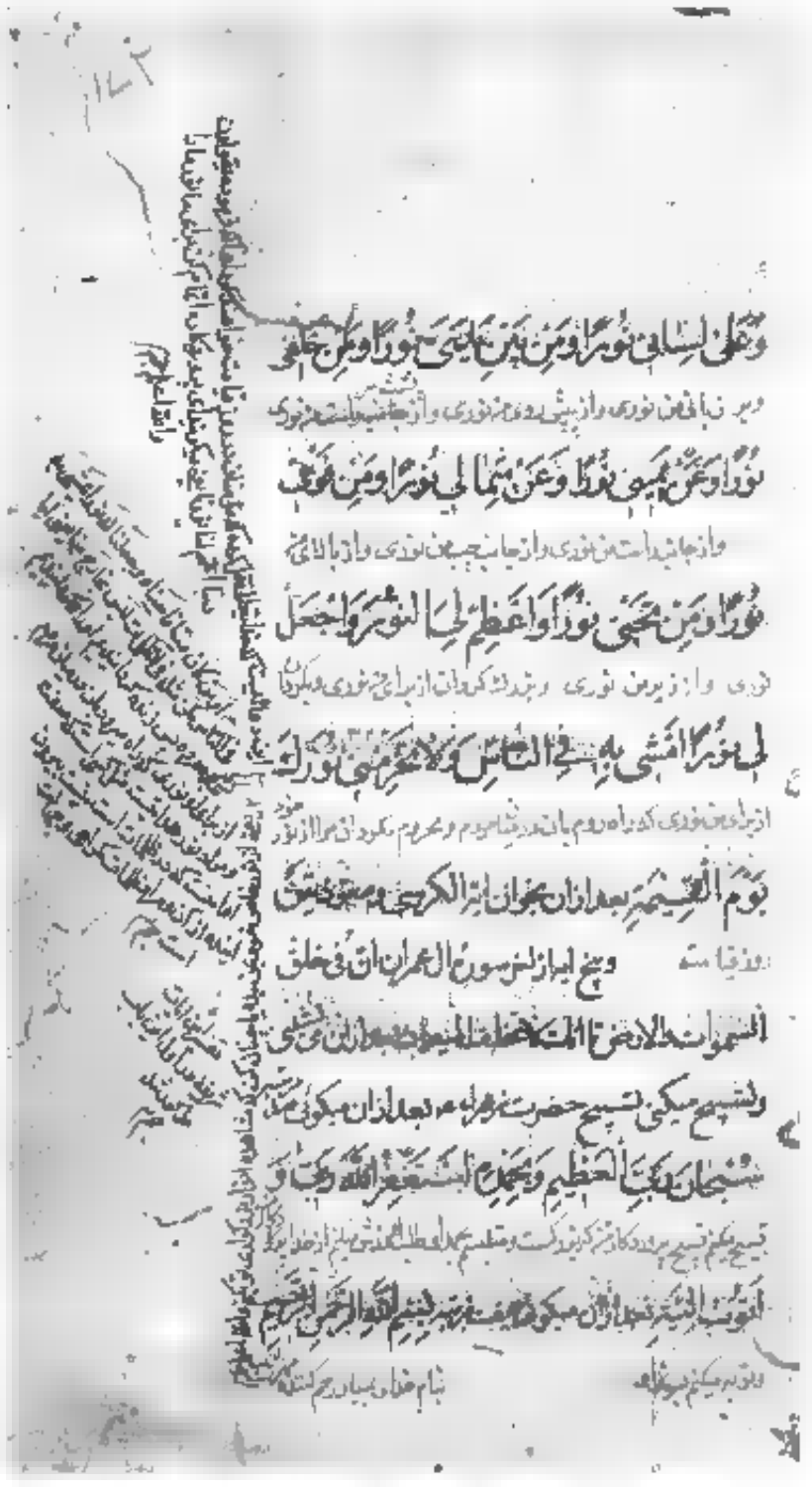

وَعَلَى لِسَانِي نُورًا وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي

و بر زبانم نوری و از پیش رویم نوری و از پشت سرم نوری

نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي

و از جانب راست من نوری و از جانب چپ من نوری و از بالای

نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا وَاعْظِمْ لِي النُّورَ وَاجْعَلْ

نوری و از زیر من نوری و بزرگ گردان از برای من نوری و بگردان

لِي نُورًا امْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَعْدِمْنِي نُورَكَ

از برای من نوری که راه روم بآن در میان مردم و محروم مگردان مرا از نور

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بعد ازان بخوان آیة الکرسی و صد مرتبه

روز قیامت و بخوان از سورة آل عمران ان فی خلق

السموات والارض تا آخر سورة و بعد ازان مشغول

و تسبیح میکن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بعد ازان مکوی صد مرتبه

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَ

تسبیح یکم تسبیح پرده کار مذکور است و متعلم بعد از فراغت از هر یکی از

اَتُوبُ اِلَيْهِ بعد ازان مکوی بسم الله الرحمن الرحیم

و توبه میکنم بسوی او بنام خداوند بسیار رحم کننده

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم بعدد ...

... بخدای بلند مرتبه بزرگ

سبحان ميكني و سبحان شكر و ميكوني در آنها انچه ... كند

توازد عاكر بيشر كذشت و عليكن در آنها ان براى ... من

اللهم رب الفجر و الليالي العشر و الشفع و الوتر

خداوندا اى بروردكار صبح و شبهاى ده تا ... و جفت و طاق

و الليل إذا يسر و رب كل شيء و إله كل شيء

و شب هركاه ... و بروردكار هر چيز و افريننده هر چيز

و خالق كل شيء و مليك كل شيء و مولى

و افريننده هر چيز و مالك هر چيز و خداى هر

على محمد و آله و افعل بي و بفلان و فلان ما أنت

بر محمد و آل او و بكن با من فلان و فلان انچه تو

أهله و لا تفعل بنا ما نحن أهله فإنك أهل

سزاوار انى و مكن با ما انچه ما سزاى آنيم كه تو سزاوار

التقوى و أهل المغفرة و فضل و سزاوار ... كه

سزاوار امرزشى

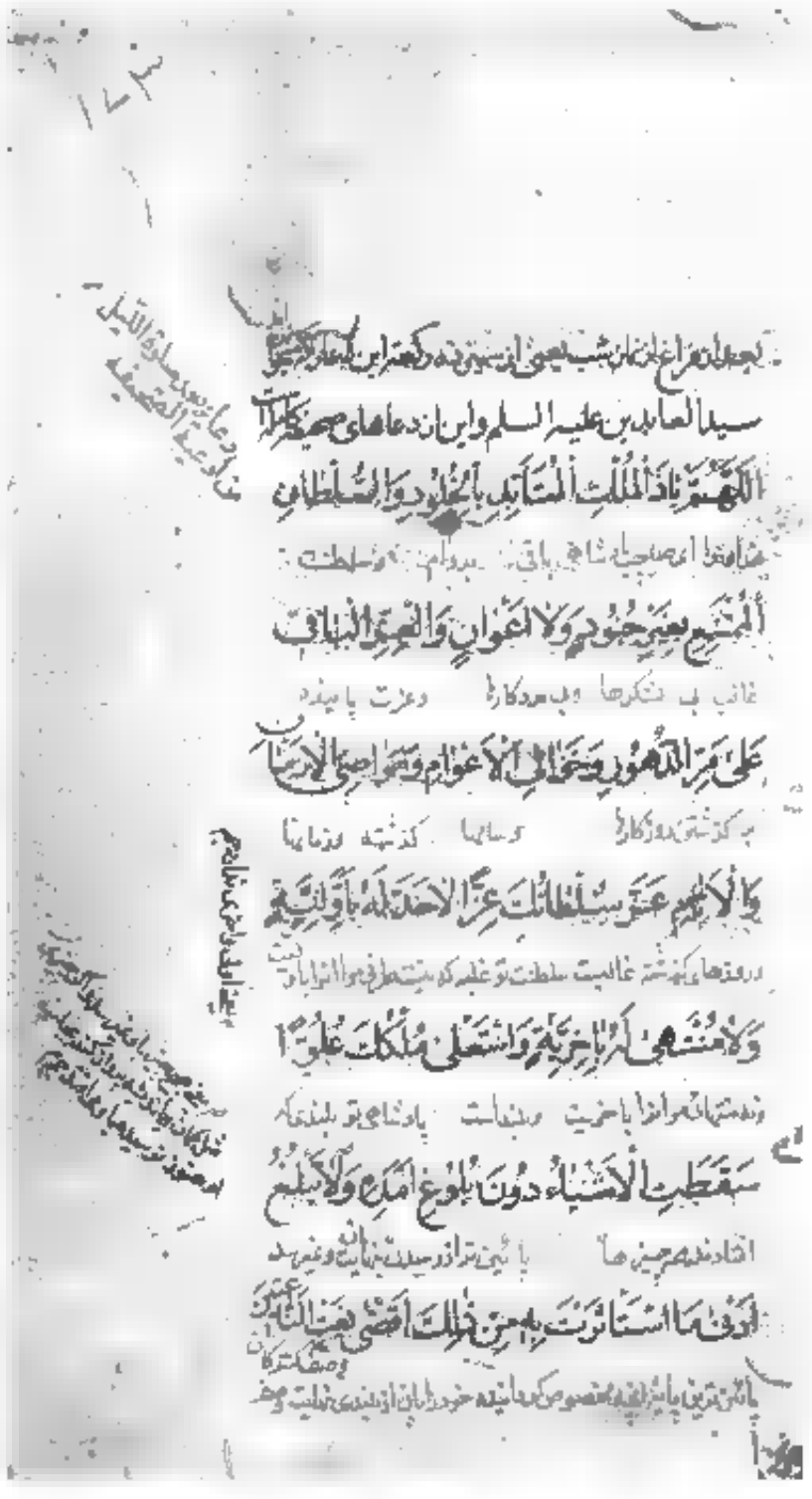

وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ

تنگ نیست بر تو عفو کردن از بندهٔ خود اگرچه بد کرده باشد

فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا

پس عفو کن از من ای خداوند و بتحقیق که مطلع شده است بر پنهانهای

الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ وَانْكَشَفَ كُلُّ مُسْتُورٍ دُونَ

کردارها علم تو و آشکار شده است هر پوشیده نزد تو

خُبْرِكَ وَلَا انْطَوَى دُونَ قَاصِيَ الْأُمُورِ وَلَا انْتَقَبَ

آگاهی تو و در نوردیده نمیشود بایکیهای کار و غایب نمیگردد

عَنْكَ غَيَابَاتُ السَّرَائِرِ وَقَدِ اسْتَعْقَدَ عَلَيَّ عَدُوٌّ

از تو پنهانهای درونها و بتحقیق که غالب شده است بمن

الَّذِي اسْتَنْظَرْتَ لِغَوَايَتِي فَأَنْظَرْتَهُ وَاسْتَمْهَلَكَ

که مهلت طلبید ترا در گمراهی من پس مهلت دادی او را و او ترا مهلت

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِاجْتِلَائِي فَأَمْهَلْتَهُ فَأَمِنَ

تا روز جزا برای بکشاه کردن من پس مهلت دادی او را و ایمن شد

وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَةٍ

و بتحقیق که گریختم بسوی تو از گناهان خوردی که حبس کنندگان اند

يَضِيقَنَّ صَنِّي ضَلَالَتِ وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي مَعْرُوفُكَ

تنگی نکناد من ضلالت و کوتاهی ننماید نزد من معروف تو

وَلَا أَكُنْ أَخْيَبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ وَلَا أَقْنَطَ وَفْدِكَ

و مباش من بیامرزی بندگان توبه کنندگان تو و مباش نومیدترین وفد

الْآمِلِينَ وَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ

کان امیدوارانند و بیامرز مرا بدرستی که تو بهترین آمرزندگانی خداوندا بدرستی تو

أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ وَنَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ وَسَوَّلَ لِي الْخَطَأُ

امر کردی مرا پس ترک کردم و نهی کردی مرا پس ارتکاب کردم و آراست برمن خطا

خَاطِرُ الْهَوَى فَفَرَطْتُ وَلَا اسْتَشْهِدُ عَلَى صِيَامِي

اندیشه هوی پس تقصیر کردم و گواه نمیگیرم بر روزه

نَهَارًا وَلَا اسْتَصْرِخُ بِتَهَجُّدِي لَيْلًا وَلَا أَثِقُ عَلَى مَا

روز را و پناه نمیبرم بشب زنده داشتن خود شب را و وثوق نمیکنم بر آنچه

سَنَّهُ لِي فَرْطِي وَفَرْضُكَ الَّذِي مَنْ ضَيَّعَهَا هَلَكَ وَكَيْفَ

پیش آورد برای من تقصیر من و فرض تو که هر که ضایع کند آنها هلاک شود و چگونه

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَفْضُولٍ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرِ مَا أَغْفَلْتُ

توسل میجویم سوی تو بمفضول نافله با وجود بسیار آنچه غافل

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَأَخَصِّهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَجْلِسًا مِنْكَ

وایمن کردان مرا از نیکوترین بندگان خود بهره نزد خود

وَأَشْوَقِهِمْ إِلَى وَجْهِكَ وَآثِرِهِمْ لَدَيْكَ

و مشتاق‌ترین ایشان بسوی روی خود و برگزیده‌ترین ایشان نزد خود

إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِعَفْوِكَ

بدرستی که تو گرامی‌ترین سوال کرده شدگانی خداوندا نزدیک میشوم بسوی تو بعفو خود

وَأَتَعَمَّدُنِي بِفَضْلِ مَا عِنْدَكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحُضُورِ الْآفَاتِ

و فرو گیرم مرا بفضل خود در سرای فنا بحضور آفات

فَأَتَوَفَّى مِنْ بَيْنِ مُخْتَلِفَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ وَمُتَرَادِفِهَا

پس وفات دهم از میان مختلفات سرای بقا و نزدیک ایستادن

الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّبُعِ الْمُكَرَّمِينَ

شاهدان حاضران از فرشتگان مقربان و رسولان گرامی تر

وَالْخُلَّصِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ مِنْ جَارِكَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ مَأْوًى

و نیکوکاران و صالحان از همسایگانی که بودم من بایشان که جنت است

وَمَنْ هُنَّ رَحِمَكَتْ لَهُمْ مِنْهُ فِي مَعِيشَتِهِمْ لَدَيْكَ

خداوندا از خویشانی که شرم میداشتم از ایشان در کارهای ایشان نزد اعتماد کرده

بِهِمْ رَبِّ فِي السَّيْرِ عَلَى وَدَفَعْتُ بِكَ عَنْهُمْ فِي الْأُمُورِ

بایشان ای پروردگار من در پوشانیدن بر من و اعتماد کرده بودم تو ای پروردگار من

۲ یا پوشاندی کناهان وعیبهای مرا بهم

صَنِيعِكَ وَلَا سَتَأْكِدُ مَعَ ذَلِكَ بِقَوْلِي فَاتَقَرَّعُ

احسان تو وعلم بنیت با وجود این اعتماد نمی آرم بر اقرار

لِمَا مُوا جْعَلْنِي فِي عِنْدِكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ

باینچه بهره دل تو است برای مزد تو بتحقیق که مالک شد شیطان

عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَعْفِ الْيَقِينِ فَأَنَا

عنان مرا در بد گمانی و سستی یقین پس من

أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي وَطَاعَتِهِ مَعَنِي لَهُ وَ

شکوه میکنم از بدی همسایگی او مرا و فرمانبردن نفس من مر او را و

أَسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي أَنْ

دست میزنم بتو از تسلط او و زاری میکنم بسوی تو در اینکه

تُسَهِّلَ إِلَى رِزْقِكَ سَبِيلًا وَأَطْلَقَ لِسَانِي بِحَمْدِكَ عَلَى مَا ابْتَدَأْتَنِي

آسان کنی بسوی روزی خود راه مرا و بر گردانی زبان مرا بستودن تو

بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ وَالْمَوَاهِبِ الْعِظَامِ وَأَلْهَمَنِي الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ

بر نعمتهای بزرگ و روزیهای عظیم و الهام کنی مرا شکر بر احسان

وَالْإِنْعَامِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَهِّلْ عَلَى يَدَيْهِ

و انعام پس صلوات بفرست بر محمد و آل او و آسان کن بدو دستی

وَأَنْ تَشْفَعَنِي بِشَفَاعَتِكَ إِلَيَّ وَأَنْ تَرْضَى عَنِّي فَمَا رَضِيتَ بِهِ

وانیکه شفیع کردانی مرا باندازه که کرده برای من بانیکه خشنود شوی بر آنچه

قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَعُمُرِي

قسمت کرده برای من وانیکه بگردانی آنچه رفته از جسم من و عمر من

فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الزَّارِعِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

در راه طاعت تو بدرستیکه تو بهترین روزی دهندگانی خداوندا بدرستیکه من

أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ يَتَغَلْغَلُ حَرُّهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ

پناه میبرم بتو از آتشی که غلیظ گردد حرارت آن بر کسی که عصیان کرده

وَكَرِهَ عَمَلَهُ بِهَا مِنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ

و بعمل آورده بآن چیزی را که بر میگرداند از رضای تو و از

نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ وَهَبِيبُهَا أَلِيمٌ وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ

آتشی که نور آن تاریکست و صدای آن دردناکست و دور آن نزدیکست

وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى

و از آتشی که میخورد بعضی از آن بعضی را و حمله میکند بعضی از آن بر

بَعْضٍ وَمِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيمًا وَكَسَى أَهْلِهَا

بعضی و از آتشی که میگذارد استخوانها را پوسیده و لباس پوشانیده

حَيْثُمَا وَمَنْ نَاحِلَا تَبْقَى عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا وَلَا تَرْحَمْ

ابلکوم واز انشی که باقی نمیکند بر کسی که فرو تنی کند بسوی ان ورحم نکند

مَنِ اسْتَعْطَفَهَا وَلَا تَقْدِرْ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ

کسی را که طلب مهربانی کند از ان و قادر نیست بر سبک کردن از کسی

خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا تُلْقِي سُكَّانَهَا بِآخَرَ

که فروتنی کند مر انرا و فرمانبرداری کند انرا بیندازد ساکنانش را بگیری دیگر

مِنَ الَّذِينَ هُمْ أَلِيمُ النَّكَالِ وَشَدِيدُ الْوَبَالِ وَأَعْوَدُ

از انهائی که دردناک است عقاب ایشان و سخت است سخت و بیشتر بکند

بِكَ مِنْ عَضَادِيهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا وَحَيَّاتِهَا

بتو از غرهای ان که واکرده اند دهنهای خود را و مارهای ان

الصَّائِلَةِ بِأَنْيَابِهَا وَشَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ

که میزند بدندانهای خود را و از شرابهای ان که پاره میکند روده

وَأَفْئِدَةَ مَنْ سُكَّانِهَا وَتَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ وَاسْتَهْلِكْ بِتَلَفِهَا

ودلهای ساکنانش انرا و میکند دلهای ایشان را و بجوم برای از بین بردن

بَاغِيَهَا وَلَاغِيَهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

دروغ گوی انرا و لغو گوی ان را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او

وَاجِرْنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ وَأَقِلْنِي عَثْرَاتِي بِحَوْلِكَ
و پناه ده مرا از آن آتش بفضل رحمت خود و در گذر از لغزش مرا
إِنَّهُ لَا تَسْتَوِلِي وَلَا تَخْذُلْنِي يَا خَيْرَ الْمُجِيرِينَ إِنَّكَ تَقِي
در گذشتن تو و خوار مکردان مرا ای بهترین پناه دهندگان بدرستی که تو
الْكَرِيهَةَ وَتُعْطِي الْحَسَنَةَ وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ
میدانی ناخوشی را و عطا میکنی خوبی را و میکنی آنچه را میخواهی و تو
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا
بر همه چیز نهایت توانا خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او چند آنکه
ذُكِرَ الْأَبْرَارُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ
یاد کرده شوند نیکوکاران و رحمت فرست بر محمد و آل او چندانکه مختلف
اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا وَلَا
شب و روز رحمتی که بریده نشود مددان و
يُحْصَى عَدَدُهَا صَلَاةً تَمْلَأُ الْهَوَاءَ وَتَمْلَأُ
شمرده نشود عددان رحمتی که پر کند هوا را و بالا بیاید
الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ حَتَّى يَرْضَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
زمین و آسمانرا تا آنیکه خشنود شود و رحمت کند خدا بر او

وآله بعدد الرمل صلوة لا حد لها ولا منتهى

وال او بعد از شمرده شدن ریگ حدی باشد او را و نه منتهائی

یا ارحم الراحمین خاتمه سزاوار است نماز را

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

نماز گذارنده ملاحظه معانی ذکرهای نماز و دعاهای آن

و تسبیحهای آن و آنچه خوانده میشود در آن و اینکه بوده

باشد ذکر او و دعای او و قراءة او محض حرکت زبان او

بی ملاحظه معانی که قصد کرده شده است از آنها پس

بوده باشد حال او مثل حال عربی که بگوید بکلام فارسی با

بی آنکه داند معانی آنچه را میگوید و مثل حال پسر شش

هر که میگوید چیزی بی اینکه بگذرد معانی آن بخاطر او

و کافیست در تنبیه نماز گذارنده و تحریص او بر ملاحظه

معانی آنچه میگوید در نماز قول خدای تعالی یا ایها الذین امنوا

لا تقربوا الصلوة وانتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون

بعضی از صحابه که اعمال او رده و اند زود است نشوید بنماز در حالتی که

مست باشید تا اینکه بدانید آنچه را میگوید و الله تعالی اعلم قد

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

صاحب روز جزا همی پرستیم ترا و از تو

نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ

یاری میجوئیم هدایت کن ما را براه راست راه

الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

آنانکه انعام کردی بر ایشان نه خشم کردنی بر ایشان و نه

الضَّالِّينَ

گمراهان

IMPERIAL